



باور تعاون

(تعاون در اندیشه و عمل)

محمد عباسی

عنوان: باور تعاون (تعاون در اندیشه و عمل)

نویسنده: محمد عباسی

ویراستار: دکتر جواد محمد قلی نیا

ناشر: انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸

حروف نگار و صفحه آرا: مریم نائینی

ناظر چاپ: علی بزم آمون

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۰۲-۱۵-۶

شماره گان: ۳۰۰۰

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۰۲-۱۵-۶

قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

چاپخانه:

آدرس:

تلفن: نمابر:

این کتاب با حمایت و همکاری وزارت تعاون انتشار یافته و کلیه حقوق برای وزارت تعاون محفوظ است

تقدیم به

شہید مظلوم آیت اللہ دکتر بہشتی اندیشمند ولایتمداری کہ
جاودانہ تاریخ شد.
او کہ تعاون و وحدت ملت را حول ولایت فقیہ عالی ترین درس سیاسی
انقلاب می دانست
و شیوہ تعاون را در اقتصاد بہترین روش اقتصادی برای دستیابی بہ پیشرفت
و عدالت معرفی نمود.
تا رہروانش با پس زدن نظام سرمایہ داری و سوسیالیستی مدل تعاونی را
بعنوان رویکرد قانون اساسی جمہوری اسلامی باور کنند.

و

تقدیم بہ ہمہ تعاونگران حقیقی کہ رشد و توسعہ را بہ ہمراہ عدالت
اجتماعی باور دارند.

فهرست مطالب

مقدمه	خ
بخش اول: مبانی تعاون	۱
فصل اول: تعاون چیست	۵
ارزش‌ها در تعاونی	۷
اصول تعاون	۷
فصل دوم: اهمیت و حضور تعاون در جهان	۱۹
چرا تعاون	۱۹
تعاون، چگونه؟	۲۶
فصل سوم: تاریخچه تعاون در جهان و ایران	۳۷
ساختار تعاونی‌ها در ایران (قبل از انقلاب اسلامی)	۴۹
الف) سازمان مرکزی تعاون کشور	۴۹
ب) سازمان مرکزی تعاون روستایی	۵۰
پ) شرکت‌های تعاونی کارگری	۵۱
ت) شرکت‌های تعاونی تولید روستایی	۵۱
گسترش تعاونی بعد از انقلاب (سال ۱۳۵۷ به بعد)	۵۱
خصوصیات ویژه شرکت‌های تعاونی	۶۶
دسته‌بندی تعاونی‌ها پس از انقلاب اسلامی	۶۷
فصل چهارم: تعاون در اسلام	۷۳
تعاون در اقتصاد اسلامی	۷۷
فصل پنجم: بخش تعاون، ظرفیتی نو در کلام رهبری	۹۱

بخش دوم: انقلاب اسلامی و تعاون	۹۹
فصل ششم: تعاون و عدالت اجتماعی	۱۰۳
چه باید کرد؟	۱۱۳
چرا شیوه تعاون صحیح‌ترین است؟	۱۱۹
فصل هفتم: تعاون و اصل ۴۴ قانون اساسی	۱۲۷
فصل هشتم: تعاونی‌ها و جهانی شدن	۱۳۷
فصل نهم: تعاون و کارآفرینی	۱۴۷
فصل دهم: بنیاد توسعه کارآفرینی و تعاون	۱۵۵
فصل یازدهم: تعاون و اشتغال جوانان	۱۶۳
چرا تعاون چشمه جوشان اشتغال است؟	۱۶۷
ساختار اشتغال در تعاون	۱۷۱
فصل دوازدهم: زنان و تعاون	۱۸۱
فصل سیزدهم: مشارکت اعضا، ضامن موفقیت تعاونی‌ها	۱۹۳
فصل چهاردهم: سهام عدالت	۲۰۱
بخش سوم: انواع تعاونی‌ها در ایران	۲۰۷
فصل پانزدهم: بخش تعاون در تولید ملی	۲۱۱
فصل شانزدهم: تعاونی‌های تولیدی	۲۱۹
فصل هفدهم: تعاونی‌های آموزشی	۲۲۵
فصل هجدهم: تعاونی‌های خدماتی	۲۳۱

۲۳۷.....	فصل نوزدهم: تعاونی‌های مصرف
۲۴۳.....	فصل بیستم: تعاونی‌های اعتبار
۲۴۹.....	فصل بیست و یکم: تعاونی‌های دانش‌آموختگان
۲۵۴.....	فصل بیست و دوم: تعاونی‌های مرزنیسان
۲۶۱.....	فصل بیست و سوم: تعاونی‌های مسکن
۲۶۹.....	فصل بیست و چهارم: تعاونی‌های صنعتی
۲۷۵.....	فصل بیست و پنجم: تعاونی‌های حمل‌ونقل
۲۸۵.....	فصل بیست و ششم: تعاونی‌های معدنی
۲۸۸.....	منابع

مقدمه

نظر و عمل نقش اصلی را در ایجاد ساختارها و همه توفیقات و شکست‌ها به عهده دارند به همین مناسبت در روایات حکمای تاریخ، دو گروه دانشمندان و حاکمان، تأثیرگذار اصلی سعادت و شقاوت جامعه تلقی شده‌اند.

گرچه رهبران الهی، چارچوب‌های دقیقی برای بخش‌های متعدد مورد نیاز بشر ذکر کرده‌اند، اما بزرگان جوامع و مدیران، گاهی در انتخاب صحیح این روش‌ها و مصادیق آن دچار سردرگمی هستند. چه بسا فرصت‌هایی که از دست رفته و منابعی که مصرف شده اما از اثر بخشی و کارآمدی لازم برخوردار نبوده است.

با استقرار نظام جمهوری اسلامی به رهبری حضرت امام راحل (ره) و جانفشانی شهدا و فداکاری ملت غیرتمند؛ امید به یافتن مدل‌ها و روش‌های نوین همگرا با اصول ارزشی اسلام (اصول مکتبی) برای پاسخگویی به نقش‌های اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و... نه تنها در ایران بلکه در جهان اسلام زنده شد

و تلاش‌های مرتبط با آن آغاز گردید. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که با وجود رشد و بالندگی چنین نظامی و ارایه مصادیق تجربی و عملی ارزشمند، هنوز چالش‌هایی در مسائل اقتصادی، مدیریتی، فرهنگی و اجتماعی مرتبط با آن وجود دارد.

درک الزامات مربوط به رفع چنین چالش‌هایی باعث گردید، رهبر انقلاب اسلامی بارها تلاش نمایند، با ذکر رهنمودهایی، متولیان امور، دولت، افراد تأثیرگذار و کلیه ذینفعان را برای طی طریق صحیح یاری کنند. در کنار توصیه‌های عالمانه در راستای حفظ نظام، وحدت، دین‌داری و رشد فرهنگ اسلامی و سلامت فکری جامعه، مکرر برای ترویج عدالت اجتماعی و نزدیک شدن مدیریت جامعه به ملاک‌های اسلامی **روش تعاون** را که یادگاری است از بزرگان تدوین‌کننده قانون اساسی، خصوصاً شهید والا مقام آیت الله بهشتی، یادآوری کرده و در زمان‌های متعدد توجه همه جانبه به آن را به دولتمردان تأکید نمایند.

متأسفانه آشنایی ناکافی با بخش تعاون و بروز ایده‌های افراط و تفریطی در بعضی از افراد، از جمله تعدادی از برنامه‌ریزان کشور (که گاه دولتی بودن اقتصاد را راهگشا دانسته و گاهی الگوهای سرمایه‌داری و جهانی سازی تقلیدی و رشد یکسویه بخش خصوصی را تنها راه نجات دانسته‌اند) باعث کاهش سرعت اقدامات متناظر با رهنمودهای بحق معظم له شده است. لذا بخش تعاون نتوانسته به‌عنوان یکی از ارکان رسمی اقتصادی، اجتماعی و مدیریت منابع در کشور، رشد قابل توجه داشته باشد.

پیامدهای چنین انحرافی عملاً مسیر توسعه با حضور گسترده مردمی را با مشکل مواجه کرده است. به‌عنوان مثال کم‌توجهی به اصول ارزشمند قانون اساسی در یاری رساندن به آحاد علاقه‌مند به کار و تلاش (خاصه جوانان) که از فکر و توان کار کردن برخوردار بوده اما از سرمایه و فرصت لازم بهره‌مند نیستند،

موجب گردید جریان ایجاد اشتغال و مقابله با بیکاری، با همه تلاش‌های انجام گرفته، به روش‌های مقطعی ختم گردد. در واقع غفلت از اجرای اصول تعاون در ایجاد اشتغال برای داوطلبان جویای کار، مخصوصاً جوانان، مطابق بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی، باعث شد اکثریت طبقات جامعه به دلیل بی‌توجهی به مراحل

ظرفیت سازی توانمندی مالی، فکری و مهارتی، نتوانند به شکل مستقیم وارد اقتصاد کشور شوند.

به عبارت دقیق‌تر با همه تذکرات ارایه شده توسط مقام معظم رهبری به دولت‌های مختلف در نظام جمهوری اسلامی ایران در توجه به عدالت اجتماعی به همراه رشد و توسعه اقتصادی، خطری را که بزرگان تصویب کننده قانون اساسی احساس کرده و تعاون را به عنوان راهکار کاهش، ممانعت و حذف کننده آن در نظر گرفته بودند (عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی بین دهک‌های بالا و پایین جامعه و تکاثر ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص و نیز تبدیل دولت به کارفرمای مطلق اقتصاد)، تا میزان زیادی به وقوع پیوند. علاوه بر این، آسیب‌هایی نظیر کارفرمایی مطلق دولت، قرار نگرفتن مدیریت و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق نشدن بهره‌برداری مستقیم از حاصل کار، حادث شدن عارضه‌هایی نظیر انحصار، احتکار، تورم و نظایر آن در کشور به دلیل چنین غفلت تاریخی رخ داده است. بروز چنین رخدادهایی اهمیت توجه به تعاون را بیشتر نشان داده است.

روش تعاونی، به معنی به‌کارگیری روح همدلی و همکاری نظام‌مند جهت یاری رساندن به همدیگر و تعاون در نظام اقتصادی، روشی است که با کنار هم قرار گرفتن و تجمیع توانمندی‌ها و سرمایه‌های کوچک، همت‌های بزرگ ایجاد می‌کند. در این روش (به تعبیر شهید بزرگوار دکتر بهشتی) انسان‌ها هستند که

ارزشمندند نه سرمایه و پول‌های آنها و سرمایه‌ها وسیله‌اند و انسان‌ها و کار آنها ملاک اصلی است. هر کسی صاحب تلاش خود بوده و ضمن کوشش و همت فردی، باید یاریگر هم باشند.

با این حال گرایش‌های فکری بعضی از افراد و دل‌باختگی آنان به مدل‌های عمدتاً تک‌بعدی اقتصادی و اجتماعی غرب و شرق و از جهتی تجربه‌های ناقص و برداشت‌های ناصحیح جمعی از ایده‌مترقی تعاون (به بهانه سوءاستفاده عده قلیلی از تعاون یا فقدان فرهنگ فعالیت جمعی در جامعه)، از دلایلی است که تفکر شفاف تعاون را در مظلومیت قرار داده و در بعضی مواقع با ایجاد انحراف در چنین نهضتی روش‌های مقطعی و صرفاً کمک به اقشار کم درآمد به جای توانمندسازی آنها مدنظر قرار گرفته است.

نگرانی دلسوزان نظام بویژه رهبر فرزانه انقلاب از شکاف طبقاتی جامعه، دور شدن از عدالت اجتماعی، کم‌توجهی به بحث سرمایه‌های اجتماعی و دور ماندن گروه کثیری از جمعیت کشور از حضور مؤثر در عرصه اقتصاد (که در نتیجه در پیش‌گیری این روش‌ها و دولتی بودن اقتصاد در کشور که از سال‌ها قبل از انقلاب اسلامی ایجاد و بعضاً تشدید شده است) موجب گردید تا رهبری معظم، خود به فکر درمان حقیقی چنین دردی برآیند و نسخه شفاف‌بخش سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی را که به اعتراف دوست و دشمن در صورت اجرای مناسب، بسترساز تحولی شگرف در اقتصاد ایران خواهد بود، خطاب به مسئولان نظام ابلاغ نمایند.

بررسی مفاد این سیاست‌ها که براساس اصول کارآمد سازی، مردمی شدن اقتصاد و توانمندسازی بخش‌های تعاونی و خصوصی تنظیم شده، نشان می‌دهد که در بندبند این سیاست‌ها، بخش مردمی اقتصاد و حضور تعاون و حمایت مؤثر از آن در نظر گرفته شده است.

شاید در برخی موقعیت‌ها، گمان جانبدارانه بودن این سیاست‌ها به بخش

تعاون به اذهان متبادر گردد، اما نگاهی به وضعیت قانونی و اقتصادی کشور مشخص می‌کند که با وجود تأکیدات قانون اساسی، بخش تعاون نسبت به دو بخش دولتی و خصوصی اقتصاد مغفول مانده و بسیار ضعیف نگه داشته شده و این در حالی است که در اقتصاد کارآمد، سالم و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، می‌بایست به رشد متوازن و همگرایی این سه بخش توجه گردد. دولت برای اجرای وظایف خود در زیرساخت‌ها و ضرورت‌های امنیتی و دفاعی و سایر وظایف مدیریتی مرتبط، باید در حد ضرورت در اقتصاد حضور داشته باشد. بخش خصوصی هم برای حضور در اقتصاد ملی و جهانی باید از انگیزه کافی برخوردار بوده و مورد حمایت قرار گیرد و تولید ثروت فردی امری مشروع، مقدس و مورد تأکید باشد اما بدون مشارکت اکثر مردم در اقتصاد، که راه آن ترویج و تشکیل تعاونی‌هاست، توزیع عادلانه فرصت‌ها و ثروت‌ها میسر نیست و عدالت اجتماعی محقق نخواهد شد.

از جملات صریح مقام معظم رهبری در مورد تعاون، قانون اساسی و سایر قوانین جمهوری اسلامی می‌توان دریافت که دو رسالت مهم بر دوش وزارت تعاون قرار گرفته است: ۱- ایجاد توانمندی لازم در کارجویان برای اشتغال؛ ۲- ایجاد زمینه عدالت اجتماعی. بی‌مهری به بخش تعاون حقیقی به هر دلیل، نوعی کم‌توجهی به بحث عدالت اجتماعی در فرآیند توسعه و رشد اقتصادی - اجتماعی کشور، کم‌توجهی به توسعه سرمایه‌های اجتماعی و زنجیره‌های همگرایی فعالیت‌های مبتنی بر عملکرد حداکثر فرد فرد نیروهای فعال اقتصادی را در بر خواهد داشت.

بحمدالله، نگاه اصولگرایانه و دلسوزی‌های دولت نهم و مجلس شورای اسلامی در گرایش به توانمندسازی اقشار کم درآمد جامعه، توجه به استفاده حداکثر از توان نخبگان و سایر علاقه‌مندان به رشد و توسعه و تجمیع منابع پراکنده جهت اقدامات بزرگ، فرصت درک و حمایت این نظریه اقتصادی -

اجتماعی (یادگار شهید بهشتی) را فراهم آورد و باید همگان بیش از پیش با ساختار، روش‌ها، اشکال و سابقه بخش تعاون آشنا شوند.

نگارنده حسب احساس وظیفه در ارتقاء این بخش سعی کرده در نوشتار حاضر با عنایت به بعضی از مفاهیم و مؤلفه‌های ساختاری، کارکردی و بسترها و شرایط موجود بخش تعاون کشور، زمینه آشنایی بیشتر دلسوزان کشور، مدیران، برنامه‌ریزان، کارشناسان و سایر ذینفعان را فراهم آورد.

امید است این مختصر مورد توجه همه عزیزان قرار گرفته و با ارائه رهنمودهای لازم اشکالات احتمالی آن کاهش یافته و انشاءالله در آینده شاهد چاپ و نشر مطالبی ارزنده در معرفی و دفاع از تفکر اقتصادی - اجتماعی نهضت تعاون به‌عنوان بستر ساز عدالت اجتماعی و توسعه‌دهنده سرمایه اجتماعی باشیم. متن حاضر، به‌گونه‌ای تنظیم گردیده که ضمن ایجاد آشنایی اجمالی از سیمای بخش تعاون، تا حدی کاربردی هم باشد و سعی شده تا مبتنی بر آمار و ارقام بوده و بحث مستندسازی در آن تا حد امکان رعایت گردد. زمینه را جهت برقراری ارتباط سایر بخش‌های دولتی و خصوصی با بخش تعاون فراهم نماید و در نهایت بستر ساز کاهش کج‌اندیشی‌های احتمالی و نگاه‌های تک‌بعدی و غیر واقعی به بخش تعاون و توانمندی‌ها و قابلیت‌های نهفته در این بخش باشد.

با دعا برای تعجیل در فرج مولانا حضرت صاحب‌العصر و الزمان (عج)

محمد عباسی

۱۵ شعبان ۱۴۲۹

مرداد ۱۳۸۷

بخش اول:

مبانی تعاون

❖ تعاون چیست

❖ اهمیت و حضور تعاون در جهان

❖ تاریخچه تعاون در جهان و ایران

تعاون در اسلام

❖ بخش تعاون ظرفیتی نو در کلام رهبری

فصل اول

تعاون چیست

تعاون چیست

تعاون در لغت به معنی "یاوری و همراهی متقابل" است. به بیانی دیگر، کار جمعی داوطلبانه و نظام‌مند را تعاون می‌گویند. که به دلیل مترادف بودن این واژه با واژگانی نظیر همکاری و همدلی، تبدیل به مفهومی وزین و واژه‌ای کاربردی شده است به طوری که اهرمی جهت بقای نوع بشر در مواجهه با تمامی مخاطرات تاریخی محسوب گردیده است. با چنین تفسیری، اساساً مسئله تعاون نوعی مقوله اجتماعی محسوب می‌شود که هم زمینه اتحاد و انسجام جوامع را فراهم می‌کند و هم می‌تواند با تشریک داوطلبانه منابع و ایجاد توانمندی متقابل، شکاف‌های اجتماعی را کاهش دهد.

انسان موجودی نامحدود نبوده و دارای محدودیت‌های چند گانه عقلانی و قدرت فکری، بدنی و توان جسمانی، امکاناتی و زمانی است. فکر ایجاد تعاونی حاصل توجه انسان به فواید همکاری و قدرتی است که در کار جمعی وجود داشته و انسان‌ها به‌عنوان ضرورتی فطری به آن رسیده‌اند و همواره در طول

تاریخ از این مزیت همراهی و تلاش جمعی، برای رفع نیاز خود و هموعان و همچنین جهت فائق آمدن بر مشکلات بزرگ استفاده کرده‌اند.

بر این اساس، تعاون، اتخاذ شیوه‌ای منظم بین تعدادی از افراد است که، ضمن پذیرش و رعایت یک سری اصول اساسی، با هم به توافق رسیده و همکاری خود را به شکل داوطلبانه و براساس رفع نیازهای مشترک انجام می‌دهند.

تعاون در مفهوم خاص آن در بخش اقتصاد، روشی یا به تعبیر شهید بهشتی «**بهتر است بگوییم شیوه‌ای در اقتصاد**» است که در دو قرن اخیر در قالب ساختارهای رسمی متداول گشته و اثرات مهمی در زندگی انسان‌ها و ملت‌ها برجای گذاشته است.

در حقیقت تعاون شیوه‌ای در اقتصاد است که راهی میانه بین نظام اقتصاد سرمایه‌داری و نظام سوسیالیستی تلقی شده و به "راه سوم" معروف گشته است. تحلیل واژه **راه سوم** نیز نشان می‌دهد تعاون، به سامانه اقتصادی - اجتماعی و مدیریتی - مالکیتی (با تأکید بر سامانه اقتصادی و مالکیتی) جدیدی متفاوت با راه‌های قبلی اشاره می‌کند، استفاده از عبارت راه سوم برای تعاون، به دلیل تأخر زمانی طرح رسمی این راه در مقابل سایر راه‌ها، نشان از پوشش و همه‌گستری بیشتر نسبت به راه‌های قبلی دارد و در نهایت اینکه مکاتب فکری اقتصادی - سیاسی حمایت‌گر اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیستی به دلیل تحلیل‌های ساده‌تر و الزاماً تک‌بعدی‌تر، حمایت‌های بی‌دریغی از اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیستی کرده‌اند.

ارزش‌ها در تعاونی

ساختار شرکت‌های تعاونی بر ارزش‌هایی چون خودیاری، دموکراسی، برابری، عدالت و همبستگی بنا شده است. اعضای تعاونی به ارزش‌های اخلاقی نظیر صداقت، آزاداندیشی، مسئولیت‌پذیری و احترام رأی پای بند می‌باشند

اصول تعاون

اصول تعاونی رهنمودهایی است که طبق آن، تعاونی‌ها تحقق ارزش‌ها را عملی می‌سازند. اصول تعاون، بر اساس بازنگری اتحادیه بین‌المللی تعاون (۱۹۹۵)، به‌قرار زیر می‌باشند:

اصل اول: عضویت اختیاری و آزاد

تعاونی‌ها سازمان‌هایی اختیاری هستند و عضویت در آنها برای تمام افرادی که بتوانند از خدمات آنها استفاده کنند و مسئولیت‌های ناشی از عضویت را بپذیرند بدون تبعیضات جنسی، اجتماعی، نژادی، سیاسی یا مذهبی آزاد است.

اصل دوم: کنترل دموکراتیک توسط اعضا

تعاونی‌ها سازمان‌هایی دموکراتیک هستند و توسط اعضای خود، که فعالانه در سیاست‌گذاری و اتخاذ تصمیمات مشارکت می‌کنند، کنترل می‌شوند. مردان و زنانی که به‌عنوان نمایندگان منتخب خدمت می‌کنند در مقابل اعضا مسئولند. در تعاونی‌های سطح اولیه (شرکت‌های تعاونی) اعضا از حق رأی مساوی برخوردارند (یک عضو، یک رأی) و همچنین تعاونی‌ها در سطوح دیگر به شکلی دموکراتیک سازمان می‌یابند.

اصل سوم: مشارکت اقتصادی اعضا

اعضا سرمایه تعاونی خود را به طور منصفانه و با کنترل دموکراتیک تامین می کنند. آنها معمولاً متناسب با سرمایه پرداخت شده خود، که یکی از شرایط عضویت می باشد، سود محدودی (در صورت وجود) دریافت می دارند. اعضا، مزاد درآمد را برای تامین هر یک از این مقاصد اختصاص می دهند: توسعه تعاونی از طریق تخصیص ذخایری که حداقل قسمتی از آن غیرقابل تقسیم می باشد، برخورداری اعضا به نسبت معاملات هر یک از آنها با تعاونی و در نهایت، حمایت از سایر فعالیت هایی که به تصویب اعضا رسیده است.

اصل چهارم: خودگردانی و عدم وابستگی

تعاونی ها سازمان هایی خودگردان و خودیار هستند که توسط اعضا کنترل می شوند اگر آنها با سایر سازمان ها از جمله دستگاه های دولتی موافقت نامه ای امضاء کنند یا از منابع دیگر سرمایه تامین نمایند این کار را آزاد و به شرطی انجام می دهند که متضمن کنترل دموکراتیک توسط اعضا و حافظ خودگردانی تعاونی باشد.

اصل پنجم: آموزش، کارورزی و اطلاع رسانی

تعاونی ها برای اعضا، نمایندگان منتخب، مدیران و کارکنان خود آموزش و کارورزی فراهم می آورند به طوری که آنها بتوانند به نحو مؤثر به پیشرفت تعاونی کمک کنند. آنها عموم مردم، بخصوص افراد جوان و رهبران افکار عمومی، را نسبت به ماهیت و فوائد تعاونی مطلع و آگاه می سازند.

اصل ششم: همکاری بین تعاونی ها

تعاونی ها از طریق همکاری با یکدیگر در سازمان های محلی، ملی، منطقه ای

و بین‌المللی به مؤثرترین روش به اعضای خود خدمت کرده و نهضت تعاونی را تقویت می‌کنند.

اصل هفتم: توجه به جامعه

تعاونی‌ها با تصویب سیاست‌ها توسط اعضا برای توسعه پایدار جوامع خود فعالیت می‌کنند.

تعاون، بعد از شکل‌پذیری رسمی و جدید، بتدریج تبدیل به نوعی نهضت فراگیر جهانی با الزام به رعایت اصولی چند شد. شرکت‌های تعاونی ضمن پیروی از اصول تعاون، در چارچوب قوانین کشورهای مختلف اقدام به فعالیت نمودند. در واقع شرکت‌های تعاونی از یک طرف تحت نظارت و قیود قوانین مصوب در کشورهای مختلف بوده و از طرف دیگر خود را مکلف به پیروی از اصول مطرح شده توسط نهضت تعاون می‌دانند.

نهضت تعاون نیز همواره در صدد است انسان‌هایی پایبند به فضایل اخلاقی و رعایت عدالت در مناسبت اقتصادی تربیت کند و به اعضای خود بیاموزد تا ضمن ادامه تلاش‌های فردی، کوشش‌های جمعی را نیز مدنظر قرار دهند و سعادت و رفاه خود را در همکاری و معاونت با دیگر افراد جامعه جست‌وجو نمایند. این معنا با معیارهای اسلامی در اقتصاد مطابقت دارد.

زمانی که صحبت از بخش تعاون می‌شود، باید توجه داشت که بخش تعاون، بخشی دولتی نبوده و همچنین بخش خصوصی نیز نیست. این بخش شامل شرکت‌های تعاونی و نهادها و سازمان‌های بالا دست آنها (اتحادیه‌ها و اتاق تعاون) به‌عنوان بازوی تولیدی و نظارتی و همچنین وزارت تعاون به‌عنوان بازوی سیاست‌گذاری، حمایتی، هدایتی و نظارتی بر بخش است. لذا بخش تعاون بخشی

متعالی از تعامل هدفمند و سازگار نهادها و سازمان‌های مورد اشاره بوده که از یک طرف دارای عملکرد ملموس در سطوح خرد بوده و از طرف دیگر دارای عملکرد توسعه‌ای در سطوح کلان است.

در این میان، یک شرکت تعاونی مجموعه‌ای از اعضا است که داوطلبانه و در قالب یک سازمان رسمی گرد هم آمده‌اند تا نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را از طریق سازمانی انتفاعی که در مالکیت مشترک آنها بوده و به‌صورت آزادمنشانه‌ای کنترل می‌شود، بر آورده سازند.

تعاونی‌ها، سازمان‌های انتفاعی مردم - محور هستند که در تمام فعالیت‌های اقتصادی و تقریباً در همه کشورهای جهان فعالیت می‌کنند. یک تعاونی می‌تواند یک سازمان بزرگ با میلیون‌ها عضو یا یک مجموعه کوچک از اعضا باشد (در قانون تعاون جمهوری اسلامی ایران، حداقل هفت عضو). ارزش‌های تقریباً مشترک همه تعاونی‌ها، **خودباری، خودمسئولیتی، دموکراسی، برابری و وحدت منافع و مسئولیت می‌باشد.**

پس از انقلاب اسلامی، در روند تصویب قانون اساسی و به همت شهید بهشتی و تصویب خبرگان قانون اساسی، بخش تعاون به‌عنوان یکی از ارکان سه‌گانه اقتصاد کشور در کنار دو بخش دولتی و خصوصی پذیرفته شده است. با وجود اینکه تعاون در حد شرکت‌های تعاونی، در قبل از انقلاب اسلامی نیز وجود داشت ولی هیچگاه نگاه به تعاون، نگاهی کلان نبوده است. بعد از انقلاب، توجه به تعاون به حدی رسیده که ضمن اشاره سریع در بند دو اصل چهارم و سه قانون اساسی به‌عنوان راهکار اصلی توانمندسازی افراد جویای کار، در اصل ۴۴ قانون اساسی در ردیف دوم از سه رکن اصلی اقتصاد ایران قرار گرفته است.

متاسفانه تعاون و تعاونی در اذهان اکثر مردم کشورمان، به دلیل حاکمیت چندین ساله اقتصاد دولتی و کم‌توجهی به مسائل مربوط به ترویج فرهنگ تعاون، با برداشت دقیقی همراه نیست. عده‌ای فقط جنس ارزان خریدن را مشخصه تعاون می‌دانند و عده‌ای هم برداشت‌های ناقص خود و یا گناه معرفی ناصحیح و یا توفیق نیافتن مجموعه‌ای از افراد را که با مشکلاتی مواجه بوده‌اند ملاک قضاوت در مورد تعاون دانسته‌اند.

عجیب‌تر اینکه برخی از مدیران دولتی و خصوصی مفهوم تعاون و تعاونی را تا سرحد نوعی شرکت انتفاعی تقلیل داده و معتقد به در پیش‌گیری رفتاری همانند سایر بنگاه‌های اقتصادی با چنین شرکت‌هایی بوده و کمتر توجه به نقش‌های توسعه‌ای (خرد و کلان)، ارزشی و اجتماعی چنین حرکت‌هایی دارند. بنابراین ممکن است افراد کمی تعاون را به معنای حقیقی آن، نوعی رکن اقتصادی و حتی اجتماعی و توسعه منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در روند توسعه کشور همراه خصوصیت عدالت خواهی آن بشناسند. رکنی که می‌تواند در کنار اقتصاد دولتی و مزایای اقتصاد خصوصی، جایگاه قدرتمندی در جمع‌آوری منابع و سرمایه‌های پراکنده و حتی کوچک، توانمندسازی مخاطبان خاص (نظیر جوانان)، کارآمدسازی گروه‌های تخصصی و راه‌اندازی پروژه‌های عظیم اقتصادی داشته باشد.

شرایط اقتصادی کشور، بویژه با توجه به اهداف سند چشم‌انداز نظام و برنامه‌های پنج‌ساله که رشد مستمر و درخور شایستگی ملت فداکار و کاهش تصدی‌گری دولت را هدف قرار داده‌اند، بستر مناسبی برای بسط و توسعه فعالیت‌های بخش غیردولتی مهیا نموده است. در این میان تأکیدات مقام معظم

رهبری مبنی بر توسعه بخش مردمی تعاون و افزایش سهم آن به ۲۵ درصد از تولید ناخالص ملی (تا پایان برنامه پنجساله چهارم) و همچنین برنامه‌های دولت در این بخش و نیز سیاست توزیع "سهم عدالت" از طریق بخش تعاون، که اگر با حضور حقیقی سهامداران در سرنوشت آنچه مالک آن خواهند بود همراه باشد در حقیقت یکی از اقدامات مهم دولت در راستای توزیع عادلانه فرصت‌ها و ثروت‌های ملی و دارایی‌های دولتی به‌شمار می‌رود، یک فرصت تاریخی را برای رشد و توسعه بخش تعاون فراهم ساخته است.

بر این اساس، باید با برنامه‌ریزی دقیق و تجهیز امکانات از این فرصت به وجود آمده حداکثر استفاده را برای نیل به اهداف بخش برد و از نخستین این گام‌ها آشناسازی تدریجی کلیه ذینفعان با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بالای بخش تعاون کشور است.

براساس سند چشم‌انداز، جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه؛ جامعه ایرانی در این افق به‌گونه‌ای مشخص شده است که فعال، مسئولیت‌پذیر، دارای انضباط و روحیه تعاون باشد؛ همچنین عدالت اجتماعی، فرصت‌های برابر و توزیع مناسب درآمد از ویژگی‌های دیگر مرتبط با بخش تعاون است که در سند چشم‌انداز مورد توجه قرار گرفته است. در کوتاه مدت نیز وظایف و مسئولیت‌هایی چند به بخش تعاون واگذار شده است به‌عنوان مثال در راهبردهای کلان دولت نهم محورهای اصلی نقش بخش تعاون چنین برشمرده شده‌اند:

- توسعه متوازن مناطق مختلف کشور با هدف تامین عدالت از طریق توسعه

شرکت‌های تعاونی و شرکت‌های سهامی عام فراگیر،

- ایجاد تحول در سیستم توزیع کالا و خدمات با استفاده از شیوه‌های نوین توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی و دسترسی برابر به عوامل تولید،
- مقابله با انحصارات و امتیازات ویژه،
- اختصاص بخشی از سهام بنگاه‌های اقتصادی قابل واگذاری دولتی به مردم،
- با اولویت اقشار محروم، به منظور تحقق عدالت و محرومیت‌زدایی،
- حمایت از توسعه شرکت‌های تعاونی و شرکت سهامی عام فراگیر،
- توانمندسازی اقشار ضعیف درآمدی، از طریق ایجاد مشاغل مناسب برای آنان.

- توسعه کسب‌وکار در شهرهای کوچک و روستاها و بهبود وضعیت سکونتگاه‌ها در این مناطق.

همان‌گونه که در بندهای ۴۷ و ۴۸ سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه آمده است ایفای نقش بخش تعاون به شکل کارآمد در گرو ارتقاء ظرفیت و توانمندی‌های بخش تعاونی از طریق تسهیل فرایند دستیابی به منابع، اطلاعات، فناوری، ارتباطات و توسعه پیوندهای فنی، اقتصادی و مالی می‌باشد. از طرف دیگر، براساس ماده (۱۰۲) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور:

دولت موظف است برنامه توسعه بخش تعاون را با رویکرد استفاده مؤثر از قابلیت‌های بخش تعاون، در استقرار عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمدها، تامین منابع لازم برای سرمایه‌گذاری‌ها از طریق تجمیع سرمایه‌های کوچک، اجرای بند (۲) اصل چهل سوم قانون اساسی، افزایش قدرت رقابتی و

توانمندسازی بنگاه‌های اقتصادی متوسط و کوچک، کاهش تصدی‌های دولتی، گسترش مالکیت و توسعه مشارکت عامه مردم در فعالیتهای اقتصادی مشتمل بر چند محور بدین شرح تهیه و ارائه نماید:

الف: توانمندسازی جوانان، زنان، فارغ التحصیلان و سایر افراد جویای کار، در راستای برقراری تعاملات اجتماعی لازم جهت شکل‌گیری فعالیت واحدهای تعاون،

ب: ارتقای بهره‌وری، توسعه و بهبود مدیریت تعاونی‌ها،

پ: ترویج فرهنگ تعاون و اصلاح محیط حقوقی توسعه بخش و ارائه لوایح قانونی مورد نیاز،

ت: اولویت دادن به بخش تعاونی در انتقال فعالیت‌ها و کاهش تصدی‌های بخش دولتی اقتصاد به بخش غیر دولتی.

بخش تعاون برای تحقق محورهای فوق دارای ظرفیت‌ها و مزایای عدیده‌ای است. به‌عنوان نمونه، از ویژگی‌های بخش تعاون تکیه و تأکید آن به **ظرفیت‌های مردمی** است که در حد اعلائی آن در بین آحاد مردم وجود دارد. در واقع اقتصاد تعاون چیزی نیست جز نوعی الگوی اقتصاد مردمی که در آن ضمن فراهم آمدن فرصت نقش آفرینی در عرصه اقتصاد برای آحاد مردم، شرایط لازم برای توانمندسازی ایشان نیز مهیا می‌شود.

مقصد اعلی و هدف والای تعاون، جمع ارزش‌های اخلاقی با هدف‌های اقتصادی و رفع حواجج مشترک افراد در نظامی مبتنی بر فضیلت است. قلمرو شمول نظام تعاون شامل تمام رشته‌های فعالیت اقتصادی جامعه بوده و استقرار آن با تشکیل و توسعه تدریجی شرکت‌های تعاونی، به‌وسیله گروه‌ها و افرادی که

احساس می‌کنند به این نوع سازمان‌ها احتیاج دارند، میسر می‌گردد. در شرایطی که فرهنگ و روحیه تعاون و مشارکت مردمی در جامعه رشد پیدا کرده و گسترش یابد، افراد می‌آموزند که چگونه به هم کمک کنند، کارآفرین باشند و مشکلات اجتماعی و اقتصادی خود و جامعه خود را در قالب تشکیل تعاونی‌های کارآمد حل کنند. در چنین شرایطی، شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی، مؤسساتی متعلق به مردم هستند که با سرمایه و مدیریت مردم آغاز به کار نموده و درآمد آنها نیز نصیب مردم می‌گردد.

در حقیقت، کثرت وجود چنین شرکت‌هایی در هر جامعه، بویژه جوامع در حال توسعه، نشان‌دهنده حضور فعال مردم در صحنه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور بوده و معرف نوعی ابراز اعتماد آنها به خودشان و نشانه تمایل به مشارکت در به ثمر رساندن مطلوب هدف‌های توسعه‌ای کشور می‌باشد.

در عصر ما، تعاون، یک اهرم مناسب برای توسعه اقتصادی است که می‌تواند همگام با سیاست‌های دولت، در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و ارتقاء سطح درآمد و وضعیت اجتماعی مردم مؤثر باشد و چنانچه به طور اساسی مورد حمایت قرار گیرد، بار هزینه‌های دولتی را کاهش داده و به تدریج شرایطی را سبب شود که طبقات مختلف مردم در مسایل اقتصادی مربوط به خود تصمیم‌گیرنده بوده و متناسب با برنامه‌های عمومی دولت، امور اقتصادی مربوط را عهده‌دار گردند. بدین لحاظ دولت‌های بسیاری از کشورهای در حال توسعه سعی کرده‌اند نوعی سیستم اقتصادی - اجتماعی که در آن برای بخش تعاون مقام خاصی در نظر گرفته شده باشد، به وجود آورند و نظام تعاونی، در سیستم اقتصادی و اجتماعی این کشورها، به‌عنوان نوعی "شیوه سوم" بین سیستم

ظالمانه سرمایه‌داری غربی و روش متمرکز و بی‌انگیزه سوسیالیستی، انتخاب و مورد توجه قرار گرفته است. در حال حاضر، به ندرت می‌توان کشوری را در دنیا یافت که دارای نوعی سازمان تعاونی نباشد.

مزیت شرکت‌های تعاونی نسبت به مؤسسات مشابه در دیگر بخش‌ها، آن است که نوعی استمرار توزیع عادلانه فرصت‌های کار و درآمد در آنها وجود دارد زیرا از یک سو مجال پیوستن به این مؤسسات و امکان عضویت در انواع مختلف آن با سرمایه‌های اندک برای همگان میسر است و کالا و خدمات تعاونی‌ها با کیفیتی مطلوب و نرخ‌هایی مقرون به صرفه، بدون هیچگونه تبعیض در شرایط، عادلانه و مساوی در اختیار همه نیازمندان واقعی آن قرار می‌گیرد و مخارج زندگی عمومی را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، اتخاذ تصمیم درباره تقسیم سود به مجمعی متشکل از خود اعضا سپرده می‌شود که اعمال رأی در آن، بویژه در تعاونی‌های متعارف، به میزان سرمایه بستگی نداشته بلکه مستقل از قدرت مالی افراد و تابعی از اهمیت اعضا به مصالح خود و آینده تعاونی است. در چنین شرایطی که سودی منصفانه به سرمایه‌های کوچک اعضا پرداخت می‌گردد، جنبه‌های مثبت مشارکت در تامین منابع مالی تعاونی‌ها آشکار شده و رغبت شرکا به سرمایه‌گذاری در حد توان، جهت توسعه امور مؤسسه‌ای متعلق به خود و در خدمت خود برانگیخته می‌شود.

فصل دوم

اهمیت و حضور تعاون در جهان

اهمیت و حضور تعاون در جهان

بیش از دو قرن و نیم از عمر جنبش تعاونی می‌گذرد. اعضای تعاونی‌ها در دنیا بالغ بر ۱ میلیارد نفر هستند و برآورد می‌شود کل اشخاصی که معاش آنها تا حد قابل ملاحظه‌ای توسط تعاونی‌ها تامین می‌شود به ۳ میلیارد نفر می‌رسد که نیمی از جمعیت جهان می‌باشد. بر طبق گزارش دبیر کل سازمان ملل حدود ۲/۳ میلیارد نفر یا ۵۷ درصد جمعیت کشورهای در حال توسعه با تعاونی‌ها همکاری تنگاتنگی دارند.

چرا تعاون؟

دلیل ضمنی مقبولیت وسیع نهضت تعاون به‌عنوان چاره‌ساز مشکلات اقتصادی و اجتماعی، از انتظارات متنوعی سرچشمه می‌گیرد:

اول، سازمان‌های ملی و بین‌المللی، باور دارند که در کشورهای در حال توسعه، تعاونی‌ها دارای توانایی بالقوه برای کمک مؤثر در ریشه‌کنی فقر، اجرای برنامه‌های تربیت حرفه‌ای، توانمندسازی و حتی افزایش درک اجتماعی و

بهداشت را دارا هستند.

دوم، با توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم و با توزیع ثروت و سهم شدن گروه بیشتری در مالکیت (با حفظ حق مالکیت افراد به‌طور آزادانه) بستر عدالت اجتماعی فراهم می‌شود.

سوم، تعاونی‌ها می‌توانند به اکثریت غالب تولیدکنندگان خرده‌پا در خرید ماشین‌آلات اولیه و اقلام مصرفی، تامین اعتبارات، بازاریابی، تهیه ابزار تولید در صنایع و کشاورزی کمک کنند.

چهارم، تعاونی‌ها قادرند تا در گردآوری سرمایه‌های نواحی شهری و روستایی و به‌کارگیری مجدد سرمایه‌ها در طرح‌های کشاورزی - صنعتی مساعدت کنند.

پنجم، تعاونی‌ها می‌توانند از طریق خرید، تولید و بازاریابی در مقیاس کلان، هزینه‌های تولید را کاهش دهند و تولید را از نظر قابلیت رقابت قویتر کنند.

ششم، با ایجاد توانمندی در اکثر آحاد جامعه، دولت‌ها می‌توانند تصدیگری‌ها را، بدون نگرانی از بروز انحصار، به خود مردم بسپارند.

و بالاخره، دولت‌ها با ایجاد و تامین شرایط و امکانات کار برای همه در غالب گروه‌های مردمی و اشتغال کامل از طریق تعاونی‌ها می‌توانند به‌طور مؤثر و کارآمد بخش بیشتری از آحاد جامعه را در اقتصاد و به تبع آن افزایش تولید ملی دخیل سازند.

تعاونی‌ها نقش محوری در ایجاد یک جامعه پایدار ایفا می‌کنند. به تعبیر یکی از دبیرکل‌های سازمان ملل، تعاونی‌ها وسایلی را به‌وجود می‌آورند که غالباً تنها ابزار موجود در دستیابی به عدالت اجتماعی است.

مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۴۹/۱۵۵ مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۹۴

تصدیق کرد که تعاونی‌ها "عضو جدایی ناپذیر توسعه اقتصادی و اجتماعی در همه کشورها می‌باشند.

در حال حاضر، به ندرت می‌توان کشوری را در دنیا یافت که دارای نوعی سازمان تعاونی نباشد. کلیه کشورها اعم از سوسیالیست یا کاپیتالیست، توسعه یافته یا نیافته، مدعی دارا بودن این گونه سازمان‌ها هستند و اغلب به توسعه و گسترش این سازمان‌ها مبادرت ورزیده‌اند.

در بعضی از کشورها از جمله اندونزی، حتی در قانون اساسی تأکید شده است که هدف دولت، ایجاد یک نظام اقتصاد تعاونی است. قانون اساسی کره، به نوبه خود تصویب کرده که دولت باید رشد تعاون را تشویق کند. دیگر کشورها مانند هندوستان و کاستاریکا کمک به تعاونی‌ها را در مسئولیت مستقیم بانک ملی خود قرار داده‌اند. مالزی برای سرعت ساماندهی مردم و حمایت از همه برای اشتغال مولد "وزارت تعاون و کارآفرینی" تشکیل داده و با کوچک کردن سایر سازمان‌ها وظایف آن را به مردم در غالب تعاون سپرده است. اکثر بنگاه‌های اقتصادی ژاپن با مشارکت عمومی مردم و سهم شدن آنها در مالکیت به همراه اشتغال آنها شکل گرفته است. در سوئد، کانادا، فرانسه، انگلستان بزرگترین بنگاه‌های اقتصادی حتی مالی و اعتباری به شکل تعاونی تاسیس و اداره می‌شود.

نکته قابل توجه این است که علاوه بر روی آوری کشورهای سوسیالیستی به نظام‌های "جمعی" به طریقی که مشکل مالکیت را حل کنند در کشورهای سرمایه‌داری نظیر آمریکا نیز تشویق تعاونی و خدمات تعاونی‌ها، یکی از سیاست‌های کلی است. شاهد این امر، تأکید زیادی است که این کشور به آموزش تعاونی در زمینه‌های مختلف تولیدی، خدماتی و بازاریابی دارد. در

آمریکا برای پاسخ به فشار طبقاتی پنج راهکار برای قوام دادن به تعاونی‌ها و قوت بخشیدن به همکاری آنها با سایر نهادهای جامعه اعمال می‌شود:

۱. افزایش اقتدار تعاونی‌ها،

۲. تحقیقات وسیع در زمینه تعاونی،

۳. تأکید بر روابط هر چه بیشتر و نزدیکتر بین آنها،

۴. به‌کارگیری روابط دو جانبه،

۵. همکاری در سطح بین‌المللی.

جنبش تعاونی، در نیمه آخر قرن نوزدهم به‌تدریج در کشورهای آسیا و اقیانوسیه به‌وجود آمد و به آن اندازه وسعت یافت که اکنون بیش از ۵۰ درصد اعضا تشکیل‌دهنده اتحادیه بین‌المللی تعاون، متعلق به این منطقه هستند.

تعاونی‌های کشاورزی نقش عظیمی در ایجاد روحیه آزادمندی بخش وسیعی از جوامع شهری و روستایی، افزایش نیروی تولید و حاصلخیزی و ارتقاء اوضاع اقتصادی - اجتماعی کشاورزان ژاپن بازی نموده‌اند. به همان نحو که دولت از فعالیت‌های تعاونی کشاورزی حمایت می‌کند، به تلاش‌های سازمان‌های تعاونی کشاورزی مبنی بر استقلال داخلی آنها نیز احترام می‌گذارد. به اعتقاد کیم و یاسودا (Kim and Yasuda) ژاپن یکی از کشورهایی است که بهترین نمونه‌های تعاونی در سطح دنیا را داراست. تعاونی‌های کشاورزی ژاپن خدمات گوناگونی از قبیل آموزش تکنیک‌های کشاورزی و مدیریت مزرعه، تهیه نهاده‌های کشاورزی یا کالاهای مصرفی، بازاریابی محصولات کشاورزی، پذیرش و جمع‌آوری پس‌اندازها و سپرده‌ها و انجام خدمات مالی برای اعضا، هدایت برنامه‌های تولید کشاورزی و فعالیت‌های مربوط به مراقبت پزشکی به منظور

حفظ سلامتی کشاورزان را انجام می‌دهند. بدین ترتیب تعاونی‌های کشاورزی در این کشور، به‌طور وسیع در جهت رشد و ترقی وضع کشاورزان و توسعه جوامع شهری و روستایی، مشارکت دارند.

در حال حاضر در ژاپن بیش از ۴۰ هزار تعاونی در زمینه‌های اعتبارات، بازرگانی، حمل‌ونقل و خدمات مشغول به کار هستند. به دنبال رشد اقتصادی در ژاپن، تعاونی‌ها با مسئولیت‌های سنگین‌تری در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو شده‌اند. تعاونی‌های کشاورزی در این کشور، در عین حال که مشغول اصلاحاتی اساسی در سطح کشور هستند، جهت استحکام توانایی‌های اداری خود از ادغام تعاونی‌ها در یکدیگر حمایت می‌نمایند. هر بخش تعاونی در ژاپن به‌طور جداگانه قوانینی دارد. با این حال، رشد فعالیت‌ها و افزایش اعضا، آنها را ناگزیر از قبول اهمیت همکاری نموده است. از دهه ۱۹۸۰، همکاری میان تعاونی‌های تولید (تعاونی‌های کشاورزی و صیادی) و تعاونی‌های مصرف، از طریق قرارداد مستقیم تولیدات، وسعت یافته است. در سال‌های اخیر همکاری‌هایی از این قبیل، بین تعاونی‌های جنگلداری هم صورت گرفته است. برخی تعاونی‌ها در ژاپن طیف وسیعی از فعالیت‌ها، از تولید محصولات و فروش مستقیم آنها گرفته تا فرآوری محصولات، را به عهده دارند. نمونه بارز آنها تعاونی شیموگو (Shimogo) در این کشور است که زنجیره تولید و عرضه را تا دست مصرف‌کننده، مستقیماً در دست دارد. تعاونی‌ها همچنین بر ۹۵ درصد محصولات برنج نظارت دارند. بالاخره اینکه در ژاپن، ۱۰۰ درصد ماهیگیران، عضو تعاونی‌ها می‌باشند (۵۵۰ هزار نفر).

بعد از یک دوره بی‌اعتنایی نسبت به تشکیلات تعاونی، در حال حاضر

ضرورت وجود تعاونی‌ها مورد تأیید قرار گرفته و اهمیت روز افزونی در چارچوب قوانین بازار مشترک برای آنها قایل شده‌اند و نقش آنها را در بالا بردن توان سیاست‌های منطقه‌ای ضروری اعلام کرده‌اند. نیاز به یک بنای اقتصاد تعاونی مستقل، از طرف بسیاری از رهبران سیاسی دنیا تأکید شده است. اما در این میان نظرات جواهر لعل نهرو (یکی از رهبرانی که در استقلال هند نقش اساسی داشت) جالب توجه است. بیش از همه او یک فرد تعاونی مسلک، با اعتقادی راسخ و یک فیلسوف روشن فکر در زمینه تعاونی به‌شمار می‌رفت. سراسر زندگی، کار و سیاست او با ایده‌آل‌های تعاونی و روحیه تعاونی عجین شده بود و با ایمانی که به تعلیمات تعاونی داشت، کشور خود را از طریق همسو ساختن مردم در هدفی واحد، با متابعت از گاندی، و با عملیات تعاونی به سوی استقلال رهنمون ساخت. نهرو با عزمی راسخ به دفاع از استقلال تعاونی و اشاعه اقتصاد تعاونی به‌وسیله دولت — بدون مداخله بوروکراتیک در امور آنها — برخاست.

نهرو درباره مداخله دولت در امور تعاونی‌ها می‌گوید:

"مسلم است که دولت باید کمک کند، اما بین کمک کردن و ریاست نمودن

تفاوت فاحش است".

نتیجه و پیامد چنین اعتقادات و پیگیری‌هایی است که امروزه هند را به "کشوری که دارای بزرگترین بخش تعاونی جهان است" تبدیل نموده است. وظیفه بخش تعاونی در هند، حذف واسطه‌ها و اتخاذ ترتیباتی است که هر تولیدکننده حق خود را از جهت کسب قیمت عادلانه دریافت کند. این موضوع بویژه در بخش روستایی این کشور صادق است. بخش تعاونی، ۱۰۰ درصد روستاهای هند را تحت پوشش داشته و ۶۷ درصد خانوارها تحت حفاظت

سیستم تعاونی هستند. دوی و دیگران (Devi et al) نقش تعاونی‌های هند را در ارتقای اعتبارات و رشد نقدینگی مورد تأکید قرار می‌دهند. گاجانانا (Gajanana) معتقد است که تعاونی‌ها در هند به‌عنوان راهبردی جایگزین که قادر به دستیابی به استقلال هند خواهند بود، مطرح شده و افزایش تولید را به عهده دارند. وی همچنین بیان می‌دارد که این تعاونی‌ها در انتقال تکنولوژی مدرن به نواحی روستایی، بویژه زارعان خرده‌پا و حاشیه‌ای نقش مهمی ایفا می‌کنند.

در یک جمع بندی، می‌توان نتیجه گرفت که در کشورهای توسعه یافته، ایجاد انواع شرکت‌های تعاونی، عکس‌العملی در مقابل نیروهای سرمایه‌داری بود. واکنش دفاعی تعاونی‌های اروپا متوجه سیستم اقتصادی و اجتماعی موجود در این قاره بود. یعنی سیستمی که جدایی بین سرمایه و کار را باعث گشته بود. درحالی‌که تعاونی‌ها در مواجهه با شیوه سنتی تولید در کشورهای جهان سوم، مجبور هستند خود را با شرایط نامطلوب هماهنگ سازند و به عبارت دیگر، وسیله‌ای برای از بین بردن وضعیت نامطلوب مادی و تولیدی موجود در این کشورها محسوب می‌شوند. به همین دلیل است که شرکت‌های تعاونی کشورهای در حال توسعه را نمی‌توان به‌عنوان مؤسساتی خالص و اقتصادی به حساب آورد، بلکه بیشتر در حکم مؤسساتی هستند که تحقق اهداف متعدد اجتماعی و اقتصادی به عهده آنها واگذار شده است. چنانکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ملاحظه می‌کنیم، انجام امور اقتصادی به شکل تعاونی، یکی از روش‌های مناسب برای تامین عدالت اجتماعی، مبارزه با فقر و محرومیت، و نیل به استقلال اقتصادی شناخته شده است.

تعاون، چگونه؟

تعاون و همکاری برای انجام سهل‌تر و مطلوب‌تر مقاصد مشترک، کم و بیش در همه جوامع انسانی معمول است و نقش ارزنده‌ای در بهبود مناسبات انسانی دارد. جهان در دو قرن اخیر شاهد توسعه و تقویت ابعاد تعاون اجتماعی و به موازات آن نقش اقتصادی تعاون با سازمانی خاص و پذیرشی عام بوده است. تعاون به‌طور مشخص بعد از انقلاب صنعتی از رواج ویژه‌ای برخوردار شده و با نفوذ صنعت و پیامدهای آن به گوشه و کنار جهان، از نوعی پذیرش گسترده بهره‌مند گردیده است.

در نیمه اول قرن بیستم، بسیاری از کشورهای جهان پس از رهایی از بند استثمار و استعمار، با دستیابی به حکومتی مردمی، درصدد توسعه سریع و جبران بازماندگی اقتصادی و اجتماعی کشور خود برآمدند و در شرایطی که نظام سرمایه‌داری را عاملی جهت شکاف طبقاتی و کمونیزم را بستری جهت فعالیت بی‌انگیزه و سراب تو خالی یافتند، راه سوم را برگزیده و چاره را در بازکردن راه مشارکت مستقیم مردم در مسائل اقتصادی و اجتماعی تشخیص دادند.

بدین ترتیب در این‌گونه کشورها، دولت‌ها ترویج و گسترش بخش تعاون را به‌عنوان اهرمی مطمئن برای پیشرفت اقتصادی و ارتقای سطح زندگی مردم بر عهده گرفتند و برای فراهم ساختن زمینه مساعد و هموار ساختن راه، بر اقدامات عملی و فعالیت تعاونی‌ها، ابتدا به تصویب قوانین پرداختند و ضوابط تشویق‌کننده‌ای به‌منظور جذب مردم به تعاون و تعاونی‌ها ارائه داده‌اند، اقدامات بنیادینی را جهت گسترش فرهنگ تعاون دنبال نموده و فعالیت‌های مرتبط با تعریف

زنجیره‌های ارتباط عمودی (اتحادیه‌ها و اتاق‌ها) و افقی بین تعاونی‌ها را دنبال کردند.

شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی که در چنین شرایطی و طبق قوانین و مقررات مربوط تشکیل می‌گردند، یکی از بهترین راه‌های مشارکت سازمان یافته مردم در امور اجتماعی و اقتصادی هستند و در صورت برخورداری از حمایت‌های مالی و اعتباری لازم قادرند مجری صادقی برای تحقق اهداف شرکتی خود و بخشی از وظایف و تکالیف دولت محسوب شوند. با اتکا به اطمینان بیشتر مردم و همچنان نظارت مستمر سازمان‌های مسئول و اعضای خود، از توسعه بی‌رویه دیوان‌سالاری جلوگیری به عمل می‌آورند و از بار هزینه‌های دولت نیز می‌کاهند. در واقع حمایت‌های وسیع صورت پذیرفته توسط دولت‌ها از تعاون به دلیل مزایای عدیده این بخش و همه جانبه‌نگری و خروجی‌های مرتبط با آن بوده است.

مزیت شرکت‌های تعاونی نسبت به مؤسسات مشابه در دیگر بخش‌ها آن است که نوعی استمرار توزیع عادلانه فرصت‌های کار و درآمد در آنها وجود دارد. لذا فعالیت تعاونی‌ها در سطوح خرد را نباید با فعالیت یک بنگاه اقتصادی قیاس نمود چرا که در تعاونی‌ها به دلیل مشارکت همزمان افراد در مدیریت و مالکیت و تأثیر نداشتن سرمایه و میزان سهام در نوع تصمیم‌گیری‌های مدیریتی ارائه شده در هیأت مدیره، نوعی بالندگی گروهی نیز ایجاد می‌شود. در واقع تعاونی‌ها در کنار تولید و ایجاد سرمایه و توسعه منابع انسانی به توسعه سرمایه اجتماعی نیز کمک می‌کنند.

ناگفته نماند که تحقق این کارکردها در شرایطی عملی می‌شود که امکان

مدیریت و توجه به نظرات گوناگون مدیریتی وجود داشته باشد چرا که در غیراین صورت ناتوانی در جمع بندی آراء و مواجهه با تعدد آرای مدیریتی، بحث وحدت فرماندهی را زیر سوال خواهد برد.

تعاونی‌ها در سطوح کلان و توسعه بسیار مفیدند، به‌عنوان مثال در بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی، تعاونی‌ها از طریق تجمیع سرمایه‌های کوچک مردم و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف و همچنین از طریق تعامل فعال با بخش‌های دولتی و خصوصی، جلب مشارکت خارجی، سازماندهی گروه‌های مردمی و حضور فعال آنها در روند خصوصی سازی و نیز از طریق افزایش بهره‌وری در فعالیت‌های خود می‌توانند تأثیرگذار باشند؛ به این ترتیب سهم تعاونی‌ها در اقتصاد نیز افزایش می‌یابد.

در تعامل فعال با اقتصاد جهانی، تعاونی‌ها با سازماندهی تولیدکنندگان و تقویت توان رقابتی محصولات صادراتی کشور، گسترش فعالیت تعاونی‌های صادراتی و تعاونی‌های مرزنشین، ایجاد و توسعه تجارت الکترونیکی و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های گردشگری مؤثر خواهند بود.

در رقابت‌پذیری اقتصاد، تعاونی‌ها می‌توانند نقش محوری ایفا کنند؛ هم‌اکنون یکی از اهداف تعاونی‌ها در جهان ارتقای رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط می‌باشد و این هدف از طریق سازماندهی عمودی، افقی و خوشه‌ای بنگاه‌های اقتصادی حول موضوعات خاص در قالب تشکل‌های تعاونی صورت می‌گیرد. همچنین ادغام و یکپارچه‌سازی در بخش تعاونی، شکل‌گیری شرکت‌های تعاونی با مقیاس بزرگ جهانی از طریق جلب مشارکت بخش‌های

دولتی، خصوصی و خارجی و گسترش خدمات پیشرفته درون بخش تعاونی نیز به رقابت پذیری اقتصاد ملی کمک شایانی می‌کند.

مهم‌ترین یافته‌های گزارش مقدماتی ۳۰۰ تعاونی برتر جهان (از لحاظ گردش مالی در سال ۲۰۰۴)

گزارش اتحادیه بین‌المللی تعاون

- ۱- مجموع گردش مالی ۳۰۰ تعاونی برتر جهان در سال ۲۰۰۴ بالغ بر ۱ تریلیون دلار (۹۶۳ میلیارد دلار) بوده است. در مقام مقایسه، تولید ناخالص ملی کانادا (نهمین اقتصاد بزرگ جهان) در سال مذکور ۹۷۹ میلیارد دلار بوده است.
- ۲- بالاترین گردش مالی در تعاونی‌های برتر جهان، ۵۳/۸ میلیارد دلار (اتحادیه ملی تعاونی‌های کشاورزی ژاپن) و پایین‌ترین گردش مالی ۶۰۰ میلیون دلار بوده است.
- ۳- شصت و شش درصد گردش مالی از کل گردش مالی (۶۳۶ میلیارد دلار از ۹۶۳ میلیارد دلار) متعلق به تعاونی‌های برتر ۵ کشور بوده است: فرانسه ۱۷۴، ژاپن ۱۴۴، آمریکا ۱۳۳، آلمان ۱۲۶ و هلند ۵۹ میلیارد دلار.
- ۴- بزرگترین شبکه فروشگاهی در سوئیس؛ بزرگترین شبکه بازاریابی محصولات دامی در آمریکا؛ بزرگترین تولید کننده شیر و لبنیات در اروپا؛ بزرگترین بازار فروش گل جهان؛ یکی از ۵ بانک و مؤسسه اعتباری بزرگ و اول در هر یک از کشورهای ژاپن، هلند، فرانسه و آلمان؛ یکی از ۵ تولید کننده صنعتی رتبه اول در کشورهای اسپانیا و ایتالیا و نیز خبرگزاری آسوشیتد پرس آمریکا در میان ۳۰۰ تعاونی مذکور به چشم می‌خورد.
- ۵- ۳۰۰ تعاونی برتر جهان متعلق به ۲۸ کشورند؛ ۱۵ کشور از اروپا، ۴ کشور از قاره آمریکا، ۹ کشور از آسیا و اقیانوسیه؛
- ۶- ۶۲ درصد تعداد تعاونی‌های برتر جهان (۱۸۷ تعاونی از ۳۰۰ تعاونی) فقط متعلق به ۵ کشورند: آمریکا (۶۲)، فرانسه (۴۵)، آلمان (۳۳)، ایتالیا (۲۸) و هلند (۱۹)؛
- ۷- تعاونی‌های بخش کشاورزی بالغ بر ۳۳ درصد کل مشاغل ۳۰۰ تعاونی برتر جهان را در خود جای داده‌اند؛ تعاونی‌های بخش بانکداری، بیمه و فعالیت‌های واسطه مالی ۲۵ درصد؛ تعاونی‌های مصرف نیز حدود ۲۵ درصد و تعاونی‌های بخش‌های صنعتی، انرژی، بهداشتی و درمانی و سایر بخش‌ها نیز ۱۷ درصد از کل مشاغل را در خود جای داده‌اند.
- ۸- نود درصد تعداد ۳۰۰ تعاونی برتر جهان قبل از سال ۱۹۸۰ شکل گرفته‌اند) ۵۰ درصد قبل از ۱۹۴۰ و ۴۰ درصد بین ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۰ شکل گرفته‌اند(و تنها ۱۰ درصد آنها طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۴ شکل گرفته‌اند.

امروزه تعاونی‌ها در جهان نه تنها به منابع کوچک توان بخشیده‌اند بلکه بیشتر از سایر مؤسسات اقتصادی منابع مالی جذب کرده‌اند و در سطح بسیار گسترده به فعالیت مشغولند. این حقیقت در گزارش اتحادیه بین‌المللی تعاون مشهود است.

در توسعه مبتنی بر دانایی نیز نقش تعاونی‌ها می‌تواند برجسته باشد زیرا در تحقق آن، «انسان محوری» نقش اساسی ایفا می‌کند و این از مزایای ویژه تعاونی‌هاست. ایجاد و گسترش پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری با مشارکت شکل‌های تعاونی، ترویج و گسترش تعاونی در بخش‌های آموزش متوسطه، آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای، گسترش تعاونی‌های تحقیقاتی، مشاوره و خدمات نرم‌افزاری و همچنین توسعه مهارت‌ها، آموزش‌ها و فناوری اطلاعات و ارتباطات در بخش تعاونی، که از اصول تعاونی‌هاست در توسعه دانایی کشور بسیار مؤثر است.

در حفظ محیط زیست، تعاونی‌های متشکل از ساکنان هر یک از مناطق کشور هرگز نقش منفی نخواهند داشت؛ زیرا نفع آنها در حفظ محیط زیست خودشان است. همچنین سازماندهی جنگل نشینان و توسعه زراعت چوب، می‌تواند از جمله اقدامات مؤثر تعاونی‌ها باشد.

در ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی، تعاونی‌ها از طریق عضویت فراگیر عامه مردم در تعاونی‌های خدمات بهداشتی و درمانی می‌توانند ضمن کاهش قیمت‌ها در بخش بهداشت و درمان به بهداشت و سلامت جامعه نیز کمک کنند. رسیدن به عدالت اجتماعی، تنها از طریق نظام تامین اجتماعی میسر نخواهد شد. تعاونی‌ها می‌توانند از طریق گسترش عضویت، برقراری فرصت‌های اقتصادی مساوی، تسهیل دسترسی همگان به منابع و امکانات؛ توانمندسازی

جوانان، زنان و فارغ التحصیلان دانشگاهی برای اشتغال و ایجاد بنگاه‌های اقتصادی مقتدر، حفظ و بهبود اشتغال موجود؛ گسترش مالکیت و حضور عامه مردم در فعالیت‌های اقتصادی و واگذاری ترجیحی سهام بنگاه‌های اقتصادی بخش دولتی، می‌توانند موجب تحقق عدالت اجتماعی شوند. به‌طور خلاصه تعاونی‌ها از بعد اقتصادی به عدالت، از حیث سیاسی به آزادی و از حیث فرهنگی به ارزش‌های اخلاقی و دینی توجه دارند و تعاونی بهترین جلوه‌گاه پیوند مناسب بین اقتصاد، فرهنگ و سیاست است.

در اولین اجلاس وزرای تعاون در سیدنی، سعی در ایجاد نظامی شد که ارزش‌ها، اهداف اجتماعی، اقتصادی و توان رقابتی خود را با هم تلفیق نمایند. این ویژگی خود معرف تعاونی‌ها است، چرا که نه بخش خصوصی و نه بخش عمومی، هیچیک ملزم به رعایت ارزش‌ها و اهداف اجتماعی نیستند، بلکه هدف اصلی این شبکه‌های خصوصی، به حداکثر رساندن سود در مقابل ارائه خدمات به اعضا و در نهایت به جامعه می‌باشد. عناصر اصلی رقابت پایدار تعاونی‌ها عبارتند از عرضه کالاها و خدمات کیفی قابل قیاس، کارآیی عملی، وحدت کاری و حداقل هزینه تولید و ساخت.

به اینکه نوسازی دولت و ارتقاء اثر بخشی حاکمیت، با گسترش تعاونی‌ها و انتقال قسمتی از تصدی‌های اقتصادی و اجتماعی دولت به بخش تعاونی از یک طرف و همچنین اصلاح نقش وزارت تعاون در مجموعه حاکمیتی کشور به نحوی که قادر به گسترش جدی تعاونی‌های باشد، از طرف دیگر مطلوبتر خواهد بود.

با توجه بخش تعاونی یکی از سه بخش عمده اقتصاد کشور در قانون اساسی است که در صورت تقویت این بخش، سهم بخش‌های دولتی و خصوصی از

اقتصاد ملی نیز تعدیل خواهد شد. گذشته از این، بخش تعاونی را می توان یک بخش خصوصی نظام مند و جامعه محور قلمداد کرد که علاوه بر حفظ منافع

فردی اعضا، منافع گروه و در نهایت جامعه را مدنظر قرار می دهد.

بدین ترتیب با تقویت مدیریت بخش تعاون و استفاده مطلوب از ظرفیت های قانونی بخش تعاونی کشور بویژه با استفاده از همه ظرفیت های در نظر گرفته شده سیاست های اصل ۴۴، امکان گسترش سهم بخش تعاونی در اقتصاد فراهم می شود و برآوردها نشان می دهد که سهم بخش تعاون می تواند حداقل به ۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ملی برسد.

با وجود تمامی مزایا و منافع ایجاد شده از تعاونی ها، حمایت دولت از تعاونی ها باید هدفمند و بر اساس نقش هم افزایی و گسترش عدالت اجتماعی توسط تعاونیها باشد.

براساس مطالعات تطبیقی انجام شده برخی از اشکالاتی که در مورد تعاونی ها دیده می شود عبارتند از: شکست بعضی از تعاونی های غیرخودگردان، توقع امتیاز انحصاری برای بعضی از تعاونی ها، توسعه تعدادی از تعاونی ها بدون ارزیابی اقتصادی و حرفه ای، گاهی دخالت در مدیریت تعاونی ها و گاهی بدلیل استقلال آنها نظارت کافی نشده است، موروثی بودن تعدادی از هیئت مدیره ها و ضعف اتحادیه ها و اتاق های تعاون، بی توجهی به توانمندسازی طبقات پایین جامعه برای حضور در تعاونی ها و اقتصاد، ارائه یارانه های غیرهدفمند، تهیه نکردن طرح های جامع نظارتی و کم توجهی به ضمانت های اجرایی آنها، تعدد قوانین موجود مرتبط با بخش تعاون و متولیان متفاوت از سایر دستگاهها و نبود وحدت رویه در فعالیت حمایتی.

از سیاست‌های موثر و مفید برای موفقیت تعاونی‌ها نیز می‌توان توانمندسازی اعضا برای حضور در فعالیت‌های اقتصادی، احترام به مبانی خودگردانی تعاونی‌ها، حمایت از آنان جهت وثایق مالی و سرمایه‌ای، ایجاد یک محیط مناسب برای توسعه تعاونی‌ها، تقویت ظرفیت‌های فنی سازمان‌های حمایت‌کننده تعاونی‌ها، گسترش تعاونی‌های مالی، تمرکز بر ابعاد فرهنگی، ارزش‌ها و روح تعاونی، جایگزین کردن مدیریت کارآمد با تفویض اختیار، ایجاد توان لازم در تعاونی‌ها جهت رقابت در بازار و توسعه تعاونی از داخل اجتماعی که دارای اهمیت و اهداف مشترک هستند، ایجاد سازوکار یکپارچگی واقعی در تعاونی‌ها، توسعه سازمان‌های پشتیبانی‌کننده غیردولتی، تأکید بر استقلال هیئت‌مدیره تعاونی‌ها، ترویج تعاونی‌های اجتماعی، خودتوانمندی و دیگر یاری‌اشاره کرد.

به‌رغم فراز و نشیب‌های زیاد در طول حیات شرکت‌های تعاونی، به دلیل اصالت ذاتی بخش تعاون، این شرکت‌ها می‌توانند در سایه توانمندی‌های بالقوه و بالفعل خود در تحولات اقتصادی کشور مشارکت وسیع داشته و امیدبخش ذینفعان امروز و نسل آینده باشند.

فصل سوم

تاریخچه تعاون در جهان و ایران

تاریخچه تعاون در جهان و ایران

اصل ایده تعاون به معنی "همیاری و همدلی" با زندگی بشر آغاز شده و ضرورتی است که با فطرت زندگی انسانی تطبیق دارد. در طول قرن‌ها براساس نیاز افراد به هم و یا مسئله وحدت و اتحاد برای فائق آمدن در مقابل مشکلات بزرگتر، این تشکل‌ها در قالب‌های رسمی و غیر رسمی شکل گرفته است. تاریخچه تعاون در جهان را از نظر اقتصادی، می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: دوره اول از آغاز زندگی اجتماعی انسان شروع می‌شود و از قرن پانزدهم میلادی به تدریج تحول می‌پذیرد تا این که به شکل کنونی درمی‌آید. دوره دوم با انقلاب صنعتی و انقلاب فرانسه در قرن هیجدهم میلادی شروع می‌شود که دارای تعریفی مخصوص به دوران خود است. بنابراین دوره اول را عصر تعاون اجتماعی و دوره دوم را عصر تعاون صنعتی یا علمی می‌نامند. در دنیای جدید بدون شک اولین کسانی که در امر تهیه و تنظیم اصول

تعاونی تلاش کردند، پیشگامان **راچدیل** بودند.

۲۸ نفر کارگر پیشتاز در شهر کوچک **راچدیل** با تحقیق در علل شکست و بررسی رموز موفقیت **شرکت‌های تعاونی** در گذشته، به ابداع و ابتکار اصول و راه و رسمی نوین دست زدند و در سال ۱۸۴۴ شرکتی را بنیان نهادند که نظریه و روش‌های کار آنها سرمشقی برای تشکیل شرکت‌های تعاونی در دنیا قرار گرفت و تا امروز در سراسر دنیا این اصول ارزش و اعتبار خود را حفظ کرده و به نام "اصول مکتب شرکت‌های تعاونی **راچدیل**" شناخته شده است.

اصول شرکت تعاونی **راچدیل** به صورتی که امروز گفته می‌شود، به وسیله بنیانگذاران و مؤسسان این شرکت تعاونی اعلام نشده است، بلکه در سال ۱۹۳۱ **اتحادیه بین‌المللی تعاون** هیئتی را مأمور کرد تا با بررسی **اساسنامه شرکت‌های تعاونی** **راچدیل** و قواعد هفت‌گانه آن، اصول اساسی استخراج و به‌عنوان اساس و مبنای تشکیل و اداره شرکت‌های تعاونی اعلام دارد، این اصول عبارتند از:

۱- عضویت آزاد و اختیاری

یعنی هر فرد بایستی در پیوستن به تعاونی و یا گسستن از آن آزاد باشد. زیرا تعاونی متعلق به کسانی است که نیازمند خدماتی هستند که تعاونی برای آنها فراهم می‌آورد و از سویی ماهیت یک نهضت اجتماعی، ایجاب می‌کند که در گردآوری هر چه بیشتر عضو تلاش نماید تا سازمان قدرتمند اجتماعی و اقتصادی به وجود آید و بتواند روی پای خود بایستد. در حقیقت داوطلب بودن یکی از اصول اولیه تعاون می‌باشد که نشان از اهمیت رفتار انسانی در تعاونی‌ها دارد. عمل داوطلبانه، انگیزه‌ای برای کار بهتر و ثمربخش‌تر به وجود می‌آورد و موجب تشویق و بروز حس ابتکار در بین اعضای تعاونی می‌شود.

۲- اداره امور شرکت بر اساس دموکراسی

شرکت تعاونی، شرکت اشخاص است نه سرمایه‌ها انسان‌هایی که برای وصول به هدفی مشترک دست همکاری به یکدیگر داده‌اند. بنابراین تمام اعضا باید به نسبت مساوی در اتخاذ تصمیمات و اداره امور شرکت سهیم بوده و از حقوق و وظایف مساوی برخوردار باشند. قدرت عالیّه یک تعاونی در اختیار مجمع عمومی است که می‌تواند بر طبق اساسنامه و مقررات شرکت هر گونه تصمیمی را در مورد امور شرکت اتخاذ کند. بر خلاف مؤسسات تجاری، که میزان سهام و سرمایه عامل مؤثر در تصمیم‌گیری برای فعالیت‌های مؤسسه می‌باشد، در شرکت‌های تعاونی افراد یا اعضا عامل مؤثر هستند. به همین دلیل در شرکت تعاونی هر عضو صرف‌نظر از میزان سهام، رنگ و نژاد فقط یک رأی دارد.

۳- بهره محدود سرمایه

پیشگامان راچدیل برای توسعه و پیشرفت تعاونی‌ها "سرمایه" را لازم و ضروری تشخیص دادند ولی نظر آنها استفاده از نیروی فعال افراد برای بهره‌برداری از سرمایه جهت رفع نیازهای مشترک آنها بود نه استفاده از سرمایه به‌عنوان ابزاری جهت بهره‌کشی و استثمار افراد. بنابراین آنها با این ادعای مالکان سرمایه، که بخش عمده ارزش افزوده را سهم خود می‌دانستند و آن را اساس تعیین نرخ بهره سرمایه قلمداد می‌کردند، قویاً مخالف بودند و معتقد بودند که اگر قرار است بهره‌ای به سهام تعلق بگیرد، مبلغ آن باید محدود و ثابت باشد زیرا مالکان سرمایه در مازاد منافع خالص شرکت سهمی ندارند.

به هر حال سیاست بهره محدود سرمایه امروزه به سه طریق در بین

شرکت‌های تعاونی مختلف به اجرا درمی‌آید.

الف: پرداخت نکردن بهره به سرمایه،

ب: پرداخت بهره سرمایه معادل نرخ بهره معمول سرمایه در بازار پولی و بانکی،

پ: علاوه بر پرداخت سود سرمایه تعاونی به خاطر تشویق اعضا برای سرمایه‌گذاری و خرید بیشتر سهام، برای آنها جوایزی در نظر گرفته می‌شود.

۴- تقسیم مازاد و عواید شرکت به نسبت معاملات بین اعضا

انگیزه اصلی فعالیت‌های اقتصادی در شرکت‌های سهامی تحصیل سود است. ولی یک تعاونی که با اصول صحیح اقتصادی و مدیریت کار آمد اداره می‌شود باید سودآور باشد. قسمتی از سود حاصله به نسبت معاملات و همکاری‌های اعضا بین آنها تقسیم می‌شود و قسمت دیگر به عنوان ذخیره برای مقابله با زیان‌های احتمالی و غیرمترقبه و همچنین تقویت بنیه مالی شرکت کنار گذاشته می‌شود.

۵- حفظ بی‌طرفی در مسایل نژادی، مذهبی و سیاسی

تعاون نهضتی است بین‌المللی و هدف آن رفع نیاز مشترک و بهبود وضع مادی و اجتماعی اعضا می‌باشد. بنابراین برای این که شرکت‌های تعاونی عرصه مبارزات و تبلیغات قرار نگیرد باید از دخالت مستقیم در امور سیاسی و گروه‌گرایی همچنین منازعات نژادی و اختلافات مذهبی بپرهیزد. در غیراین صورت وحدت داخلی شرکت تامین نشده و اصل همیاری و خودیاری آن تحقق نخواهد یافت.

۶- انجام معاملات نقدی

بعضی تصور می‌کنند که در آغاز تاسیس شرکت تعاونی راچدیل چون سرمایه شرکت ناچیز بوده و تحمل نسبیه فروشی را نداشته است، اصل نقد فروشی به وسیله پیشه‌وران راچدیل ابداع و اجرا شده است، ولی شواهد و مدارک موجود نشان می‌دهد حتی موقعی که سرمایه شرکت تدریجاً ترقی کرد و به بیش از احتیاج رسید این اصل به وسیله مردان راچدیل رعایت شد. یکی از اعضای هیئت موسس راچدیل معتقد بود نقد فروشی اولاً قدرت مالی شرکت را زیاد می‌کند، ثانیاً سلامت شرکت حفظ می‌شود، ثالثاً عقل معاش را در اعضا برمی‌انگیزد و در آنها قدرت خرید کاذب ایجاد نمی‌کند. به عبارت دیگر به جای اینکه باری از دوش اعضا بردارد بار قرض آنها را سنگین می‌سازد. ولی امروزه فروش نسبیه در بسیاری از شرکت‌های تعاونی جهان به عللی اجرا می‌شود.

۷- آموزش و پرورش و تعلیمات تعاونی

شرکت تعاونی، سازمانی است اختیاری که نمی‌توان افراد را به اجبار به عضویت آن درآورد. بنابراین اصل آموزش و تبلیغ تنها راهی است که به وسیله آن می‌توان برای جلب همکاری فعالانه و آگاهانه مردم و قبول عضویت در تعاونی‌ها از آن استفاده نمود. از طرف دیگر افرادی که شرکت تعاونی را تشکیل می‌دهند باید به اهداف و اصول شرکت آشنایی داشته باشند و از این رو کلیه عملیات شرکت باید با آموزش، تعلیم و تبلیغ همراه باشد. در حقیقت بقاء و دوام و گسترش نهضت تعاونی در جهان جز با تعلیمات تعاونی و آموزش مردم امکانپذیر نیست.

در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و در مفهوم خاص و نوین، تعاون از حدود دو

قرن سابقه برخوردار است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نضج اجتماعی و بنیادهای واقعی تعاون در حقیقت اعتراضی به جریانات بعد از انقلاب صنعتی در اروپا و بروز فشارهای مالی که به افراد در مقابل سودجویی مالکان کارخانجات و صاحبان سرمایه وارد گردید، بوده به گونه‌ای که طی آن مقوله‌های انصاف، انسانیت و شفقت فدای سود بیشتر در نظام سرمایه‌داری می‌شد. مسئله تشکیل تعاونی و طرح راه‌اندازی نهضت تعاون در دنیا را می‌توان عکس‌العملی در مقابل بی‌رحمی سودجویان اقتصادی و رفتارهای استثمارگری نظام سرمایه‌داری تصور کرد (بویژه در کشورهای غربی). در کشورهای سوسیالیستی این امر تا حد زیادی جهت درمان بی‌انگیزگی مردم در اقتصاد حزبی و دولتی به‌وجود آمد. حتی دولت‌های سوسیالیستی به منظور ایجاد اتحاد (با توجه به ارزش اجتماعی آن). سعی کردند با تشکیل نهاد‌هایی شبیه تعاونی بنام کلخوزها، مردم را سازماندهی نمایند.

به‌هرحال در هر دو سبک اقتصادی یعنی نظام سرمایه‌داری و نظام سوسیالیستی، مشکل اصلی، تضادی بود که بین منافع مردم با منافع صاحبان سرمایه، که همواره به‌دنبال سود بیشتر می‌باشند بدون توجه به انسانیت افراد وجود داشته و یا مشکل در تضاد حکومت‌های حزبی نظام سوسیالیستی و کم‌توجهی به فطرت، آزادی و اختیار انسان‌ها بوده است. تعاونی یک راه میانه‌ای شد که تاحدی این تضاد را حل کرد. یعنی ضمن احترام به مالکیت افراد، بین منافع فرد و جمع همگرایی حاصل شد. افراد داوطلبانه با هم مشارکت نموده و با تکمیل نواقص مالی و فکری همدیگر از ویژگی اتحاد و انسجام برای انجام کارهای بزرگ بهره‌می‌بردند. چنین نظامی مالکیت را برای تک‌تک افراد مشروع

دانسته و با سهم کردن افراد در منافع مؤسسات، انگیزه کارکنان را بالا برد (چون شرکت را متعلق به خودشان می‌دانند) و هم شکاف طبقاتی بین کارفرمایان و مالکان از یکطرف و کارگزاران و کارکنان از طرف دیگر را کاهش داده است.

تاریخچه و تقدم حضور تعاونی‌ها به شکل رسمی در غرب و شرق جهان موجب گردیده که بعضی از افراد، منشأ آن را غرب و عده‌ای آن را به‌عنوان نوعی سبک نزدیک به نظام سوسیالیستی تصور کرده و چنین برداشت‌های ناصحیح موجب گردید که بررسی جامعی از کارکردهای تعاونی و نقش‌های و اثرات حقیقی آن در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی صورت نگرفته و با نگاهی کلیشه‌ای و محدود به کارکردهای قبلی، به آن نگرسته شود. این در حالی است که در پنجاه سال اخیر به نظر می‌رسد نوعی اصلاح (رفورم) در دیدگاه‌ها نسبت به تعاون ایجاد شده و شاهد آشکارسازی و ظهور چهره‌های واقعی‌تر از آن باشیم.

بررسی‌ها نشان می‌دهند تعداد تعاونی‌ها در آسیا و اروپا بیشتر از سایر نقاط جهان است. در برداشتی کلی این واقعیت را می‌توان به اقتصادهای در حال گذار و همچنین اقتصادهای تثبیت شده تعمیم داد، یعنی در هر کجایی که اقتصاد در مرحله گذار بوده و یا در موقعیت‌هایی که اقتصاد قصد تثبیت خود را دارد، اقتصاد تعاون از کارکرد مطلوب‌تری برخوردار شده است.

تاریخچه تعاون در ایران

این پدیده در ایران، پیشینه طولانی ندارد و با وجود ریشه‌ای بودن اصل و جوهره همیاری و تعاون در فرهنگ اجتماعی مردم، بویژه در فرهنگ اسلامی و منابع مذهبی، آغاز توجه به تعاونی با درج موادی در قانون تجارت در سال ۱۳۰۳ رسمیت یافت. از لحاظ تشکیل و ثبت تعاونی‌ها، نخستین شرکت تعاونی روستایی در سال ۱۳۱۴ در منطقه "داورآباد شهرستان گرمسار" تشکیل شد. تا سال ۱۳۲۰ در کل ۳ شرکت تعاونی با عضویت ۱۵۰۰ کشاورز به وجود آمد. به نظر می‌رسد نبود فرهنگ لازم (با تأکید بر مولفه بیسوادی) باعث استقبال اندک از این شیوه فعالیت اقتصادی شده و آرایه نسخه‌هایی که با موقعیت ایران آن زمان تطبیق نداشت و اغلب توسط تحصیل کردگان در کشورهای خارجی ارائه می‌شد از دیگر علل جا نیفتادن این ایده در ایران باشد (یادآور می‌گردد که سایر شیوه‌های فعالیت مشارکتی نیز در آن دوران از رونق چندانی برخوردار نبوده و این در شرایطی بود که قصد بر فعالیت طبقه عامه جامعه در قالب تعاونی‌ها بوده است).

با اقدامات صورت گرفته بعد از شهریور ۱۳۲۰ در قالب ارائه کمک‌های فنی و اعتباری و پیدایش و ترویج نهضت اجتماعی تعاون که در دنیا راه افتاده بود، توجه به تعاون در ایران بیشتر گردید. شاید بتوان جریانات مرتبط با اصلاحات ارضی را مهم‌ترین نقطه عطف توجه دستوری به تعاون در ایران دانست. چرا که با اجرای اصلاحات ارضی (خاصه مرحله اول و دوم آن) و خلع ید تدریجی از مالکان، نوعی خلاء مدیریت اجتماعی و مدیریت فنی - تولیدی در روستاهای کشور به وجود آمد. در چنین شرایطی به نوعی ساختار سازمانی جدید که از توان لازم جهت پوشش دهی همزمان این دو بعد برخوردار باشد، احساس

نیاز شده و توجه ویژه بر تعاونی‌های روستایی متمرکز گردید. غالباً برخورد دولتی و دستوری با تعاونی‌ها و لزوم عضویت و فعالیت در آن، استفاده ابزاری از تعاونی‌ها در جهت اجرای سیاست‌ها و تصمیمات دولتی، غیربومی بودن ساختار رسمی تعاونی‌ها، نبود صلاحیت‌های لازم در کشاورزان و روستاییان برای اداره تشکل‌های رسمی این چنین و دیگر دلایل مطرح، باعث عضویت صوری و توسعه روند تأسیس و تشکیل ظاهری تعاونی‌ها روستایی شد.

در ادامه شعارها و برنامه‌های اصلاحی، در سال ۱۳۴۶ مؤسسه تحقیقات تعاون در دانشگاه تهران تشکیل شد که هم کار پژوهشی و هم کار آموزشی در ترویج تعاون انجام می‌داد. بعدها بخش آموزشی آن مؤسسه، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون را تشکیل داد که متأسفانه پس از چندی، پسوند تعاون از روی دانشکده برداشته شد و در زمان نگارش این کتاب نیز رشته‌های تعاون از دانشکده حذف شده و بخش پژوهشی مؤسسه هم فعالیت چندانی ندارد. البته اغلب این مؤسسات به‌رغم برخی از فعالیت‌ها و عملکردها، عمدتاً به‌دنبال اهداف خود بودند؛ در ادامه به چند نمونه از مراکزی که در ایران بدین منظور فعالیت می‌کردند معرفی می‌شود:

*** مؤسسه‌های وابسته به سازمان متحد مانند سازمان خواربار جهانی (فائو) و سازمان**

بین‌المللی کار: این مؤسسات بیشترین کمک‌های فنی و اعتباری را برای پیشرفت نهضت تعاون در ایران را ارائه کردند و عده‌ای از کارشناسان سازمان ملل متحد در زمینه شرکت‌های تعاونی کشاورزی و شرکت‌های تعاونی مصرف کارگری وارد ایران شدند و در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی که در این رشته فعالیت

داشتند، مشاوره و راهنمایی‌هایی ارائه کردند. افزون بر این، با تامین هزینه، عده‌ای از کارمندان تحصیلکرده وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی، را برای مطالعه در امور شرکت‌های تعاونی به کشورهای خارج اعزام نمودند.

*** هیئت عملیات اقتصادی و عمرانی آمریکا در ایران (اصل چهار ترومن): پیگیری**

این اصل از جمله بهانه‌های حضور آمریکاییان در ایران بوده و اتفاقاً یکی از محورهای جدید توسعه که به تعبیر آمریکاییان می‌توانست آنان را در متن و نقاط حساس تشکل‌های مردمی و آینده اقتصادی ایران قرار دهد، موضوع راه‌اندازی تعاونی‌ها بود.

این سازمان برای جلب توجه و اعتماد، نه تنها برای پیشرفت نهضت تعاونی کمک‌های فنی می‌نمود بلکه راساً به تشکیل تعاونی مصرف کارگری و مصرف شهری و تعاونی‌های کشاورزی مبادرت ورزیده و حتی کمک‌های مالی به این قبیل شرکت‌ها نمود و وسایل کار آنها را فراهم می‌کرد. هیئت عملیات اقتصادی آمریکا در ایران نیز در سال ۱۳۳۰، همزمان با قوانین و دستورات تقسیم املاک سلطنتی میان کشاورزان، تشکیل گردید. وظایف اساسی اداره مزبور به ظاهر عبارت بود از:

الف: مطالعه درباره اوضاع اقتصادی و اجتماعی کارگران و بویژه کشاورزان در

قراء و قصبات،

ب: افزایش مبادلات علمی و فنی و کاردانی در رشته‌های مختلف تقسیم

اراضی، ترویج کشاورزی مطابق روش نوین کشاورزی، به منظور بهبود کار و زندگی کشاورزان،

پ: راهنمایی‌های علمی و فنی برای تشکیل و اداره کردن شرکت‌های تعاونی

تولید، اعتبار و مصرف روستاها،

ت: جذب کمک‌های مالی دو طرف (ایران و آمریکا) در حدود اعتبارات پیش
بینی شده و موافقت نامه‌های تنظیمی برای اجرای برنامه‌های مورد نظر،
ث: تهیه و تامین کارشناسان فنی داخلی و خارجی برای اجرای برنامه‌های
تعاونی بهداشتی و فرهنگی،
ج: تامین عملیات آموزشی و نمایشی در زمینه اصول بین‌المللی شرکت‌های
تعاونی.

از طرف دیگر، در نخستین «کمیسیون تعاون» که در سازمان برنامه کشور
تشکیل گردید، عده‌ای از کارشناسان «اصل چهار» و سازمان ملل متحد عضویت
داشتند و برنامه‌های تعاونی کشور باید به تصویب کمیسیون مزبور می‌رسید. در
زمینه اجرای برنامه‌های تعاونی، «اصل چهار» افزون بر تقبل هزینه‌های مزبور، به
منظور اعزام ۵۰ نفر از کارمندان دولت به خارج از کشور برای گذراندن دوره‌های
تعاونی، قراردادی با دولت ایران منعقد کرد و آموزش تعاونی به کارمندان دولت
را به عهده گرفت.

* سایر مؤسسات نظیر بنیاد فورد و مؤسسه خاور نزدیک: غالب این سازمان‌ها به
بهانه کمک به تعاونی‌ها و نیز کمک‌های فنی و تشویق به تشکیل شرکت‌های
تعاونی به اجرای برنامه‌های خود می‌پرداختند.

* مؤسسات تعاونی بین‌المللی کشورهای اروپایی: این سازمان‌ها با اعطای بورس -
های خارج از کشور و اعزام کارشناسان تعاونی به ایران، اقدام به ارایه کمک‌های
فنی می‌نمودند.

با توجه به صوری بودن اقدامات و نیات خارجی‌ها در به‌دست گرفتن

شریان‌های اقتصادی و اجتماعی ایران (همان‌طور که در جریان دانشگاه‌ها، سازمان برنامه و بودجه و سایر امور جدید اقتصادی مانند نفت در نظر داشتند) نتیجه عملیاتی چنین کمک‌ها و اقداماتی آن بود که تعداد اندک تعاونی‌های تشکیل شده (اعم از صندوق‌های تعاونی روستایی و تعاونی‌های مصرف) تا سال ۱۳۳۰ به زحمت به یکصد شرکت رسید و اکثریت قریب به اتفاق آنها هم فعالیت مؤثر و چشمگیری نداشتند.

در سال ۱۳۳۲ نخستین قانون تعاونی ایران، که با الهام گرفتن از قوانین خاص دیگر کشورها تهیه شده بود، به صورت لایحه قانونی به تصویب رسید. لایحه مزبور در سال ۱۳۳۴ شمسی با اصلاحاتی از تصویب مجلس وقت گذشت و نخستین قانون تعاون ایران مصوب شد که پایه و اساس فعالیت تعاونی‌های زیادی به خصوص بعد از سال ۱۳۴۱ قرار گرفت. در سال ۱۳۴۱ براساس تبصره ۲ ماده ۱۶۵ قانون مربوط به اصلاحات ارضی رژیم گذشته، کشاورزانی که زمین دریافت می‌داشتند، ناچار بودند پیش از اخذ زمین، عضویت شرکت تعاونی روستایی را بپذیرند. به این ترتیب در مدت کوتاهی بیش از ۸ هزار شرکت تعاونی روستایی تشکیل گردید که بعدها در هم ادغام شد و حدود ۳ هزار شرکت را به وجود آورد. تعاونی‌های مصرف، توزیع و غیره نیز پس از سال ۱۳۴۶ که سال تعاون اعلام شده بود گسترش کمی قابل توجهی یافت و سازمان‌هایی از جمله سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، سازمان مرکزی تعاون کشور، وزارت تعاون و اصلاحات ارضی و... پدید آمدند.

در سال ۱۳۵۰ قانون شرکت‌های تعاونی با مطالعه قوانین سایر کشورها، تهیه و به تصویب رسید که موادی از آن، هنوز هم مبنای کار تعاونی‌هاست. قبل از

اینکه بحث تاریخچه تعاونی‌ها و بخش تعاون کشور در بعد از انقلاب بررسی گردد، ترجیح داده می‌شود با نگاهی تاریخی و آماری، به انواع تعاونی‌های تشکیل

شده در این مدت (قبل از انقلاب) و نوع سازماندهی صورت پذیرفته در خصوص آنها پرداخته شود.

ساختار تعاونی‌ها در ایران (قبل از انقلاب اسلامی)

الف) سازمان مرکزی تعاون کشور (تشکیل شرکت‌های تعاونی شهری

غیرکاری)

این سازمان در بیست و سوم اردیبهشت ۱۳۴۶ به منظور تفهیم اصول تعاون و تعمیم آن در سراسر کشور و نیز تهیه قوانین لازم و ایجاد امکانات مناسب برای تعاونی‌ها به وجود آمد، در سال ۱۳۵۰ به وزارت تعاون و امور روستاها ملحق گردید و در سال ۱۳۵۶، پس از انحلال آن وزارتخانه، منحل شد و سپس وظایف آن براساس قانون بخش تعاون مصوب شهریور ۱۳۷۰، به وزارت تعاون منتقل گشت. تعداد شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های تعاونی زیر پوشش سازمان مرکزی تعاون کشور در پایان بهمن ماه سال ۱۳۵۷ یعنی شروع انقلاب اسلامی بدین قرار بود:

- **شرکت‌های تعاونی:** مجموع شرکت‌های تعاونی زیر پوشش سازمان مرکزی

تعاون کشور، اعم از مصرف، مسکن، اعتبار، توزیعی، خدماتی شهری غیرکاری (در پایان بهمن ۱۳۵۷) برابر با یک هزار و ۳۴۰ واحد ثبت شده که اعضای آنها بالغ بر ۸۰۳ هزار و ۸۹۳ نفر بودند.

- اتحادیه شرکت‌های تعاونی: تا پایان بهمن ماه ۱۳۵۷ تعداد ۲۰ اتحادیه تعاونی شهری غیرکارگری تاسیس گردید که اعضای آنها بالغ بر ۳۶۹ شرکت تعاونی ثبت گردیده است.

ب) سازمان مرکزی تعاون روستایی (تشکیل شرکت‌های تعاونی روستایی)
این سازمان که در سال ۱۳۴۶ و به دنبال موادی از قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۱ به وجود آمد، اهداف و وظایف زیر را دنبال می‌کرد:
آموزش اصول تعاون و تربیت کادر سرپرستی برای راهنمایی اعضای شرکت‌های تعاونی و مناطق روستایی کشور،
کمک‌های اعتباری به شرکت‌ها به منظور افزایش محصولات و درآمد دهقانان و بازاریابی و فروش محصول کشاورزان،
ارتباط با شرکت‌های تعاونی مصرف کشور، همچنین ایجاد رابطه با سازمان‌های بین‌المللی.

این سازمان در سنوات اخیر زیر نظر وزارت کشاورزی بوده (در حال حاضر وزارت جهاد کشاورزی) و در پایان بهمن ماه ۱۳۵۷ در مجموع ۲ هزار و ۹۳۹ شرکت تعاونی روستایی با ۳ میلیون و ۱۰ هزار و ۲۰۲ نفر عضو را تحت پوشش داشته است. تعداد اتحادیه‌های شرکت‌های تعاونی روستایی در پایان بهمن ۱۳۵۷، معادل ۱۵۳ واحد با ۲ هزار و ۹۲۳ ثبت شده و در واقع تمامی شرکت‌های تعاونی، عضو اتحادیه‌های منطقه مربوط به خود بوده‌اند که البته دخالت‌های سازمانی دولتی در انتخاب مدیران عامل و سایر متولیان آن هنوز هم آنان را در حد ابواب جمعی سازمان تحت نظارت دولت نگاه داشته است.

پ) شرکت‌های تعاونی کارگری

شرکت‌های تعاونی کارگری، اعم از کار و تولید، مصرف و مسکن و اعتبار، از سال ۱۳۴۶ تشکیل شدند و تا بهمن ماه سال ۱۳۵۷ تعداد این شرکت‌ها به یک هزار و ۶۷۳ واحد رسید که اعضای این شرکت‌ها بالغ بر ۴۲۳ هزار و ۸۴۰ نفر بود. در بهمن ماه سال مذکور، تعداد یک واحد اتحادیه‌های کارگری با ۵۱۰ شرکت تعاونی عضو، ثبت گردیده است.

ت) شرکت‌های تعاونی تولید روستایی

تعداد تعاونی‌های تولید روستایی تا بهمن ماه سال ۱۳۵۷ شامل ۳۹ شرکت مشتمل بر ۲۵۸ قریه و مزرعه با ۱۱ هزار و ۲۰۰ نفر صاحبان اراضی و مساحت کل محصور ۹۹ هزار و ۵۴۶ هکتار می‌شد.

گسترش تعاونی بعد از انقلاب اسلامی (سال ۱۳۵۷ به بعد)

وقوع انقلاب اسلامی، باور عمومی را نسبت به تعاون تغییر داد. نیروهای انقلابی، انقلاب اسلامی را مظهري از تعاون یافتند و از همکاری جمعی برای توزیع عادلانه کالا در اعتصاب‌های متمادی دوران انقلاب به وجد آمده و آن را الهام بخش تلاش‌های آینده قرار دادند. نتایج مثبت و تجارب ارزنده‌ای که از مصادیق فعالیت به شکل تعاونی به دست آمده بود در اندیشه دولتمردان، در قلم قانون‌گذاری و در سطوح قانون اساسی جدید تبلور یافت و این بار تعاون را نه تنها به‌عنوان وسیله‌ای برای رفع نیاز مشترک، که راهی برای توسعه اقتصادی، معیاری برتر برای ایجاد اشتغال و بخش عمده‌ای از بخش‌های تشکیل‌دهنده نظام اقتصادی جمهوری نوین، به جامعه اسلامی عرضه داشت.

راه یافتن تعاون به قانون اساسی، این شیوه پسندیده را که در سابق روشی صرفاً اقتصادی تلقی می‌شد، از اعتباری مذهبی بهره‌مند ساخت و عزم راسخ جمهوری اسلامی ایران به تحقق عدالت اقتصادی با توسل به همه روش‌های شناخته شده را آشکار نمود. از جمله مصادیق، دلایل و مستندات که تعاون را به‌عنوان بخش رویکردی اقتصاد کشور مطرح ساخته بود، باید به اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی اشاره کرد:

در اصل ۴۳ قانون اساسی برای دستیابی به اهدافی از جمله تامین استقلال اقتصادی جامعه، ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، ضوابطی برای اقتصاد جمهوری اسلامی ایران تعیین گردیده است از جمله تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند در شکل تعاونی از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به‌صورت یک کارفرمای بزرگ در آورد (قانون اساسی، اصول ۴۳ و ۴۴). در اصل ۴۴ قانون اساسی به روشنی تسریع شده است که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی صحیح و منظم استوار است. در همین اصل، محدود شدن فعالیت‌های بخش دولتی در چارچوب معین و همچنین مکمل فعالیت‌های دولتی و تعاونی قرار گرفتن بخش خصوصی، وسعت قلمرو بخش تعاونی را به خوبی نشان می‌دهد. شروط تعیین شده برای حمایت قانون از مالکیت بخش‌های سه‌گانه، خود از نقاط قوت بخش به تعاونی و به منزله تأکیدی بر ضرورت گسترش آن به‌شمار می‌روند این شروط چنین‌اند:

- با اصول دیگر فصل اقتصاد در قانون اساسی مطابق باشد.
- از محدوده قوانین اسلام خارج نشود.
- موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد.
- مایه زیان جامعه نشود.

بحث تعاون بعد از انقلاب از حالت شرکتی صرف خارج شده و متمرکز بر ایده تعاون و مشخصاً بخش تعاون گردیده است. از دیگر ابعاد قابل بررسی در فرآیند تشریح تاریخچه تعاون در ایران در بعد از انقلاب اسلامی می بایست به انواع تعاونی‌های تشکیل شده در کشور و شرایط خاص فعالیت شرکت‌های تعاونی، اشاره کرد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل درک مدل فکری همدلی، یابوری و اتحاد، تعاونی‌ها از لحاظ کمی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. نه به خاطر تبعیت از تشکلهای شکل گرفته در سایر ملل بلکه در وهله نخست با روحیه اتحاد و همدلی و آموزه‌های دینی ملت ایران که همواره عبادت و کار جمعی، یاری رساندن به هم را مورد توجه قرار داده است، سنخیت داشت.

حساسیتی که انقلابیون و مؤثران در نظام بر علیه تفکرات کاپیتالیستی و سوسیالیستی اقتصاد داشتند موجب شد تا روش تعاونی مورد توجه و حمایت قرار گیرد. تعاونی‌ها در ابتدای پیروزی انقلاب، دو مأموریت بزرگ را به ثمر رساندند: سازماندهی بیکاران و علاقه‌مندان به کار و رساندن ارزاق عمومی در شرایط محاصره اقتصادی و کمبودهای تولیدی و توزیعی امکانات.

بحث در خصوص تاریخچه تعاون کشور بعد از انقلاب اسلامی، بدون توجه و پرداختن به آراء مدافعان اصلی آن و اندیشه افرادی که نقاط عطفی را در این

حوزه باعث گردیده‌اند، بحث کاملی نبوده و بر این اساس در این قسمت به شکل ویژه به آراء شهید دکتر بهشتی و رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص تعاون پرداخته می‌شود. به شکل نظری و نظام مند شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی میدان دار جا انداختن این ایده در کشور شد. ایشان با مطالعه نظام‌ها و بینش‌های اجتماعی و اقتصادی دنیا و با آشنایی که نسبت به اداره اقتصادی ملت‌های جهان داشت تلاش نمود تا در قانون اساسی روش تعاون را به‌عنوان یکی از ارکان اقتصادی کشور قرار دهد.

این اندیشمند اسلامی با تشریح این مدل در اقتصاد، ضرورت اجرای آن را در جمهوری اسلامی برای به صحنه آوردن عموم مردم مخصوصاً افراد کم درآمد در جریان کسب‌وکار و فعالیت‌های اقتصادی و همچنین کارکرد تعاون در عدالت اجتماعی، قدم‌های مؤثری برداشت. آن فقیه والا مقام در مورد مشخصات اقتصاد تعاونی در جمهوری اسلامی می‌گوید:

"مسئله اقتصاد تعاونی که در عصر ما و در جمهوری اسلامی ما، مورد توجه قرار گرفته است، در حقیقت بر همان پایه‌هایی استوار است که امروز در جامعه‌های مختلف در رابطه با اقتصاد تعاونی گفته می‌شود. یعنی در نظام اسلامی و جمهوری اسلامی لزومی ندارد چیزی به آن بیفزاییم.

- هدف تعاونی‌ها کاستن از واسطه‌های غیر ضرور بین تولیدکننده و مصرف‌کننده است،

- در تعاونی‌ها، رأی به انسان داده می‌شود نه به سهام،

- کاستن از واسطه‌ها و در حقیقت مبارزه با اشتغال کاذب،

مسئله دیگر اینکه شرط صاحب سهم بودن شاغلین در تعاونی‌های تولید می‌باشد یعنی تنها کسانی بتوانند در تعاونی تولید صاحب سهم باشند یا بمانند

که در آنجا کار کنند.

هدف شرکت تعاونی تولید این است که صاحبان نیروی کار به وسیله سرمایه‌داران استثمار نشوند.

- کسانی که می‌خواهند کار کنند و سرمایه ندارند، دولت به آنها وام می‌دهد که شرکت تعاونی به وجود آورند.

و بالاخره تعاونی‌ها را در جهت رفاه حال محرومان جامعه گسترش دهیم"

و یا در پاسخ این سؤال که: نظرات ارائه شده نظر خود ایشان است یا منبعث از فقاقت شیعه؟ می‌فرماید:

"کدام بخش از سخنان من؟ اگر بخش اخیر را می‌فرمائید، آن را من در رابطه با همین موازین فقه شیعی عرض کردم! اما اگر آن بخش اول که تحلیل اقتصادی بود منظور شما است، طبعاً تحلیل اقتصادی در رابطه با آن چیزهایی است که به ذهن خودم می‌رسد. و آن چیزهایی است که از آثار نویسندگان و متفکران این دو قرن خوانده‌ام بنابراین آن بخش اول که تحلیل است به فقه ارتباطی نداشت. این بخش اخیر که مربوط به مسائل مالکیت بود البته این در رابطه با فقه بود و بیشتر آنهایی را که قاطع عرض کردم عموماً حکم فقهاست و آنهایی که مشروط عرض کردم، به‌عنوان مسائلی است که اکنون مطرح است و باید روی آن کار کنیم."

همین‌طور درباره دخالت دولت در امور تعاونی‌ها و شرعی بودن برنامه،

نظارت، حمایت، هدایت از تعاونی‌ها توسط دولت، چنین اشاره می‌کنند:

"حقیقت این است که ما یک مبنایی را الان دنبال می‌کنیم که این انقلاب هم در رابطه با آقایان فقها بر همین اساس به جلو رفت و آن این است که ما برای امامت اسلامی ولایت مطلقه قایل هستیم، یعنی معتقدیم امامت در جهت

مصالح عامه مردم هر تصرفی را لازم بدانند می‌کند. و با حقوق شخصی افراد منافاتی ندارد. در حقیقت این قوانینی که در رابطه با مالکیت شخصی و خصوصی و اینها هست حریم اشخاص را نسبت به یکدیگر معلوم می‌کند نه حرم اشخاص را نسبت به کل جامعه و امامت که در خط کل جامعه می‌خواهد حرکت کند. برای او این مرزها و این حریم‌ها دیگر وجود ندارد. این اساس ولایت مطلقه امامت در بینش اجتماعی و اقتصادی و حقوقی است.....

.....در میان فقهای معاصر ما، فقیهی که از آن اول خیلی قاطع به این مسئله معتقد بود و تا آخرش هم ایستاد و در این راه موفقیت تاریخی جهانی را برای انقلاب اسلامی به وجود آورد، امام بودند. ایشان در بحث‌هایشان از آن اول خیلی قاطع به ولایت مطلق امامت معتقد بودند، چه درباره امام معصوم و چه در مورد امام غیر معصوم، امامت به‌طور کلی. همین اواخر شاید چند ماه قبل که با ایشان باز مطرح کردیم دیدیم ایشان همچنان روی این امامت مطلق تکیه می‌کنند. وقتی نقش دولت در اقتصاد کمتر می‌شود، نباید جایش را به قطب‌های سلطه سرمایه‌داری یا سیاسی بسپارد، بنابراین این دخالت برخلاف قوانین نیست."

در زمینه‌های عضویت آزاد در شرکت‌های تعاونی و کنترل دموکراتیک آنها می‌گویند:

" اجمالاً عرض کنم: یکی از فصول مربوط به شرکت‌های تعاونی در رابطه با نظام‌های سوسیالیستی، همان حق آزادی اقتصادی فرد است که بتواند در برابر سلطه اقتصادی حکومت در کشورهایی که اقتصاد دولتی دارند یا در برابر سلطه اقتصادی سرمایه‌داری در کشورهایی که اقتصاد آزاد سرمایه‌داری دارد، قد علم کند. چون این طور است بنابراین باید دخالت‌ها در شرکت‌های تعاونی به حداقل برسد. ولی ما در نظام اجتماعیمان برای انتخاب شوندگان در واحدهای

اجتماعی شرط مسلمان متعهد بودن را داریم. در شوراها هم همین است. ما به شوراها سخت معتقدیم ولی می‌گوییم شوراهای اسلامی. منظور از شورای اسلامی این است که در آن شوراها انتخاب کننده همه کس می‌تواند باشد مسلمان، مسیحی، غیرمسلمان، مقید، غیرمقید، باتقوی، بی‌تقوی، اینها می‌توانند انتخاب‌کننده باشند. اما انتخاب‌شونده باید مسلمان، متعهد و مسئول باشد. من این را صریحاً اینجا مطرح می‌کنم. این از نقطه نظرهایی است که ما از نظر انقلاب اسلامی پافشاری داریم و معتقدیم که اگر پافشاری نباشد انقلاب اسلامی، انقلاب اسلامی نخواهد بود. فرق نمی‌کند، در یک انقلاب مارکسیستی هم همین‌طور است. در آنجا هم اگر تکیه نشود که انتخاب‌شوندگان مارکسیست‌های معتقد مؤمن مقید باشند آن جامعه دیگر مارکسیستی نخواهد بود. فرقی ندارد، در هر جامعه‌ای که می‌خواهد مکتب و ایدئولوژی در آن محور باشند به نظر بنده این شرط باید وجود داشته باشد. می‌گوییم انتخاب‌کنندگان دقت کنند که انتخاب‌شوندگان شرایط انتخاب را داشته باشند، نظارت دولت را تا این اندازه قبول داریم که فقط ببیند از روی سهل‌انگاری کسانی که واجد شرایط انتخاب شدن نیستند انتخاب نشوند. ولی بیش از این دیگر نه در عضویت و نه در کارهای دیگر اگر دولت بخواهد دخالت کند، این که دیگر تعاونی نمی‌شود، می‌شود دولتی. این رابطه با عضویت آزاد و کنترل دموکراتیک. شرط صاحب سهم بودن شاغلین در تعاونی‌های تولید، باید مورد توجه قرار گیرد. به‌عنوان یک نقطه نظر کلی عرض می‌کنم نقش دولت به‌صورت مستقیم و دخالت مستقیم روزبه‌روز باید کمتر باشد. اما وقتی نقش دولت کمتر می‌شود نباید جایش را به قطب‌های سلطه اقتصادی یعنی سرمایه‌داری یا قطب‌های سلطه سیاسی بسپارد. منظور از این که می‌گوییم نقش دولت کمتر باشد یعنی هرچه می‌شود قدرت‌ها اینها کند. این طرح کلی است که حتی در رابطه با حزب

جمهوری اسلامی هم که انشا... مواضعش را بزودی چاپ می‌کنیم و آخرین مراحل تنظیمش را طی می‌کند و شاید یک کتاب ۲۰۰-۱۵۰ صفحه‌ای بشود که شرح مرامنامه این حزب است ما در آنجا هم به این تکیه کرده‌ایم. از نظر تشکیلاتی هم بنده عرض کنم که حزب جمهوری اسلامی این نقطه نظر را دارد که باید تا آنجا که می‌شود نقش مستقیم دولت چه در بعد اقتصادی چه در بعد اجتماعی و اداره جامعه کم بشود اما جایش باید به ملت و توده مردم سپرده شود و نه به قطب‌های قدرت دیگر... چسبیدن به این نقطه نظر، بسیار کمک کننده است. یعنی حتی الامکان در بخش عظیمی از اقتصاد یا تمام آن می‌توانیم طوری عمل کنیم که دولت کمتر دست‌اندر کار باشد و مردم دست‌اندرکار باشند. اما در عین حال به سمت سرمایه‌داری شوم هم کشانده نشویم و حتی ریشه‌های مضر سرمایه‌داری را هم که الان وجود دارد به یاری خدا و با همت همگی قطع کنیم. در این رابطه نقش خواهران و برادرانی که می‌خواهند در هدایت مردم از نظر آموزش و روشنگری و نیز در اداره کار از نظر تنظیم قوانین و آئین‌نامه‌ها و اجرای آنها مسئولیتی مستقیم به عهده بگیرند خیلی زیاد است. امید و آرزوی ما این است که همه خواهران و برادران همفکر، هم‌آرمان و همقدم، بتوانند در تحقق بخشیدن این امر مهم و بزرگ [تعاون] موفق باشند."

شهید بهشتی از جمله مدافعان واقعی تعاون در زمان خویش بود که آگاهی‌های به روز اقتصادی ایشان در همان مدت اندک توانست تأثیر بسزایی در رشد و شکوفایی بخش تعاونی بگذارد و در القای ضرورت‌های شکل‌گیری نهادهای مردمی تعاونی نقشی جاودانه بر جای نهاد.

آن شهید بزرگوار در ایام خویش به خوبی تحلیل و پیش‌بینی کرده بود که پیگیری و اجرای اصول اقتصادی قانون اساسی بعدها توسط بزرگان و دولتمردان

نظام مورد ارزیابی و تفسیر مجدد قرار گیرد به همین ترتیب نیز این مهم محقق شد به گونه‌ای که هم‌اکنون با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری زمینه‌های شکوفایی و رشد اقتصادی و نیز توسعه مالکیت و عدالت اجتماعی فراهم آمده است.

شهید آیت‌الله... دکتر بهشتی بر این عقیده بوده اند که بهره‌گیری از شیوه تعاونی، رضایت نهایی مردم و خیر و صلاح جامعه را به همراه دارد از این رو در تمامی طول حیات پر برکتش و در تمامی محافل و مجالس بر این عقیده پای می‌فشرد که نظام مقدس جمهوری اسلامی باید از شیوه خدا پسندانه و مردمی تعاون بهره جوید. آن شهید والا مقام همچنین بر این باور معتقدانه اصرار می‌ورزید که تعاون شیوه‌ای ارزشی است و کارگزاران و بلند پایگان نظام در راستای حصول به عدالت اجتماعی می‌باید آن را به کار گیرند.

شهید بهشتی در مورد شیوه تعاونی می‌گوید:

«مسئله اول در اقتصاد آزاد بر اساس رقابت است، هر پیشه‌وری، هر کارخانه‌داری، هر مزرعه‌داری و... می‌کوشد تا با دیگران رقابت کند. در این میان شیوه تعاونی این افراد را در بخش تولید وارد یک مجموعه می‌کند و از آنها می‌خواهد تا با تعاون با یکدیگر وضعیت تولید را بهتر کنند. یعنی همان‌هایی که تا قبل از تشکیل شرکت‌های تعاونی رقیب هم بودند حالا همکار یکدیگر شده‌اند. امروزه اتحادیه‌های بزرگ شرکت تعاونی در کشورهایی که دارای اقتصاد تعاونی هستند وجود دارد که این همکاری را بیشتر می‌کند. مسئله دوم این که امکانات لازم برای فعالیت‌های تولیدی را در جامعه‌های دارای اقتصاد دولتی، دولت در اختیار دارد و در جامعه‌های دارای اقتصاد سرمایه‌داری، مراکز سرمایه‌داری. به هر حال در آنجایی که دولت مسئول است باید دولت باتقوایی

باشد که در قبال این کار، آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم را نگیرد. تعاونی‌ها می‌کوشند به صورت یک قدرت درآیند و این امکانات را چنان از درون خودشان گردآوری کنند و شکل دهند و یا از مراکز عمومی که در جامعه هستند جذب کنند که اسیر مراکز عرضه کننده امکانات نشوند. این یعنی خط آزادی تولید کنندگان و یا مصرف کنندگان از این گونه عوامل خارج از خود. مسئله سوم آزاد کردن مصرف کننده‌ها از دست واسطه‌های غیرضروری است. کاستن از واسطه‌ها، مبارزه با مشاغل کاذبی که به هر حال اگر هیچ سوء استفاده‌ای هم نکنند و تنها خرج تجارتخانه خودشان را در بیاورند باز هم بر تولید کننده و مصرف کننده تحمیل هستند، (این مهم) از اهداف تعاونی است."

از دیدگاه شهید بهشتی یکی دیگر از مسایل در تعاونی‌ها، حق رأی است که تابع سرمایه نیست (البته در قانون اجرایی شدن سیاست‌های اصل ۴۴ تعاونی‌های دیگری هم به نام "تعاونی سهامی عام" اجازه تشکیل دارند. بر اساس آن برای افرادی که این تعاونی‌ها را تشکیل می‌دهند حق رأی، تابع سرمایه است. از دید قانون‌گذار این به خاطر افرادی است که می‌خواهند سایر ارزش‌های تعاون را داشته باشند) اما به دلیل انگیزه بیشتر برای سرمایه‌گذاری، حق رأی متناسب سرمایه داشته باشند. یک مشخصه اصلی دیگر را که کم و بیش مطرح کرده‌اند، شرط صاحب سهم بودن شاغلان در تعاونی‌های تولیدی است. یعنی تنها کسانی بتوانند در تعاونی تولید صاحب سهم باشند که بمانند و آنجا کار کنند.

اگر چه اکثر کارشناسان اموراتصادی و تعاونی‌ها معتقدند که شهید بهشتی در سال‌های نخست انقلاب از جمله روحانیونی بود که با داشتن اطلاعات به روز و کارآمد در تدوین قانون اساسی نقشی بسزایی داشت ولی به گفته یک اقتصاددان تنها دانستن این موضوع، برای شناخت اهمیت تأثیرگذاری آن روحانی بزرگ و

شهید کافی نیست.

این کارشناسان بر این باورند که: یکی از مشکلات دولتمردان در سال‌ها و روزهای نخست انقلاب، جمع‌آوری و شناسایی نیروهای متخصص، مسلمان و معتقد بود و در آن دوران شهیدبهبشتی با داشتن اطلاعات مثبت، نقش مؤثری در پی ریزی اساس نظام و شیوه‌های اجرایی در اقتصاد کشور داشت. در این راستا وقتی آن بزرگوار بر اساس سخنرانی معروفی که در مورد اهمیت و جایگاه تعاون در اقتصاد کشور ایراد کرد از میزان حق رأی، عدم دخالت واسطه‌ها و همچنین ایجاد روابط سالم و سازنده بین مجموعه تولیدکنندگان صحبت می‌کند بیانگر شناخت از اقتصاد سالم و گرایش‌ات اقتصادی عادلانه در بین مردم ایران است.

ما در کشوری زندگی می‌کنیم که سوای اصول علمی و آکادمیک از دیرباز به گونه‌ای بسیار سستی تعاون را در مجموعه کارهای خود داشته‌ایم. حال در روزهایی که یکی از اهداف مردم از برپایی انقلاب اسلامی بر چیدن نظام سرمایه‌داری وابسته است، کسی می‌آید و سالم‌ترین شیوه اقتصاد مردمی را که اساس آن بر تولید و منفعت عمومی است معرفی می‌کند.

آیت‌ا... دکتربهبشتی در خصوص مالکیت تعاونی می‌گوید:

«مالکیت‌های تعاونی قطعاً از نوع مالکیت‌های مشاع هستند و یعنی صاحبان سهام در شرکت تعاونی تولیدی یا مصرف در کل دارایی این شرکت‌ها سهام هستند. در هر یک عدد خود کار و برگ کاغذ و در هر ساختمان‌ش. پس مالکیت مشاع است. سؤال این است که این مالکیت مشاع را چگونه باید توجیه کنیم تا با آن هدف‌هایی که برای شرکت تعاونی لازم است، سازگار شود. یکی دیگر از نکات این است که در شرکت تعاونی تولیدی، کسی که در آنجا کار می‌کند می‌تواند صاحب سهم باشد. اگر کار نکرد و بیرون رفت چه می‌شود؟ هیچکس

نمی‌گوید که سهمش از بین می‌رود، بلکه می‌گویند معادل آن سهم یعنی ارزش قیمتی آن سهم را به او می‌پردازیم و ملزم است که این ارزش قیمتی را بگیرد و برود.

غرض از شرکت تعاونی تولیدی این است که صاحبان نیروی کار به وسیله صاحبان سرمایه استثمار نشوند و این انگیزه را داشته باشند که برای خودشان کار کنند نه برای سرمایه دار و حتی نه برای دولت؛ و خودانگیزگی اقتصادی داشته باشند.

بنابراین ما باید بتوانیم در مالکیت سهام در تعاونی‌ها این شرایط را بگنجانیم»

دکتر شهید بهشتی همچنین معتقد است که در بحث مالکیت تعاونی مسئله سود بسیار قابل توجه است. وی می‌گوید:

«مسئله‌ای که در رابطه با مالکیت تعاونی مطرح است، مسئله تقسیم سود است. اگر ما می‌خواستیم در تعاونی‌های مصرف این فرمول متداول را که میزان خرید در سود دخالت داشته باشد و قاعده فلسفه تعاونی مصرف این را ایجاد می‌کند بپذیریم از نظر احکام مربوط به مالکیت مشاع و مالکیت تعاونی چه خواهیم کرد؟ آیا ما می‌توانیم با شرط در معامله یا شرط در قرارداد، یا شرط در خرید سهام این را رعایت کنیم یا نه؟ این هم برای خود مسئله‌ای است.»

دکتر شهید بهشتی در زمینه تعاون معتقد است که دولت می‌تواند برای کمک به گروهی که قصد فعالیت و تولید دارند وام بدهد تا برای آن گروه یک پشتوانه باشد. از سوی دیگر معتقد بود که می‌توان با وام دادن به جوان‌های بیکار و کسانی که در ادارات کارایی چندانی ندارند، آنها را به مرحله تولید و سوددهی رساند، این افراد قادر خواهند بود تا با این سرمایه، یک شرکت تعاونی تولیدی یا

خدماتی به وجود آورند.

البته چنین نگرش تولیدگرایانه‌ای در اقتصاد یک کشور تازه انقلاب کرده بسیار روشنفکرانه است. شهید بهشتی بر این باور است که حداقل در بخش عظیمی از اقتصاد یا تمام آن می‌توانیم طوری عمل کنیم که دولت کمتر دست اندرکار باشد و در عین حال هم به سمت سرمایه‌داری کشانده نشویم و حتی ریشه‌های سرمایه‌داری وابسته را قطع کنیم.

وی می‌افزاید:

«در این رابطه نقش خواهران و برادرانی که می‌خواهند در هدایت مردم از نظر آموزش و نیز در اداره از نظر تنظیم قوانین و آیین‌نامه‌ها و اجرای آن مسئولیتی مستقیم بگیرند، خیلی زیاد است.»

شهید بهشتی به‌عنوان مبدع این روش، به لحاظ شکلی، تعاونی‌ها در ایران را همانند شکل مرسوم دنیا معرفی می‌کند لکن زیبایی اصلی این سبک اقتصادی را حرمت انسان و شرافت انسان‌ها سوای پول‌ها و سرمایه‌هایشان می‌داند. ایشان در تشریح محتوای تعاون، ملاک‌های اسلامی در اقتصاد را هدف تعاونی‌ها می‌شمارد و تأکید دارند که باید این ایده‌ها مورد توجه قرار گیرد.

طرح این موارد اساسی در اقتصاد و حمایت بقیه بزرگان عضو خبرگان قانون اساسی، منجر به تصویب بندهای ۴۳ و ۴۴ این قانون مترقی دنیای امروز شد. با اینکه بعد از شهادت این اندیشمند انقلاب اسلامی قدم‌های نظری قابل توجهی برای جا انداختن تعاون نشد اما گنجاندن این شیوه در قانون اساسی و به تبع آن در سایر قوانین کشور و مخصوصاً دفاع مکرر و تأکیدات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای از این روش جهت ایجاد عدالت اجتماعی، مجوزی برای رشد و

بالندگی تعاون در جامعه اسلامی ایران گردید.

متأسفانه بینش‌های غیر معتقد به اندیشه بهشتی و یا برداشت‌های ناصحیح شخصی در نگاه بعضی از افراد، اجازه نداد تا تعاون به شکل برنامه‌ای و رویکردی مورد حمایت جدی قرار گیرد. اما احساس ضرورت شدید در کشور برای انسجام گروه‌های کثیر مردمی و سازماندهی و حمایت و نظارت و پیگیری مراحل توانمند سازی آنان؛ منجر به تشکیل وزارت تعاون در سال ۱۳۷۰ شد. ولی با وجود این ضرورت فقط جزیره‌های متفرق تعاونی که در چند وزارتخانه به شکل فعالیت می‌کرد با کارکنان و وظایف آنان در وزارت تعاون قرار گرفت و چون این اقدام بر اساس طرح مجلس بود، برای فرار از اشکال قانونی اصل ۷۵ قانون اساسی، ردیف‌های اعتباری آنان در همان وزارتخانه‌ها ماند. این وظیفه و عوامل انسانی آن بدون لحاظ شدن اعتبارات بودجه مختص وظایف و فعالیت‌های برنامه‌ای، رشد لازم را نداشته است. در نتیجه نتوانست دو وظیفه اصلی حمایت (هم حمایت مالی و تسهیلاتی و برنامه‌ای) و هم نظارت جدی به فعالیت‌های آنان را به خوبی مطابق استقبال مردم به انجام برساند.

در مقابل، مخالفان ایده تعاون هر از چند گاهی که فرصت پیدا کرده‌اند، تیشه‌ای به موجودیت و اعتبار ساختار و شیوه تعاون در کشور وارد کردند. البته به دلیل آن سابقه فکری، دینی و اجتماعی و انقلابی در ایران، مردم خودشان این شیوه را پی گرفتند. بیش از همه رهبر معظم انقلاب، با هوشیاری تمام، مانع از تضعیف شدند و طی بیان رسایی به دولت وقت فرمودند:

"یک کاری در این کشور وجود دارد که اگر وزارت تعاون نکند هیچ

دستگاه دیگری نخواهد کرد. یک کاری وجود دارد که فقط کار وزارت

تعاون است. و من بر خلاف کسانی که تصور می‌کردند وزارت تعاون جدی نیست یا خوب است ادغام در فلان تشکیلات شود، من معتقدم نه؛ یکی از کارهای خوب دولت این است که وزارت تعاون را به وجود آورد و وزارت تعاون بسیار جدی است. و لاقبل برای این مرحله از اشتغال (که ما اینقدر نیاز به اشتغال داریم). به این تعاون ما نهایت نیاز را داریم و من خواهش می‌کنم از همه برادران دولت که در دولت در جهت تقویت کار تعاون نظر بدهید».

جالب است که در دوره‌های متعدد در کنار مخالفان رشد همراه عدالت اجتماعی که اعتقادی به بازی گرفتن همه طبقات ملت مخصوصاً طبقات کم درآمد و ضرورت برقراری عدالت اجتماعی ندارند؛ افراد دیگری با شیوه تعاونی در اقتصاد مخالفت می‌کنند و یا علاقه‌ای به توسعه آن ندارند که خود را علاقه‌مند و مرید شهید بهشتی و تفکرات او می‌دانند. به نظر می‌رسد مظلومیت بهشتی فراتر از آن است که تصور می‌شود.

عده‌ای از علاقه‌مندان به تعاون معتقدند که به در هیچ دوره‌ای تعاونی‌ها به شکل جدی مورد حمایت نبوده و اجازه بسترسازی و تحقق پیدا نکرده‌اند تا در دوره‌ای مورد ارزیابی دقیق عملکرد قرار گیرند.

ارزیابی وضعیت اقتصادی کشور نشان از خطر بروز کارفرمایی مطلق دولت در اقتصاد و تکاثر ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص دارد. بیش از همه رهبر خردمند انقلاب اسلامی فکر چاره افتادند و با ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی نسخه شفاف‌بخش این خطرات احتمالی را ارائه نمودند که در آن، واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به مردم یا در حقیقت سپردن اقتصاد به خود

مردم، تقویت تعاونی‌ها و جمعیت‌های مردمی و توانمندسازی بخش‌های تعاونی و خصوصی برای حضور در اقتصاد مد نظر است. امید است با اجرای همه مفاد آن از جمله موارد مهمی که در تقویت تعاونی‌ها مد نظر می‌باشد بخصوص در شرایطی که زمینه برنامه‌ریزی و اجرای طرح تحول اقتصادی فراهم می‌شود؛ بتواند این ایده صحیح اقتصادی را به نفع نظام و ملت تقویت کند.

خصوصیات ویژه شرکت‌های تعاونی

۱. قائم به ذات و متکی به اعضا است نه به سرمایه،
۲. در تعاونی‌های متعارف، هر عضو یک رأی دارد (نسبت سهام به رأی معنی ندارد)،
۳. برخوردای از مزایای معافیت‌های مالیاتی در بعضی از انواع تعاونی‌ها،
۴. تساوی همه اعضا در برخوردای از حقوق و وظایف یکسان با وجود تفاوت در میزان سهام،
۵. تقسیم مازاد درآمد میان اعضا در صورت وجود سود خالص سالانه،
۶. تخصیص سهام به نام اعضا و غیر قابل انتقال بودن آن به اعضا و غیر اعضا با تصویب هیئت مدیره،
۷. سنخیت و همفکری عامل مشترک و پیشرفت کار،
۸. حذف واسطه‌های غیرضرور در کسب و تجارت و رقابت با صاحبان این‌گونه مشاغل کاذب،
۹. جلوگیری از بهره‌کشی و استثمار افراد.

دسته‌بندی تعاونی‌ها پس از انقلاب اسلامی

بعد دیگر بررسی تاریخچه تعاون در بعد از انقلاب، بررسی نوع تعاونی‌های تشکیل شده و تقسیم‌بندی‌های صورت پذیرفته از آن است. در اینگونه از بررسی‌ها، جنبه تاریخی در مفهوم زمان، سال و ماه چندان مورد توجه نبوده و آنچه که اهمیت دارد، نوع رویکرد و نگاه به تعاونی‌ها و حوزه‌های کاربرد و استفاده از آن است. در واقع نوع نگاه، نگاهی تاریخی - کارکردی است. بعد از انقلاب اسلامی، تقسیم‌بندی‌های متنوع و در عین حال همگرا از تعاونی‌ها انجام شده و در برداشتی کلی این تقسیم‌بندی‌ها را می‌توان در چند گروه تقسیم‌بندی‌های قانونی - حقوقی، تقسیم‌بندی‌های اجرایی - برنامه‌ای (براساس تعداد اعضا و گرایش‌های تعاونی) و تقسیم‌بندی‌های نظری و علمی خلاصه نمود.

الف) تقسیم‌بندی قانونی - حقوقی

قانون تعاون جمهوری اسلامی ایران در مواد ۲۸-۲۶، تعاونی‌ها را به دو دسته تولیدی و توزیعی تقسیم‌بندی می‌کند. این در حالی است که قانون تعاون ۱۳۵۰، انواع شرکت‌های تعاونی را در سه رشته کشاورزی (تعاونی، کشاورزی و روستایی)، مصرف (تعاونی‌های مصرف‌کنندگان، مسکن، اعتبار و آموزشگاهی)، کار و پیشه (تعاونی‌های حرف و صنایع دستی، صنایع کوچک، تهیه و توزیع، مشاغل آزاد و صیادان) تقسیم‌بندی کرده و با ذکر دو تبصره، به تعاونی‌های خاص و تعاونی‌های کارگری نیز اشاره داشته است.

شرکت تعاونی تولیدی: شرکتی است که به منظور اشتغال در امور مربوط به کشاورزی، دامداری، دامپروری، پرورش و صید ماهی، شیلات، صنعت، معدن، عمران شهری و روستایی، عشایری و نظایر اینها فعالیت می‌نماید و در مجموع

یک واحد تولیدی را با اشتغال در آن اداره می‌کند.

شرکت تعاونی توزیعی: شرکتی است که در تهیه و توزیع کالا، مسکن، خدمات و سایر نیازمندی‌های اعضا فعالیت می‌نماید. آن دسته از شرکت‌های تعاونی که فعالیت آنان هم تولیدی و هم توزیعی باشد را شرکت تعاونی تولیدی و توزیعی نامند.

نوع دوم تقسیم بندی، تعاونی‌ها بعد از انقلاب، تقسیم‌بندی در قالب برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرایی است.

ب) تقسیم‌بندی اجرایی برنامه‌ای (تقسیم‌بندی از لحاظ نوع عضویت و حوزه‌های فعالیتی)

شرکت تعاونی عام: شرکتی است که عضویت در آن برای همه آزاد است. تعداد اعضا در این تعاونی‌ها حداقل ۵۰۰ نفر و براساس نوع تعاونی، که وزارت تعاون تعیین کرده، مشخص می‌شود.

شرکت تعاونی خاص: شرکتی است عضویت در آن برای گروهی خاص مانند کارگران، دانشجویان، کشاورزان، زنان، پزشکان، وکلای دادگستری، اعضا هر صنف و مشاغل خاص و نظایر اینها و با رعایت شرایط آزاد تعیین می‌شود. در خور توجه است که ۷ شرکت تعاونی (برای نمونه) دامداران، پرورش دهندگان زنبور عسل، پرورش دهندگان کرم ابریشم، دامپروران، صیادان، یا سایر صاحبان صنایع و هر گروه دیگر که در در رده تولیدی نام برده شده در صورت تشکیل تعاونی برای تامین نیازهای خود، از نوع تعاونی‌های توزیعی (تامین‌کننده نیاز تولیدکنندگان) خواهد بود.

از بعد تقسیم برنامه‌های وزارت تعاون، در حال حاضر ۱۱ نوع تعاونی بدین نام‌ها در کشور وجود دارد:

۱. کشاورزی
۲. صنعتی
۳. معدنی
۴. خدماتی
۵. مسکن
۶. فرش دستباف
۷. تامین کننده نیاز تولیدکنندگان
۸. تامین کننده نیاز مصرف کنندگان
۹. اعتبار
۱۰. حمل و نقل
۱۱. چند منظوره

پ) تقسیم بندی نظری و علمی

در این نوع از تقسیم بندی ها، تعاونی ها را می توان به صورت های گوناگون و با توجه به شاخص های عدیده نظیر محیط فعالیتی (شهری، روستایی، عشایری،...)، میزان سرمایه (کوچک، متوسط، بزرگ)، جنس و سن اعضا (زنان، مردان، جوانان و...) و نظایر آن تقسیم بندی نمود.

فصل چهارم

تعاون در اسلام

تعاون در اسلام

از آنجا که دین مبین اسلام یک نظام آموزشی انسان‌ساز است، از این رو برای شکل‌گیری اجتماعات سالم، تأکید فراوانی بر تعاون و همکاری نموده و در قالب نظام تربیتی آن پدیده اقتصادی و اجتماعی تعاون را به‌عنوان یک اصل اساسی پذیرفته و اصل یکپارچگی و روح تعاون و ایثار را از خصوصیات چنین نظامی معرفی نموده است.

موضوع تعاون و همکاری به‌عنوان ضرورتی اساسی و امری فطری برای انسان‌ها و همچنین تقویت‌کننده روح همدلی و یاری در جهت رشد اجتماعات انسانی و بهبود امور، کاهش‌دهنده مسائل و مشکلات و ضامن بقای انسان‌ها مورد توجه ادیان الهی بوده و به اشکال مختلف مورد تأکید و توصیه قرار گرفته است. تعاون و همکاری می‌تواند در تحقق رشد و شکوفایی جامعه نقشی بسزا ایفا کند. بدیهی است با گسترش فرهنگ تعاون، وحدت و همدلی در جامعه حاکم شده و ابتکارها و خلاقیت‌ها پدیدار می‌گردد و جامعه از آسیب دشمنان مصون

می‌ماند. در جهان امروز برای کسب توفیق و سرافرازی در کلیه مسایل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نیازمند تعاون و همکاری هستیم و همواره می‌باید آیه شریفه "تعاونوا علی البر و التقوی" الگوی اعمال و رفتار هر انسانی باشد تا بتواند به اهداف و مقاصد عالی دست یابد.

اگر چه در نظر اول هدف از فعالیت‌ها و توسعه تشکیلات تعاونی و توجه و پیوستن گروه‌های گوناگون اجتماعی به تعاونی‌ها توجیحات اقتصادی و رفع نیازهای مادی افراد می‌باشد لکن تلاش‌های تعاونی متکی بر اساس معنویت دقیقی است که زمینه همبستگی عمیق مردم را فراهم می‌سازد.

پذیرش بار مسئولیت ناشی از عضویت در تعاونی‌ها و تعهد و احساس وظیفه در امور مادی و اخلاقی و اجتماعی؛ سازنده افرادی است که قادرند سازمان‌ها و مؤسسات متعلق به خود را با اعتقاد و ایمان کامل اداره و سرپرستی نمایند و با کمک یکدیگر روی پای خود بایستند تا از طریق این اعتقاد و اعتماد به نفس در جامعه متحول و پرکشمکش کنونی به موجودیت و حیات خود در قالب افراد آزاده و سرافراز تحقق بخشند و از مزایای زندگی شرافتمندانه بهره‌مند گردند.

به همین علت صرف نظر از مزایا و ارزش‌های اقتصادی که در فلسفه وجودی تعاونی‌ها نهفته است جنبه‌های معنوی، اجتماعی و آثار سازنده‌ای که تعاونی‌ها در بهبود وضع اخلاقی و تربیتی و تغییر افکار و اندیشه‌های افراد دارند باید مورد توجه قرار گیرد.

مردمی که از طریق پیوستن به تعاونی‌ها قوای پراکنده خویش را متمرکز و استعدادها و امکانات خویش را صرف بهبود زندگی می‌نمایند سازندگان جوامعی

هستند که عدالت، تقوا، همکاری و کمک متقابل، معیارهای مورد احترام و اتکای آنهاست.

اگر رشد و توسعه تعاونی‌ها به اندازه‌ای باشد که اکثر مردم را در برگیرد و به تغییر اوضاع جامعه به گونه‌ای که از نهضت تعاون مورد انتظار است بینجامد تحقق آرمان‌های اجتماع در زمینه‌های توزیع عادلانه ثروت، توفیق در ریشه‌کن ساختن فقر و تهیدستی و اختلافات فاحش طبقاتی، هدفی دور از دسترس نخواهد بود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مفاد آن بیانگر خواست تبلور اراده امت مسلمان ایران است، ضرورت تعاون و شکل‌گیری و سازمان‌یابی تعاونی‌ها را مطرح کرده و مورد بحث قرار داده است و بر تقویت نظام تعاونی‌های تولید و توزیع، به نحوی که موجب تعادل بین فعالیت‌های بخش دولتی و بخش خصوصی را با حفظ اصالت‌ها و ارزش‌های فرهنگ اسلامی در جامعه مهیا سازد، تأکید نموده است.

نهضت تعاونی همواره در صدد است انسان‌هایی پایبند به فضایل اخلاقی و رعایت‌کننده عدالت در مناسبت اقتصادی تربیت کند و به اعضای خود بیاموزد تا ضمن ادامه تلاش‌های فردی، کوشش‌های جمعی را نیز مدنظر قرار دهند و سعادت و رفاه خود را در همکاری و معاونت با دیگر افراد جامعه جست‌وجو کنند.

دین اسلام برای مشارکت عمومی و تعاون و همکاری توده‌های مردم در جامعه و ارائه خدمات عمومی و سهمی بودن در این امر به‌عنوان یکی از عوامل مهم تعالی جوامع و افراد، تأکید نموده و به فکر خود بودن و همه چیز را

برای خود خواستن (نفع‌گرایی و منفعت‌طلبی غیراصولی) را به شدت منع و نفی نموده است.

سیره‌نویسان و تاریخ‌نگاران مسلمان و غیرمسلمان اذعان دارند که پیامبرگرامی اسلام با تلاشی مستمر در تبلیغ اسلام، کوشیدند تا مبانی فکری و اخلاقی تعاون را بین مسلمانان پدید آورند و در این راه، که با توفیق چشمگیری همراه بود، از روش‌هایی چون دعوت مردم به یکتاپرستی و ایجاد اخوت ایمانی و دینی بین آنها، دعوت به تقوا و نیکوکاری، امر به رعایت عدالت و اجرای برخی راهکارهای عملی در این زمینه مثل انعقاد پیمان برادری و مساعدت بین گروه‌های مهاجر و انصار استفاده کرد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که برنامه فرهنگی پیامبر اکرم در زمینه ایجاد بینش تعاون‌گرا بین مردم بسیار موفق بوده است. امروز نیز از اهم امور این است که دولت و همه نهادهای مسئول نظام و همه آحاد مردم که اهمیت مسئله تعاون را درک می‌کنند، با ایجاد و گسترش این روحیه، سرمایه اجتماعی مورد نیاز در این زمینه را پدید آورند و این امری دست‌یافتنی است.

در شرایط فعلی کشور ایران، تعاون به مفهوم همکاری و همیاری، بخشی از فرهنگ ملت محسوب شده و در پرتو تعالیم اسلامی بارور گردیده است و یکی از تجلیات بارز شخصیت مردم این سرزمین به‌شمار می‌رود. اهمیت این رفتار ستودنی تا آنجاست که در اصل سوم قانون اساسی به‌عنوان یکی از راهبردهای شایسته برای نیل به اهداف نظام جمهوری اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و

«توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم» از وظایف دولت قلمداد گردیده است.

تعاون در اقتصاد اسلامی

ملاک‌ها، اصول و رهنمودهای کلام وحی، روایات بزرگان دین و مطالب محققان اسلامی گویای آن است که اقتصاد بر گرفته از دستورات اسلام باید برگرفته از آموزه‌های الهی کلام وحی و منطبق بر شاخص‌های شریعت باشد. بخش زیادی از دستورات قرآن کریم مربوط به چگونگی مالکیت و روابط اقتصادی و اجتماعی بشر است.

انسانی را که دین تعریف می‌کند، موجودی آگاه، صاحب اراده و اختیار، هدفمند، کمال‌جو، مسئولیت‌پذیر و کوشاست. رفتارهای اقتصادی و فعالیت‌های تولیدی او با معیارهای مکتب منطبق است. مالکیتش حاصل سعی و دسترنج اوست و در جهت نیل به اهداف اقتصادی که همانا اعتلای معنوی انسان‌ها، استقلال اقتصادی، عدالت اقتصادی، رفاه عمومی و رشد اقتصادی است، گام برمی‌دارد.

بحث تعاون در اقتصاد اسلامی از جمله مباحث مهمی است که باید همراه با مباحث اقتصاد و معیارهای اسلام مورد بررسی قرار گیرد. تحلیل تجمعی این بحث بدون تحلیل متقابل و دو به دوی مباحث تعاون و اقتصاد، مباحث تعاون و اسلام و مباحث اقتصاد و اسلام، امکان‌پذیر نخواهد بود.

تعاون و اقتصاد

بحث تعاون و اقتصاد را می‌توان از ابعاد مختلف مورد بحث و بررسی قرار داد. یکی از کارآمدترین روش‌ها، تشریح بحث از بعد اقتصاد نهادی یا نهادگرا بوده که در آن، بررسی ارتباط تعاون و اقتصاد با بررسی روابط متقابل تعاون با بخش‌های دولتی و خصوصی آغاز می‌گردد. عناصر اصلی مقایسه نیز شامل شیوه و ساختار فعالیتی، انگیزه‌های اصلی تولید و فعالیت، نوع کالاهای تولیدی، رویکرد در مقابل مباحث اصلی اقتصادی و مشکلات مبتلا به جامعه، نوع روابط متقابل بخش‌ها با یکدیگر و همانند آنهاست. بر این اساس، در مقایسه با بخش دولتی که در آن شیوه سازماندهی سلسله مراتبی و مبتنی بر روابط بالا پایین است، شیوه اداره تعاونی‌ها، دموکراتیک و مشارکتی است و در مقایسه با بخش خصوصی که انگیزه فعالیت آن اساساً سود و توسعه بنگاه است در تعاونی‌ها، انگیزه اصلی فعالیت، تامین نیاز مشترک با تکیه بر مشارکت و همکاری داوطلبانه اعضاست.

از طرف دیگر در شرایط واقعی و اقتصاد عملی، بویژه خاصه در سطوح کلان، انجام هر گونه اصلاحاتی در زمینه ساختارها و مسائل کنونی اقتصاد کشور، الزاماً می‌بایست منطقی کردن و تصحیح شرایط و قلمرو فعالیت‌های سه بخش نهادی یعنی بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی و ایمن سازی عملکردی آنها آغاز گردد.

شفاف نبودن اصول و مبانی اولیه اقتصادی در قوانین موجود و گسترده‌گی دولت و بعضی از نهادهای شبه انحصاری مرتبط با بخش عمومی که برخی عرصه را بر بخش‌های تعاونی و خصوصی تنگ کرده‌اند از یکسو و ساختار

اقتصادی وابسته به نفت و درآمدهای آن از سوی دیگر در تقابل با تقاضای جمعیتی - معیشتی و ترکیب سنی آن، ایران را با چهار مشکل اساسی روبه‌رو ساخته است که در آینده نیز بر شدت آنها افزوده خواهد شد. برای احتراز از مشکلات پیش رو لازم است که از هم اکنون برای پاسخگویی به این چهار ضرورت وابسته به هم، تدابیر مناسب اصلاحی و ساختاری در نظر گرفته شود. این چهار مسئله اصلی عبارتند از:

- نیاز به انباشت سرمایه و انجام سرمایه‌گذاری گسترده در تمام بخش‌های اقتصادی،
 - ایجاد اشتغال مولد و پایدار با روند رو به تزاید، برای جلوگیری از بروز بحران بیکاری وسیع و تحکیم پایه‌های امنیت مادی در جامعه و استقرار عدالت اجتماعی،
 - تولید و عرضه کالاها و خدمات مورد نیاز جمعیت در بازارهای داخلی و مقابله ریشه‌ای با پدیده تورم در کل اقتصاد و بخش‌های آن،
 - افزایش پیوسته کالاها و خدمات قابل عرضه و رقابت پذیر در بازارهای جهانی با هدف رشد صادرات غیر نفتی به موازات کاهش درآمدزایی بخش نفت و سرانجام قطع صادرات آن در کمتر از دو دهه آینده.
- موضوع قابل ذکر دیگر در نگرش به اقتصاد، مشخص سازی اصول و مبانی اولیه فعالیت اقتصادی شامل تعیین وضعیت مالکیت و حد و حدود آزادی آن، تعیین قلمرو و فعالیت‌های اقتصادی مردم و دولت، ایجاد انگیزه در فعالیت‌های مختلف اقتصادی، روشن ساختن مکانیزم قیمت‌گذاری در تولید و توزیع کالا و خدمات، امکان رقابت پذیری بخش‌ها و عاملان اقتصادی، حدود تکاثر سرمایه و

امکانات سرمایه‌گذاری مجدد و نظایر آن است.

در کشورهای در حال گذار اقتصادی (مثل شرایط کشور ایران که مقرر است در سهم زیادی از اقتصاد دولتی به بخش‌های دیگر واگذار شود و استراتژی کوچک سازی دولت دنبال می‌شود)، نوع استراتژی در پیش گرفته شده جهت خصوصی سازی (مالکیت خصوصی، واگذاری، منع انحصار، مقررات زدایی و...) شامل مذاکره، مزایده، بورس و غیره می‌تواند عاملی کلیدی در جایگاه‌یابی بخش تعاون یا بخش خصوصی و یا حتی موجب بروز مفاسدی در اقتصاد باشد. در صورت توجه و محوریت عدالت اجتماعی در کشور، بخش تعاون می‌تواند نقشی تعدیل‌کننده در نهادینه شدن فعالیت‌های خصوصی در اقتصاد ملی ایفا کرده و فرآیند گسترش بخش تعاون در این مرحله از توسعه اقتصادی، سرآغاز رویکرد بریدن از اقتصاد دولتی و گرویدن به مکانیسم رشد یابنده اقتصاد بازار و ورود به مرحله خصوصی سازی با کمترین عوارض منفی اجتماعی - اقتصادی آن، در کوتاه و میان مدت است.

چنانچه رابطه بخش تعاون با سایر بخش‌های اقتصادی (دولتی و خصوصی) درست تعریف شود، بخش تعاون می‌تواند با توجه به ماهیت فعالیتی و ذاتی خود، بسترساز توسعه سرمایه‌های سه‌گانه فیزیکی (انباشت سرمایه‌های پراکنده، سرمایه‌های کوچک، و هم‌افزایی‌های ناشی از تجمیع و...)، انسانی (انسان‌گرایی، مدیریت مشارکتی، یادگیری و آموزش متقابل، آموزش مدیریت در عمل و...) و اجتماعی (شبکه‌سازی، اعتماد، مسئولیت‌پذیری، همگرایی و...) گردد. بخش تعاون می‌تواند خلاءهای فعالیتی بخش دولتی و خصوصی نموده و در جاهایی که فعالیت بخش دولتی بسیار پرهزینه و یا جهت بخش خصوصی فاقد جاذبه

فعالیتی است، فعالیت نماید.

بخش تعاون می‌تواند بستر ساز فعالیت اقتصادی سالم مبتنی بر نظام بازار (رقابت، فعالیت استراتژیک، فعالیت خوشه‌ای و...)، توزیع عادلانه و باز توزیع فرصت‌ها و... و مشارکت اقتصادی و اجتماعی گردد. در مجموع بخش تعاون می‌تواند همانند فعالیت دولت، اقدام به ارائه کالاهای عمومی کرده و فقر و نابرابری را کاهش دهد، همانند بخش خصوصی کارایی و رقابت در بازار ایجاد کرده و به شکل کاملاً مستقل هزینه‌های تامین اجتماعی را تا حد زیادی در اقتصاد تامین نماید.

اقتصاد و اسلام

مقایسه اقتصاد و اسلام در قالب دو حوزه برابر مقایسه‌ای فاقد منطق علمی صحیح می‌باشد، چرا که ماهیت اقتصاد، به‌عنوان نوعی علم، بر اثبات و ابطال پذیری قرار داشته و ماهیت دین بر آرمانگرایی معنوی است. منبع شناخت اقتصاد، علم است درحالی‌که منبع شناخت دین، وحی می‌باشد. لذا مقایسه در شرایط برابر برای دو حوزه صحیح نخواهد بود. حتی مستند سازی دائمی دین با علم نیز، نمی‌تواند کار درستی باشد. اما آنچه که می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد، استفاده از اصول کلی و روح دین در مناسبات علمی و اجرایی اقتصاد است.

اقتصاد اسلامی نمایانگر عدالت اسلامی و ارائه دهنده روشی عادلانه جهت تنظیم زندگی اقتصادی، فردی و اجتماعی بشر است. طبق بیانات امام خمینی (ره) و سایر مباحثی که توسط بزرگان اسلام مطرح گردیده است، اهداف نظام اقتصادی اسلام بر محورهای زیر مبتنی است:

اعتلای معنوی انسان‌ها

استقلال اقتصادی

عدالت اقتصادی

رفاه عمومی

رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی.

اقتصاد اسلامی مبتنی بر نظام مشارکت است. نظام اقتصادی بر اساس کتاب خدا و متون فقهی ائمه طاهرین، دستورالعمل‌های لازم را درخصوص روابط اقتصادی ارائه می‌دهد که بر محور عدالت اجتماعی استوار بوده و قوانین این نظام براساس جهان بینی الهی بنیاد نهاده شده است. به گونه‌ای که رعایت این مهم، افزایش تولید و توزیع عادلانه و استفاده مشروع از نعمت‌های الهی در زندگی به همراه آزادی برای همگان و پرهیز از اسراف را به ارمغان آورده و بشر را آماده حرکت به سوی کمال و نزدیک شدن به خدا می‌سازد.

تعاون و اسلام

اصل یکپارچگی و روح تعاون و ایثار از خصوصیات نظام اسلامی است. در دین مبین اسلام، پیامبر اکرم از آن جهت که خواستار محقق ساختن عدالت اجتماعی بودند، کار اجتماعی - سیاسی خود را با برقراری برادری و پیاده کردن اصل تعاون میان مهاجران و انصار آغاز نمودند و از آنجا که یکی از مصادیق عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی است، لذا از آن به‌عنوان جزئی از عدالت اجتماعی یاد شده است. عدالت اقتصادی یک اصل کلی در نظام اقتصادی اسلامی بوده که به زبان ساده عبارت است از تساوی امکانات، یعنی عدالت در توزیع ثروت و تقسیم عادلانه منابع برای افراد جامعه.

عدالت اقتصادی زمانی بسط و گسترش می‌یابد که بتوان زمینه "تعاون" و

مشارکت مردمی را در خصوص فعالیت‌های گوناگون اجتماعی و اقتصادی فراهم آورد. در این راستا همه خود را نسبت به برنامه‌ها و امور مربوطه به نوعی سهیم و مسئول دانسته و دور از هرگونه انحرافی، از حق و عدالت دفاع نمایند. بنابراین بدون تعاون و همکاری و همدلی عمومی و برابری فرصت‌ها نه تنها هرگز نمی‌توان به "عدالت اجتماعی" و "عدالت اقتصادی" دست یافت، بلکه همواره با بروز ثروت اندوزی‌ها و عدم گسترش اقتصادی سرمایه‌ها، فقر و فواصل طبقاتی افزایش یافته و اضرار به غیر، عرصه زندگانی را بر همگان تنگ و ناخشنود خواهد.

از طرف دیگر در تعالیم معصومان (ع) همان‌طور که فقر و بقای آن در میان مردم مذموم است، تکاثر ثروت در دست عده‌ای خاص نیز بلای بزرگ اجتماعی بیان شده و بر اساس نص صریح قرآن کریم چنین ثروت و غنایی انسان‌ها را به طغیان می‌کشاند. همچنین در نگاه اقتصادی ارایه شده توسط بزرگان دین، یکی از عوامل اساسی فقر، نظام شکل گرفته رفتاری اغنیا بیان شده و برای مقابله با انحصار ثروت در اختیار افراد و گروه‌های خاص و پرهیز از جمع شدن قدرت کارفرمایی مطلق در اختیار دولت‌ها، یکی از روش‌های تاثیرگذار این است که فرصت حضور جوانان و کسانی که با داشتن توان فکری و جسمی لازم از داشتن امکانات مالی محروم هستند به شکل تعاونی در جامعه اسلامی فراهم گردد. تا نداشتن و یا کم داشتن سرمایه افراد موجب محرومیت آنها جهت حضور در اقتصاد نشود و عده‌ای هم به دلیل داشتن فرصت‌ها و ثروت‌های انحصاری، یکه‌تاز اقتصاد نباشند.

براساس توضیحات ارایه شده، به نظر می‌رسد نزدیکترین روش به آموزه‌های

دینی در اقتصاد اسلامی، روش تعاون واقعی است که هم مالکیت را برای افراد محترم می‌شمارد و هم نوعی توزیع عادلانه فرصت‌ها و ثروت ملی است. متأسفانه عده‌ای با داشتن روحیه همدردی با فقرا تصور می‌کنند با کمک‌های مقطعی، بدون ایجاد توانمندی لازم، می‌توان در پیچه فقر را در جامعه مسدود کرد در حالی که تجارب علمی و عملی موجود نشان می‌دهد اگر مراحل توانمندسازی هر انسانی چه فقرا (که در ابتدای حضور و طبقه زیرین اقتصاد هستند) و چه جوانانی که در ابتدای راه برای حضور در جامعه می‌باشند، انجام نشود تدریجاً طبقات متوسط جامعه هم به دلیل نداشتن توان لازم و مهارت و تجربه کافی در اقتصاد بازار و جامعه امروزی به صف فقرا خواهند پیوست.

برای آشنایی بیشتر با نگرش اسلام به تعاون مناسب است در ادامه به بخشی از تحقیق آقای محسن عباس نژاد با عنوان "تعاون" در مجموعه "قرآن - اقتصاد" اشاره می‌شود:^۱

تعاون

رقابت آزاد، به معنای مسابقه نامحدود افراد در جلب منافع شخصی، از اصول نظام سرمایه‌داری برای رسیدن به تعادل خودکار، کارایی و رفاه اقتصادی است. در الگوی رقابت آزاد، فرض بر این است که اخلاق و دین (دخالت تشریحی پروردگار) این مکانیسم را محدود نمی‌کند و هر کس می‌کوشد بیش‌ترین سود یا مطلوبیت مادی را به دست آورد. نابودی اخلاق، گسترش تبلیغات غیرواقعی و مخرب جهت جلب منابع بیشتر، گرایش تولید به سوی نیازهای غیرواقعی، عدم تامین نیازمندان جامعه، حذف غیرانسانی رقبای کوچک و پدید آمدن انحصارهای بزرگ بخشی از آثار منفی این نظام به شمار می‌آید.

عرضه و تقاضا و اعتماد به فرضیه خیالی «دست نامرئی» آدم اسمیت، برای جامعه فساد و بحران به ارمغان می‌آورد. به همین دلیل، شارل فوریه رقابت را عامل نفاق و فساد می‌خواند و از

۱. عباس نژاد، محسن. قرآن - اقتصاد / گردآوری محسن عباس نژاد و همکاران. انتشارات بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.

نابودی ضعیفان توسط قدرتمندان سخن به میان می‌آورد. بحران سال‌های ۱۸۹۰ میلادی نیز مقدمات تحقق این پیش‌بینی را سامان داد. یکی از آثار این بحران شکل‌گیری اتحادیه‌های صنعتی بود. این اتحادیه‌ها، در قالب کارتل و تراست، برای نجات نظام سرمایه‌داری از بحران پدید آمدند؛ کنترل صنعت را به عهده گرفتند و هزینه تولید و قیمت کالا را به شدت زیر نظر قرار دادند.

از این تاریخ اقتصاد اتمی (اقتصاد ذره‌ای)، که در تصور نظریه پردازان کلاسیک نظام سرمایه‌داری غرب شکل گرفته بود، به اقتصاد مولکولی تحول یافت. یعنی واحدهای مستقل اقتصادی (اتم‌ها) با یکدیگر ترکیب شدند و مولکول‌های اقتصادی را در قالب کارتل و تراست، پدید آوردند. البته این واپسین گام نظام سرمایه‌داری برای رهایی از بحران شمرده نمی‌شود. از سال ۱۹۳۰ میلادی، تئوری «رقابت انحصاری» که توسط چمبرلین مطرح شده بود، با توجه روبه‌رو شد و آشکار گردید که به سبب ناکامی عملکرد سیستم آزاد سرمایه‌داری، دخالت دولت در اقتصاد، اجتناب‌ناپذیر است.

این واقعیت مسلم شده است که رقابت، در مفهوم سرمایه‌داری، پایدار نیست و بتدریج خود را نابود می‌سازد و به تبانی و انحصار می‌انجامد. بدین سبب لویی بلان معتقد است "رقابت قاتل رقابت است".

نظام اقتصادی اسلام، با پذیرش این واقعیت، هماهنگی ناآگاهانه فعالیت‌های اقتصادی از طریق سازگاری خودکار تصمیمات فردی و نظریه «دست نامرئی» را نادرست می‌شمارد و با توجه به ابعاد معنوی و اخروی انسان، مکانیسم «تعاون» را ارائه می‌دهد. البته تعاون را در دو عرصه مختلف طرح می‌نماید «تعاون در کارهای نیک» و «تعاون در گناه». امکان دارد در الگوی «رقابت انحصاری» نوعی تعاون مشاهده شود اما به دلیل محصور شدن ساختار انگیزشی در امور مادی، نمی‌توان آن را «تعاون در کارهای نیک» خواند: (تعاونوا علی البر والتقوی و لاتعاونوا بالاثم والعدوان).

در این راهکار، با توجه به اجتماعی بودن انسان و انگیزه‌های مادی و غیرمادی، هر فرد می‌داند بیشترین مطلوبیت تنها در پرتو رعایت «اصل برابری و برادری» و محصور نماندن در منافع مادی شخصی به دست می‌آید. «اصل برابری و برادری» می‌گوید: افراد یا به سبب تساوی در آفرینش با تو برابرند و یا با توجه به هم

کیش بودن، برابری مضاعف دارند (نهج البلاغه نامه ۵۳).

این روش باتوجه به مبنای فلسفی «اصالت روح» و نیز نهاد «آزادی و مسئولیت» طراحی شده و فرض‌های آن از طریق تعالیم اسلامی قابل استخراج است. بعضی از تعالیمی که در دست‌یابی به این فروض سودمند هستند آورده می‌شوند.

۱- وجوب کفایی تامین نیازهای جامعه: این آموزه برای افزایش انگیزه افراد، جهت شرکت در کارهایی که رفاه اقتصادی جامعه به تحقق آنها مشروط است ارائه شده است. بخشی از نیازهای جامعه که می‌تواند به وسیله گروهی از مردم برآورده شود، مشمول این قانون می‌گردد. تا وقتی این نیازها برآورده نشده، همه مردم به طور انفرادی مسئولیت دارند و با بازخواست خداوند رو به رو می‌شوند. این آموزه بر پذیرش ابعاد غیرمادی انسان مبتنی است و در بستر توجه افراد به معنویت و آخرت، به انتخاب داوطلبانه آنها جامعه عمل می‌پوشد.

۲- «تعاون» و تامین کالا: کثرت عرضه‌کنندگان و وفور کالا در مکانیسم تعاون ویژگی دیگری است که می‌تواند تثبیت قیمت‌ها و ثبات اقتصادی را به ارمغان آورد. نظام اقتصادی اسلام، از توجه به ابعاد معنوی و اخروی برای دست‌یابی به این هدف بهره می‌برد. رسول خدا (ص) به مردی که مواد غذایی را ارزان‌تر از دیگران می‌فروخت؛ فرمود: جنس را ارزان‌تر عرضه می‌کنی؟ گفت: آری پیامبر اکرم (ص) پرسید: آیا به خاطر خدا بر سود اندک قناعت می‌ورزی. مرد پاسخ داد: آری، حضرت فرمود:

(ابشر فان الجالب (ای للبضایع) الی سوقنا کالمجاهد فی سبیل الله و المحتکر فی سوقنا

کالمحد فی کتاب الله)

«بشارت باد تو را؛ زیرا عرضه‌کننده و آورنده اجناس به بازار ما، چون مجاهد

در راه خداست و محتکر در بازار ما، مانند کافر در کتاب خدا است.»

۳- مواسات: این واژه به معنای یاری‌دادن نیازمندان است و در گستره امور مالی، به شکل شریک دانستن دیگران در اموال شخصی آشکار می‌شود. در قرآن کریم، مواسات از ویژگی‌های مؤمنان بر شمرده شده است:

[وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ - لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ] (معارج، ۲۴ و ۲۵)

«آنان که در اموالشان حق معلومی برای تقاضاکننده و محروم قرار دارد».

نظام اقتصادی، با توجه به واقعیت اجتماعی بودن بشر، انسان‌ها را اعضای یک پیکر می‌داند پیروانش را به همدردی با نیازمندان و ناتوانان سفارش می‌کند (شیخ کلینی: الکافی ج ۲، ص ۱۴۷)

امام رضا (ع) درباره ویژگی‌های پیامبر اکرم (ص) چنین می‌فرماید:
(... و افضلهم عنده اعمهم نصیحة للمسلمین و اعظمهم عنده منزلة احسنهم مواساة و

موازرة)

«برترین افراد نزد پیامبر خدا (ص) کسی بود که خیرخواهی‌اش به مسلمانان فراگیرتر بود و بزرگترین مردم نزد وی کسی بود که در بخشش مالی و مددسانی بهتر رفتار می‌کرد».

۴- حرمت ربا و استحباب قرض: نظام سرمایه‌داری که مهم‌ترین مشکل اقتصاد را کمبود سرمایه می‌دانست، برای جلب سرمایه‌های هنگفت، به تجویز ربا روی آورد. تجویز ربا به معنای برتری دادن سرمایه بر دیگر عوامل تولید است و قدرت توانگران را فزونی می‌بخشد. در نظام اقتصادی اسلام، تامین سرمایه از طریق مشارکت در سود واقعی و نیز، در مواردی، با استفاده از نهاد قرض صورت می‌گیرد. نهاد «قرض» با توجه به انگیزه‌های معنوی - اخروی قرض‌دهندگان سامان می‌یابد. در آموزه‌های دینی، چنین آمده است:

«هر که به برادر مسلمانش وام دهد، در برابر هر درهم، به اندازه کوه احد و کوه‌های رضوا و طور سینا برایش کردار نیک نگاشته می‌شود؛ و اگر در بازپس گرفتن آن در زمان تعیین شده آسان بگیرد، در رستخیز که نیکوکاران پاداش داده می‌شوند، او چون برق شتابان از «صراط» می‌گذرد.» (محمد حسن نجفی: جواهر

الکلام، ج ۲۵، ص ۱)

درک مفهوم آموزه‌هایی چنین، در پرتو توحید و اصالت روح که از مبانی نظام اقتصادی اسلام به شمار می‌آیند، ممکن است.

۵- نقش دولت: دولت، باتوجه به مبنای «دخالت تشریحی»، وظیفه دارد در جهت تحقق شرایط «تعاون» به هدایت و تربیت افراد پردازد. افزون بر این، دولت طبق اصل «ضمان اعاله» وظیفه دارد. ("ضمان اعاله" به معنای وظیفه دولت در تامین نیازهای ضروری افراد جامعه است) از مالیات‌هایی چون زکات و خمس در جهت تامین معیشت مردم و ایجاد امکانات برای فعالیت‌های اقتصادی آنان بهره‌گیرد. بنابراین، در نظام اقتصادی اسلام، باتوجه به حضور انگیزه‌های غیرمادی در گستره جامعه، زمینه پیدایش بحران‌های اقتصادی و چیرگی توانگران بر ضعیفان تحقق نمی‌یابد.

به دلیل ممکن نبودن انتخاب همه جانبه این ساختار توسط فرد یا گروهی از افراد از طرف دیگر، نظام اقتصادی برتر پیش از برخورد با بحران شدید درباره راه کارهای مهار آن می‌اندیشید. پیش‌بینی بحران، کشف روش مهار آن و شیوه تامین منافع جامعه بخشی از وظایف دولت اسلامی است که با توجه به «اصل مداخله دولت» در نظام اقتصاد اسلامی سامان می‌یابد. بنابراین، می‌توان گفت نظام اقتصاد اسلامی از نوع آزاد ارشادی است و در پرتو مقرراتی که تامین‌کننده نیازهای مادی و غیرمادی مردم است، شکل می‌گیرد. در این نظام، نهاد دولت برای تضمین اجرای درست مقررات یادشده و تحقق مصالح اجتماع به کارگرفته می‌شود.

فصل پنجم

بخش تعاون، ظرفیتی نو در کلام

رهبری

بخش تعاون، ظرفیتی نو در کلام رهبری

"این احساسی که در ملت ما پیدا شده است که باید تعاون کند باید اعانت کند. این از برکات انقلاب است"

"تا در این کشور روح تعاون وجود دارد از جمیع بلیات مصون و محفوظ است" [امام خمینی(ره)]

تعاون به معنای همکاری و همدلی همواره از توصیه‌های امام خمینی بود. اصل شکل‌گیری انقلاب اسلامی نیز با تعاون انجام گرفته است. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، بارها بر اهمیت و ضرورت تعاون هم در معنای کلی و هم در معنی اختصاصی آن در اقتصاد سخن گفته‌اند. به‌رغم همه بی‌مهری‌ها از جانب عده‌ای، همین تأکیدات مشفقانه تا کنون موجب ماندگاری تعاون در کشور و اسباب دلگرمی متولیان بخش تعاون و تعاونگران را فراهم ساخته است. بر این اساس، بخشی از مهم‌ترین نقاط عطف تعاون را می‌بایست در سخنان رهبر

معظم انقلاب جست‌وجو کرد. دقت نظر به این نکات هدایتگر، راهکار مناسبی برای درک بهتر تعاون و جایگاه اصلی آن در جامعه است.

رهبری انقلاب، بخش تعاون را به‌عنوان "بازوی نظام و ایفاگر نقش اساسی در تحقق اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی در زمینه عدالت اجتماعی و اقتصادی" و همچنین "اساسی‌ترین، منطقی‌ترین و بنیادی‌ترین راه حل استقرار عدالت و نجات بخش کشور از لحاظ اقتصادی در شرایط امروز و کاهش وابستگی به منابع نفتی" تلقی و معرفی نموده‌اند.

ایشان در مورد وزارت تعاون فرمودند:

«هیچ دستگامی در کشور امکانات و وسعت کار تعاون را برای اشتغالزایی ندارد و باید به‌عنوان بازوی قوی برای دولت در ایجاد اشتغال عمل کند».

از طرف دیگر بر اساس اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بخش تعاونی به‌عنوان یکی از پایه‌های نظام اقتصادی کشور قلمداد شده و تأکید ویژه‌ای بر انسان‌محوری اقتصاد و تحقق اهداف عدالت اجتماعی به واسطه فعالیت بخش تعاونی گردیده است. در حال حاضر فرصت احیا مجدد ظرفیت‌های این اصل در مرحله خیز اقتصادی کشور با درایت و دلسوزی مقام معظم رهبری و دغدغه ایشان برای اجرای یکی از آرمان‌های انقلاب که همانا عدالت اجتماعی و توزیع متناسب ثروت در بین آحاد مردم می‌باشد، فراهم شده است. بر این اساس، معظم له عنایت ویژه‌ای به این بخش داشته و بند «ب» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، به سیاست‌های کلی بخش تعاونی اختصاص یافته و موارد ذیل را در بر می‌گیرد:

افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد تا آخر برنامه پنج ساله پنجم.

اقدام مؤثر دولت در ایجاد **تعاونی‌ها برای بیکاران** در جهت اشتغال مولد. حمایت دولت از **تشکیل و توسعه تعاونی‌ها** از طریق روش‌های متنوع از جمله تخفیف مالیاتی، ارایه تسهیلات اعتباری حمایتی به وسیله مؤسسات مالی کشور و پرهیز از هرگونه دریافت اضافی دولت از تعاونی‌ها نسبت به بخش خصوصی. **تشکیل بانک توسعه تعاون** با سرمایه دولت و با هدف ارتقاء سهم بخش تعاون در اقتصاد کشور.

حمایت دولت از **دستیابی تعاونی‌ها به بازار نهایی و اطلاع‌رسانی جامع و عادلانه** به این بخش.

توسعه **آموزش‌های فنی و حرفه‌ای** و سایر حمایت‌های لازم به منظور افزایش کارآمدی و توانمندسازی تعاونی‌ها.

تأسیس **تعاونی‌های فراگیر ملی** برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی.

سیاست‌های بند «ب» اصل ۴۴، مباحثی در سطوح خرد و کلان نظیر افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی، اشتغالزایی، حمایت از تشکیل و توسعه تعاونی‌ها، ایجاد بانک تعاون، بازاررسانی، سیاستگذاری، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، افزایش سرمایه و توزیع سهام و ایجاد تعاونی‌های فراگیر ملی جهت تحت پوشش قرار دادن **سه دهک اول جامعه** با هدف فقرزدایی را به شکل توامان و به منظور **افزایش میزان عدالت اجتماعی**، مورد توجه قرار داده است.

عقیده صاحب نظران بر آن است که با عنایت به تأییدات و تأکیدات مقام

معظم رهبری بر بخش تعاون و با توجه به ارزش‌ها و راهبردهای دولت نهم و رویکردهای نظام تعاون اسلامی و مستندات و محتویات سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی و سایر اسناد فرادستی توسعه کشور، شرایط ویژه‌ای برای توسعه بخش تعاون (که بنا به نص صریح قانون اساسی یکی از پایه‌های سه‌گانه اقتصاد کشور) ایجاد نموده و وزارت تعاون می‌تواند در سایه توجهات عملی و عینی همه دلسوزان نظام و بویژه اعضای دولت با ایجاد نهضت فراگیر تعاون رسالت تاریخی خود را به انجام رسانده و ارائه دهنده الگوی برتر تعاون مبتنی بر ارزش‌های اصیل اسلام ناب محمدی به جهانیان باشد.

چنانچه دیدگاه‌های مقام معظم رهبری به شکل تفضیلی بررسی گردد، می‌توان انتظارات ایشان را از بخش تعاون و وزارت تعاون این‌گونه استخراج و دسته‌بندی کرد:

۱. ماندگاری ساختار وزارت تعاون در بدنه دولت و تأکید بر انجام فرایند

اشتغال به‌عنوان وظیفه مهم وزارت تعاون:

"یک کاری در این کشور وجود دارد که اگر وزارت تعاون نکند هیچ دستگاه دیگری نخواهد کرد. یک کاری وجود دارد که فقط کار وزارت تعاون است. و من بر خلاف کسانی که تصور می‌کردند وزارت تعاون جدی نیست یا خوب است ادغام در فلان تشکیلات شود، من معتقدم نه؛ یکی از کارهای خوب دولت این است که وزارت تعاون را به وجود آورد و وزارت تعاون بسیار جدی است. و لاقلاً برای این مرحله از اشتغال (که ما اینقدر نیاز به اشتغال داریم). به این تعاون ما نهایت نیاز را داریم. و من خواهش می‌کنم از همه برادران دولت که در دولت در جهت تقویت کار تعاون نظر بدهید و بحث کنید و رای دهید. این تعاون باید تقویت شود. تعاون وجودش خیلی لازم است برای

اشتغالزایی؛ هم به نظر من هیچ دستگاهی توی این کشور امکانات و وسعت کار تعاون در بعضی از بخش‌ها را ندارد."

۲. اثرات مثبت تعاون از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی:

"بخش تعاون هم می‌تواند از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، و حتی از لحاظ سیاسی برای کشور خیلی تعیین‌کننده باشد و هم در عین حال تاکنون مظلوم و مغفول عنه واقع شده است؛ این حقیقتی است... تعاون، مورد قبول و اعتقاد و اذعان حقیقی مسئولان کشور است..."

۳. تأکید بر رشد تعاون در اقتصاد ملی:

اعتقاد این است که اگر بخواهیم تعاون جایگاه خودش را از لحاظ اقتصادی، بخصوص در وضع کنونی کشور پیدا کند، بایستی ما حداقل ده برابر وضع فعلی، رشد و گسترش و کیفیت برای مجموعه تعاونی کشور در نظر بگیریم یعنی هدف را باید ده برابر این قرار داد... از لحاظ محصول، از لحاظ کیفیت و از لحاظ پیدا کردن مناطق نو برای فعالیت تعاونی - مناطقی که اصلاً مورد توجه قرار نداشته - مجموعاً باید ده برابر کار بشود. منظورم در یک برنامه بیست ساله نیست؛ بلکه اگر تلاش و همت کنید، در همین برنامه‌ای که در آینده نزدیک در انتظارش هستیم، واقعاً شما می‌توانید این گونه برنامه ریزی کنید..."

۴. راهکار تحقق عدالت اجتماعی در کشور گسترش تعاونی‌ها است:

من وقتی در وضع کشور خودمان نگاه می‌کنم، می‌بینم یکی از چیزهایی که می‌تواند جلوی این بی‌عدالتی را به شکل منطقی و اصولی سد کند، همین کار تعاونی است. به همین خاطر است که من به تعاون اعتقاد دارم؛ نه از باب این است که دنیا تعاون را پذیرفته، یا فرضاً فلان کشورها تعاون می‌کنند؛ ... از این باب است که من می‌بینم در این وضعی که متأسفانه گرفتارش هستیم، تعاون در

کشور ما می‌تواند سرانگشت گره‌گشایی باشد. به نظر من، یکی از راه‌حل‌ها و اساسی‌ترین و منطقی‌ترین و بنیادی‌ترین کارهایی که می‌تواند در این کشور برای استقرار عدالت انجام بگیرد، «تعاون» است. این یک بعد، قضیه است و خوشبختانه بعد دیگر قضیه هم این است که همین تعاون می‌تواند کشور را — بخصوص امروز — از لحاظ اقتصادی هم نجات بدهد.

۵. یادآوری به رئیس جمهور و اعضای دولت:

"من با مسئولان کشور، با رئیس جمهوری محترم، با مسئولان محترم دولت (چه اقتصادی و چه دیگران) بارها این را تکرار کرده‌ام و گفته‌ام که نقطه بن‌بست شکنمان، عبارت است از ایجاد اشتغال، آن هم از منابع نو. و «تعاون» می‌تواند یک بازوی قوی در این راه باشد."

بر این اساس، انتظارات مقام معظم رهبری از بخش تعاون عبارتند از:

- ایفای نقش تعیین‌کننده تعاون از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی،
- ده برابر شدن نقش کمی و کیفی تعاونی‌ها در بخش اقتصادی کشور،
- گسترش حوزه نفوذ تعاونی‌ها در مناطق [و زمینه‌های] جدید در برنامه پنج

ساله پنجم،

- ایفای نقش بازوی قوی نظام در ایجاد اشتغال از طریق منابع نو،
- ایفای نقش اساسی تعاون در تحقق اهداف نظام در زمینه عدالت اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان اساسی‌ترین، منطقی‌ترین و بنیادی‌ترین راه‌حل استقرار عدالت،

- نجات کشور از لحاظ اقتصادی در شرایط امروز و کاهش وابستگی به منابع نفتی.

جمع‌بندی مطالب این بخش گویای چند واقعیت اصلی است. اول اینکه مقام

معظم رهبری، در فکر و عمل، در طول حدود سی سال یاریگر تعاون بوده و به ثمربخشی چنین حرکتی کاملاً یقین دارند. دوم اینکه، فرمایشات عدیده‌ای در خصوص تعاون و حمایت از آن داشته که تحلیل محتوای آن کمک کار مناسبی در درک بهتر تعاون و جایگاه آن است. سوم اینکه، با توجه به اختیارات ارایه شده به تعاون، انتظاراتی نیز به شکل شفاف از بخش تعاون دارند که ان شاء... با تلاش‌های صورت پذیرفته، محقق می‌گردد. چهارم متولیان بخش تعاون راه درازی را در پیش دارند و در این مسیر همه دست اندرکاران، هم دولت و هم مجلس و هم قوه قضائیه و سایر صاحب نظران و رسانه‌ها، وظیفه‌مندند؛ چون این تأکیدات پیامی است ولایی.

بخش دوم:

انقلاب اسلامی و تعاون

❖ تعاون و عدالت اجتماعی

❖ تعاون و اصل ۴۴ قانون اساسی

❖ تعاونی‌ها و جهاتی شدن

تعاون و کار آفرینی

❖ بنیاد توسعه کار آفرینی و تعاون

❖ تعاون و اشتغال جوانان

❖ زنان و تعاون

❖ مشارکت اعضا، ضامن موفقیت تعاونی‌ها

❖ سهام عدالت

فصل ششم

تعاون و عدالت اجتماعی

تعاون و عدالت اجتماعی

"عدالت گمشده بشر است"؛ در حقیقت جهان بر اساس عدل ایجاد شده و پایدار خواهد ماند. انتظار منجی عدالت گستر در طول تاریخ حکایت از همین عطش تاریخی برای استقرار عدالت دارد. انقلاب الهی امام راحل نیز برای ایجاد این زمینه متبرک ولایی است. بدیهی است که متولیان این نظام باید شایستگی شان را با تلاش در اجرای عدالت که برای مردم در مقوله عدالت اجتماعی ملموس است نشان دهند تا پیروانی حقیقی آن موعود منتظر (عج) باشند. قطعاً این مسئله در موضوعات متعدد از جمله اقتصاد و به تبع آن زندگی معیشتی مردم مورد انتظار است.

با توجه به اهمیت بحث عدالت اجتماعی، در این بخش تلاش شده جایگاه آن در دین مبین اسلام، نظر صاحب نظران و اندیشمندان داخلی و خارجی و به شکل ویژه نظر مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گیرد. سپس راهکارها و راه‌های احتمالی تحقق آن با تشریح نقاط قوت و ضعف بررسی شود. در نهایت،

با توجه به مصادیق و شواهد متعدد، به این که چرا تعاون و فعالیت به شکل تعاونی از عملی‌ترین راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی در جامعه فعلی محسوب می‌شود پرداخته می‌شود.

دعوت به برقراری عدالت اجتماعی، به تعبیری، یکی از پراهمیت‌ترین تعالیم پیامبران الهی بوده و در واقع اجرای عدالت در جامعه، روحی است که دین خدا به آن زنده است. در ادیان الهی بویژه در اسلام نیز هدف مهم بعثت نبوی، برقراری عدالت ذکر شده است.

و لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط (آیه ۲۵ سوره شریفه حدید) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و به آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

بر این اساس، در جامعه‌ای که محور خود را اندیشه اسلامی معرفی می‌کند، وجود فاصله طبقاتی و تبعیضات اجتماعی به هیچ وجه پسندیده نیست. ضمن اینکه با معیارهای وحی، توزیع عادلانه فقر نیز معادل عدالت فرض نشده و گاه منفورترین پدیده‌ها را فقر دانسته و در بعضی از روایات، فقر سخت‌تر از مرگ تلقی می‌شود. متولیان در جامعه اسلامی موظفند برای محو فقر تلاش کرده و راه‌های رفاه اجتماعی و استغنای جامعه را بیابند. مردم هم باید کار و تلاش و همت را به کار گرفته با تعقل و تدبیر روش‌های رشد و تعالی جامعه را فراهم سازند.

حال اگر معیارهای عدالت با شرایط جامعه فعلی مقایسه گردد (با توجه به آموزه‌های دینی و آرمان‌های انقلاب اسلامی که همانا اجرای عدالت و جدی گرفتن عدالت اجتماعی خواهد بود)، آیا پسندیده است که عده‌ای نتوانند از امکانات و فرصت‌های لازم برای نیازهای اولیه خود برخوردار باشند و از طرفی

عده‌ای دیگر در حد تکاثر و اسراف ندانند چگونه خرج کنند و خود را به آفت‌های اجتماعی و طغیان بکشانند؟

از طرف دیگر به نظر می‌رسد با توجه به تأکید رهبران انقلاب اسلامی، روحیه عدالت محور و عدالت خواه ملت ایران در اجرای عدالت اجتماعی یک توقع بجاست، همچنین با همه کوشش‌های انجام گرفته و موفقیت‌هایی که در سطوح متعدد علمی، فرهنگی و سیاسی و بین‌المللی کسب گردیده، رشد نسبی فاصله طبقاتی و شکاف درآمدی در جامعه ما آزاردهنده است.

در چنین شرایطی توجه به چگونگی استقرار عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی ایران، هم به‌عنوان یک ضرورت عقلی و هم تکالیف اعتقادی و یک خواستگاه اجتماعی، باید به‌صورت جدی پی گرفته شود. اینکه چه ساختارهایی در نظام اجتماعی و اقتصادی اتخاذ گردد تا این ره آورد حاصل شود، بستگی به نوع نظام ارزشی هر جامعه و شرایط خاص آن دارد که در شرایط کشور ایران به نظر می‌رسد قالب‌های اشاره شده در دیدگاه بزرگان انقلاب و قوانین جمهوری اسلامی، تأکید خاصی بر تعاونی‌ها، به‌عنوان یکی از این قالب‌های اقتصادی و اجتماعی اجرایی عدالت اجتماعی دارد.

تحقق عدالت اجتماعی نه تنها در ایران بلکه در جهان هم به‌عنوان یک ضرورت مورد توجه صاحب نظران علمی و اجرایی است. در واقع تعاونی‌ها و نقش محوری آنها در ایجاد یک جامعه پایدار و عدالت محور مورد تأکید آنها است. دبیر کل سازمان ملل، می گوید:

این سازمان‌ها (تعاونی‌ها) وسایلی را به وجود می‌آورند که غالباً تنها ابزار

موجود در دست‌یابی به عدالت اجتماعی است.

همچنین مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۴۹,۱۵۵ مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۹۴ تصدیق کرده است که تعاونی‌ها عضو جدایی ناپذیر توسعه اقتصادی و اجتماعی در همه کشورها هستند.

اعلامیه پایانی "نشست سران جهان برای توسعه اجتماعی"، که با حمایت سازمان ملل در مارس ۱۹۹۵ در کپنهاک (پایتخت دانمارک) تشکیل شد و از سوی رسانه‌ها "نشست فقر" لقب گرفت، ظرفیت تعاونی‌ها جهت دستیابی به اهداف توسعه اجتماعی، بویژه محو فقر و گسترش عدالت، اذعان دارد. ایندیرا گاندی نخست وزیر فقید هند می‌گوید:

من ابزاری کارآمدتر و مؤثرتر از تعاونی‌ها برای تحقق عدالت اجتماعی

سراخ ندارم.

براساس تجارب موجود و آرا صاحب نظران و اندیشمندان ذکر شده، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که در عصر ما تعاون یک اهرم مناسب برای توسعه اقتصادی و اجتماعی است که می‌تواند همگام با سیاست دولت‌ها، در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و ارتقای سطح درآمد و وضعیت اجتماعی مردم مؤثر باشد و چنانچه به طور اساسی مورد حمایت قرار گیرد، بار هزینه‌های دولتی را کاهش داده و بتدریج استقرار شرایطی را سبب شود که طبقات مختلف مردم در مسایل اقتصادی مربوط به خود تصمیم‌گیرنده بوده و متناسب با برنامه‌های عمومی دولت، امور اقتصادی مربوط به خود را عهده‌دار گردند.

اینکه مقام معظم رهبری دهه چهارم انقلاب را **دهه پیشرفت و عدالت** اعلام نموده‌اند قطعاً دلسوزان این نظام الهی، اندیشمندان و برنامه‌ریزان کشور نمی‌توانند از این تکلیف مهم غافل باشند. تاکنون بیشترین موضوع ملموس اجتماعی در باب عدالت و توزیع عادلانه فرصت‌ها و ثروت‌ها جلوه کرده است که اتفاقاً در

مقوله اقتصاد و روش‌های آن در جامعه باید آنها را در نظر گرفت. با این توصیف برای پیشرفت و رشد اقتصادی و توأم با عدالت چه باید کرد؟ گرچه تلاش‌هایی در سال‌های گذشته انجام شده است و مخصوصاً در این چند ساله، قدم‌های مهمی برداشته شده و شاهد رشد نسبتاً مناسبی در اقتصاد کشور بوده‌ایم، اما دغدغه شکاف‌های اجتماعی و چگونگی به صحنه آمدن مردم در اقتصاد و ایجاد فرصت‌های اشتغال و کسب و کار و محو بیکاری و فقر هنوز باقی است.

مشاهدات نشان می‌دهند که با وجود افزایش نسبی سطح زندگی مردم، گروه‌های متعددی از طبقات اجتماعی به زحمت معیشت و نیازهای اولیه زندگی را تامین می‌کنند. در این بین هر چند ساده‌زیستی مسئولان با تأسی از بزرگان دین، تا حدی می‌تواند التیام‌بخش محرومان جامعه باشد و تلاش و ابتکار در کنار صداقت خدمت و خدمتگزاری بتواند، تا حدی کاهنده ناملایمات گردد، اما نمی‌توان گفت که فاصله طبقاتی در جامعه وجود ندارد. آیا توجه کرده‌ایم که چند درصد جامعه در تولید ثروت و حضور در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی سهیم هستند؟

قطعاً ملت ایران تنها با ذکر و شنیدن دغدغه‌ها از زبان متولیان و مؤثران نظام، قانع نگردیده و خواهان راه‌حل‌های عملی کاهش فقر و بیکاری و نقش‌آفرینی و حضور آحاد ملت در اقتصاد هستند.

روشن است که اقتصاد ایران به دلایل متعدد، هم از نظر ساختاری و هم از نظر برنامه، دارای عوارضی است. مشکلات تاریخی ناشی از بی‌توجهی به قابلیت‌ها و استعدادها و رشد آن در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و

تشدید برخی از بسترها مانند دولتی شدن اقتصاد و اتکا به نفت که از سال ۵۲ آغاز شده بود؛ به علاوه خصومت عملی دشمنان انقلاب، جنگ تحمیلی و تحریم‌های اقتصادی و در نتیجه از دست دادن فرصت‌های مهمی جهت پیشرفت، از جمله عواملی هستند که کار توسعه اقتصادی را کند و عوارض اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن همانند تورم، بیکاری و فقر را افزایش داده است.

تحت چنین شرایطی بسیاری از مردم نتوانستند به صورت فعال و در حد حضور جدی و رقابتی در حوزه اقتصاد وارد شوند. دولتی شدن بخش عظیمی از منابع، عاملی شد تا امکان این حضور کاهش یابد. بر همین اساس بخش قابل توجه‌ای از جامعه با قابلیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی در حد لازم آشنا نبوده و اساساً در شرایطی که حدود ۷۰ درصد اقتصاد در اختیار دولت باشد، فضا جهت فعالیت دیگر افراد چندان فراهم نیست. عده کمی هم که در اقتصاد حضور دارند، افرادی هستند که یا به لحاظ سابقه برخورداری از سرمایه و تجربه لازم حضورشان امکانپذیر شده و یا روش‌های دستیابی به فرصت‌ها را به دلایلی پیدا کرده‌اند.

در نتیجه به نظر می‌رسد اکثریت مردم از چرخه اقتصاد دور مانده‌اند یا به روش‌های سنتی اقتصاد، در کشاورزی و کارگری و کار و کسب غیرحرفه‌ای مشغول شده‌اند به گونه‌ای که از درآمد لازم برخوردار نیستند. در چنین شرایطی اغلب جوانان راه کارمند شدن را آمال خود قرار داده و نمی‌دانند چگونه در اقتصاد نقش‌آفرینی کنند.

سوال اینجاست که اگر این شرایط ادامه داشته باشد، (با همه تلاش‌ها و با وجود تمدن و فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی) آیا می‌توان بدون حضور اکثریت

ملت در تولید و ثروت و اقتصاد رشد قابل ذکر در چشم‌انداز ۲۰ ساله را محقق گرداند؟

پاسخ این پرسش مسلماً مثبت نخواهد بود. برای برون رفت از این مشکلات، تاکنون نسخه‌های متفاوت داخلی و خارجی و راهکارهای عدیده‌ای ارائه گردیده است. بانک جهانی و بعضی از مجامع بین‌المللی اقتصاد، تنها راه رشد و توسعه کشورهایی مانند ایران را سرمایه‌گذاری دانسته‌اند که البته باید توسط سرمایه‌داران حرفه‌ای (چه داخلی و خارجی) انجام شود. از جمله پیامدهای استفاده از این شیوه این است که تعداد اندکی از افراد در این طریق فعال بوده و اکثریت مردم می‌بایست دنباله‌رو باشند، چرا که در صورت سرمایه‌گذاری، ممکن است تولید بالا رفته و رشد اقتصادی تحقق پذیرد اما اگر سوال شود که چند سال لازم است تا صاحبان سرمایه (که عموماً بنا بر خاصیت نظام سرمایه‌داری به نفع خود می‌اندیشند)، دیگران را وارد بازی اقتصادی کنند. گفته می‌شود: این زمان احتمالاً ۳۰ سال طول می‌کشد. در نتیجه اگر چنین سرابی از رشد اقتصادی نیز تحقق پذیرد، فاصله طبقاتی افزایش یافته و عدالت اجتماعی فراموش خواهد شد.

روش دیگر اینکه، مانند شیوه سوسیالیستی اقتصاد، سرمایه‌گذاری و تولید ثروت توسط افراد مجاز نبوده و فقط دولت مجاز به تولید در اقتصاد باشد و منابع را در اختیار بگیرد. شکست تاریخی نظام سوسیالیستی اقتصاد بطلان این شیوه را نیز ثابت کرده است.

راه حل سوم، در پیشگیری، راهکار عدالت توزیعی است. یعنی هر چه که هست عادلانه توزیع شود و به اصطلاح، فقر عادلانه تقسیم گردد. یا با به

کارگیری روش‌های حمایتی و کمک‌های مقطعی به محرومان و طبقات پایین جامعه، ضریب مقاومت آنان در مقابل مشکلات زندگی در کوتاه مدت افزایش داده شود. در حقیقت با این شیوه با آنان ابراز همدردی شده و بدون داشتن مدل مناسبی جهت حضور مردم در اقتصاد، نوعی فرصت سوزی اتفاق خواهد افتاد.

در این بین، بعضی شیوه‌های نظام سرمایه‌داری را در سرمایه‌گذاری و اصل قراردادن عنصر رقابت در اقتصاد و عرضه امکانات اعتباری و تسهیلاتی بدون ایجاد توانمندی لازم در اکثریت جا مانده در اقتصاد (بدون اصلاح روابط اقتصادی و اعتباری) مدنظر قرار داده‌اند. در این صورت، تنها عده‌ای خاص به دلیل آشنایی و تجربه از این فرصت‌ها بهره‌مند خواهند شد و اکثریت جامعه، چون تجربه‌ای در اقتصاد نداشته (با پول، منابع و شیوه‌های استفاده از آن آشنایی ندارند)، کاری را هم به صورت حرفه‌ای بلد نیستند. حتی عده‌ای از آنها نیز اگر موفق به اخذ فرصت یا تسهیلات شوند، شاید نتوانند به درستی از آن استفاده کنند و در این شرایط، کار خاصی هم نمی‌توانند بکنند و به اصطلاح تبدیل به بیکاران بدهکار می‌شوند.

جهت تمرکز بیشتر بر بحث عدالت اجتماعی در ایران، دوباره این سوال را تکرار می‌کنیم که: چرا رشد اقتصادی قابل انتظار در کشور تحقق نپذیرفته؟ و به شکل روشن‌تر، چرا اکثریت مردم در اقتصاد حضور مؤثر ندارند؟

بدون اینکه آمار دقیقی از دهک‌های جامعه ارائه گردد، به طور اجمالی با استفاده از اطلاعات و آمارهای موجود، می‌توان چگونگی حضور جامعه فعلی ایران را در اقتصاد این‌گونه ترسیم کرد:

۱. در حدود یک دهک از مردم به دلایل متعدد از جمله معلولیت و

ناتوانی‌های جسمی، فکری، سنی و غیره امکان کسب درآمد ندارند و تحت پوشش نهادهای حمایتی از جمله کمیته امداد حضرت امام (ره)، بهزیستی و سایر مؤسسات خیریه قرار گرفته‌اند. (باید از حمایت آنها توسط این دستگاه‌ها تقدیر شود) این افراد به اتفاق دهک دوم (که کار و کسب قابل توجه و توان لازم را نداشته و تحت پوشش حمایتی هم نیستند) تقریباً درآمدی ندارند و به تبع آن نمی‌توانند پس‌انداز هم داشته باشند.

۲. آمار و ارقام دارایی‌ها و سرمایه‌ها و شکل مصرف دو دهک بالای جمعیتی کشورمان نیز نشان می‌دهد که این گروه از بیشترین درآمدها، سرمایه‌ها و امکانات برخوردارند. بیشترین فرصت‌های مال‌اندوزی هم به لحاظ قاعده "پول پول را می‌آورد" به این گروه اختصاص داشته است. در جامعه‌ای که تورم عمدتاً دو رقمی وجود دارد، تداوم این روند، منافع مضاعفی را برای اقشار پردرآمد مهیا می‌سازد (زیرا دارایی‌های آنان بدون کار و تلاش چند برابر می‌شود). این طبقه، هم از درآمد بالا برخوردار بوده و هم به تبع آن، به‌رغم وجود اسراف در بخشی از بدنه آن، دارای پس‌اندازهای بالا هستند. لذا با اظهار تأسف باید گفت فاصله زیادی بین دهک اول و آخر درآمدی دیده می‌شود. همین موضوع عارضه شکاف طبقاتی را در جامعه تشدید می‌کند.

۳. به شکل تقریبی می‌شود فهمید که حدود شش دهک دیگر جامعه (که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند) با اندک فاصله‌ای نسبت به هم، اگر دارای شغل باشند می‌توانند در حد معیشت خود زندگی کرده و با رعایت اصل قناعت، معیشت‌شان را تامین کنند. در نتیجه فقط درآمد ولی نه به اندازه‌ای که پس‌انداز هم داشته باشند. چنانچه پس‌اندازی نیز برای این گروه حاصل شود، تنها

در حدی است که مخارج پدیده‌های خاص نظیر ازدواج فرزندان، تحصیل اعضا خانواده، هزینه‌های درمان و سایر حوادث خاص تامین گردد.

قاعده اقتصاد هم روشن است. چرا که برای رشد در اقتصاد می‌بایست کار و سرمایه‌گذاری فعال انجام گیرد. در واقع برای ایجاد کار و اشتغال، سرمایه‌گذاری مولد لازم است. فعل سرمایه‌گذاری هم، سرمایه لازم دارد. آیا بجز دو یا حداکثر سه دهک اول برخوردار از امکانات و سرمایه، دو گروه دوم و سوم (در تقسیم بندی فوق ۷ تا ۸ دهک جامعه را دربرمی‌گیرد) از قابلیت لازم برای سرمایه‌گذاری و در نتیجه ایفای نقش در اقتصاد برخوردارند؟ آیا در هر جامعه‌ای که اکثریت افراد فعال آن از چرخه اقتصاد دور باشند می‌توان رشد حداکثری را توقع داشت؟

پس باید پذیرفت که دولتی بودن اقتصاد از طرفی و نبود توانمندی لازم و حرفه‌ای نبودن اکثریت جامعه، گروه کثیری از افراد را از چرخه اقتصاد دور نگه داشته است.

متأسفانه برخی از برنامه‌ریزان و سیاستگذاران اقتصادی کشور هم تحت تأثیر فرمولهای اقتصادی غرب و شرق که گاه موجبات رشد آن کشورها را فراهم نموده است بدون توجه به مردم و خصوصیت اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران، به دنبال اجرای نسخه‌های نظام سرمایه‌داری در کشورند. حتی برخی از نیروهای اجرایی که اطلاعاتی از مؤلفه‌های حقیقی اقتصاد ندارند و یا مفاهیم را ناقص یاد گرفته‌اند بدون اینکه بدانند که فرمولهای علمی اقتصاد به اطلاعات پایه‌ای و دقت لازم در بررسی تئوری‌ها و نظریات نیازمند است، به شکل بریده و ناقص همان روش‌ها را ذکر می‌کنند یا به کار می‌گیرند.

چه باید کرد؟

تجارب تاریخی نشان می‌دهند که روش‌ها و نسخه‌های اقتصادی بین‌المللی برای کشوری مانند ایران که واقعیت‌های خاص خودش را دارد، کارساز نیست. زیرا به فرض رشد اقتصادی قطعاً عدالت اجتماعی به فراموشی سپرده می‌شود. تقسیم فقر و به‌کارگیری روش‌های مقطعی هم با ایده‌های فکری و منطق اسلامی و انقلابی و دوراندیشی‌های زندگی اجتماعی مطابقت ندارد. لذا باید برای ایجاد استغناهای اقتصادی و اجتماعی، تولید کار و ثروت انجام گیرد. تنها به صحنه‌ماندن بخش کوچکی از جامعه در اقتصاد، هم فاصله طبقاتی را افزایش می‌دهد و هم ضریب افزایش آن به دلیل دورماندن اکثریت از چرخه اقتصاد، پایین خواهد بود. به طور خلاصه، اقتصاد دولتی از کارآیی لازم برخوردار نیست و موجب اتلاف سرمایه‌های ملی می‌شود و از طرف دیگر برای حضور اکثریت جا مانده در اقتصاد، به دلیل عارضه دولتی بودن و نداشتن پس‌انداز لازم و در نتیجه بی‌بهرگی از تجربه و حرفه لازم، باید فکری شود.

برای شروع فعالیت این اکثریت، در گام نخست باید ظرفیت‌سازی‌های لازم صورت گیرد، یعنی باید مشکلاتی که مانع حضور یا کاهش حضور آنها در صحنه اقتصاد می‌شود، رفع گردد (کمبود مهارت و دانش، مشکلات مالی - اعتباری، مشکلات قانونی، مشکلات مربوط به محیط فعلیتی، تکنولوژی و...). در گام دوم باید بسترهای توانمندسازی آنها با توجه به چند شاخص آموزش، ارتباطات و انگیزشی فراهم شود. یعنی حضور افراد صاحب مهارتی که دارای ارتباطات اولیه و کافی برای فعالیت هستند و انگیزه‌ای قوی جهت فعالیت اقتصادی دارند. در چنین شرایطی مسلماً فعالیت گروهی بیشتر از فعالیت انفرادی

پاسخگو خواهد بود (نظیر فعالیت در قالب تعاونی‌ها).

آیا هزینه‌کردن و کمک‌کردن به تعاونی‌ها، رانت تلقی نمی‌شود؟

این سوالی است که گاهی توسط افرادی در جامعه مطرح می‌شود و لازم است به آن پرداخته شود. عده‌ای این مسئله را به شکل علمی تر طرح کرده‌اند و می‌پرسند که با توجه به وجود اصل رقابت در اقتصاد، حمایت کردن از عده‌ای هرچند به نام تعاونی، مانع تحقق پذیری اصل مهم رقابت به‌عنوان یک اصل اساسی جهت رشد اقتصادی نیست؟

در پاسخ باید گفت: البته اگر تنها سرمایه و مؤلفه‌های رشد آن مورد توجه قرار گرفته و در اولویت باشد سوال فوق وارد بوده و هرچه خارج از قاعده رقابت وارد شود، (هر چند توسط دولت هم باشد)، باعث تغییر شرایط برای عده‌ای، به بهانه حمایت از گروهی شده و قاعده بازی اقتصاد را بر هم می‌زند و ممکن است سایر افراد را برای حضور بی‌انگیزه گرداند.

اما اگر با حفظ این قاعده، به جای اصل قرارداد سرمایه و مؤلفه‌های رشد آن، انسان‌های درون جامعه کانون توجه قرار گرفته و سعادت آنها با شیوه‌های متعدد از جمله بازار اقتصاد، فرهنگ و سیاست جست‌وجو شود، نمی‌توانیم به دلیل به هم خوردن بازی در اقتصاد گروه کثیری را ندیده بگیریم.

از طرف دیگر، به دلیل فراگیر بودن چنین حمایت‌هایی برای کلیه متقاضیان خواهان فعالیت، مسلماً قاعده بازی رقابت در اقتصاد، دستخوش تغییر نشده و یا دچار کمترین تغییر می‌گردد. در نهایت اینکه جنس حمایت‌های به‌عمل آمده از نوع ایجاد انحصار، ارایه اطلاعات خاص، ایجاد محدودیت برای دیگران و غیره نیست که باعث اختلال در نظام اقتصادی شود.

نکته قابل توجه اینکه، بدون تلاش و صلاحیت لازم امکانات به افراد خاصی داده نمی‌شود که با این کار، قاعده رقابت بهم زده شود. شرایط اقتصاد و مؤلفه‌های آن به شرط درستی آن قواعد، می‌تواند وجود داشته و محترم باشد. در چنین شرایطی آیا نمی‌شود با سیاست‌گذاری و اتخاذ رویکردهای لازم، زمینه جبران ناتوانی اکثریت را فراهم کرد؟

مگر تاکنون بدون اینکه رسماً اقدامی صورت پذیرفته باشد، خلاءهای موجود و گاهی اقدامات اشتباه اقتصادی، به طبقه سرمایه‌دار و مرفه جامعه کمک نکرده و یا از طریق رویکرد توزیع یارانه (که به قصد کمک به طبقات فقیر جامعه هم انجام می‌گیرد)، سال‌ها به کام طبقات پردرآمد جامعه نبوده و بیشترین سرمایه را از این طریق کسب نکرده‌اند؟ آیا قاعده رقابت، در شرایطی که تورم موجود برای صاحبان سرمایه جایزه‌ای بزرگ و برای فقرا جریمه‌ای سنگین است، به هم نمی‌خورد؟ حال اگر به فرض، مدتی برای جبران این عقب‌ماندگی، به کام فقرا، رویکرد تغییر کند بر کیان قواعد اقتصاد که اکثراً براساس معیارهای نظام سرمایه‌داری ارائه می‌شود، لطمه وارد می‌شود؟

آیا نظام و دولت اسلامی نمی‌تواند بر روی منابع کثیر انسانی خودش سرمایه‌گذاری کند؟ چطور برای به فعلیت رساندن قابلیت‌های بی‌جان طبیعی حتماً سرمایه‌گذاری لازم است (البته روشی است درست) اما برای بارور کردن سرمایه‌های اجتماعی و انسانی که اتفاقاً هم وسیله توسعه و هم هدف توسعه هستند؛ نوعی رانت تلقی می‌شود؟ آیا این موضوع محروم کردن کشور از بخش زیادی از سرمایه‌های انسانی نیست؟ آیا اکثریت جمعیت کشور (۶ یا ۷ دهک جمعیتی) بدون طی مراحل و فرایند توانمندسازی اعم از سرمایه لازم، حرفه و

آموزش، تشکل و انسجام، راهنمایی و حمایت کافی، می‌توانند در چرخه اقتصاد وارد شوند؟ مگر اینکه بخواهیم بی‌تفاوت باشیم.

از جملات صریح رهبری در مورد تعاون، قانون اساسی و سایر قوانین جمهوری اسلامی می‌شود فهمید که دو رسالت مهم بر دوش وزارت تعاون قرار گرفته است:

۱. ایجاد توانمندی لازم در کارجویان برای اشتغال،

۲. ایجاد زمینه عدالت اجتماعی.

اساساً تشکیل وزارت تعاون به‌عنوان تشکل و ساختار حمایتی، هدایت و نظارت از چنین مجموعه‌های مردمی، بسترسازی جهت طی مراحل ظرفیت سازی و توانمندسازی آنان بوده است. هر چند به‌دلیل نبود اعتقاد کافی به اصل موضوع تعاون، در برخی از دست‌اندرکاران در دوره‌های متعدد، این وظیفه اساسی، مورد توجه جدی و محوری قرار نگرفت، اما بر هیچ عقل سلیمی پوشیده نیست که برای ریشه‌کن کردن بیکاری و تلاش حداکثری جامعه برای رشد اقتصادی، همراه با رعایت اصول عدالت اجتماعی، جز از این روش، روش پایدار دیگری وجود نداشته و سایر روش‌های متصوره در جامعه، مسکنی بیش نخواهد بود.

در نهایت اینکه هدف شیوه تعاون صرفاً برای بهره‌مندی از کمک‌های جانبی ارایه شده نبوده است. اگر هم کمکی انجام گرفته در حقیقت این کمک‌ها به قالبی موسوم به تعاون نگردیده، بلکه به مردم عقب‌مانده از حضور در فعالیت‌های اقتصادی جهت ایجاد توان لازم انجام می‌گیرد. حضور وزارت تعاون برای حمایت و نظارت بر چگونگی استفاده صحیح از این حمایت‌ها، انسجام و تشکل

و ثبت آن ضروری است. در حقیقت اثرگذاری شیوه تعاون به خاطر اثر درونزای این شیوه است که خود افراد با کنار هم قراردادن توان‌ها و امکانات اندک خود، فرصت و توان کارهای بزرگ را پیدا می‌کنند.

یک تلقی نادرست

یکی از مواردی که عموماً بر عکس جلوه داده می‌شود این است که تصور می‌شود ایده تعاون سعی دارد همواره از امکانات دولتی برای جا افتادن استفاده کند. به دلایل زیر این تصور صحیح نیست:

۱- هر زمانی که بحث حمایت از تعاونی‌ها، که متشکل از گروه‌های مردمی هستند، مطرح می‌شود بدون اینکه این کار حمایت انجام شود عده‌ای فریادشان بلند می‌شود و احتمال حمایت را از بین می‌برد. متأسفانه در قوانین بودجه، سال‌هاست که اولویت خاصی هم برای تعاون لحاظ نمی‌شود. درحالی‌که حسب توجه به بحث توانمندسازی عمومی جامعه باید به عنوان رویکرد در برنامه‌ها ذکر گردد این رویکرد باید مورد اولویت قرار گیرد.

۲- اگر عده‌ای با تجربه و توان مالی بخواهند وظیفه حمایت از دیگران مخصوصاً جوانان را بر عهده بگیرند، چنانچه با ابزار حمایتی، مورد تشویق قرار نگیرند چه انگیزه‌ای برای گرفتن شرکای دیگر و انجام کار گروهی، که قطعاً در سهم کردن دیگران و زمینه عدالت اجتماعی مؤثر است باقی می‌ماند؟ بهتر نیست دولت‌ها هزینه سنگینی که باید بعدها برای درمان بیماری‌های اجتماعی مانند اعتیاد که عموماً در اثر بیکاری جوانان تشدید می‌شود بپردازند قبلاً تحت برنامه توانمندسازی آنان هزینه کنند؟

۳- این خود دولت‌ها هستند که گاهی جهت پیشبرد برنامه‌های خود از شیوه

تعاون استفاده می‌کنند. گویا در اثر تکرار یک بر داشت غیردقیق، تعبیر برعکس جا افتاده است. بعنوان نمونه آیا در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی که تعاونی‌ها پرشور در صحنه آمدند، دولت وقت به آنها کمک کرد یا شیوه تعاون برای کمک به برنامه‌های دولت وارد صحنه شد؟

دولت در ابتدای انقلاب با دو مشکل اجتماعی مواجه بود: ۱- تعداد زیادی از جوانان تحت عنوان دیپلمه‌های داوطلب کار، توقع حمایت دولت انقلابی در این مورد را داشتند، ۲- در اثر خصومت دشمنان داخلی و خارجی انقلاب، کاهش تولید و برنامه‌های محاصره اقتصادی، جامعه با کمبود شدید کالاها و سایر نیازهای خوراکی و پوشاک و ... مواجه بود. برای مورد اول یعنی مشکل بیکاری جوانان برنامه‌ریزی شد تا برای تشکل و انسجام داوطلبان کار، از شیوه تعاونی استفاده کنند و بتوانند این مشکل اجتماعی را پاسخ دهند. قانون اساسی هم به همین دلیل برای جریان اشتغال، طریق تعاون را مدل قرار داده است.^۱ ولی اصل موضوع تعاون و قرار دادن امکانات در اختیار جویندگان کار، برای حل مشکلی بود که دولت در آن زمان با آن مواجه بود؛ نه صرفاً کمک به بخش تعاون.

درباره موضوع دوم یعنی مسئله کمبودهای ارزاق عمومی و توزیع کوپن (کالا برگ‌ها) دولت و متولیان توزیع ارزاق عمومی برای حل مشکل اجتماعی از شیوه تعاون استفاده کردند. اتفاقاً پاسخ بسیار خوبی با آن شرایط دریافت داشتند و با همه آن کمبودها حتی در دوران دفاع مقدس، شیوه تعاونی کارساز بوده است.

۱- هر چند که این راهکار نسخه قانون اساسی مورد غفلت واقع شده و تحت گرایشات عده‌ای از برنامه‌ریزان مسئله اشتغال به روش‌های بدلی دیگری منتهی گردید. حتی بعد از تشکیل وزات تعاون هم این وظیفه قانونی، به تشکیل و ثبت تعاونی خلاصه شد و بعضاً بدون توجه به مراحل توانمند سازی جوانان در قالب انسجام و تشکل تعاونی، این وظیفه مهم بین بخش‌های غیرمرتبط تقسیم شد.

هنوز سابقه توزیع جامع و در حد توان عادلانه آن زمان و ارزان رسیدن ارزاق به دست مردم در اذهان باقی است.^۱

در زمان حاضر که دولت نهم رویکرد بسیار به جای کمک به مردم برای حل مشکل مسکن افراد بی‌مسکن را هدف قرار داده است. مطابق آمار قریب دو میلیون خانوار واجد شرایط توسط وزارت تعاون سازماندهی شده است. مقرر است برای همه افراد واجد شرایط، از جانب دولت (وزارت مسکن) زمین در نظر گرفته شود و از طریق تعاونی‌ها همه این زمین‌ها آماده‌سازی شود و تحویل گروه‌های تعاونی و اجتماعی شود. آیا افراد به تنهایی می‌توانستند با یک بیل یا کلنگ، بخشی از این زمین‌ها را آماده کنند؟

در این موارد، دولت برای اجرای برنامه‌ها از شیوه تعاون استفاده کرده است یا تعاونی‌ها از دولت؟ از طرفی اگر دولت برای کاهش هزینه مسکن، زمین اجاره‌ای و تسهیلات می‌دهد، برنامه حمایتی و دلسوزی آن برای مردم است.

چرا شیوه تعاون صحیح‌ترین است؟

اشاره شد که خاصیت درونزای شیوه تعاون، اعتماد به نفس و اتکای به خود را در گروه‌های مردمی افزایش می‌دهد. اگر جوانی به دلیل نداشتن امکانات مالی جرأت حضور و اجرای ایده‌ای بزرگ را ندارد وقتی چند نفر شدند و امکاناتشان را کنار هم گذاشتند هم قابلیت مالی پیدا می‌کنند و هم جرأت لازم. اگر این شیوه صحیح است و موجب هم‌افزایی می‌شود نباید برای ترویج فرهنگ کار جمعی، سرمایه‌گذاری اجتماعی کرد؟

۱- در جامعه هنوز هم مصطلح است که اجناس ارزان را تعاونی تلقی می‌کنند

دیگر اینکه در بررسی نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی جهان به این نتیجه می‌رسیم که هر دو ظالمانه‌اند. در یکی انسانیت و شرافت انسانی فدا می‌شود و همه چیز در اسارت سرمایه قرار می‌گیرد و در نوع دیگر، آزادی و انگیزه انسان‌ها کشته خواهد شد. به‌عنوان کشوری که معیارهای انسانی و انقلابی و اسلامی را ملاک برنامه‌های فردی و اجتماعی قرار داده‌ایم نباید شیوه‌های نزدیک به معیارهای اسلامی را در اقتصاد یافته و دنبال کنیم؟

باید توجه داشت که حتی شهید والا مقام بهشتی که خود مبدع اقتصاد تعاونی در جمهوری اسلامی بوده است و شخص مقام معظم رهبری که بارها از این شیوه دفاع کرده‌اند و اجرای آن را به متولیان گوشزد نموده‌اند نگفته‌اند که اقتصاد تعاونی به تمام معنا عین اقتصاد اسلامی می‌باشد. اما روشن است که با توجه به خصوصیات آن و تاکیداتی که این بزرگان در رابطه شیوه تعاون نموده‌اند، اگر صحیح اجرا شود، می‌تواند معیارهای عدالت‌خواهانه ملت انقلابی ما و ارزش‌های اسلامی را نویدبخش باشد.

اگر شیوه‌ای وجود دارد که به تعبیر شهید بهشتی در آن سرمایه‌ها حاکم نیستند، انسان‌ها و کرامت آنها رأی و تصمیم حساب می‌شوند، تعاونی در عین حال که به اهمیت سرمایه به عنوان یک وسیله اعتراف دارد اما به سرمایه اجازه تاخت و تاز و حاکمیت نمی‌دهد تا با استفاده از این ابزار انسانیت‌ها و افکار بلندشان حاکم باشد، شیوه بدی است؟ یا به تعبیر همان شهید عزیز رقابتی را که در اقتصاد لیبرالیسم مطرح هست در شیوه تعاونی به همکاری تبدیل می‌شود آیا این همکاری و همدلی برای توانمندی لازم در رقابت‌ها کارساز نیست؟

اگر به تعبیر شهید محمدباقر صدر بر اساس اصل "تکافل اجتماعی سیاسی"

عده‌ای شیوه‌ای را انتخاب کنند که با احساس مسئولیت اجتماعی، بدون اینکه تنها به خود بیندیشند و منافع فردی خود را کفیل و ضامن یکدیگر قرار دهند و ضمن سرمایه‌گذاری و تلاش قبول کنند عده‌ای دیگر را زیر پر و بال خود قرار بدهند تا آنها فرصت حضور در کسب‌وکار داشته باشند، قابل تقدیر نیست؟ ممکن است عده‌ای بگویند این شیوه‌ها طرفدار کمی دارند. به فرض صحت، قطعاً از ارزشمندی آن نمی‌کاهد. نباید از سرمایه‌های اجتماعی و عمومی برای تبلیغ و حمایت از این شیوه پسندیده هزینه کرد؟

مگر در کشورهای صنعتی و سرمایه‌داری دنیا با پوشش قوی تامین اجتماعی و ایجاد شرکت‌های سهامی و تعاونی تلاش نمی‌کنند شکاف اجتماعی‌شان را کاهش دهند. مگر به خاطر استفاده از این شیوه صحیح و کارساز، بزرگترین بنگاه‌های اقتصادی در همین کشورها به شکل تعاونی اداره نمی‌شود؟

حال اگر دیگران هم این مزیت را شناخته‌اند و به آن روی آورده و ارزش‌ها و ضرورت ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی ما حکم می‌کند که اکثریت جامعه را در اقتصاد سهیم کنیم بدون منطق درست و به صرف عدم شناخت کافی آن یا احیاناً با بد اجرا شدن در بخش‌هایی که آن هم عمدتاً به دلیل عدم حمایت و نظارت کافی بوده است صورت مسئله را پاک کنیم؟

متأسفانه در اکثر اوقات وام‌های کلان به تعداد اندکی از افرادی داده می‌شود که به‌رغم ادعای سرمایه‌داری، هیچ سرمایه‌ای از خودشان نمی‌آورند. به جای آن که به بهانه داشتن پشتوانه مالی و تجربه، تسهیلات و وام‌های دولتی را به افراد مثلاً متمولی بدهیم که به هیچ‌وجه حاضر به سرمایه‌گذاری شخصی نیستند و با انواع حيله‌ها فقط با وام‌های میلیاردی بانکی که متعلق به

همه مردم است ظرفیت‌های اقتصادی را در اختیار می‌گیرند و به بهانه نبود امنیت اقتصادی و بسیاری از اشکالاتی که سر راه سرمایه‌گذاری اقتصادی ممکن است وجود داشته باشد؛ (معمولاً مجامع وابسته به غرب هم با ارائه آمارهای جهت‌دار بر این طبل بی‌اعتمادی برای سرمایه‌گذاری در ایران، می‌کوبند) این دسته از افراد سرمایه‌هایشان را در خارج از مرزهای ایران به کار می‌گیرند.

مانند سرمایه‌داران قبل از انقلاب باصطلاح مایه‌های خودشان را خارج کرده و بعد از کشیدن شیر اصلی کارخانجات و ... لاشه این مراکز اقتصادی و گروه کثیری از کارگران بیچاره را رها کرده و می‌روند.

آیا بهتر نیست با ایجاد بسترهای قانونی و اعتماد و افزایش امنیت سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران را تشویق کنیم که سرمایه خودشان را برای تولید و امور اقتصادی دیگر به کار بگیرند. علاوه‌براین باید بدانیم که اگر وام‌های میلیاردی را نه تنها به افراد کم اعتقاد به نظام بلکه به مورد اعتمادترین افراد داده شود؛ آن فرد برای اداره آن مجموعه باید پنجاه تا پانصد نفر یا بیشتر از افراد با عنوان کارگر استفاده کند؛ در این صورت باز هم او ارباب است و بقیه کارگر و اینجا هم عمدتاً قاعده سود بیشتر برای سرمایه‌دار جدید، کم‌انگیزی و بی‌توجهی به حفظ اموال و سرمایه برای عده‌ای از کارگران، موجبات درگیری‌های کارگر و کارفرما حاکم و در نتیجه کاهش بهره‌وری را شاهد خواهیم بود.^۱

حال اگر شیوه‌ای را که شهید والامقام بهشتی و بسیاری از فقها و اندیشمندان اسلامی در اقتصاد مطرح کرده‌اند، با حفظ مالکیت مشروع افراد و محترم شمردن

^۱ - البته هستند افرادی که همواره با سرمایه خود و با اندک حمایتی علاقمندان اشتغال ایجاد کرده اند و تلاش کردند کارگران و یا مدیران حرفه‌ای را سهام کنند. یا خود زمینه رشد و تولید را دلسوزانه فراهم کرده اند.

تولید ثروت، تشویق عملی و رفع موانع سرمایه‌گذاری برای افراد صاحب سرمایه، برای ایجاد تعادل، عدالت اجتماعی و فراهم کردن حضور حقیقی گروه‌های کثیری از مردم و جوانان کم تجربه و بی‌سرمایه در کسب‌وکار و اقتصاد، وام‌های دولتی عوض اینکه به یک فرد یا افراد معدودی داده شود؛ با طی مراحل توانمندسازی و آماده شدن در قالب تعاون به گروه‌هایی از افراد اختصاص داده شود تا همه این افراد احساس مالکیت کنند، بهتر و به عدالت و توزیع عادلانه فرصت‌ها و ثروت نزدیک نیست؟

حتی می‌توان هنگام اعطای تسهیلات به افرادی که سرمایه کافی برای سرمایه‌گذاری ندارند شرط کنیم که بخشی از این تسهیلات، به عنوان سهم آورده، تعدادی از جوانان فارغ التحصیل دانشگاهی یا تعدادی کارگر داده می‌شود که آنها ضمن کار در این مجموعه در مالکیت هم شریک باشند. چون اگر از منابع ملی امکاناتی داده می‌شود چرا خود مردم سهم نباشند؟ عدالت حکم می‌کند که دولت‌ها گروه‌های ضعیف‌تر را حمایت کنند و برای ایجاد توان لازم در آنها هزینه نماید. این همان تکلیف جزء دوم اصل ۴۳ قانون اساسی است که باید در قالب شیوه تعاونی انجام شود. با این شکل است که تعبیر رسای رهبر انقلاب که **"تعاون چشمه جوشان اشتغال است"** معنا پیدا می‌کند و عملی می‌شود. آیا تاکنون به این تکلیف به درستی عمل شده است؟ آیا نباید این مورد به شکل جدی مورد توجه قرار گیرد؟ آیا الزام به فعالیت بخش تعاون با دلایل، تجارب و شواهد موجود به حد کافی اثبات شده نیست؟

فصل هفتم

تعاون و اصل ۴۴ قانون اساسی

تعاون و اصل ۴۴ قانون اساسی

کارشناسان بر این باورند که دستیابی به جایگاه رفیع چشم‌انداز بیست ساله، مستلزم پیش‌نیازهایی از جمله اجرایی شدن ظرفیت‌های بالقوه اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی است. اما ممکن است معدودی از افراد نه فقط در تئوری بلکه بعد از اظهار نظر و ابلاغ این سیاست‌های اصل ۴۴ توسط مقام معظم رهبری و مراجع قانونی، در بدنه اجرایی به شکل علنی یا غیر علنی مطابق سلیقه فردی عمل کنند؛ که البته عملی غیرقانونی و غیرمنصفانه خواهد بود. بر این اساس و برای دوری از تشتت و تعصب، خوب است بخشی از تکالیف مربوط به بخش تعاون مطرح شده در سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی، که همگان آن را به عنوان پایه برنامه‌ریزی‌ها، تحولات و حتی ملاک توزیع منابع و وسیله تحول و نجات اقتصاد کشور می‌دانند، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

توجه و تأکید بر بخش تعاون، به شکلی آشکار در اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی کشور مورد توجه قرار گرفته است. در اصل ۴۴ قانون اساسی، تأکید

ویژه‌ای بر تعاون به‌عنوان یکی از پایه‌های سه‌گانه نظام اقتصادی کشور شده و در اصل ۴۳ قانون اساسی، بخش تعاون ملزم به تامین شرایط و امکانات کار برای تمامی افراد با هدف اشتغال کامل و جلوگیری از تمرکز ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص و ممانعت از کارفرمایی مطلق دولت گردیده است.

با توجه به افق چشم‌انداز، لزوم تقویت اصل ۴۴ قانون اساسی توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی احساس گردید و ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط معظم له، به نوعی «جهش اقتصادی» کشور لقب گرفته است. اجرای این سیاست‌ها از یک طرف، همگرایی دستگاه‌های اجرایی کشور را نیاز داشته و از طرف دیگر آگاهی آحاد مردم برای رسالتی که بر عهده خواهند گرفت را طلب می‌نماید.

با اجرایی شدن این سیاست‌ها قصد بر آن است که نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه‌ها، به سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت تبدیل گردیده و به تبع آن، اقتصاد ایران بتدریج از دولتی بودن خارج شده و بخش‌های غیردولتی اعم از عمومی، تعاونی و خصوصی عهده‌دار اداره بنگاه‌های کوچک و بزرگ اقتصادی شوند. بر این اساس، حضور ساختار یافته و گسترده مردم در عرصه‌های مختلف اقتصادی به همراه استانداردهای مدیریتی، دانش و مهارت باعث می‌شود تا از سرمایه‌های مادی و معنوی کشور حداکثر استفاده به عمل آمده و با تمرکز سرمایه‌های عدیده بر روی مزیت‌های اقتصادی کشور، شتاب و رشد اقتصادی پدیدار گردد. لذا از آنجا که بهره‌وری پایین از ویژگی‌های اقتصاد «دولت محور» می‌باشد، اقتصادهای «مردم محوری» که در چارچوب قانون ساختارمند شده‌اند،

بهره‌وری بالاتر، عدالت اجتماعی، فقرزدایی و اشتغال پایدار را برای جوامع به ارمغان می‌آورند.

از مجموع چهار بند «الف»، «ب»، «ج» و «د» سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، بند «ب» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به شکل ویژه به سیاست‌های کلی بخش تعاونی اختصاص یافته و شامل یازده بند است.

۱. افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد تا آخر برنامه پنج ساله پنجم.

۲. اقدام مؤثر دولت در ایجاد تعاونی‌ها برای بیکاران در جهت اشتغال مولد.

۳. حمایت دولت از تشکیل و توسعه تعاونی‌ها از طریق روش‌هایی از جمله تخفیف مالیاتی، ارایه تسهیلات اعتباری حمایتی به وسیله کلیه مؤسسات مالی کشور و پرهیز از هرگونه دریافت اضافی دولت از تعاونی‌ها نسبت به بخش خصوصی.

۴. رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمامی عرصه‌های اقتصادی از جمله بانکداری و بیمه.

۵. تشکیل بانک توسعه تعاون با سرمایه دولت با هدف ارتقاء سهم بخش تعاون در اقتصاد کشور.

۶. حمایت دولت از دستیابی تعاونی‌ها به بازار نهایی و اطلاع‌رسانی جامع و عادلانه به این بخش.

۷. اعمال نقش حاکمیتی دولت در قالب امور سیاستگذاری و نظارت بر اجرای قوانین موضوعه و پرهیز از مداخله در امور اجرایی و مدیریتی تعاونی‌ها.

۸. توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و سایر حمایت‌های لازم به منظور افزایش کارآمدی و توانمندسازی تعاونی‌ها.

۹. انعطاف و تنوع در شیوه‌های افزایش سرمایه و توزیع سهام در بخش تعاونی و اتخاذ تدابیر لازم به نحوی که علاوه بر تعاونی‌های متعارف، امکان تأسیس تعاونی‌های جدید در قالب شرکت سهامی عام با محدودیت مالکیت هر یک از سهامداران به سقف معینی که حدود آن را قانون تعیین می‌کند، فراهم شود.

۱۰. حمایت دولت از تعاونی‌ها متناسب با تعداد اعضا.

۱۱. تأسیس تعاونی‌های فراگیر ملی برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی.

سیاست‌های بند «ب» اصل ۴۴، مباحثی در سطوح خرد و کلان نظیر افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی، اشتغالزایی، حمایت از تشکیل و توسعه تعاونی‌ها، ایجاد بانک توسعه تعاون، بازاررسانی، سیاست‌گذاری، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، افزایش سرمایه و توزیع سهام و ایجاد تعاونی‌های فراگیر ملی جهت تحت پوشش قراردادن سه دهک اول جامعه با هدف فقرزدایی را به شکل توأمان به منظور افزایش میزان عدالت اجتماعی مورد توجه قرار داده است.

براساس قانون اساسی و تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی در باب کاربرد تعاون برای ایجاد اشتغال مولد و پایدار و الزامات قانونی ناشی از سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴، احکام زیر قابل استخراج بوده و همه برنامه‌ریزان و مسئولان اجرایی کشور مکلف به پیروی از آن می‌باشند:

۱. باید همه سیاست‌ها، برنامه‌ها و فرصت‌ها به طریقی انجام شود که تا انتهای برنامه پنجم توسعه، سهم بخش تعاون در اقتصاد به ۲۵ درصد در اقتصاد ملی برسد. تعیین این امر که از کل سرمایه‌گذاری‌های انجام شده و یا سرمایه‌گذاری‌هایی که در آینده بویژه سرمایه‌های بانکی و سرمایه‌گذاری در

اعتبارات، انجام می‌شود چقدر باید به بخش تعاون داده شود، در سند توسعه بخش تعاون کمیت و چگونگی آن اشاره می‌شود. قابل تامل است تنها موردی را که معظم له برای برنامه پنجم کمیت آن را برای تدوین کنندگان برنامه معین کرده اند الزام رساندن بخش تعاون به ۲۵ درصد است

۲. در جریان اشتغال، ضمن محترم شمردن حضور بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری‌های صورت پذیرفته از طرف آحاد ملت که خود موجب ایجاد شغل می‌شود، هرگونه اقدام رسمی از طرف دولت مرتبط با سازماندهی، پیگیری و سیاستگذاری در خصوص اشتغال باید در قالب تعاونی و یا در نظر داشتن شرایط بخش تعاون انجام گیرد. دور نگه داشتن تعاون در این چرخه، انحراف از تجویز قانون اساسی و سیاست‌های اصل ۴۴ جهت ایجاد اشتغال مولد است (جزء ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی) و (جزء ۲ بند «ب» سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴).^۱

۳. دولت و سایر مؤسسات مالی و اعتباری کشور باید در جریان تشکیل و توسعه تعاونی‌ها قرار گیرند و به روش‌های متعدد از جمله تخفیف مالیاتی و تسهیلات حمایتی و اعتباری حمایت مؤثر و جدی نمایند. ضمن دادن این‌گونه

۱- اساساً باید دانست که در قانون اساسی جمهوری اسلامی اقتصاد سه وجهی تعریف شده است: دولتی، تعاونی و حقوقی اما وزن هر سه وجه اقتصاد یکسان نیست. یعنی اینکه اقتصاد دولتی یکی از وجوه مجاز در کشور است که اگر ضرورت حاصل شد دولت هم بتواند کار اقتصادی کند اما اقتصاد دولتی رویکرد نیست همه ی اهل تجربه و تخصص، اقتصاد دولتی را مناسب نمی‌دانند. اقتصاد خصوصی هم طبق قانون مجاز است و هم فرصتی است قانونی برای سرمایه‌گذاران و مالکان سرمایه که در حد قانون و شرع سود ببرند و هم انگیزه سرمایه‌گذاری داشته باشند. اما آن بخش که مطابق همه تأکیدات و برنامه‌ها، مخصوصاً ضرورت ایجاد عدالت اجتماعی به همراه توسعه باید رویکرد همه متولیان نظام باشد، اقتصاد تعاونی است. گرچه متأسفانه در عمل خلاف آن انجام شده یعنی اقتصاد دولتی که نباید رشد کند، رشد کرده است و از طرفی وام‌های سنگین چند میلیاردی را تعداد محدودی از افراد استفاده کرده اند اقتصاد و تعاونی مغفول.

امتیازات هیچ دریافت اضافی به نسبت بخش خصوصی از تعاونی‌ها انجام نگیرد. چنانچه در فرآیند اجرایی بخش‌ها به قسمتی از این تکلیف عمل شود (در تسهیلات بانکی و...)، تعاونی‌ها باید در اولویت قرار گیرند، نه اینکه صرفاً

اشاره‌ای به این امر شده و به دلیل باز بودن جای تفسیر، عده‌ای بخش تعاون را موازی مابقی بخش‌ها به حساب آورند.

۴. محدودیت‌ها در عرصه اقتصاد (از جمله بانکداری، بیمه و...) می‌بایست تا حد امکان از تعاونی‌ها برداشته شود. لذا حمایت از تشکیل بانک‌های مردمی تعاونی، بیمه و مؤسسات اعتباری قرض‌الحسنه تعاونی باید در نظر متولیان مربوطه وجود داشته باشد و همه دستگاه‌های ذیربط می‌بایست از این برنامه‌ها حمایت کنند.

۵. علاوه بر حمایت همه مؤسسات مالی، بانکی و اعتباری کشور جهت تقویت بخش اعتباری تعاون و ارتقای آن در اقتصاد، تشکیل بانک توسعه تعاون با سرمایه دولت، به شکل عملی باید انجام گیرد. برای اینکه چنین فعالیتی در عمل نیز کارآمد باشد می‌بایست مطابق سایر بانک‌های دولتی و خصوصی، سرمایه قابل توجهی به آن تخصیص داده شود و گرنه در حد تشکیل، بدون بنیه قوی مالی نمی‌تواند سهم بخش تعاون را در حد لزوم ارتقاء بخشد.

۶. برای اینکه تعاونی‌ها بتوانند، علاوه بر حضور در اقتصاد ملی، در اقتصاد و بازار جهانی نیز حضور یابند باید شرایط دست‌یابی آنها را با حمایت‌های لازم و اطلاع‌رسانی ملی و جهانی، فراهم کرد. این موضوع، تکلیف حمایت‌های دولت از تعاونی‌ها را روشن می‌کند تا بتوانند در سطح بین‌المللی قدرت رقابت داشته باشند.

۷. باید نقش حاکمیتی دولت در قالب ساختاری اجرایی (نظیر وزارت تعاون) به نیابت از دولت به عنوان سیاستگذار بخش تعاون و نظارت بر اجرای قوانین اعمال گردد (مانند آنچه که در تشکیل وزارت تعاون قانون تکلیف کرده است) و چنین ساختاری می‌بایست از هر جهت مورد تقویت قرار گیرد؛ بدون دخالت در کار و روند مشارکت متقابل مردم و ضمن حمایت جدی از مدیریت مردم در تعاونی‌ها.

۸. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از جانب دولت و سایر حمایت‌های دیگری که جهت توانمندسازی مردم برای حضور در اقتصاد لازم است، می‌بایست برای تعاونی‌ها انجام گیرد و توسعه پیدا کرده و زمینه رایگان آن برای تعاونی‌ها فراهم گردد.

۹. برای تنوع و انعطاف در شیوه‌های افزایش سرمایه و توزیع سهام در بخش تعاونی باید نمونه‌های جدید تعاونی علاوه بر شیوه متعارف (که قبلاً مرسوم بوده است)، طراحی و اجرا شود. مانند تعاونی‌های سهامی عام، تعاونی‌های فراگیر ملی و در کل تعاونی‌های نسل جدید (NGC). این امر البته نباید موجب حضور عده‌ای با سهم بالا در تعاونی‌ها شود، لذا جهت رعایت عدالت اجتماعی، هر یک از سهامداران باید تا سقف معینی که قانون تعیین می‌کند مالکیت داشته باشند.

۱۰. به دلیل سهیم کردن گروه بیشتری از مردم در اقتصاد، رویکرد حمایت دولت از تعاونی‌ها باید بیشتر به سمت تعاونی‌هایی باشد که اعضای بیشتری دارند.

۱۱. از آنجا که یکی از اثرات مهم تشکیل و گسترش تعاونی‌ها، موضوع فقرزدایی در جامعه می‌باشد، باید تلاش شود تعاونی‌های فراگیر ملی با حضور سه دهک از طبقات درآمدی پایین جامعه، تشکیل شود تا با طی مراحل حمایت

و توانمندی آنان، افراد کم درآمد و محروم مورد حمایت قرار گیرند.

۱۲. تعاونی‌ها باید به صور گوناگون مورد حمایت قرار گیرند. یکی از مهم‌ترین مصادیق این حمایت‌ها، حمایت‌های مالی است که باید از طریق تسهیلات وجوه اداره شده، انجام پذیرد. لذا وجوه اداره شده بخش‌های اقتصادی کشور و سایر تسهیلات مشابه باید در جهت حمایت و تقویت تعاونی‌ها به کار رود و همه ساله در قوانین بودجه، ردیف‌هایی بدین منظور پیش‌بینی شود.

مواردی که اشاره گردید بخشی از الزامات قانونی است که جهت توانمندسازی مردم در قالب تعاونی لازم است. این تاکیدات سلیقه شخصی و بخشی نیست در حقیقت همه ارکان اجرایی که از منابع دولتی استفاده می‌کنند موظف به حمایت از این شیوه هستند و همان‌طور که قانون اساسی اشاره می‌کند باید متولیان علاوه بر حمایت‌های مالی، سایر روش‌های مشروع و مجاز دیگر را با نگاه اولویت‌دار جهت تعاونی‌ها در نظر داشته باشند.

فصل هشتم

تعاونی‌ها و جهانی شدن

تعاونی‌ها و جهانی شدن

جهانی شدن پدیده‌ای است که ملل گوناگون را در یک جامعه واحد، به هم پیوند می‌دهد به طوری که در روند تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی و اقتصادی، نقش مرزها به حداقل می‌رسد. جهانی شدن در عمل پدیده‌ای بی طرف نبوده و به دلیل ماهیت مبادله‌ای و ابعاد زشت و زیبای آن به وجود آمده است. زندگی روزمره انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند مثل شمشیری دولبه عمل کند و در موقعیت‌های گوناگون، سود و زیان‌هایی در پی داشته باشد. با در نظر گرفتن مواضع قبلی و سوابق گذشته دولت‌های استعماری به نظر می‌رسد پدیده جهانی‌سازی در دنیای امروز و تشکیل دهکده جهانی، به منظور اثبات محوریت و به اصطلاح نظم نوین و نه ایجاد وحدت جهانی باشد.

در روند بررسی جهانی شدن باید به این نکته توجه داشت که جهانی شدن با

جهانی سازی متفاوت است. جهانی سازی همواره با رویکرد تهاجمی و فعال شروع می شود (چه از نوع مثبت یا منفی)، درحالی که پدیده جهانی شدن با نوعی پذیرش (چه مثبت یا منفی) همراه است. از طرف دیگر جهانی شدن پدیده ای واحد و دارای غلبه یا هژمونی (غلبه بالا به پایین) نبوده و در مقابل آن پدیده بومی گرایی با حفظ هویت های محلی و منطقه ای قرار دارد.

با توجه به توضیحات ارائه شده، ماهیت واقعی جهانی شدن، مبتنی بر مبادله بوده و آغازگاه آن نیز از حوزه های غیر مناقشه برانگیزمانند حوزه اقتصاد شروع می شود.

چنانچه جهانی شدن با رویکرد ایجاد هژمونی و غلبه صورت گیرد، الزاماً نوعی حرکت خزننده و ناملموس در حوزه های فرهنگی، علمی، ارزشی و کم رنگ کننده هویت فردی اجتماعی است و یا در حوزه های اقتصادی با نگاه وابسته کردن صورت می پذیرد.

با توجه به رویکردها، ابعاد و شیوه های اجرایی جهانی شدن، برداشت های متفاوتی از آن وجود دارد. برخی معتقدند جهانی شدن موجب افزایش تجارت شده و در نتیجه مردم را ثروتمندتر می کند. ولی برخی دیگر معتقدند که این پدیده به رشد شرکت های بزرگ جهانی کمک کرده و تأثیرات منفی در اشتغال داشته است. عده ای دیگر از صاحب نظران نیز بیان می دارند که جهانی شدن مانند موجی عظیم است و باید موج سواری کرد در غیراین صورت، پدیده درگیر، غرق خواهد شد.

با نگاه خوش بینانه به پدیده جهانی شدن و با مراقبت دسیسه های پیدا و پنهان استعمارگران؛ می توان دریافت که طی چند دهه اخیر، در مواقعی جهانی

شدن موجب رشد تولید ناخالص داخلی در جهان شده و سرمایه‌گذاری خارجی، خصوصاً در بعضی از کشورهای جهان سوم، از رشد سریعی برخوردار گردیده است. جهانی شدن پروسه‌ای فعال است که به‌طور مداوم، مستمر و هماهنگ در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی جهان در حال اثرگذاری است. با پذیرش اینکه پروسه جهانی شدن ملل به نوعی محکوم مواجه با آن هستند؛ باید تلاش کرد تا حتی الامکان با آمادگی با آن روبه‌رو شد. برای ورود به فرآیند جهانی شدن، مهیاسازی فضای رقابتی و بسترهای حمایتی اولیه، مهم‌ترین زمینه ورود را فراهم ساخته و ایجاد فضای رقابتی، باعث افزایش قدرت رقابت‌پذیری اقتصاد ملی می‌شود و این کار از اهم وظایف دولت‌ها خصوصاً در بین کشورهای در حال توسعه است. ایجاد فضای رقابتی موجب رشد بخش‌های مزیت‌دار از طریق گسترش بازار محصولات تولیدی از سطح داخلی به سطح بازار بین‌المللی خواهد گردید. مقررات‌زدایی در بازار نیروی کار، یکی از مشخصه‌های اصلی جهانی شدن است. مضافاً اینکه، خصوصی‌سازی نهادهای دولتی و آزادسازی‌های تجاری و مالی در سطوح بین‌المللی باعث گردیده‌اند که شرایط کاری تغییر یابد. بر این اساس، در بسیاری از کشورها شاهد گسترش اقتصاد غیررسمی و تجزیه و تنزل روابط کارگری و بدتر شدن شرایط و سختی کار هستیم درحالی‌که "کار شایسته" حق همه افراد است و این حق در ارزش‌ها و احساس رضایت شاغلان مطرح می‌شود. **کار شایسته** افراد به معنی آینده روشن، شرایط خوب کار، توازن بین زندگی و کار، قادر بودن برای رقابت در بازار، دریافت سهم عادلانه‌ای از ثروت و جلوگیری از تبعیض در محل کار و همبستگی نیروی کار برای احقاق حقوق خود می‌باشد. بنابراین هر جا که

مشخصه‌هایی نظیر بیکاری غیرارادی و فقر، سوء استفاده از نیروی کار و کار خردسالان، ناامنی شغلی و درآمدی افراد، عدم امکان احقاق حق نیروی کار و عدم توازن بین زندگی و کار افراد پدید آید، کار شایسته برای افراد آن کشور تهیه نگردیده و باید راهکارهای لازم برای جبران آن فراهم گردد.

کارآفرینان و کارگرانی که در اقتصاد غیررسمی مشغول به کار می‌باشند هیچ‌گونه صدا و قدرت چانه‌زنی ندارند ولی جمع شدن آنها جهت فعالیت گروهی و نهادسازی، به عبارتی گردآوری آنها حول محوری نظیر تعاونی، امکان اتخاذ تصمیمات گروهی را مقدور ساخته و قدرت دفاع آنها را در امور مربوط به شیوه فعالیت و کار فردی، قیمت خرید کالا، ابعاد اداره کردن شغل و مؤسسه، بازاریابی، اخذ اعتبارات، نوع تقسیم سود و منافع و غیره افزایش می‌دهد؛ حتی می‌تواند اراده انسان‌ها را در کنار هم برای گرفتن حقوق اجتماعی و اقتصادیشان در مقابل اراده‌های دیکته شده جهانی سازی قرار دهد. این عمل تا حد زیادی شکاف ساختاری بین عملکرد اقتصادی و اجتماعی ناشی از جهانی شدن را ترمیم می‌گرداند.

یک مثال عینی از نقش تعاونی‌ها در جهانی شدن مربوط به کشور سنگاپور است. این کشور با جمعیتی معادل چهار میلیون نفر و وسعتی برابر با ۶۴۸ کیلومتر مربع، جزء کشورهایایی است که به سرعت سیستم جهانی شدن اقتصاد را از طریق آزادسازی‌های صورت پذیرفته در ابعاد مختلف تجاری، مالی و غیره پذیرفت و همزمان با آن بهای زیادی نیز به سیستم تعاونی‌های خود داد. که مصداق بارز این امر، توسعه شبکه تعاونی NTUC می‌باشد که دارای شاخه‌های مختلفی است، مثلاً یک شاخه مسئولیت تامین مالی اعضای خود که حدود یک

میلیون نفر می‌باشند را به عهده دارد (یک چهارم جمعیت کشور)، بخش دیگری از آن، بزرگترین فروشگاه‌های زنجیره‌ای غذایی را اداره می‌کند که در آن مواد غذایی به قیمت بسیار ارزان‌تری در مقایسه با رقبا در بازار عرضه می‌شود و در نتیجه تعاونی‌ها در سنگاپور به‌عنوان یکی از اجزای مهم چتر تامین اجتماعی مردم محسوب می‌گردند.

مدیران تعاونی‌های سنگاپور این مطلب را دقیقاً درک کرده‌اند که برای رویارویی با چالش جهانی شدن می‌بایست از قالب سنتی خود بیرون آمده و وظایف جدیدی را برای خود تعریف نمایند. اینان برای رقابتی شدن و رقابتی باقی ماندن، به اقدامات زیادی نظیر استخدام افراد حرفه‌ای و متخصص، به‌کارگیری فناوری اطلاعات برای دسترسی بهتر به اعضا و مشتریان و استفاده از اقدامات مطلوب مدیریتی برای افزایش کارایی، دست زده‌اند.

اما سؤال اصلی اینجاست که واقعاً چگونه تعاونی‌های سنگاپور توانسته‌اند قدرت رقابتی خود را در بازار حفظ کنند و پا به پای بخش خصوصی با آنها رقابت نمایند؟ قطعاً، گرفتن کمک مالی از دولت نبوده، زیرا تعاونی‌ها هیچ اتکایی به منابع دولتی نداشته و تنها به اتکای راهبردهای مناسب بازرگانی و تجاری خود توانسته‌اند موفق شوند. آنها همواره به دنبال راه‌هایی برای کاهش هزینه خود و ارائه خدمت خوب به اعضا می‌باشند. به‌طورمثال در تعاونی NTUC INCOME، که مسایل مالی اعضا و کمک‌های مالی به آنان را در اختیار دارد، هزینه‌های تعاونی به‌طور متوسط ۱۲ درصد کمتر از هزینه‌های بنگاه‌های مشابه می‌باشد و درآمد خود را نیز از مازاد دریافتی صندوق بیمه و یا کسانی که عضو تعاونی هستند، تامین می‌نماید. استفاده از فناوری اطلاعات، استخدام نیروهای کارا و

استفاده از فرآیندهای مؤثر در جریان خدمات و کاهش اتلاف منابع، مهم‌ترین عوامل افزایش کارایی این تعاونی‌ها می‌باشند. آنها قادرند در مواقع خاص بخصوص شرایط نامناسب اقتصادی (به شکل ویژه تعاونی‌های بیمه و اعتبار) کمک‌های مالی لازم را در اختیار اعضای خود گذاشته و امنیت مالی لازم را برای اعضا ایجاد نمایند.

با توجه به توضیحات ارائه شده، تعاونی‌ها در سایر کشورها نیز برای رویارویی با چالش جهانی شدن می‌بایست دست به اقداماتی بزنند تا بتوانند موقعیت رقابتی خود را حفظ کرده و با معضلات ناشی از آن مبارزه کنند.

از جمله اقدامات لازم در این خصوص **اجرای مدیریت حرفه‌ای** و مجهز شدن به بهترین بینش‌های مدیریتی، استفاده مؤثر از فناوری اطلاعات، اتحاد راهبردی با یکدیگر و تعاون بین تعاونی‌ها برای مقابله با رقبا، تشویق و ارج نهادن به روح تعاونی و خلاقیت مداوم برای حفظ قدرت رقابت می‌باشد. در واقع بخش تعاون باید مزیت‌های رقابتی خود را در کشور نسبت به سایر کشورها و بخش‌های دولتی و خصوصی شناسایی کرده، حلقه‌های اتصال عمودی (اتحادیه‌ها و اتاق تعاون) و افقی (بین تعاونی‌ها) را به شکل کاملاً کارآمد تعریف کنند، یا اقدام به خوشه‌سازی کرده و از مزیت آن بهره‌مند گردند.

طراحی و اجرای برنامه‌های آمایش سرزمین در بخش تعاون در کنار برنامه‌های راهبردی، همچنین برنامه‌های جامع‌بخشی و نظایر آن، می‌تواند کمک کار مناسبی برای این کار باشد. لازم به ذکر است که این اتصالات و ارتباطات بین تعاونی‌ها جهت کسب قدرت رقابتی زمانی کاربرد خواهند داشت که سایر مباحث و عوامل درون و برون سازمانی نظیر عوامل و بسترهای قانونی - حقوقی،

سازمانی - اداری، مالی - اعتباری، آموزشی - پژوهشی و نظایر آن برای تعاونی‌ها از قبل حل شده باشد. همچنین حوزه نظارتی، حمایتی، هدایتی و سیاست‌گذاری ساختاری همانند وزارت تعاون از طرف دولت، به نحو مطلوب اعمال گردد. مهندسی حرفه‌ای (PE) و استانداردهای فعالیت‌ها در چنین شرایطی امکان‌پذیر بوده و خروجی فعالیت‌هایی این چنین، تعاونی‌ها و اتحادیه‌های بسیار فعال و هدفمندی هستند که قادر به رقابت در شرایط گوناگون می‌باشند.

در دنیای رقابتی امروز و در فضای اقتصاد جهانی، مفهوم «اداره امور شرکت مثل همیشه» به معنای خارج شدن از گردونه و بازار می‌باشد. کلیه بنگاه‌ها باید شعارهایی مانند «بهرتر از دیروز»، «ارزان‌تر از دیروز» و «سریع‌تر از دیروز» (کیفیت، سرعت و قیمت) را سرلوحه کار خودشان قرار دهند و شاید بتوان این شعارها را همان تعریف معنی‌دار از واژه‌های «اخلاقیت» و «کارآفرینی» انست. در مجموع، برای ماندن باید مجهز شد. تعاونی‌های کوچک برای حضور در اقتصاد ملی و تعاونی‌های متوسط و بزرگ برای رقابت در اقتصاد جهانی. این راهکار را رهبر معظم انقلاب هوشمندانه در سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی جهت ایجاد توانمندی در تعاونی‌ها تکلیف نموده‌اند.

فصل نهم

تعاون و کارآفرینی

تعاون و کارآفرینی

بسیاری از دانشمندان و صاحب نظران از دنیای امروز به عنوان «عصر عدم تداوم» یاد می کنند. «عصر عدم تداوم» به این معناست که دیگر تجارب و راه‌حل‌های گذشته برای مسایل جاری و آینده جوامع بشری کارگشا نیستند و باید به شیوه‌ای دیگر اندیشید و به دنبال راهکارهای جدید با ساختارهای نوین بود تا بتوان کالا و خدمات را با حداقل هزینه و با کیفیت برتر، متناسب با نیازها و سلیقه‌ها (آن گونه که بازارهای شدیداً رقابتی جهانی را تسخیر کرده و در این مسابقه بزرگ پیروزمند باشند)، تولید کرد.

واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی *Entreprendre* به معنای "متعهد شدن" نشأت گرفته و **کارآفرینی** عبارتست از فرآیند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به منظور بهره‌گیری از فرصت‌ها. **کارآفرین** (مستقل) نیز فردی است که مسئولیت اولیه‌ی جمع‌آوری منابع لازم برای شروع کسب‌وکار است و یا کسی که منابع لازم برای شروع و یا رشد

کسب‌وکاری را بسیج نموده و تمرکز او بر نوآوری و توسعه فرآیند، محصول یا خدمات جدید می‌باشد.

به عبارت دیگر، کارآفرین فردی است که یک مؤسسه را ایجاد و اداره می‌کند و هدف اصلی اش سودآوری و رشد بوده و مشخصه اصلی یک کارآفرین، نوآوری می‌باشد.

امروزه در عرصه رقابت جهانی به دلیل کاهش سرعت پیشرفت با بهره‌گیری از منابع اولیه تولید و همچنین افزایش اهمیت نقش انسان‌ها در فرآیند تولید، اهمیت فرآیندهای کارآفرینانه در شرکت‌های بزرگ بیش از گذشته مورد تأکید قرار گرفته و محققان کنون توجه خود را به چگونگی القاء مقوله کارآفرینی در ساختار سازمانی و تولیدی شرکت‌های بزرگ معطوف نموده‌اند. برخی از محققان به تشریح چگونگی ایجاد شرکت‌های کارآفرینانه فرعی در چهارچوب شرکت‌های مادر پرداخته و معتقد بودند آنچه که در بین تمامی انواع کارآفرینان به‌طور مشترک می‌توان یافت انجام یک فعالیت مخاطره‌آمیز است. هدف از تعمیم فرآیند کارآفرینی در سازمان‌ها، در واقع اولویت دادن به انجام فعالیت‌های مخاطره‌آمیز نسبت به برنامه‌های جاری شرکت می‌باشد.

بنابراین اگر قرار است اقتصاد موفقی در کشور ایجاد شود، نیازمندی به شکل‌هایی موفق در محیط رقابتی، محرز است. این امر مستلزم داشتن نیروی انسانی پرتوان، مؤمن و خوداتکا و دارای روحیه خلاق و کارآفرین است. چنین افراد کارآفرینی می‌بایست قادر به ایفای نقش تجمیع‌کنندگی، مهیاسازی بسترها، مدیریت بر فرایندها و تداوم کار، سیاستگذاری جهت ارتقاء فعالیت درآینده، ادغام با سایرین یا تفکیک از آنها، تغییر مأموریت‌های محوله، حل

مشکلات محیطی و بسترهای فعالیتی و همانند آنها، با توجه به اصول ارزشی جامعه خود بوده و این ویژگی‌ها، معرف فرهنگ «کارآفرینی متعهدانه» است که اجرایی شدن سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی جز در بستر آن شکوفا نخواهد شد.

توجه به کارآفرینی و ایجاد و توسعه آن، گام مثبتی در جهت ایجاد فضای مناسب به منظور افزایش منابع ملی، کاهش نرخ بیکاری، تعادل ساختاری و توسعه شهرها و روستاها خواهد بود. در این راستا بخش تعاون می‌تواند به عنوان یکی از مؤثرترین نهادها، به این کار اقدام کرده و با توجه به سیاست‌های اصل ۴۴، روحیه کارآفرینی را ترویج نماید. نوع کارآفرینی مورد نظر از این فرآیند، صرفاً کارآفرینی فردی با هدف تشکیل شرکت‌های تعاونی نیست و سایر صور کارآفرینی همچون کارآفرینی سازمانی، کارآفرینی اجتماعی، کارآفرینی مؤسسه‌ای و غیره را در بر می‌گیرد و کسب سود همراه با رعایت ارزش‌های خاص مدنظر است.

خوشبختانه تأکیدات و تأییدات به عمل آمده درخصوص بخش تعاون در قانون اساسی، فرمایشات مقام معظم رهبری و اسناد فرادستی نظام از جمله چشم‌انداز ۲۰ ساله، برنامه‌های توسعه، سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و سند ملی تعاون، افق بسیار وسیع و گسترده‌ای را پیش روی بخش تعاون گشوده است و الزام قانونی برای رسیدن به سهم ۲۵ درصدی در اقتصاد ملی در پایان برنامه پنجم توسعه، لزوم ایجاد «**نهضت فراگیر تعاون**» را بر همه دلسوزان نظام فرض داشته است. در این میان نقش کارآفرینان متعهد و مؤمن، نقش بسیار ممتاز و اساسی است و به تعبیری می‌تواند «**موتور محرک توسعه اقتصاد تعاون**» قلمداد شود.

به نظر می‌رسد مجموعه شرایط و مقتضیات جامعه امروز ما از یک سو و **برنامه‌ها و اهداف مشترکی** که بین دو مقوله «کارآفرینی» و «تعاون» وجود دارد از سوی دیگر، ضرورت ارتباط راهبردی این دو مقوله اساسی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

به عبارتی از یک سو اهداف مشترک مهمی از قبیل افزایش اشتغال مولد، توسعه اقتصادی، افزایش رقابت در اقتصاد و توسعه کارایی بازار، کمک به افزایش صادرات، دستیابی به توسعه منطقه‌ای، کاهش انحصار و تمرکززدایی و افزایش مشارکت بخش غیردولتی در اقتصاد کشور بین «کارآفرینی» و «تعاون» وجود دارد و از سویی دیگر مزایای نسبی که هرکدام از این مقوله‌ها دارند می‌تواند یک هم‌افزایی عظیمی را در راه دستیابی به اهداف مشترک به وجود آورد.

از طرف دیگر، عامل اساسی پایداری، پویایی و موفقیت فعالیت‌ها و سازمان‌های مختلف و از جمله فعالیت‌ها و سازمان‌های تعاونی، حرکت با محوریت «**خلاقیت و نوآوری**» می‌باشد. به عبارتی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و الزامات موفق شدن تشکل‌های تعاونی، خلاق و نوآور بودن آنهاست. تشکل تعاونی خلاق و نوآور، تشکلی است که خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی خلاق در آن نهادینه شده و محور فعالیت‌های آن بر این اساس باشد. کارآفرینان با ارایه نوآوری‌ها و گسترش روند انتشار فناوری‌ها، می‌توانند ضامن تداوم، پویایی و رقابت‌پذیری نهضت تعاون بوده و بخش تعاون نیز با ظرفیت‌سازی، مهیا نمودن شرایط، امکانات، تسهیلات و ایجاد زمینه‌های قانونی می‌تواند فضای مطمئنی را برای انجام فعالیت‌های کارآفرینانه فراهم سازد.

در سند توسعه بخش تعاون، توسعه مبتنی بر دانایی با تمهیدات خاصی نظیر ایجاد و گسترش پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری با مشارکت تشکل‌های تعاونی، توانمندسازی جوانان، زنان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی برای ایجاد اشتغال و حفظ و بهبود اشتغال موجود، آموزش کارآفرینی، ایجاد و توسعه بانک اطلاعات کارآفرینی در بخش تعاون، ایجاد و توسعه شرکت‌های تعاونی تحقیقاتی، طراحی، مشاوره و مواردی از این قبیل پیش‌بینی شده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود و با توجه به توضیحات ارائه شده، برای حمایت از کارآفرینی که در بخش تعاون به فعالیت می‌پردازند، تمهیدات نسبتاً مناسبی نظیر رفع موانع فعالیت در همه زیربخش‌ها، تسهیل فرایند دستیابی به منابع، اطلاعات، فناوری و ارتباطات، تخفیف مالیاتی، اعطای تسهیلات (وجوه اداره شده) اولویت در واگذاری سهام بخش دولتی و بنگاه‌های مورد واگذاری به کارآفرینان و ایجاد شهرک‌ها و مجتمع‌های تعاونی و استقرار تعاونی‌های نوپای کارآفرینان در آنها در نظر گرفته شده است که قطعاً می‌تواند فضای بسیار مناسبی را برای فعالیت‌های کارآفرینانه در بخش تعاون فراهم آورد.

می‌توان گفت اقدام به کارآفرینی در صورت جمعی، انگیزه و شوق ایجاد زنجیره خلاقیت و حرکت نظام‌مند را برای حضور در جامعه فراهم خواهد کرد و توسعه پایدار کشور را در به دنبال خواهد داشت. از رهگذر تولید ثروت، ارزش‌آفرینی، بسط رفاه اجتماعی، پویایی، نشاط، دانایی محوری و نوآوری، توانمندسازی و توسعه منابع انسانی و غیره، پویایی و بالندگی پایدار ملی را تسهیل می‌نماید.

با در نظر گرفتن مختصات نهادی بخش تعاون و به طور مشخص، واحدهای

تعاونی، وجه تمایز رهیافت کارآفرینی گروهی با سایر گونه‌های کارآفرینی، اعم از کارآفرینی مستقل (فردی)، سازمانی و اجتماعی در این است که در این رهیافت، همسویی و همزمانی روند پدیدار گشتن یا آغاز، تداوم و توسعه رفتار کارآفرینی با روند آغاز و شکل‌گیری، سامان‌یافتن، انسجام‌یافتن، بلوغ و توسعه یک گروه با تأکید بر خاصیت سینرژیک (هم‌افزایی جمعی اعضا) با فرآیند پیدایش و پویایی نهادمند واحدهای تعاونی هم‌ساز است.

فصل دهم

بنیاد توسعه کارآفرینی و تعاون

بنیاد توسعه کارآفرینی و تعاون

تامین استقلال اقتصادی جامعه به‌عنوان یکی از اصول بنیادین و وظایف جمهوری اسلامی ایران با تامین شرایط و امکانات و وسائل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند ولی فاقد وسائل کار می‌باشند، در قانون اساسی ذکر شده است و استفاده از توانمندی‌های تعاونی‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های مشروع برای رسیدن به مقاصد یاد شده، مورد تأکید قرار گرفته است. فعالیت اقتصادی در شکل تعاونی از این رو مورد توجه خاص قرار دارد که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های مشخصی منتهی می‌شود و نه دولت را به‌صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق در می‌آورد.

از طرف دیگر با وجود همه تلاش‌های به‌عمل آمده، هنوز تعداد کثیری افراد بیکار (با تأکید بر جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی) در کشور وجود دارد. پرواضح است که نیروی بالقوه موجود در این تعداد از جمعیت کشور و

به‌کارگیری آنها، فرصت گرانبهایی برای توسعه کشور به حساب می‌آید. بدین منظور، توسل به راه‌حل تعاونی از این مزیت برخوردار است که جوانان به مشارکت جمعی در چاره‌جویی مشکلات فراخوانده شده و حمایت‌های بایسته دولت در چارچوب برنامه‌ریزی و مساعدت‌های اعتباری، تدابیر متخذه را قوام و دوام می‌بخشد. تعاونی‌ها با جهت‌گیری‌های صحیح خود می‌توانند به عنوان راهی به سمت سرمایه‌های گوناگون (کار، سرمایه، زمین، مدیریت، تکنولوژی) جهت تحقق آرمان‌های عدالت‌خواهانه اجتماعی و اقتصادی به حساب آیند. این مهم با درک افراد جامعه و مشارکت و حمایت اصولی دولت از طریق برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت تحقق می‌یابد.

باید توجه داشت که ایران به لحاظ بهره‌مندی از ذخایر و منابع طبیعی، جوان بودن جمعیت و دانش بومی، کشوری بسیار توانا و ثروتمند به شمار می‌رود. به باور کارشناسان اگر شرایطی فراهم گردد که مردم از امکانات و قابلیت‌های محیطی خود مطلع شده، توانایی و زمینه لازم برای برخوردار شدن آنان از این قابلیت‌ها فراهم شود و حمایت‌های لازم از آنان در بهره‌گیری از این منابع صورت گیرد، آنان راه توسعه را در کمترین زمان ممکن به مقصد خواهند رساند. تجارب جهانی نشان می‌دهند که برای دستیابی به توسعه، بهترین راه توانا کردن مردم برای برعهده‌گیری مسئولیت توسعه در هر محل به اتکای منابع محلی و با حمایت دولت است. با فراهم‌شدن این شرایط، مشکلاتی مانند بیکاری، فقر، مهاجرت و امثال آن به تدریج کم شده و تولید، حفظ منابع پایه، بهبود خدمات و ارتقای کیفیت کالاها (بویژه مواد اولیه) افزایش خواهد یافت. در زمینه اشتغال، چهار عامل کلیدی، "کار آفرینان"، "کارجویان"، "منابع و

استعدادهای طبیعی بومی و منطقه‌ای" و در نهایت "سرمایه‌های مالی و اعتباری مردمی و دولتی" به‌عنوان شالوده‌های تعیین‌کننده و تأثیرگذار وضعیت اشتغال در هر کشور به‌شمار می‌آیند. حرکت هماهنگ این چهار مؤلفه منجر به رشد و توسعه و رفع معطل بیکاری می‌گردد. متأسفانه گاهی هر یک از این چهار مؤلفه نه به مثابه فرصت بلکه تهدید تلقی می‌شود. به‌عنوان مثال وجود مجموعه‌ای جوان، که در حقیقت سرمایه بزرگی محسوب می‌شود، گاهی به شکل تهدیدآمیز تلقی می‌شود و گفته می‌شود با این بیکاران چه کنیم. یا گفته می‌شود نقدینگی سرگردان در دست مردم موجب افزایش تورم است. درحالی‌که عموماً برای هر سرمایه‌گذاری، نقدینگی لازم است. لذا چون برنامه‌ریزی جامع و دقیقی برای استفاده بهینه از این فرصت‌ها انجام نگرفته است هر یک ممکن است در دسر تلقی شود.

بررسی کارشناسی این موضوع را روشن می‌کند که باید این چهار مؤلفه به شکل یک زنجیره، مکمل هم باشند. البته در این نوع سیاستگذاری‌ها، جهت، میزان و شدت ترکیب عوامل بسیار مهم خواهد بود. در حال حاضر، کشور ما از نظر تامین هر یک از این محورها در موقعیت نسبتاً خوبی قرار دارد و از بعد سیاستگذاری و جهت دهی به این منابع، استفاده از توانمندی‌های بخش تعاون، یکی از بهترین راهکارهای ممکن خواهد بود که می‌تواند به تلفیق و به‌کارگیری مناسب این عوامل منجر شود.

نهضت تعاون به دلیل مشارکت دادن مردم در مالکیت و مدیریت منابع، یکی از عادلانه‌ترین روش‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی است. باید توجه داشت که افزایش سهم بخش تعاون در تولید ناخالص ملی از طریق افزایش سرمایه‌گذاری،

توسعه اشتغالزایی، ایجاد فضای کار در بخش‌های اقتصادی کلان و پیر بازده، امکان‌پذیر بوده و به تبع آن، افزایش سهم درآمدهای ملی از جانب بخش تعاون نیز افزایش خواهد یافت.

در دو ساله اخیر وزارت تعاون با هدف ارائه یک الگوی مردمی از اشتغال، با همکاری استانداران در سراسر کشور، با ابداع روشی کارآمد اقدام به راه‌اندازی مدلی به نام "بنیاد توسعه کار آفرینی و تعاون" در استان‌ها کرده است که پایه اصلی آن به شکل غیر دولتی، با حضور داوطلبانه جمعی از علاقه‌مندان به رشد و توسعه آن استان اعم از استادان دانشگاه، افراد با تجربه اقتصادی و اجرایی و کارآفرینان در قالب تعاونی راه‌اندازی شده است. اهداف اساسی این برنامه فراهم‌سازی محیطی مناسب جهت اشتغال انبوه کارجویان به اتکای رویکرد ظرفیت‌سازی در بدنه دولتی، توانمندسازی بیکاران و هدایت ایشان در راستای فعالیت در قالب شرکت‌های تعاونی در بخش‌های مختلف اقتصادی اعم از کشاورزی، بازرگانی، صنعتی، خدماتی و امثال آن خواهد بود. ضمن اینکه مسئله منطقی انجام فرایند توانمندسازی جوانان از طریق تعاون میسر خواهد شد.

هدف اصلی بنیاد توسعه کار آفرینی و تعاون، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان‌های کشور با تکیه بر گسترش تعاونی‌ها و انجام فعالیت‌های اقتصادی از طریق تاسیس و مشارکت در مجتمع‌های تعاونی و تعاونی‌های پایین دستی است که به صورت مجموعه (مجتمع) خوشه‌ای یا مکمل شکل خواهند گرفت.

مهم‌ترین موضوع و حدود فعالیت‌های بنیاد توسعه کار آفرینی و تعاون در هر استان نیز عبارتند از:

- شناسایی مزیت‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در منطقه.
 - شناسایی، توانمندسازی و سازماندهی کارجویان، سرمایه‌گذاران و کارآفرینان.
 - اقدام به تاسیس شرکت‌های مادر تخصصی (هلدینگ) در رشته فعالیت‌های خاص با مشارکت برندهای معتبر و تشکل‌های منطقه‌ای ذیربط.
 - تهیه و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های جامع کسب‌وکار در حوزه‌های مختلف.
 - تاسیس نهادهای مالی و اعتباری و شرکت‌های تضمین اعتبار جهت تامین منابع مالی، تضمین ریسک سرمایه‌گذاری و طرح‌های توسعه‌ای.
 - تاسیس و گسترش شرکت‌های تعاونی خدمات تخصصی در امور فنی، مدیریت، حقوقی، مالی و غیره به منظور بهبود محیط فعالیت تعاونی‌ها.
 - اجرای طرح‌های بزرگ صنعتی و عمرانی به عنوان پیمانکار عمومی از طریق شبکه تعاونی‌های متشکله.
- چنانچه فعالیت بنیاد به شکل تداومی ادامه داشته باشد (حدود دو برنامه توسعه یا هشت سال)، به نظر می‌رسد از فرصت کافی برای اثرگذاری بلند مدت و کاهش مؤثر سطح بیکاری در سطوح استانی و عملیاتی برخوردار گردد.

فصل یازدهم

تعاون و اشتغال جوانان

تعاون و اشتغال جوانان

جوانان و جوان بودن جمعیت سرمایه بزرگی محسوب می‌شود. با وجود آنکه باید آمادگی لازم برای پاسخ به نیازهایشان فراهم شود. هزینه‌های این نیازها، نوعی سرمایه‌گذاری بلند مدت تلقی می‌شود. تربیت درست جوانان و جهت دهی بهینه به آنان جزء عواملی است که می‌توان روی کارآمدی آنها در آینده، یا عدم کارآمدیشان بحث کرده و یکی از ابعاد تربیتی قابل اشاره، تربیت اقتصادی و پرورش حرفه‌ای این گروه می‌باشد. مطابق سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت افراد رده سنی ۲۰ تا ۲۴ ساله کشور، بالغ بر ۹ میلیون نفر و رده ۱۵ تا ۱۹ ساله نیز ۸/۷ میلیون نفر اعلام شده که موجی از نیازمندی جهت اشتغال، مسکن، تحصیل و ازدواج را به دنبال خواهد داشت.

اگر جزء دوم اصل ۴۳ قانون اساسی مورد توجه قرار گیرد، ساماندهی برای اشتغال این گروه از جمعیت کشور باید به‌عنوان یکی از مسئولیت‌های محوله در

قالب تعاون برنامه‌ریزی و اجرا شود چرا که این گروه یا می‌بایست در قالب کارگزار و کارمند جذب سایر مؤسسات، شرکت‌ها و یا اصناف و مشاغل آزاد و حتی مشاغل کاذب شوند و یا می‌باید برای خود به شکل جمعی و فردی، تولید اشتغال کنند. از آنجا که احتمال وجود ظرفیت‌های لازم برای اشتغال خودگردان و مستقل این گروه کم است، لذا ساماندهی و توانمندسازی آنها می‌تواند به‌عنوان گام‌های نخستین اشتغال محسوب شده و فعالیت جمعی این گروه، مسلماً کارآمدتر از فعالیت انفرادی آنها خواهد بود.

مقدم بر دیگر روش‌ها، بخش تعاون قادر است با تشویق و ترغیب جویندگان کار به ایجاد مشاغل مولد پردازد. تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که این شیوه اقدام جمعی و توأمان با درک مسئولیت و مشارکت فعال متقاضیان کار، نه فقط جذاب قشر قابل ملاحظه‌ای از جوانان در مشاغل مفید به شکلی قابل برنامه‌ریزی و کنترل می‌باشد، بلکه در صورت هدایت صحیح تعاونی‌های مزبور، ضمن سوق دادن آنها در جهت تولید کالاهای مورد نیاز جامعه، با توسعه تدریجی واحدهای کوچک می‌توان بستر مناسبی برای اشتغال جدید فراهم آورد. آشنایی جوانان با بخش تعاون بهانه خوبی برای تشویق آنها به تشکیل تعاونی‌ها و تلفیق نیروی انسانی کارآمد با بخش تعاون خواهد بود. بدیهی است چنانچه تجمع سرمایه‌های کوچک همراه با مدیریت علمی و کارآمد در یک تعاونی تحقق یابد، در کوتاه مدت باعث رفع نیازهای افراد شده و در میان مدت، توسعه اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.

شرکت‌های تعاونی به دلیل ماهیت انسان محوری و نه سرمایه محوری، مورد حمایت آحاد مختلف جامعه بوده و تعاونی‌ها با توجه به ویژگی‌های خود

توانسته‌اند مشارکت مالی و فکری اقشار مختلف مردم را جلب نمایند و از این طریق، پس اندازهای کوچک مردم و همچنین توان فکری آنها را در فرآیند تولید کالاها و خدمات به کار اندازند.

غالب اعضای شرکت‌های تعاونی و کسانی که به شکوفایی مؤسسات مذکور چشم امید دارند، فاقد پس انداز کافی برای تشکیل سرمایه‌های اولیه مورد نیاز بوده و همین محدودیت امکانات مالی، رشد تعاونی‌ها را که قرین گسترش عدالت و لازمه ستیز با فقر است، با کندی و گاه با شکست مواجه ساخته است. تنگنای مالی موصوف، در زمینه تولید و اشتغال به کار، حادتر بوده و جوانان جویای کار و بیکاران علاقه‌مند به اشتغالی مولد و آبرومندانه، غالباً از توانایی لازم جهت تامین مخارج نسبتاً سنگین تهیه ابزار و وسایل کار و تاسیس کارگاه برخوردار نیستند.

ملاحظات یاد شده در کنار اهمیت ایجاد فرصت‌های شغلی برای انبوه زنان و مردان جوانی که پس از فراگیری مهارت‌های لازم و فراغت از تحصیل وارد بازار کار می‌شوند از دیدگاه عدالت‌خواهانه قانون اساسی و نیز ضرورت زدودن عاجل سایه فقر از کنار پیکر جامعه‌ای انقلابی، اندیشه مساعدت‌های مالی و اعتباری را **اگر نه سخاوتمندانه، که حتی مصلحت جویانه** به شکل‌های تعاونی، پرننگتر از همیشه مطرح می‌سازد.

واقعیت انکارناپذیر آن است که در غیبت تدابیر آزموده برای حل مسایل پیچیده اجتماعی نظیر بیکاری و فقر و در غیاب فعالیت سازمان‌های مجرب جهت مواجهه اصولی با تنگناهای اقتصادی نظیر تورم و گرانی و گران‌فروشی و محدودیت تولید، راه‌حل تعاونی انتخابی ناگزیر جهت به میدان آوردن این تدابیر

و ساختارهای مناسب فعالیتی مرتبط با آن بوده و حمایت مالی و اعتباری نظارت شده از مؤسسات تعاونی، جز و عوامل تضمین کننده موفقیت است.

با این حال، باید به این نکته توجه شود که جوانان برای حضور در موفقیت‌های کسب‌وکار باید تجربه و دانش فعالیت‌های اقتصادی را پیدا کنند و از طرفی ایجاد کار جمعی و فرهنگ آن نیازمند به اجرای برنامه‌های میان مدت و حتی بلندمدت است.

باور متولیان امر برای سرمایه‌گذاری در این دو مؤلفه، ضامن اجرایی شدن آن خواهد بود. عده‌ای علاقه‌مندند با بروز کوچکترین مشکل، اصل صورت مسئله را پاک کنند و یا گاهی تصور می‌کنند که تنها با ارایه بعضی از امتیازات مقطعی مانند تسهیلات و سایر کمک‌های مالی، امکان توانمندسازی این مجموعه بزرگ وجود دارد، درحالی‌که حرفه کسب‌وکار نیازمند دانش و تجربه است. در حقیقت بر خلاف آنان که خودشان را به ادارات و مؤسسات می‌سپارند تا مطابق برنامه آنجا فعالیت کنند، افراد اقتصادی باید برای خود، برای مؤسسه‌ای که دائر می‌کنند و برای سرمایه‌ای که به کار می‌گیرند و حتی برای همراهان و کارکنان اطرافشان، فکر نموده و برنامه‌ریزی کنند. در چنین شرایطی، چنین گروه‌هایی اگر در جایی با مشکل مواجه شدند باید مورد حمایت قرار گیرند. به‌عنوان مثال زمینه‌های سرمایه‌گذاری آنان نیازمند وثایق تضمین کننده است که عموماً پشتوانه آن را ندارند. لذا ایجاد، توسعه و تقویت صندوق‌های حمایتی و ضمانتی سرمایه‌گذاری برای تعاونی‌های جوان، امری حتمی و لازم است تا دچار تنگنا و محدودیت سرمایه‌ای و اجرایی نباشند.

بر این اساس، از بخش تعاون انتظار می‌رود با ایجاد تشکیلات مناسب، اقدام

به شناسایی و سازماندهی نیروهای تحصیل کرده، نموده و با طبقه‌بندی تخصص‌ها، از این توانمندی عظیم در رفع مشکلات فنی سایر واحدهای تولیدی بهره ببرد.

چرا تعاون چشمه جوشان اشتغال است؟

اینکه «تعاون چشمه جوشان اشتغال است» عبارت شریف رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره تعاون است. به لحاظ قانونی، همان‌طور که در جزء ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی آمده است، موضوع توانمندسازی مالی افراد علاقه‌مند و با توان در کار در قالب «تعاونی» یکی از تکالیف اصلی نظام است.

اینکه چرا اشتغال در قالب تعاونی تکلیف شده است، به نظر می‌رسد این تکلیف مانع ایجاد اشتغال توسط بخش خصوصی یا بخش عمومی نیست چون قاعدتاً اولی باید با سرمایه خودش سرمایه‌گذاری کند و هر مقدار دولت و سایر ارکان نظام حمایت کنند تا مردم انگیزه سرمایه‌گذاری داشته باشد و به تبع آن اشتغال ایجاد شود اقدامی پسندیده است. مردم باید تشویق شوند و مناسب است که حتی کم و کسری سرمایه‌گذاری آنان به شکلی تامین گردد (به شرطی که واقعاً سرمایه خودشان را به صحنه بیاورند نه اینکه آنها هم فقط چشم طمع به تسهیلات بانکی دولتی و ... داشته باشند). بخش‌های عمومی هم چه از حمایت و سرمایه دولت برخوردار باشند (از این بابت به نوعی دولتی محسوب می‌شوند) یا انباشتی از سرمایه کثیر اعضا و گروه‌های بزرگ مردمی، خود دارای سرمایه هستند. اتفاقاً برای ادای حق اعضا و یا اعاده عمومی حمایت از آنها، در حدی که به اسم غیردولتی، عرصه حضور مردم در اقتصاد را محدود نکند، لازم است. در این موارد بحثی نیست.

موضوع تکلیف جزء ۲ اصل ۴۳ و توجه به عبارت صریحی که مکرراً توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی عنوان می‌شود این است که اساساً جریان حمایت دولت چه از طریق وام‌ها و تسهیلات دولتی و چه سایر حمایت‌هایی که به منظور کمک و توانمندسازی مردم جهت یاری آنها برای کسب معیشت و رفاه در زندگی انجام می‌گیرد، باید رویکرد تعاون داشته باشد. زیرا اگر بناست دولت حمایت مؤثر، آن‌طور که رهبری ابلاغ نمودند، نماید باید از طریق ساختاری پیگیری و نظارت شود که آیا این هزینه‌ها و حمایت‌ها منتج به نتیجه می‌شود و در جای خودش هزینه می‌گردد یا خیر؟

از طرف دیگر، این گروه مورد حمایت، تنها مشکلشان، ناتوانی آنان در بحث نقدینگی و پول ایجاد اشتغال نیست بلکه سایر ابعاد توانمندی از جمله توانمندسازی حرفه‌ای، مدیریتی، اجرایی، طرح و قالب شغلی و حمایت از آنها جهت عبور از بقیه پیچیدگی‌های شغلی واقعاً لازم است. الزام سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به منظور توانمندسازی تعاونی‌ها اشاره به این ضرورت از جانب دستگاه متولی امر تعاون است.

این تردید وجود دارد که آیا همه این تسهیلات پرداختی که به افراد به نام شغل داده می‌شود واقعاً برای شغل هزینه می‌شود یا حداقل منجر به شغل پایدار می‌شود؟ یا بررسی شده که به‌رغم انگیزه مسئولان برای حمایت از جوانان چرا اکثراً مایل به راه‌اندازی کسب‌وکار نیستند و بیشتر مایلند با حقوق بسیار کم در شرکت یا اداره ولو غیر تخصصی استخدام شوند؟

از دلایل امر این است که اکثراً، ولو اینکه فارغ‌التحصیل دانشگاهی هم باشند، با اینکه شدیداً به دنبال کار می‌گردند؛ اگر بپرسید چه کاری بلد هستند، با پاسخ

منفی مواجه می‌شوید. پس همان‌طور که اشاره شد اغلب نمی‌دانند چه کاری باید بکنند و به چه شکل وارد دنیای کسب‌وکار شوند. مشکل دیگر این است که کسب‌وکار آزاد، فرایند متعددی دارد و نظام بوروکراسی اداری و سایر کاغذ بازی‌ها از یک طرف و ناآشنایی به مراحل انجام کار از طرف دیگر، موجب می‌شود جوانان بی‌تجربه هنگامی که با اولین چالش‌ها روبه‌رو شوند تصور می‌کنند که کار، کار آنان نیست و رها می‌کنند.

به نظر می‌رسد یکی از دلایل تشکیل وزارت تعاون در بدنه دولت این بوده‌است که این تکلیف قانون اساسی و دلسوزی نظام جمهوری اسلامی برای طبقات متوسط و پایین جامعه و یا هر فردی که در ابتدای کار است؛ مجموعه این فرایند ایجاد اشتغال را پیگیری، هدایت و نظارت کند. وقتی جوانان یا نیروهای کم‌تجربه توانستند روی پای خود بایستند؛ آن وقت می‌توانند در بازار رقابت کنند. ممکن است بعضی با تجربه و توانمندی فکری و مدیریتی و مالی بخواهند شخصاً مؤسسه‌ای اقتصادی ایجاد کنند و اداره نمایند. اینکه رهبر معظم انقلاب در سیاست‌های اصل ۴۴ فرمودند: «اقدام مؤثر دولت در ایجاد تعاونی‌ها برای بیکاران در جهت اشتغال مولد» ضمن تأکید بر مؤثر بودن اقدامات دولت در ایجاد تعاونی‌ها، راهکار اشتغال مولد تشکیل تعاونی است.

مسئله دیگر در وصف قابلیت تعاون برای اشتغال این است که حمایت‌های دولت، دارای رویکردی دلسوزانه و اشتیاق کمک‌رسانی به اقشار نیازمند و توانمندسازی جوانان است. رویکردی که باید همه مسئولان نظام داشته باشند و از ویژگی‌های دولت اسلامی است. اما فلسفه اصلی تعاون این فرض است که اگر این افراد بخواهند، خود مؤسسه یا شرکت یا واحد کسب‌وکار راه‌اندازی کنند

هم به تنهایی توان مالی ندارند و هم توان مدیریتی و تخصصی. ایده تعاون کمک می‌کند که آنها امکانات مالی، فکرها و حرفه‌های متعدد خود را کنار هم بگذارند تا توان انجام کار متوسط و حتی کارهای بزرگ اقتصادی را پیدا کنند. با این فرض برای موفقیت این گروه حداقل دو کار باید توسط وزارت تعاون انجام پذیرد:

۱. چون در فعالیت تعاونی، کار جمعی می‌کنند و عموماً کار جمعی برای دوام و ممانعت از اختلاف باید تابع قواعد محکم و پذیرفته شده‌ای باشد با احاطه قانون تعاون و انسجام افراد در این قالب این موضوع تا حدی تامین می‌شود.
۲. چون این مجموعه‌های جدیدالورود در جریان اقتصاد، با توجه به اینکه در معرض تکانه‌های اقتصادی داخلی و خارجی امکان شکست در کسب‌وکار خواهد بود اینها بنیه پذیرش حتی شکست‌های کوچک را هم ندارند چه برسد مشکلات احتمالی بزرگ یا حتی شکست‌های ناشی از اشتباهاتی که عموماً هر فرد اقتصادی ممکن است مرتکب شود. اگر ساختاری مراقبت نکند و در چنین مواقعی به دادشان نرسد اغلب با شکست مواجه شده و هم خبر شکست‌شان سوء تبلیغی است که اقوام و دوستان و افراد مشابه آنها منبهد دست به کارهای اقتصادی نزنند.

هوشمندی رهبر معظم انقلاب اسلامی در تشکیل صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون (که به عنوان زیر مجموعه وزارت تعاون تشکیل می‌شود) در بندی از سیاست‌های اصل ۴۴ اشاره به درمان مشکلات احتمالی این امر است. حتی می‌شود گفت که این صندوق بهترین ابزار است زیرا این گروه از افراد چون بنیه اقتصادی ندارند به تبع آن از وثایق لازم مالی برای وام گرفتن برخوردار

نیستند، می‌تواند آنان را تحت شرایطی ضمانت کند.

آیا برای وصول به اشتغال مولد و پایدار و پرهیز از مشاغل کاذب که عموماً افراد به دلیل استیصال به آن می‌پردازند و امور مقطعی ناپایدار، آن هم در کشوری که مشکل اشتغال دارد و باید به شکل انبوه و گسترده ایجاد شود، به جز روش‌های فوق است؟

به این جملات رهبر عزیز عنایت کنید:

"یک کاری در این کشور وجود دارد که اگر وزارت تعاون نکند هیچ دستگاه دیگری نخواهد کرد. یک کاری وجود دارد که فقط کار وزارت تعاون است. و من بر خلاف کسانی که تصور می‌کردند وزارت تعاون جدی نیست یا خوب است ادغام در فلان تشکیلات شود، من معتقدم نه؛ یکی از کارهای خوب دولت این است که وزارت تعاون را به وجود آورد و وزارت تعاون بسیار جدی است. و لاقلاً برای این مرحله از اشتغال (که ما این قدر نیاز به اشتغال داریم). به این تعاون ما نهایت نیاز را داریم".

در این عبارات رهبری موضوع ضرورت زمان هم مورد توجه قرار گرفته است.

درایت شهید بهشتی و سایر بزرگان تدوین کننده قانون اساسی را باید آفرین گفت که به خوبی، عالمانه و با درک مسائل اجتماعی ایران این بند را در قانون اساسی گنجانده‌اند و اگر چنین اقدامات علمی و کارآمدی در جامعه ایران برای تولید شغل پایدار انجام گیرد برآستی آیا تعاون چشمه جوشان اشتغال نیست؟

ساختار اشتغال در تعاون

مزایا و ویژگی‌های تشکیل تعاونی و عضویت در آن - برای کارجویان:

۱. سیاست کلی نظام، از یک طرف کوچک‌سازی دولت و از طرف دیگر، توسعه فعالیت‌های اقتصادی توسط مردم، اعلام شده است؛ بنابراین روزبه‌روز امکان استخدام در دستگاه‌های دولتی و یا شرکت‌های دولتی محدودتر خواهد شد و به جای آن، دولت از کسانی که بخواهند فعالیت اقتصادی نمایند به طرق مختلف حمایت می‌کند.
۲. انتظارکشیدن برای «استخدام» چه در بخش دولتی و چه در بخش‌های غیردولتی، وقت طولانی می‌خواهد؛ ضمن اینکه در صورت استخدام، ممکن است کارفرما جوری عمل کند که «کرامت انسانی» انسان، خدشه‌دار شده و درآمد مکفی برای تامین حداقل نیازهای معیشتی نیز تامین نگردد.
۳. راه‌اندازی کسب‌وکار انفرادی یا کوچک، در اغلب مشاغل پاسخگوی نیازهای معیشتی نیست. در شرایط فعلی، بازار اغلب فعالیت‌ها اشباع است و رقابت بسیار فشرده؛ معمولاً کسب‌وکارهای تولیدی و خدماتی کوچک به تنهایی قادر به رقابت و پایداری در عرصه اقتصاد نیستند. بویژه برای کسانی که توان مالی چندانی هم ندارند که بتوانند چند سال با بازدهی پایین دوام بیاورند. همچنین اتکای موفقیت در کسب‌وکار روی یک فرد، استرس زیادی ایجاد می‌کند و آرامش روحی وی را سلب می‌نماید.
۴. گروه شدن و تشکیل شرکت (تجمیع سرمایه‌های مالی شرکا) کوتاه‌ترین و عاقلانه‌ترین راه دستیابی به اشتغال و حضور پرقدرت در عرصه اقتصاد است.
۵. برای افرادی که جویای کار هستند، سه هدف بسیار مهم است:
اول، شأن مناسب درکار و دارا بودن کرامت انسانی و آزادی عمل در به‌کارگیری ابتکار و خلاقیت و حتی کرامت انسانی،
دوم، احساس آرامش روحی و ریسک پایین،

سوم، درآمد مکفی.

گروه (شرکت) تعاونی، مطمئن‌ترین مجموعه‌ای است که هر سه هدف فوق را تامین می‌کند.

۶. تعاونی، شرکتی متشکل از کسانی است که میخواهند در فعالیت‌های آن ضمن شراکت، شاغل هم باشند. هم سرمایه‌های اندک شرکا تجمیع می‌گردد و هم توانایی‌های انسانی آنها؛ در چنین شرکتی، نیروی کار، خودش کارفرما نیز هست. مدیریت، سرمایه و منافع حاصله، همه در اختیار نیروی کار قرار دارد. در چنین شرکتی، رابطه «کارگر یا شاغل با کارفرما» معنا نداشته و جای خود را به رابطه «یار با یار» می‌دهد؛ که با هم توانمندی‌هایشان چندین برابری می‌گردد. رابطه یار با یار، تعریف شده در قالب یک پیمان (اساسنامه تعاونی) مبتنی بر اصول و ارزش‌های اخلاقی است و کلید موفقیت تعاونی است.

۷. احساس کارفرمایی و شراکت، کرامت انسانی را حفظ می‌کند (نسبت به احساس اجیر بودن) کثرت شرکا، ریسک سرمایه‌گذاری را پایین می‌آورد و از طرف دیگر اشتغال همراه با شراکت، درآمد و آرامش روحی بیشتری را به ارمغان می‌آورد.

۸. اگر نگوئیم در اغلب شرکت‌های خصوصی، حداقل در بسیاری از آنها، حرص مال و سودطلبی مفرط، موجب پایمال ساختن حق کارکنان می‌شود درحالی‌که در تعاونی، همه اعضا (کارکنان) با رأی مساوی خود حافظ منافع خویش‌اند و اجحاف به کارکنان توسط کارفرما به کلی منتفی است. تعاونی برای «استمرار شغل پردرآمد برای اعضا» ناگزیر از نوآوری و تدبیر برای حضور پرقدردن‌تر در عرصه اقتصاد خواهد بود و تجمیع توانمندی‌های اعضای شاغل یک فرصت طلایی است که شرکت‌های خصوصی از آن بی‌بهره‌اند. در واقع دغدغه

موفقیت در کار، تنها دغدغه یک فرد نیست بلکه دغدغه همه اعضاست و این دغدغه جمعی، ضمن پتانسیل بالاتر نسبت به دغدغه یک فرد، موجب آرامش روحی نیز خواهد شد زیرا مسئولیت تقسیم می‌شود.

۹. مطابق رویکرد نظام جمهوری اسلامی چترحمایتی دولت برای حمایت گسترده و ویژه از اقشار متوسط و فاقد سرمایه کافی و ضعیف، برای شروع فعالیت اقتصادی که منجر به اشتغال مولد گردد، بخش تعاونی (تعاونی‌ها) است.

۱۰. در مرحله شکل‌گیری فعالیت تعاونی، افراد فاقد سرمایه کافی، بخوبی احساس خواهند کرد (در مقایسه با افراد متمکن) از «فرصت مساوی و یا حتی فرصت بیشتری» برای سرمایه‌گذاری، ایجاد بنگاه اقتصادی و اشتغال مناسب برخوردارند؛ زیرا تسهیلاتی مثل دسترسی به طرح مناسب، مجوزها، زمین، منابع مالی و بانکی ارزان، امکانات آموزش‌های مهارتی و کارآفرینی و سایر امکانات سرمایه‌گذاری اولیه بهتر فراهم است. به عبارت دیگر هم راه‌اندازی یک فعالیت مناسب سودآور سریع‌تر بوده و هم هزینه‌های سرمایه‌گذاری اولیه کمتر خواهد بود.

۱۱. امکان فروش و بازاریابی محصولات تولیدی و یا خدمات تعاونی‌ها در صورت عضویت در اتحادیه‌های تعاونی و اتاق‌های تعاون، برای تعاونی‌ها بهتر فراهم است. شبکه تعاونی‌های تولید و توزیع و مصرف، در معاملات با هم، اولویت قایلند و با هم «تعاون» می‌کنند. این امکان بویژه در تعاونی‌های نوپا، برای ارتقای رقابت‌پذیری و پایداری آنها در عرصه فعالیت اقتصادی بسیار مهم است؛ ضمن اینکه به دلیل برخی معافیت‌ها یا تخفیف‌های مالیاتی و کمک‌های دولتی، هزینه‌های دوران بهره‌برداری کمتر خواهد بود.

تعاونی، سریع‌ترین، پایدارترین و اخلاقی‌ترین راه دستیابی به اشتغال مولد

و درآمد مناسب برای کارجویان فاقد سرمایه کافی است. با ذکر ضرورت‌ها و قابلیت‌ها می‌شود گفت که: تعاونی‌ها به عنوان نهادهای اقتصادی و اجتماعی، به ایجاد اشتغال در بسیاری از عرصه‌ها، کمک می‌کنند. هرچند ایجاد اشتغال، هدف اصلی تعاونی‌ها نیست، اما تعاونی‌ها به منظور تامین نیازهای اعضای خود تشکیل می‌شوند و اشتغال ایجاد شده، ثمره اهداف اعضاست.

تعاونی‌ها رشد اقتصادی و اجتماعی خود را از طریق خودیاری و کمک به مبارزه با فقره تسهیل می‌نمایند. مزیت‌ها و اشتغال حاصل از تلاش تعاونی‌ها، اعضا را به دستیابی به امنیت اقتصادی قادر می‌سازد و مانع از گرفتار آمدن افراد به بیماری فقر می‌شود.

تعاونی‌ها با کمک به کسب درآمد و فرصت‌های اشتغال پایدار، بویژه در مناطقی که چندان خبری از ابتکارات بخش دولتی و خصوصی در آنها وجود ندارد، به تامین معاش پایدار و توسعه همه جانبه جوامع روستایی و محلی کمک می‌کنند.

تعاونی‌ها از سه طریق اشتغال ایجاد می‌کنند:

۱. **اشتغال مستقیم:** مشاغلی که درون تشکل‌های تعاونی و با پرداخت حقوق به صورت مستقیم از طریق تعاونی ایجاد می‌شود.
 ۲. **اشتغال غیرمستقیم:** از کسب و کارهایی ناشی می‌شود که مواد اولیه (کالا یا خدمات) برای تعاونی‌ها تامین می‌کنند.
 ۳. **اشتغال انگیزشی:** از محل صرف کردن دستمزدها و درآمدها توسط کارکنان و اعضای تعاونی‌ها در قالب اقتصاد محلی ایجاد می‌شود.
- * اثرات اشتغال غیرمستقیم و انگیزشی می‌تواند تا حدود ۷۰ درصد نتایج و

آثار اشتغال مستقیم تعاونی‌ها باشد. یعنی برای هر ۱۰ شغل تعاونی، ۷ شغل اضافی در جایی دیگر ایجاد می‌شود. برخی از انواع تعاونی‌ها که نقش مهمی را در ایجاد اشتغال مستقیم، غیر مستقیم و انگیزشی دارند به شرح ذیل می‌باشند:

موضوع فعالیت و اهداف تعاونی	جامعه هدف	نوع تعاونی
<ul style="list-style-type: none"> - تأمین خدمات شامل دسترسی به داده‌های کشاورزی و بازاریابی محصولات - ایجاد اشتغال مستقیم و کارمناسب - حمایت از خوداشتغالی کشاورز و دامدار - توانمندسازی کشاورز برای فعالیت رقابتی‌تر و کارآمدتر - رفع نیاز کشاورز از طریق خودیاری (اتکا بر سرمایه و ابتکار خود) 	کشاورزان	تعاونی‌های بازاریابی و خدمات کشاورزی
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد اشتغال مستقیم - تأمین سرمایه و اعتبار لازم برای مشاغل و کارآفرینان بخش تعاونی - ارائه سرمایه‌های خرد به منظور رشد خوداشتغالی (توسط کارآفرینان خوداشتغال) - تأمین اعتبار برای خرید اقساطی اعضاء، که انگیزه مصرف و خرید را در مردم ایجاد می‌کند و در نتیجه محرکی برای تقاضای بیشتر به نیروی کار ایجاد می‌شود. - توسعه همکاری تعاونی با تعاونی 	اصناف، تجار، کارگران و کشاورزان	تعاونی‌های مالی (اعتباری)
<ul style="list-style-type: none"> - خدمات‌رسانی به سالمندان - ایجاد اشتغال مستقیم برای ارائه‌دهندگان خدمات مذکور - کمک به بازنشستگان تا براساس تجارت و مهارت‌های خود به دیگران ارائه خدمات نمایند - کاربایی برای سالمند 	سالمندان، فارغ‌التحصیلان	تعاونی‌های شهروند سالمند (خدمات سالمندان)

موضوع فعالیت و اهداف تعاونی	جامعه هدف	نوع تعاونی
<p>کارگران غیر رسمی معمولاً سازمان یافته، بدون حامی و آسیب پذیرند با تشکیل تعاونی کارگران امکان تحقق اهداف ذیل فراهم خواهد شد.</p> <ul style="list-style-type: none"> - ارتقاء و رشد اشتغال و کار در خور شأن برای کارگران - بهبود شرایط کار و افزایش قدرت خرید کارگران - نرخ گذاری بخش های مختلف کار - تعیین نرخ اضافه کار، ضمانت پرداختها - کمک به اتخاذ استانداردهای بهداشتی و ایمنی کار شامل کاربرد درست مواد سمی، کاهش حوادث و خطرات - آموزش و توانمندسازی و مهارت افزایی کارگران - ارائه خدمات نظیر پوشش بیمه عمر و تأمین هزینه های بهداشتی و درمانی 	<p>کارگران غیر رسمی و فصلی</p>	<p>تعاونی های کارگران</p>
<p>تعاونی های همیار بنگاه های اقتصادی خودگران هستند که با عضویت گروه های خاص اجتماعی نظیر زنان، جوانان و ناتوانان (معلولین) سالمندان و ... برای تحقق اهداف ذیل تشکیل می شوند:</p> <ul style="list-style-type: none"> - ایجاد فرصت های شغلی مولد - توانمندسازی اقتصادی - یکپارچه نمودن منابع و مهارت ها در قالب بنگاه اقتصادی - بهبود وضعیت بهداشت و سلامت 	<p>زنان، جوانان، سالمندان و معلولین</p>	<p>تعاونی های همیار</p>
<p>تعاونی اجتماعی در تأمین نیازها به خدمات اجتماعی و کمک به ناتوانان جسمی و ذهنی در بهره مندی از فرصت های شغلی مولد و برخورداری از رفاه موثر می باشند اهداف این تعاونی ها عبارتند از:</p>	<p>زنان، فارغ التحصیلان و معلولین</p>	<p>تعاونی های اجتماعی (خدمات اجتماعی)</p>

<ul style="list-style-type: none"> - ارائه خدمات در زمینه درمان و آموزش - کمک به گروه‌های خاصی از اقشار محروم جامعه همچون افراد با ناتوانی‌های شدید، بیماران ذهنی، معتادان و ... - بازپروری حرفه‌ای و شغلی افراد دارای معلولیت - ارتقای استقلال اقتصادی افراد معلول در قالب افزایش توانمندی‌های کارآفرینی 		
---	--	--

موضوع فعالیت و اهداف تعاونی	جامعه هدف	نوع تعاونی
<p>افراد بومی برای ایجاد اشتغال و معاش پایدار از مؤسسات تعاونی استفاده می‌کنند، آنان درس‌های ارزشمندی در مورد توانمندسازی اقتصادی می‌آموزند که آنان را قادر به بسیج و بهره‌برداری از منابع محلی نموده و دسترسی به بازارهای با شرایط عادلانه تر را برایشان تضمین می‌نماید اهداف این تعاونی‌ها عبارتند از:</p> <ul style="list-style-type: none"> - حمایت از خود اتکایی جوامع روستایی - آموزش مهارت‌های جدید - حفظ معاش مردم و ایجاد اشتغال جایگزین در امور کشاورزی و کسب و کارهای کوچک 	<p>روستائیان، کشاورزان و دامداران</p>	<p>تعاونی‌های توسعه روستا (تعاونی خودیار)</p>
<p>تعاونی‌های اکوتوریسم مدل‌های جایگزین برای تعاونی‌های روستایی می‌باشند که بر توسعه فناوری و ارتباطات نیز تأکید دارند.</p> <ul style="list-style-type: none"> - ایجاد بازارهای مناسب محصولات تعاونی با گرایش روستایی - تبلیغ اکوتوریسم - توسعه بازار هنرهای سنتی و صنایع دستی 	<p>روستائیان و عشایر</p>	<p>تعاونی‌های اکوتوریسم</p>
<ul style="list-style-type: none"> - فعالیت در رابطه با مسائل زیست محیطی - یکپارچه نمودن مدیریت زمین‌های درختکاری شده - مدیریت پایدار جنگلداری - مبارزه با جنگل‌زدایی و قطع درختان - ارائه سیستم تولید محصولات جنگلی و کشاورزی که ضمن اشتغال‌زایی، پایداری بلند مدت منابع طبیعی را به همراه خواهد داشت. 	<p>جنگل‌نشینان و جنگل‌داران</p>	<p>تعاونی‌های درخت‌کاران (تعاونی جنگل)</p>

فصل دوازدهم

زنان و تعاون

زنان و تعاون

جهان کنونی به این درک رسیده است که نیل به اهداف رشد و توسعه همه‌جانبه، تنها با بهره‌گیری از ذخیره عظیم توانایی نیمی از پیکره جامعه یعنی زنان در کنار مردان مقدور است. به باور کارشناسان، زنان به لحاظ توانایی‌های خود می‌توانند بر کندی و یا تسریع جریان‌ات توسعه در جوامع، اثرگذار بوده و امروزه میزان و نقش مشارکت‌های زنان از نشانه‌های اصلی موفقیت یا شکست سیاست‌های توسعه‌ای به‌شمار می‌رود.

تحقیقات به‌عمل آمده نشان می‌دهد که کمک به توسعه فعالیت‌های اجتماعی بانوان، مخصوصاً اگر با حفظ ارزش‌ها و کیان خانواده باشد، یک نوع سرمایه‌گذاری محسوب شده و دارای توجیه اقتصادی کافی می‌باشد. در ایران اسلامی هم در حال حاضر زنان، اعم از زنان شهری و روستایی، به‌صورت سنتی و مدرن و به شکل مستقیم و غیرمستقیم در اقتصاد ملی و توسعه فرهنگی -

اجتماعی جامعه ایفای نقش می‌کنند. پشتوانه اصلی چنین نقش آفرینی زنان در کشور نیز نگاه اسلام به مقوله زنان، خاصه بحث استقلال اقتصادی آنان است. اسلام زن را همچون مرد مالک سرمایه و کار و تولید خود دانسته و به او حق می‌دهد که در پی شکوفا کردن خلاقیت‌ها و استعدادهای خود در عرصه‌های مختلف از جمله در عرصه اقتصاد باشد. از سوی دیگر اسلام اساساً بطالت، کسالت و کاهلی را از آدمی اعم از زن و مرد نپذیرفته و به‌صورتی جدی در پی به‌کارگیری ظرفیت‌های انسانی، اجتماعی و اقتصادی جامعه و نیز تقویت این ظرفیت‌هاست؛ در این مسیر زن و مرد و تلاش‌های فردی هر دوی آنها به رسمیت شناخته می‌شود و به‌دلیل اهمیتی که به جماعت و همیاری آحاد جامعه می‌دهد، به مشارکت در قالب فعالیت‌های جمعی اقتصادی ارجح می‌گذارد و با توجه به این توضیحات، تعاونی‌ها می‌توانند به نوعی سمبل این فعالیت جمعی باشند.

تعاونی‌ها پیش از اینکه نهادی اقتصادی باشند، فرصتی برای ایجاد ارتباط و یافتن روح مشارکت جمعی و دانش‌افزایی و مدد گرفتن از تخصص و مشاوره دیگرانند. تعاونی‌تمرینی است برای کار گروهی در امور اقتصادی و به نوعی تجلی تقدس جماعت در عرصه اقتصاد بوده و با توجه به ماهیت خاص خود می‌تواند در جریان فعالیت‌های اقتصادی، منافع فردی را به منافع جمعی گره بزند. تعاونی‌ها در عرصه اقتصاد کشور ما پدیده‌ای نوین تلقی می‌شوند و در عرصه فعالیت‌های اقتصادی زنان، باز هم نوپاترند. لذا کمک‌های دولتی به تعاونی‌های زنان علاوه بر افزایش امکانات مهارتی و آموزشی باید به‌صورت تسهیلات سرمایه‌ای راحت‌الوصول باشد. بخصوص که زنان در بسیاری از موارد به‌دلیل نیاز

مبرم مالی، وارد فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند و چه بسا عهده‌دار معیشت خانواده‌ای بدسرپرست، بی‌سرپرست یا خودسرپرست باشند. در این‌گونه موارد با توجه به فرهنگ موجود در جامعه، زنان معمولاً با مشکلات و تنگناهای بیشتری نسبت به مردان مواجه‌اند. بنابراین لازم است اینگونه زنان نسبت به مردان تسهیلات و حمایت‌های بیشتری در کار و فعالیت خود در جهت کمک به خودکفایی شان دریافت کنند که در عین حفظ حریم عاطفی خانواده و کرامت انسانی زنان، نیازهای مالی و معیشتی آنان نیز برطرف شود.

بر این اساس، رشد تعاونی‌ها در حوزه زنان، محتاج فرهنگ‌سازی بیشتری است. استفاده از دانش و تخصص دختران جوان تحصیل کرده و امتیازات دولتی رایج شده به زنان سرپرست خانوار، ترکیب مناسبی برای حضور مؤثر و کارآتر این دو قشر از زنان است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از جمله مشکلات زنان فعال در حوزه تعاون ناآشنایی آنان، نسبت به چگونگی تشکیل و اداره تعاونی‌ها، فقدان ضمانت‌های مالی ضروری جهت اخذ تسهیلات، فقدان درک صحیح از امکانات بومی استانی، به‌علاوه نداشتن تجربه کافی در امر بازاریابی و فروش محصولات و شناخت سلائق بازار است که تمامی عوامل برشمرده، ضرورت تقویت و توانمندسازی زنان را آشکارتر می‌کند.

از سوی دیگر نقش حمایتی بانک‌های عامل در بازپرداخت دیون مالی با احتساب زمان و مهلت بیشتر به زنان، تشکیل اتحادیه‌های قوی صنفی و همچنین انتقال تجارب و دستاوردهای تعاونی‌ها به یکدیگر از طریق همایش‌های منطقه‌ای، ایجاد نمایشگاه‌های موقت و دائمی و ارائه آموزش‌های مکمل و تخصصی‌تر، از جمله اقداماتی است که در راستای تقویت تعاونی‌های زنان مؤثر

بوده‌اند. همچنین تشکیل شبکه‌ای از اتحادیه‌های تعاونی زنان، نقش مهمی در تقویت هویت صنفی آنان ایفا خواهد نمود.

باید توجه داشت که از دیگر مباحث مهم قابل توجه در ایجاد تعاونی‌های زنان و نیز در پایداری و تداوم فعالیت‌های آنان، ایجاد روحیه خودباوری، اعتمادبه‌نفس، فرهنگ‌سازی عمومی جهت فعالیت زنان، توجه به هدایت و حمایت زنان در راستای مشاغل زنانه یا همگرا با روحیات زنان و نظایر آنهاست که می‌تواند برای تحقق امنیت شغلی فارغ التحصیلان زن جوان و حل مشکل زنان بیکار، مفید واقع شود. نکته حائز اهمیت در این بین، توجه به این اصل است که تنها افزایش کمی تعاونی‌ها، معیار مطلوب در افزایش نرخ مشارکت اقتصادی زنان جامعه به‌شمار نمی‌رود، بلکه کیفیت فعالیت و انسجام تشکیلات تعاونی‌ها و سود دهی آنان، از شاخص‌های بسیار مهم و مؤثر در موفقیت است. خوشبختانه نظام جمهوری اسلامی با هدف ارتقای سطح زندگی عمومی و افزایش ایجاد اشتغال و حضور آحاد جامعه بخصوص اقشار محروم در فعالیت‌های اقتصادی، نگاه حمایتی داشته است. از این طریق می‌توان با دیدگاهی کلی و کلان، توسعه و رشد تعاونی‌ها را ابزاری جهت مشارکت سرمایه‌های خرد انسانی در اقتصاد برشمرد.

در این راستا ورود زنان به عرصه تولید در قالب تعاونی‌ها به شدت تشویق می‌شود و اعطای تسهیلات فنی - اعتباری و سرمایه در گردش برای تعاونی‌ها از جمله مشوق‌های دولتی است.

وزارت تعاون تلاش می‌کند با شناسایی ظرفیت‌ها و چالش‌های پیش روی تعاونی‌ها، زمینه‌های حمایتی لازم برای اشتغال مولد را در جامعه فراهم آورد. بر

این اساس شایسته است که برنامه‌ریزان در عرصه تعاون با نگاهی کلان‌نگر به بازشناسی جدی جایگاه زنان در تعاونی‌ها پرداخته و قدم‌های مثبت و مؤثر بعدی را با نیازسنجی، امکان‌شناسی و جریان‌شناسی حضور زن در خانواده و اجتماع بردارند.

امروزه فعالیت در عرصه تشکیل تعاونی‌های زنان به یک عزم همگانی در بسیج نیروها و تحول‌آفرینی مؤثر در این زمینه نیازمند است و حرکتی جهادی را می‌طلبد، جهادی که برخاسته از تعهد و رسالت‌شناسی و کسب مهارت‌های لازم در این راه است. البته زنان ایران اسلامی نقش مؤثری در پیشبرد اهداف نظام اسلامی، مخصوصاً در ابعاد اجتماعی و انقلابی داشته‌اند. آنان با حفظ ارزشهای اسلامی و کرامت خود میدان دار عرصه‌های علمی، فکری و حتی تولیدی بوده‌اند. بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که در مختصات بنیادی تعاونی‌ها، هیچ‌گونه مانعی وجود ندارد تا از شرکت زنان در تعاونی‌ها جلوگیری کرده و یا آنها را محدود سازد. لذا می‌بایست به شکل ویژه به آنها پرداخته شود و اهداف توانمندسازی خاصی را دنبال کند. بر این اساس، برخی از اهداف تشکیل تعاونی‌هایی که مدیریت آن را بانوان برعهده دارند، عبارتند از:

اشاعه فرهنگ مشارکت و کار دسته‌جمعی در گستره جامعه،
افزایش درآمد خانواده و در نتیجه ارتقای سطح زندگی فردی و اجتماعی زنان،

افزایش سهم مشارکت ملی زنان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با حضور آنان در عرصه فعالیت‌های تعاونی،
استفاده مناسب از زمان و فرصت‌های تحت اختیار زنان و سوق دادن آنها به

سمت فعالیت‌های مولد.

جهت رسیدن به این اهداف، راهبردهای زیر می‌توانند مؤثر واقع شوند: ارائه پیام‌های هدایتی و ترویجی به طرق مختلف همچون برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در خصوص مزایای تشکیل تعاونی برای زنان، فراهم ساختن امکانات حمایتی برای شروع و ادامه فعالیت‌های تعاونی، ایجاد روحیه مشارکت و همکاری و نشان‌دادن عملی توانمندی‌های مشارکت برای حضور زنان در صحنه فعالیت‌ها (به‌عنوان مثال از طریق برگزاری نمایشگاه‌های توانمندی‌های تعاونی‌های زنان، بازدید از تعاونی‌های نمونه و مواردی از این قبیل)،

هدایت سرمایه‌های کوچک برای سرمایه‌گذاری در کارهای مولد اقتصادی و تامین بخشی از سرمایه‌گذاری لازم در اشتغال زنان،

ارایه پیام‌های ترویجی مناسب در این سطح بشدت کارساز بوده و چنین پیام‌های ترویجی باید سطح وسیعی از فعالیت‌ها و زندگی زنان را تحت پوشش قرار دهد و با برخورداری از خدمات آن و حفظ کرامت و کیان خانواده، زنان قادر گردند توانایی خود را برای افزایش مشارکت در جامعه و ایجاد اشتغال مولد ارتقا بخشند. ترویج می‌تواند در تعاونی‌های زنان به صورت زیر مؤثر و مفیدتر واقع شود:

ترویج باید کار را با شرایط موجود شروع کند. منشأ تعاونی‌ها شرایط واقعی زندگی و مسایل جاری است، ایده و هدف اصلی تعاون در همه جا یکی است، لیکن نحوه اعمال این تفکر برحسب شرایط منطقه‌ای و محلی تغییر می‌کند. ترغیب زنان به کاری که متضمن ایفای نقش مؤثر آنها در عرصه‌های اقتصادی

و اجتماعی است؛ لذا ترویج باید آموختن از طریق عمل کردن را، نهادینه گرداند. پیشرفت برنامه‌ها می‌بایست به صورت تدریجی و در طول زمان در نظر گرفته شود. بر این اساس، نتایج مطلوب هنگامی حاصل می‌شود که آموزش‌های ترویجی بتوانند محرک تغییرات درونی گردیده و انگیزه فعالیت‌های گروهی را تقویت نمایند. مروجان باید در آغاز به فعالیت‌های کوچک و آموزش‌های پایه‌ای بپردازند.

توجه اصولی به احتیاجات و علایق زنان داوطلب عضویت تعاونی که شرایط مکانی و زمانی و شرایط خاص فردی و اجتماعی آنها متفاوت است (دست‌اندرکاران ترویج تعاونی نباید خودسرانه تاسیس شرکتی با هدف‌های خاص را تبلیغ و تشویق نمایند، بلکه باید با در نظر گرفتن احتیاجات مخاطبان کار خود را به انجام برسانند).

ارائه آموزش‌های ترویجی با استفاده از ابزارهای جدید آموزشی جهت فراهم نمودن زمینه مشارکت مادی و معنوی اعضا، که از اهداف مهم تعاونی‌هاست، می‌بایست در نظر گرفته شود. به عنوان مثال، با معرفی دقیق تعاونی‌های نمونه، امکانات و توانمندی‌های آنها و به تصویر کشیدن دلایل موفقیت ایشان، می‌توان حس اعتماد نسبت به فعالیت‌های جمعی را در مخاطبان به وجود آورد.

آموزش شیوه‌های نوین مدیریتی جهت به روز کردن دانش و اطلاعات مدیران تعاونی‌ها در کلیه مراحل تشکیل و فعالیت تعاونی‌ها ضرورت دارد.

ارزشیابی برنامه‌های ترویجی و ارائه بازخورد به کلیه دست‌اندرکاران به منظور اطلاع از روند پیشرفت کار، در تمام مراحل ضروری است. چرا که ارزشیابی مبنای اصیل و صحیحی برای پیشبرد فعالیت‌های ترویج تعاون و توسعه

مشارکت‌های مردمی بوده و به طراحان و مجریان برنامه‌ها اعتماد به نفس و امنیت خاطر می‌بخشد.

طبق تعریف وزارت تعاون از تعاونی‌های زنان تعاونی‌های زنان به تعاونی‌هایی اطلاق می‌شود که بیش از ۵۰ درصد از اعضای آنها را زنان تشکیل می‌دهند. این تعاونی‌ها از لحاظ موضوع فعالیت هیچ‌گونه تفاوتی با سایر تعاونی‌ها نداشته و تنها از نظر میزان عضویت و مشارکت زنان از تعاونی‌های دیگر متمایز می‌شوند.

برابر آمار، تعداد تعاونی‌های زنان کل کشور، ۲۲۶۵۲ واحد است که کل اعضای تحت پوشش این تعاونی‌ها ۸۵۸ هزار نفر و اشتغالزایی آنها ۳۳۶ هزار نفر می‌باشد. علاوه بر این تعداد ۸۵۷۷ واحد شرکت تعاونی آموزشگاهی دخترانه با ۷۲ هزار نفر عضو در سراسر کشور وجود دارد. بر اساس آمارهای جدید تا پایان سال ۱۳۸۶، تعاونی‌های ثبت شده کل کشور به تفکیک گرایش به ترتیب: تعاونی‌های خدمات (۶۵۱۴ واحد تعاونی)، تعاونی‌های صنعتی (۶۳۰۴ واحد تعاونی) و تعاونی‌های کشاورزی (۵۹۳۷ واحد تعاونی) هستند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تعاونی‌های زنان بالاترین تعداد تعاونی را در بین گرایش‌های مختلف فعالیتی به خود اختصاص داده‌اند.

تجربیات ملی و بین‌المللی نشان‌دهنده آن است که با شرکت زنان در تعاونی‌های زنان (به دلیل ماهیت جمعی و زنانه آن)، بسیاری از مشکلات و موانع مشارکت آنها در روند توسعه برطرف خواهد شد و از جمله این موارد می‌توان به ایجاد منبع کسب درآمد، افزایش ارزش افزوده محصولات تولید شده و در نتیجه کاهش هزینه‌هایی از جمله خرید مواد اولیه و هزینه حمل و نقل افزایش

سرمایه و رفع احتیاجات از طریق دریافت وام و اعتبارات به شکل مشارکتی، فراهم آمدن شرایط برای ارائه هر چه بیشتر نظرات و پیشنهادات، مشارکت بیشتر زنان در تصمیم‌گیری‌ها و نهایتاً افزایش تخصص و مهارت اشاره کرد.

در شرایط کشور ایران، فعالیت تعاونی زنان عموماً در بخش صنعت (شامل فرش، صنایع دستی، غذایی، دارویی، الکترونیک، پوشاک، اسباب بازی، توپ دوزی)، بخش خدمات (شامل مدارس، مراکز آموزشگاه‌های غیرانتفاعی، خدمات بهداشتی و درمانی، مجتمع‌های فرهنگی، ورزشی، آموزشگاه‌ها، آسایشگاه‌ها، مهدکودک، خدمات فنی و مهندسی و...) و بخش کشاورزی (شامل تولید فرآورده‌های لبنی، بسته بندی محصولات کشاورزی، پرورش گل و گیاه، گیاهان گلخانه‌ای، پرورش زنبورعسل، دامداری، شیلات و...) می‌باشد. چنین حجم وسیع و گسترده‌ای از فعالیت نشان‌دهنده حضور فعال زنان در عرصه‌های گوناگون و اعتقاد و انتخاب آنان به تعاونی به‌عنوان یکی از بهترین شیوه‌های فعالیت جمعی مردم محور در حوزه‌های اقتصادی است.

فصل سیزدهم

مشارکت اعضا، ضامن موفقیت
تعاونی‌ها

مشارکت اعضا، ضامن موفقیت تعاونی‌ها

نهیضت تعاونی همواره در صدد است انسان‌هایی پایبند به فضایل اخلاقی و رعایت‌کننده عدالت در مناسبات اقتصادی تربیت کند و به اعضای خود پیام‌زود تا در کنار تلاش‌های فردی، کوشش‌های جمعی را نیز مدنظر قرار دهند و سعادت و رفاه خود را در همکاری و معاونت با دیگر افراد جامعه، جست‌وجو کنند.

سرنوشت بنگاه‌های اقتصادی تعاونی، به دست اعضا و برای اعضا در جهت بهبود شرایط زیست آنها (بر پایه دموکراسی واقعی) شکل گرفته و مقصد اعلی و هدف والای تعاون، جمع ارزش‌های اخلاقی با هدف‌های اقتصادی و رفع حوایج مشترک افراد در نظامی مبنی بر فضیلت است. قلمرو شمول نظام تعاون تمام رشته‌های فعالیت اقتصادی جامعه بوده و استقرار آن با تشکیل و توسعه تدریجی شرکت‌های تعاونی، به وسیله گروه‌ها و افرادی که به این نوع سازمان‌ها احتیاج دارند، میسر می‌گردد. تعاونی‌ها بر ارزش‌های خودیاری و مسئولیت‌پذیری،

دموکراسی، برابری، انصاف و اتحاد استوار بوده و اعضای تعاونی‌ها طبق سنت و اصول جهانی نهضت تعاون، به ارزش‌های اخلاقی، صداقت، آزادی (عضویت)، مسئولیت اجتماعی و توجه به دیگران معتقدند.

پایه‌های اصلی و ستون‌های استوار تعاونی‌ها، اعضای آنها بوده و کنترل امور در شرکت‌های تعاونی به دست اعضا است. اعضای تعاونی‌ها با آزادی کامل و بهره‌مند بودن از تساوی حق رأی، راه و روش اداره مؤسسه‌ای را که خود تشکیل دهنده‌اند، تعیین می‌نمایند. به عبارت دیگر از آنجا که در نظام تعاون بدون توجه به میزان سرمایه و سهام و سایر امکانات اعضا، هر عضو تنها دارای یک رأی می‌باشد،^۱ بنابراین کلیه اعضا در اتخاذ تصمیم و تعیین سرنوشت واحد تعاونی خویش امکان اظهارنظر و بیان عقیده را دارند.

با توجه به ماهیت و اصول تعاون، لازمه شکوفایی تعاونی‌ها، مشارکت و حضور فعال اعضا در مؤسسات مزبور و بالاتر از آن، قبول مسئولیت‌های ناشی از عضویت و سرمایه‌گذاری مالی لازم در این نهادهای اجتماعی و اقتصادی نوین است. اگرچه عضویت مردم در تعاونی‌ها، داوطلبانه و اختیاری است، ولی این سهولت عضویت نباید، به خطا، قرین نپذیرفتن مسئولیت و وظایف حتمی ناشی از آن شده و منشأ ایفای نقشی بی‌تحرک و انفعالی قرار گیرد. زیرا در شرایط جدید نظام اقتصادی کشور، به تعاون به‌عنوان یک بخش پیش‌تاز در اقتصاد ملی نگریده می‌شود و طبعاً از چنین موقعیتی انتظار حرکتی چشمگیر و فراتر از سایر بخش‌های اقتصادی، می‌رود..

۱. در قانون اجرایی شدن سیاست‌های اصل ۴۴ نوع دیگری از تعاونی‌ها می‌توانند تشکیل شوند که اعضا طبق قانون تجارت حق رأی داشته باشند، البته این میزان نباید از مقدار تعیین شده از قانون تجاوز کند.

تعاونی‌ها با جهت‌گیری‌های صحیح خود می‌توانند به‌عنوان راهی به سمت حرکت و چرخش سرمایه‌های تولیدی (کار، سرمایه، زمین، مدیریت، تکنولوژی) جهت تحقق آرمان‌های عدالت‌خواهانه اجتماعی و اقتصادی به حساب آیند. این مهم با درک افراد جامعه و مشارکت و حمایت اصولی دولت از طریق برنامه‌ریزی‌های بلند و کوتاه‌مدت تحقق می‌یابد. بر این اساس، یکی از مسائل اساسی تعاونی‌ها، برقراری و تداوم روابط سازنده با اعضای خود و به‌گونه‌ای است که مشارکت و وفاداری آنها را به تعاونی حفظ نموده و استمرار بخشد. مشارکت اعضا، منشأ پیدایش دموکراسی اقتصادی، احساس مسئولیت نسبت به امور مربوط به خود و توسعه خودیاری و کمک متقابل در زمینه حل مسائل اجتماعی و اقتصادی است. وفاداری اعضا به تعاونی نیز ضامن تداوم و گسترش فعالیت‌های اقتصادی، ارائه خدمات بهتر و در نهایت تامین هدف‌هایی است که شرکت به خاطر حصول آنها تاسیس شده است.

بدیهی است که توسعه فعالیت‌های تعاونی در هر جامعه می‌بایست بر اساس نیازهای نهفته و اهداف زیربنایی آن جامعه برنامه‌ریزی و اجرا شود و تدوین اهداف زیربنایی نیز نیاز به آموزش بنیادی مفاهیم تعاونی در آن جامعه خواهد داشت.

از آن جا که پیشرفت و توسعه امور تعاونی‌ها مبتنی بر همکاری و مشارکت فعال اعضا است، رضایت آنها از برنامه‌ها و فعالیت‌ها، یکی از عوامل تعیین‌کننده توانمندی و قدرت و خودگرانی این گونه مؤسسات به‌شمار می‌رود. اعضای که از حقوق و مسئولیت‌های خود آگاه باشند، در امور تجاری و فعالیت‌های اساسی تعاونی مشارکت می‌کنند و هوشیاری و آگاهی آنها نسبت به اهداف و

فعالیت‌های تعاونی، از جمله عوامل برجسته‌ای است که علایق و وفاداری آنها به تعاونی را قوت می‌بخشد. برای این که یک تعاونی در ارائه خدمات خود به اعضا موفق گردد، فراهم آوردن شرایطی که پیشنهادات و انتظارات اعضا تا حد امکان تامین شده و مشارکت گسترده آنها در امور تعاونی را موجب شود و ساختار مردمی تعاونی همچنان محفوظ بماند، الزامی است.

علاوه بر آن، حضور اعضا در مجامع عمومی یا مشارکت آنها در امور اقتصادی سبب می‌شود که آنان در جهت‌گیری‌ها و تعیین خط‌مشی تعاونی، نقش هدایتی داشته باشند و ضمناً اهداف تعاونی را بهتر درک کنند.

در حقیقت، مشارکت اعضا در امور اقتصادی و حفظ ساختار مردمی تعاونی، تأثیری عمیق در تقویت تعاونی بر جای می‌گذارد. بدین لحاظ، مدیران تعاونی‌ها پیوسته باید از خود بپرسند: برای جلب مشارکت اعضا در امور تجاری و مدیریتی تعاونی، چه می‌توان کرد؟ و نیز این که، اگر اعضا خواهان خدمات مورد نظر خود از سوی تعاونی نباشند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟

واقعیت این است که اگر منابع مالی تعاونی به شکل مناسبی به کار گرفته نشده و سرمایه‌گذاری نشود، حس وفاداری اعضا به تعاونی تضعیف خواهد شد. اگرچه سرمایه‌گذاری برای احداث ساختمان و افزایش دارایی‌ها، یک اقدام منطقی و مورد نیاز است، ولی اعضا غالباً ارائه خدمات بهتر و بازدهی بیشتر را از تعاونی انتظار دارند. از این رو باید به درستی به این نکته توجه نمود که تعاونی به عنوان یک بنگاه اقتصادی باید عملکردی مطلوب داشته باشد.

به خاطر داشته باشیم که تعاونی‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات اقتصادی و اجتماعی مستقلی هستند که افراد عضو با اراده و نظارت خود بر امور و

به صورت آزاد و داوطلبانه، آن را به وجود می‌آورند افرادی که دور هم جمع می‌شوند، نیازهای مشترک خود را درک کرده و برای رفع نیازها، موانع را به صورت دسته جمعی برطرف می‌کنند تا از این رهگذر ضمن بهره‌مند شدن خود، جامعه را نیز منتفع نمایند.

با توجه به مباحث عنوان شده، مشارکت همه جانبه اعضا در فرآیندهای اداری و مدیریتی تعاونی‌ها اصلی مسلم در میزان موفقیت آنها محسوب می‌شود و مشارکت اعضا در تعاونی‌ها به صورت چرخه‌ای از فعالیت‌های مرتبط با مدیریت و اداره تعاونی‌هاست. یعنی هر فرد باید برخوردار از آمادگی لازم جهت همکاری با تعاونی بوده و درعین حال آمادگی تدریجی جهت مدیریت بر تعاونی یا ارائه مشاوره به آن را داشته باشد.

فصل چہار دہم

سہام عدالت

سهام عدالت

مفهوم عدالت، هم در آموزه‌های اسلامی و نیز در گرایش‌های اندیشه‌وران دیگر، با مفهوم واژه "حق" گره خورده و عدالت، به رعایت حقوق معنا شده است. بر این اساس عدالت اقتصادی به معنای مراعات حقوق اقتصادی در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی است. این امر به صورت هدف اقتصادی، هنگامی به طور کامل محقق می‌شود که هر یک از افراد جامعه به حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه دست یابند.

در شرایط گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد غیردولتی (عمومی، تعاونی و خصوصی) می‌توان به شیوه‌های گوناگون عمل نمود. به عنوان مثال می‌توان به شیوه‌هایی همانند مزایده، واگذارسازی به افراد خاص، حضور در بورس و غیره اقدام به طی این مراحل کرد. دولت‌های گوناگون با توجه به رژیم اقتصادی و نوع نظام ارزشی حاکم، به صورت مختلف اقدام به چنین کاری می‌کنند. به عنوان

مثال کشور آلمان بعد از ادغام آلمان شرقی و غربی تأکید ویژه‌ای بر واگذاری با اخذ تعهدات کامل (خاصه در قسمت آلمان شرقی) داشته و یا بسیاری از کشورهای اروپایی از شیوه‌های مزایده و بورس استفاده کرده اند، اما بررسی پیامدهای شیوه‌های گوناگون نشان‌دهنده نکات جالب توجه‌ای بوده است، به طوری که با تحلیل آنها می‌توان به این امر پی برد که آیا شیوه در پیش گرفته شده دارای همخوانی با نظام ارزشی و اجتماعی حاکم بر کشور ایران است یا خیر؟

مزایده به نوعی حاکمیت سرمایه‌داری و مالکیت فردی را (در قالب افراد حقیقی و حقوقی) تشدید می‌کند. بورس تضمینی جهت مشارکت سهامداران فراهم نکرده و تنها بستر ساز کسب سود احتمالی تلقی می‌شود. اما واگذاری به شکل تعاونی مخصوصاً اگر افراد زیادی عضو داشته باشند ضمن مزایای سایر روش‌ها، امکان تداوم مشارکت فعال افراد در حوزه واگذار شده را به دنبال دارد.

از طرف دیگر، گذار از اقتصاد دولتی می‌تواند تک مرحله‌ای یا چند مرحله‌ای بوده و همچنین امکان دارد که سطح‌بندی شده یا بدون سطح باشد. به عنوان مثال برخی از کشورها تمایل دارند، موارد واگذاری را به نهادهای عمومی (نظیر شهرداری‌ها) تفویض کرده و شهرداری‌ها در گام بعدی مخیر به واگذاری مجدد باشند. با پیروی از چنین اصولی علاوه‌براین که مرحله گذار طی شده، به نوعی شاهد محلی‌سازی اقتصاد و محل‌گرایی در اقتصاد نیز خواهیم بود. برخی دیگر از کشورها نیز این مراحل را در یک دفعه طی می‌کنند.

نوع حمایت‌های دولت از اقشار آسیب‌پذیر نیز قابل بحث است. می‌توانند

اقدام به ارائه یارانه کالایی و خدماتی به گروه‌های هدف، پرداخت مستقیم پول

یارانه به گروه‌های هدف، ارائه امتیازات ویژه به چنین گروه‌هایی، ارائه سهام و غیره کنند.

در دولت نهم به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده (۹) قانون برنامه چهارم توسعه، اجرای سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری و در راستای ایده عدالت گسترده در جامعه "طرح توزیع سهام عدالت" را بعد از طی مراحل قانونی به اجرا در آمد. دولت در این طرح درصدد است طی چند مرحله، ۴۰ درصد سهام شرکت‌های دولتی قابل واگذاری به هر بازار را به دهک‌های پایین درآمدی با اولویت روستاییان و عشایر واگذارد و بهای آن را به صورت اقساطی و از محل سود این سهام، در طول ۱۰ سال دریافت کند. میزان واگذاری سهام دولتی متناسب با امکانات دولت و نیز متناسب با تعداد اعضای تعاونی تعیین می‌شود.

مشمولان مرحله اول واگذاری سهام عدالت، افراد تحت پوشش کمیته امداد، بهزیستی و ایثارگران بدون درآمد و در مراحل بعدی بازنشستگان، کارمندان و سایر اقشار تا شش دهک جامعه را شامل خواهد شد.

به دلیل اهمیت موضوع، ستاد مرکزی توزیع سهام عدالت با هدف برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت بر فرآیند واگذاری سهام عدالت، به ریاست رییس جمهور تشکیل می‌گردد. همچنین ستادهای استانی توزیع سهام عدالت که در محدوده یک استان به ریاست استاندار تشکیل می‌شوند، در چارچوب اختیارات محول شده از طرف ستاد مرکزی، بر فرآیند توزیع سهام در استان نظارت می‌کنند.

۳۳۷ تعاونی عدالت شهرستانی در سراسر کشور تشکیل شده و پیش‌بینی می‌شود که حدوداً ۴۲ میلیون نفر عضو این تعاونی‌ها خواهند بود.

مهم‌ترین هدف این سهام، توزیع ثروت و توانمندسازی دهک‌های پایین جامعه برای حضور در اقتصاد است. اما در کنار این هدف، اهداف دیگری همانند موارد زیر نیز دیده شده است. افزایش درآمد و قدرت سرمایه‌گذاری خانواده‌های کم درآمد، توزیع عادلانه ثروت و درآمد در جامعه، کاهش تصدیگری دولت، گسترش و افزایش بازار سرمایه، توزیع مدیریت دولتی بین بخش خصوصی، جلوگیری از انباشت سرمایه‌های دولت و ترویج فرهنگ سهامداری در کشور از دیگر اهداف طرح واگذاری سهام عدالت است.

به‌رحال مطابق ماده ۳۴ قانون اجرایی شدن سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی:

- دو دهک پایین درآمدی با اولویت روستانشینان و عشایر، مشمول پنجاه درصد تخفیف در قیمت سهام واگذاری با دوره تقسیط ده ساله خواهد بود.
- در مورد چهار دهک بعدی، تقسیط تا ده سال حسب مورد داده خواهد شد.
تبصره ۱: مبنای قیمت‌گذاری، قیمت فروش نقدی سهام در بورس خواهد بود.
تبصره ۲: تخفیف‌های مذکور در بند «الف» این ماده به حساب کمک‌های بلاعوض به اقشار کم درآمد منظور می‌شود.

مطابق ماده ۳۵ قانون اجرایی شدن سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی:
مشمولان بندهای «الف» و «ب» ماده (۳۴) این قانون در قالب شرکت‌های تعاونی شهرستانی ساماندهی شده و از ترکیب آنها شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی به‌صورت شرکت‌های سهامی تشکیل و بر اساس قانون تجارت فعالیت

می‌کنند. دولت موظف است جهت پذیرفته شدن شرکت‌های مذکور در بورس اوراق بهادار کمک‌های لازم را انجام دهد.

و مطابق ماده ۳۶، سازمان خصوصی‌سازی موظف است سهام موضوع ماده (۳۴) از هر بنگاه قابل واگذاری را مستقیماً بین شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی تقسیم کند. سهم هر یک از شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی متناسب با تعداد اعضا تعاونی‌های شهرستانی هر استان تعیین خواهد شد.

تبصره ۱: نقل و انتقال سهام از سازمان خصوصی‌سازی به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی از مالیات معاف است.

تبصره ۲: افزایش سرمایه در شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی ناشی از دریافت سهام از سازمان خصوصی‌سازی، همچنین افزایش سرمایه در شرکت‌های تعاونی شهرستانی ناشی از افزایش دارایی شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی مربوط از این محل، از مالیات معاف است.

و براساس ماده ۳۷، فروش سهام واگذار شده به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی قبل از ورود این شرکت‌ها به بورس به میزانی که اقساط آن پرداخت شده یا به همین نسبت مشمول تخفیف واقع شده در بازارهای خارج از بورس مجاز است و سهام واگذار شده به همین نسبت از قید وثیقه آزاد می‌شود.

در ماده ۳۸ قانون آمده است: دولت مکلف است سهام موضوع ماده (۳۴) را به گونه‌ای واگذار نماید که موجبات افزایش یا تداوم مالکیت و مدیریت دولت در شرکت‌های مشمول واگذاری را فراهم ننماید. در انتخاب مدیران، دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۸۶) این قانون مجاز به اخذ وکالت از شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی نخواهند بود.

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، ضمن اینکه باید بقیه مراحل محتوایی کار یعنی ایجاد زمینه لازم مدیریتی، فکری و سایر آگاه‌سازی‌های لازم اعضای تعاونی‌های سهام عدالت برای دخالت منطقی و قانونی در مالکیتی که پیدا می‌کنند فراهم شود تا فرق واقعی این کار با رساندن وجوهی به شکل مقطعی به نیازمندان بارز شود ایجاد گردد (چون در غیراین صورت نمی‌توان این اقدام را افزایش سهم بخش تعاون دانست).

دولت با چنین فعالیتی، ضمن گذار از اقتصاد دولتی، بحث عدالت اجتماعی و بازتوزیع ثروت را با هدف کمک به گروه‌های آسیب‌پذیر نه صرفاً برای کمک مالی بلکه به منظور ایجاد مالکیت در قالب اقدامی پایه‌ای و بنیادی (سهام عدالت) دنبال‌گیری کرده و به نظر می‌رسد چنین فعالیتی دارای پیامدهای مطلوب بر اقتصاد کشور در مرحله گذار و آماده‌سازی نیروها جهت حضور تدریجی و فعال در اقتصاد باشد. منتهی باید مراقبت شود که از اهداف طرح و منظور اصلی رهبری انقلاب دور نشود. یعنی اینکه افراد در این تعاونی‌ها بعنوان سهامدار بتوانند در مقدار دارائیشان مدیریت کنند و ضمن اینکه باید مراقب بود در سالهای اولیه عده‌ای سودجو نتوانند این سهام را به ثمن بخش از چنگشان در آورند. قدرت افزایش سرمایه برای آنان میسر باشد تا در آینده اینگونه تعاونی‌ها سهم قابل توجهی در هر سیکل اقتصادی داشته باشند.

در عین حال با کاهش دخالت دولت در امر تعاونی‌ها جوری نشود که صاحبان اصلی این سهام هیچ اطلاعی از روند شکل‌گیری این بنگاهها نداشته و فقط احساس شود که گویا بنا است عده‌ای از محل درآمد این بنگاهها کمک مالی شود. البته در این صورت با مثبت دانستن این روند حمایت از فقرا، نمی‌توان هدف از انجام این کار را افزایش سهم بخش تعاون دانست.

بخش سوم:

انواع تعاونی‌ها در ایران

❖ تعاون در تولید ملی

❖ تعاونی‌های تولیدی

❖ تعاونی‌های آموزشگاهی

❖ تعاونی‌های خدماتی

❖ تعاونی‌های مصرف

❖ تعاونی‌های اعتبار

❖ تعاونی‌های دانش‌آموختگان

❖ تعاونی‌های مرز نشینان

❖ تعاونی‌های مسکن

❖ تعاونی‌های صنعتی

❖ تعاونی‌های حمل و نقل

❖ تعاونی‌های معدنی

فصل پانزدهم

بخش تعاون در تولید ملی

بخش تعاون در تولید ملی

سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران با هدف رهنمون ساختن کشور به آینده‌ای بهتر با توجه به امکانات و فرصت‌های موجود تبیین گردیده است. در سند چشم‌انداز علاوه بر جنبه‌های اخلاقی، معنوی، سیاسی و فرهنگی، به لحاظ اقتصادی و علمی نیز مشخصه‌های جمهوری اسلامی ایران در ۲۰ سال آینده بیان شده که از جمله مهم‌ترین گویه‌های مورد تأکید آن عبارتند از:

- تبدیل شدن کشور به قدرت اول منطقه به لحاظ اقتصادی، فنی و علمی.
- دارای میزان تورم و نرخ بیکاری یک رقمی.
- برخورداری از زیربناها و ساختارهای لازم برای تداوم رشد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی.

در حال حاضر بر اساس اطلاعات موجود، جمهوری اسلامی ایران از نظر رشد اقتصادی و تولید، در رتبه سوم منطقه (پس از دو کشور ترکیه و عربستان)

قرار گرفته و متوسط رشد اقتصادی کشورمان در ۱۰ سال اول سند چشم‌انداز ۲۰ ساله معادل ۸/۶ درصد تعیین شده است. همچنین بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشورمان، نرخ بیکاری مطلوب ایران در سال ۱۳۹۴، معادل ۷ درصد در نظر گرفته شده و نرخ تورم ایران بایستی تا سال ۱۳۹۴ به ۵ درصد کاهش یابد. خوشبختانه به‌رغم همه مشکلات، کارشکنی‌های خارجی و تحریم‌های اقتصادی، اقتصاد ایران روند رو به رشدی را می‌گذراند به نحوی که بانک جهانی در تازه‌ترین گزارش خود اعلام نمود که تولید ناخالص داخلی (GDP) ایران در سال ۲۰۰۶ با رشد قابل‌توجهی نسبت به سال ۲۰۰۵ مواجه شده و از ۴/۴ درصد به ۵/۸ درصد افزایش یافته است.

باید توجه داشت که دستیابی به جایگاه رفیع چشم‌انداز بیست ساله کشور بدون بازنگری کلی در سیاست‌ها و استراتژی‌های اقتصادی، مشکل می‌نمود و این مهم، با درایت رهبر فرزانه انقلاب در قالب سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ به بهترین نحو ممکن به انجام رسید. به‌گونه‌ای که به اعتقاد کارشناسان امر، زمینه را برای یک انقلاب اقتصادی در ایران مهیا نموده است. از جمله دیدگاه‌های کلیدی در سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴، توجه به نقش بخش تعاون در افزایش ثروت ملی به همراه تحقق عدالت اجتماعی است که در قالب بند «ب» سیاست‌های مذکور تدوین شده است.

در میان گرایش‌ها و بخش‌های مختلف تعاونی، تعاونی‌های تولیدی از جایگاه ممتازی برای تحقق چشم‌انداز بیست ساله نظام، برخوردار می‌باشند. تعاونی‌های تولیدی با تحت پوشش داشتن قریب به ۵۰ درصد از تعاونی‌های موجود کشور، می‌تواند یکی از مهم‌ترین محورهای توسعه تعاونی‌ها تلقی شود.

تشخیص جایگاه و منابع موردنیاز این نوع تعاونی‌ها قادر است به تدوین راهکارهای تحقق اهداف مورد نظر در بخش تولید کمک قابل توجهی نماید. تعاونی‌های تولیدی، علاوه بر پیگیری اهداف اقتصادی و مالی، با کارآفرینی و ایجاد فرصت شغلی برای اعضای خود، در تعمیم و ترویج بعد اجتماعی و فرهنگی تعامل در کار، همیاری، خودباوری، مسئولیت‌پذیری و دگرخواهی در بین آحاد جامعه فعال می‌باشند.

از طرفی به‌رغم نقش کم بخش تعاون در اقتصاد ملی در حال حاضر، سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴، افق و آینده روشنی را برای بخش تعاون در تولید ملی بیان می‌کند. براساس مطالعات انجام شده سهم بخش تعاون در تولید ناخالص ملی کشور از ۱/۶ درصد در سال ۱۳۷۲ به حدود ۵ درصد در پایان سال ۱۳۸۴ بالغ گردید که در این صورت به‌طور متوسط از رشد سالانه نزدیک به ۵۰ درصد برخوردار بوده است. بدین ترتیب با تقویت مدیریت بخش تعاون و استفاده مطلوب از ظرفیت‌های قانونی بخش، امکان گسترش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور بویژه در تولید ملی قابل تحقق بوده و برآوردها نشان می‌دهد که در صورت تداوم حمایت‌های لازم، سهم بخش تعاون می‌تواند به حداقل تا ۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ملی برسد.

با توجه به عدم تعادل بین بخش‌های اقتصادی کشور و تلاش برای کاهش این بی‌تعادلی، دولت در برنامه‌های توسعه‌ای (بویژه در برنامه‌های دولت نهم)، به‌طور جدی فرصت‌ها و محدودیت‌های این بخش را مورد توجه قرار داده است. قطعاً دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده، مستلزم توجه جدی به محورهای اساسی مورد نظر برنامه می‌باشد که عمده این محورها شامل ایجاد اشتغال سالانه

به میزان حداقل دو میلیون و چهارصد هزار نفر، پیش‌بینی رشد سالانه بخش تعاونی، به میزان ۲/۵ درصد (به نحوی که در پایان برنامه پنجم به ۲۵ درصد برسد)، کوچک سازی گسترده دستگاه‌های وابسته به دولت و بویژه واگذاری بخش‌های عمده‌ای از واحدهای اقتصادی دولت به بخش‌های تعاونی و خصوصی، ایجاد فضای مناسب برای رشد سرمایه‌گذاری و فعالیت بخش‌های تعاونی و خصوصی، جهش در صادرات غیرنفتی و توسعه تشکل‌ها و مشارکت‌های مردمی در اقتصاد می‌باشند.

تجربه بسیاری از کشورها در بخش تعاون بیانگر این واقعیت است که تعاونی‌ها می‌توانند در توسعه عدالت اجتماعی و ایجاد نوعی مکانیزم خودکفایی نسبی موفق باشند و این امر باعث بومی و درونی کردن جریان توسعه و همچنین کاهش شکاف‌های طبقاتی می‌گردد. به‌عنوان مثال کشور هند با وجود ادعای دارا بودن بیشترین نرخ رشد اقتصادی بعد از چین، شدت از مسئله نابرابری اجتماعی و نبود عدالت رنج می‌برد به نحوی که در حال حاضر حدود ۴۶۰ میلیون کارگر هندی از درآمد کمتر از یک دلار در روز برخوردار می‌باشند.

از طرف دیگر یکی از ویژگی‌های اصلی این بخش، اتکای منابع مالی و سرمایه‌ای تعاونی به اعضا می‌باشد که براساس اصول همکاری و همیاری شکل می‌گیرد و بهترین رویه برای جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک و متوسط به شکل مشارکتی است. این در حالی است که به‌رغم محدودیت منابع سرمایه‌ای در اقتصاد ایران برای هر دو بخش خصوصی و تعاونی، شیوه تعاونی بستر مناسبی است که می‌توان با بهره‌گیری از آن، منابع سرمایه‌گذاری بخش دولتی را با سرمایه‌های محدود اما متنوع بخش خصوصی ادغام کرده و با ترویج فرهنگ

مشارکت، نرخ سرمایه‌گذاری در اقتصاد و به تبع آن نرخ رشد تولید و اشتغال را افزایش داد. در عین حال، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اختیار نهادن شرایط و امکانات به شکل تعاونی برای کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند را، از طریق وام‌های کم بهره مورد تأکید قرار داده است.

یکی از محورهای اساسی برنامه چهارم توسعه اقتصادی کشور، گسترش سرمایه‌گذاری و ایجاد فضای مناسب برای رشد سرمایه‌گذاری در قالب بخش‌های تعاونی و خصوصی است. در این برنامه، رشد اقتصادی در حدود ۶ درصد پیش‌بینی شده و برای دستیابی به این نرخ رشد اقتصادی، الزام به رشد سرمایه‌گذاری به میزان ۷/۱ درصد (به‌طور متوسط هر ساله) وجود دارد. از طرف دیگر، سهم نرخ رشد بخش خصوصی و تعاونی در حدود ۸/۵ درصد پیش‌بینی شده است. همان‌گونه که ذکر شد براساس سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴، سهم بخش تعاون می‌بایست تا پایان سال ۱۳۹۲ به ۲۵ درصد اقتصاد ملی برسد، لذا به منظور دستیابی به جایگاه واقعی بخش تعاون می‌بایست بخش اعظمی از سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده در قانون برنامه چهارم و پنجم کشور در این بخش انجام شود، تا این بخش بتواند علاوه‌بر نقش کلیدی خود به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم اقتصاد کشور، در سایر زمینه‌ها کارآیی لازم را داشته باشد.

حال با تصویب نهایی لایحه اجرایی سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴، امید است راه برای توسعه روزافزون بخش تعاون که منادی تحقق عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی در جامعه می‌باشد، هموار شود. اما جهت تحقق مسئولیت‌ها و تکالیف قانونی واگذار شده به بخش تعاون باید توجه داشت که:

- ظرفیت‌های لحاظ شده در این سیاست‌ها باید تماماً اجرایی شود.

- همه امتیازات و حمایت‌های مقرر برای ترویج و حمایت از سبک اقتصادی تعاون به کار گرفته شود.

- حضور اکثریت دهک‌های پایین جامعه در اقتصاد (که یکی از اهداف اصلی سیاست‌های اصل ۴۴ است)، نیازمندی طی مراحل توانمندسازی است که اتفاقاً منابع آن و روش تعاونی بودن آن توسط رهبر انقلاب اسلامی پیش‌بینی و ابلاغ شده و این کار فعالیتی زمانبر و نیازمند برنامه‌های حداقل میان مدت است و نباید در کوتاه مدت انتظار معجزه از بخش تعاون داشت.

برای به انجام رساندن این اهداف، ضمن اینکه باید در تشکیلات دولت ساختاری قوی و با انگیزه متولی شود، بقیه دستگاه‌ها هم می‌بایست تمام تلاش خود را در این مسیر ارایه کرده و باور داشته باشند که باید بخش زیادی از فعالیت‌هایشان به منظور تقویت بخش تعاون انجام گیرد.

فصل شانزدهم

تعاونی‌های تولیدی

تعاونی‌های تولیدی

گفته می‌شود در یک اقتصاد کارآمد مهم‌ترین شاخص در رشد اقتصاد، تولید است. در قانون اساسی و قانون تعاون، ضرورت شکل‌گیری و سازمان‌یابی بخش تعاون و تعاونی‌ها را مطرح شده و بر تقویت تعاونی‌های تولید و توزیع با هدف تعادل بین فعالیت‌های تولیدی و توزیعی کشور با حفظ اصالت‌ها و ارزش‌های اسلامی جامعه تأکید گشته است.

در اصل چهل و سوم قانون اساسی، تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادادن وسائل کار در اختیار تمامی کسانی که قادر به کارند ولی وسائل لازم جهت کار را در اختیار ندارند ذکر گردیده و بهره‌گیری از توانمندی‌های بخش تعاون و تعاونی‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های مشروع برای رسیدن به مقاصد یاد شده مورد تأکید قرار گرفته‌اند. تحلیل رویکرد فوق نشان می‌دهد که فعالیت اقتصادی در شکل تعاونی از این رو مورد

توجه خاص قرار دارد که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی می‌شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درمی‌آورد.

از میان انواع تعاونی‌ها نیز، تعاونی‌های تولید یکی از گونه‌های مورد تاکید است که با اثرگذاری در تولید ملی و ایجاد اشتغال، سهم عمده‌ای در پیاده‌سازی این اصل از قانون اساسی دارند.

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که تعاونی‌های تولیدی بیش از نیمی از ظرفیت موجود تعاونی‌های کشور را تحت پوشش خویش قرار داده و با توجه به تنوع گرایش‌ها و زمینه‌های فعالیت، دارای ویژگی‌های ارزنده‌ای نسبت به سایر شکل‌های تعاونی هستند. چنین تعاونی‌هایی علاوه بر تامین مایحتاج بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدماتی، در سطوح کلان (به جهت کمک به توسعه اهداف اقتصادی) نقش ویژه‌ای در ایجاد فرصت‌های شغلی و کارآفرینی در سطح کشور دارند و به ارتقای کیفیت تولید کمک کرده، در تولید ناخالص داخلی و صادرات نیز نقش مؤثری دارند.

از بعد نهادی نیز زنجیره سازی صورت پذیرفته توسط تعاونی‌های تولیدی با تشکیل اتحادیه‌های تولیدی، گستره‌ای را ایجاد نموده که به عنوان چتر حمایتی، برای تحقق اهداف و برنامه‌های بلندمدت و سیاستگذاری‌های مختلف در عرصه تولید بسیار مؤثرند. تعاونی‌های تولیدی در بسترسازی برای تسریع در رشد اقتصادی کشور از طریق تجمیع سرمایه‌های کوچک در فعالیت‌های مختلف تولیدی پر بازده (از جمله تولید محصولات اساسی و مایحتاج مصرفی سبد خانوار و صنایع تبدیلی و تکمیلی)، نوسازی و توسعه بخش کشاورزی و توسعه

صنایع کوچک، حضور فعال و مشترک در ایجاد شهرک‌های صنعتی می‌توانند نقش مؤثری داشته باشند.

براساس سرشماری سال ۱۳۸۶ تعداد پنجاه هزار تعاونی تولیدی در کل کشور با گرایش‌های مختلف تولیدی به فعالیت مشغولند که معادل ۴۸ درصد از مجموع تعاونی‌های کشور می‌باشد. از این تعداد تعاونی تولیدی ۳۵/۱ درصد در گرایش صنعت، ۳/۸ درصد در گرایش معدن، ۵۰/۳ درصد در گرایش کشاورزی، ۷ درصد در گرایش تامین نیاز تولیدکنندگان و ۳/۸ درصد در گرایش فرش دستباف به فعالیت مشغولند.

این تعاونی‌ها سهم عمده‌ای در تولید ملی دارند به‌عنوان مثال در حوزه کشاورزی و ساختمان ۲۵ تولید گوشت سفید، ۳۰ درصد تولید گوشت قرمز، ۷۰ درصد تولید میگوی پرورشی، ۴۰ درصد تولید گوشت ماهی، ۵۰ درصد تولید گچ، ۲۸ درصد تولید سنگ‌های تزئینی و ۲۰ درصد تولید لوله و آزیست توسط این تعاونی‌ها صورت می‌گیرد. همچنین از مجموع ۲ میلیون نفر اشتغالزایی در بخش تعاون، تعداد یک میلیون و دویست هزار نفر معادل ۶۰ درصد مربوط به تعاونی‌های تولیدی می‌باشد.

با توجه به توضیحات ارائه شده، دست‌یابی به جایگاه شایسته تعاونی‌های تولید در اقتصاد ملی مستلزم برداشتن گام‌های اساسی است که از جمله آنها می‌توان به مواردی چند اشاره کرد؛

ارائه تسهیلات لازم برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛ کارآفرینی، مهارت‌آموزی و بهره‌وری.

افزایش سرمایه‌گذاری جدید و تقویت سرمایه در گردش تعاونی‌های تولید.

گسترش حضور تعاونی‌ها در انواع فعالیت‌ها از جمله صنایع نوین و شکل‌گیری و توسعه فعالیت آنها در موضوعات صدر اصل ۴۴ قانون اساسی (صنایع بزرگ، صنایع مادر، تولید نیرو). رعایت اصول و ارزش‌های تعاون توسط افرادی که مبادرت به تشکیل تعاونی می‌کنند.

استانداردسازی مدیریت تعاونی‌ها، ارتقاء کیفیت مدیریت و نیز کیفیت محصولات آنها و اخذ گواهینامه‌های استاندارد مدیریت، کالا و خدمات. از دیگر اقدامات مؤثر رشد و سودآوری این تعاونی‌ها، شکل‌گیری تعاونی‌های بزرگ با انسجام تولید کنندگان داخلی بوده که ضمن توجه به تحقیق و توسعه (R&D) و بالابردن کیفیت، می‌توانند از نام تجاری معتبری در نظام ملی و حتی جهانی استفاده کنند که در حال حاضر تولیدکنندگان داخلی اکثراً به این موضوع بی‌توجه بوده و گاه مجبور می‌شوند به غلط، اجناس مرغوب‌شان را با نام‌های تجاری خارجی و بسته‌بندی‌های سایر کشورها صادر کنند.

فصل هفدهم

تعاونی‌های آموزشی

تعاونی‌های آموزشی

علاوه بر آموزه‌های معلم‌ها، جوانان اکثر مهارت‌ها، علایق و دانستنی‌های خود را از همسالان فرا گرفته و در واقع گروه‌های همسال تأثیر زیادی در تطبیق جوانان با نظم اجتماعی، مفاهیم و ارزش‌های آن (از قبیل تعهدهای متقابل، روح همکاری، همبستگی و احساس مسئولیت در قبال دیگران) خواهند داشت. نهادسازی و تجمیع جوانان در فعالیت‌های گروهی از جمله راهکارهایی است که می‌توان به کمک آن، اقدام به انتقال الگوها و فرهنگ‌های مناسب توسط همسالان به خودشان نمود. یکی از این نهادها و تشکلهای، ساماندهی جوانان در قالب فعالیت‌های تعاونی در آموزشگاه‌ها و مدارس می‌باشد.

تعاونی‌های آموزشی تعاونی‌هایی هستند که در مدارس با عضویت دانش‌آموزان تشکیل گردیده و عرصه‌ای برای تمرین مشارکت و فعالیت‌های جمعی خواهد بود. این تعاونی‌ها به جای رویکرد اقتصادی، بیشتر رویکرد آموزشی، تربیتی و پرورشی دارند و هدف اصلی از تشکیل این تعاونی‌ها، آموزش و ترویج اصول و مفاهیم تعاون در بین دانش‌آموزان و تشویق آنان به

همکاری و همیاری با یکدیگر و شرکت در کارهای گروهی و رشد حس مسئولیت‌پذیری و احترام به رأی و نظر دیگران است.

بررسی تجارب کشورهای گوناگون نشان می‌دهد که از نظر تشکیلات و ساختار، تعاونی‌های آموزشی انواع مختلفی دارند یعنی با توجه به این اصل که به غیر از دانش‌آموزان، گروه‌های اصلی ذینفع چه کسانی هستند (کادر مدیریتی و آموزشی مدرسه، والدین، معتمدین محلی و غیره) تقسیم‌بندی‌های متنوعی از تعاونی‌های آموزشی به عمل می‌آید. در شرایط فعلی کشور ایران، فعالیت تعاونی‌های آموزشی با مشارکت صورت پذیرفته بین دانش‌آموزان و هدایت‌های انجام شده توسط کادر آموزشی تداوم‌یافته و اجرایی می‌گردد.

از جمله مهم‌ترین اهداف تعاونی‌های آموزشی عبارتند از:

ترویج روحیه همکاری متقابل، همفکری و انجام خدمات گروهی، آموزش و ایجاد روحیه مشارکت و مداخله‌گری فعال در امور اجتماعی و اقتصادی،

آموزش و تقویت مهارت در زمینه چگونگی تصمیم‌گیری درست و بهنگام،

آشنایی با مفاهیم اساسی مثل دموکراسی و رأی‌گیری،

آشنایی با قوانین و مقررات و پیروی از آنها،

ایجاد توانایی جلب اعتماد در دیگران،

فعالیت و حرکت در جهت رفع مشکلات و موانع فردی و اجتماعی در قالب

همکاری‌های جمعی،

تامین ملزومات و کالاهای مورد نیاز مصرفی دانش‌آموزان از جمله، خوراک،

پوشاک، لوازم‌التحریر با قیمت کمتر از بازار و با کیفیت مناسب‌تر،

در شرایط ایده‌آل، کارکردهای چنین تعاونی‌هایی می‌تواند به مباحثی نظیر برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های فوق برنامه، تامین ملزومات اولیه مدرسه، تجارت محدود و کاملاً هدایت شده درون آموزشگاهی و همانند آنها گسترش یابد.

تا سال ۱۳۸۶ تعداد ۱۶۴۴۲ تعاونی آموزشی در مدارس سراسر کشور با بیش از یک میلیون و ۴۳۰ هزار نفر عضو در حال فعالیت بوده که البته در مقایسه با جمعیت دانش‌آموزی کشور کمتر از ۱۰ درصد مدارس را پوشش می‌دهد. هدف از حمایت‌های صورت پذیرفته توسط وزارت تعاون از چنین تعاونی‌هایی نیز متمرکز بر رسالت‌های آن یعنی کارآموزی دسته جمعی و تربیت و پرورش اعضای بزرگسال در آینده نهضت تعاون است.

آموزش عملی مدیریت و چگونگی تصمیم‌گیری صحیح و آشنایی تدریجی با مباحث برنامه‌ریزی و اداره سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی کوچک توسط دانش‌آموزان و نیز آشنایی با مقررات و قوانین کار و فعالیت، همچنین لزوم تبعیت از قانون توسط آنها به عنوان یک باور؛ انجام فعالیت‌های اقتصادی و واگذاری فعالیت‌های غیرآموزشی از جمله اهداف دیگر تعاونی‌های آموزشی می‌باشد. از دیگر فواید تربیتی که بر تشکیل تعاونی‌های آموزشی مترتب است، تقویت روحیه همکاری و اشتراک مساعی در دانش‌آموزان، آموزش عملی قواعد و رسوم کارجمعی و آموزش و آموختن احترام به رأی اکثریت و دفاع از حقوق اقلیت، ایجاد روحیه تحمل آراء و عقاید مخالف در دانش‌آموزان، کمک به باروری مدیریت در جامعه و افزایش بهره‌وری، تشکیل صندوق پس‌انداز در تعاونی‌های آموزشی به منظور جمع‌آوری اندوخته‌های کوچک دانش‌آموزان

به طور منظم و راه‌حلی اصولی برای آموزش شیوه‌های اقتصاد و معیشت به دانش‌آموزان است.

با تاسیس تعاونی‌های آموزشگاهی در مدارس، شیوه مشارکت در فعالیت‌های گروهی عملاً به دانش‌آموزان آموخته می‌شود و حس تعاون به صورت بنیادی در ذهن نوجوانان جای گرفته و در باروری ابعاد سازنده شخصیت آنان تأثیر بسزایی خواهد داشت. در این گونه شرکت‌ها دانش‌آموزان خود مالک و سهامدار شرکت می‌باشند، ضمن اینکه این تعاونی‌ها کالای مورد نیاز اعضا را نیز با حداقل قیمت و با کیفیت مناسب تامین و از خرید بی‌رویه دانش‌آموزان از منابع غیرمجاز و غیربهداشتی نظیر دستفروش‌ها جلوگیری می‌نمایند. سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی عیناً بین اعضا تقسیم می‌شود و بدین طریق هر دانش‌آموز از مزایای همکاری و کمک به دیگران نیز بهره‌مند می‌گردند.

تعاونی‌های آموزشگاهی در سطوح کلان‌تر، تبدیل به تعاونی‌های دانشگاهی و دانشکده‌ای شده و جهت‌گیری کاربردی در سطوح میانی و کلان (خارج از آموزشگاه) پیدا می‌کنند. بر این اساس در وزارت تعاون با همکاری وزارت آموزش و پرورش، توسعه و تقویت این گونه از تعاونی‌ها، با هدف فرهنگ‌سازی و الگویی عملی دانش‌آموزان مورد تأکید قرار گرفته است.

فصل هجدهم

تعاونی‌های خدماتی

تعاونی‌های خدماتی

بخش خدمات و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی بسیاری از کشورها امری کاملاً روشن است. بخش خدمات، اولین بخش توسعه اقتصادی در کشورها است که برای پایداری فرآیند رقابت‌پذیری جهانی می‌بایست به شکل مستمر و جهشی به آن توجه شود. سرمایه‌گذاری در توسعه منابع انسانی، توجه و تمرکز بر مشتری‌مداری و استفاده مؤثر از فناوری از جمله لازمه‌های رشد و توسعه پایدار آن محسوب می‌شود.

از دلایل اهمیت یافتن بخش خدمات و بازنگری تأثیر این بخش در اقتصاد، توجه به ارتباط خدمات با فرآیند تولید، تداوم مصرف و نیز فرآیند توسعه اقتصادی بوده است. مهم‌ترین مشخصه‌ای که انقلاب خدمات بدان اشاره دارد ارتباط فزاینده بین خدمات تولیدی و خدماتی که در فرآیند تولید محصولات به کار برده می‌شود با سایر فعالیت‌های اقتصادی است. در واقع بخش خدمات در رقابت‌پذیر کردن روند تولید کالاها و افزایش ارزش افزوده و در نتیجه صادرات تولیدات، نقش فزاینده‌ای دارد.

خدمات زیربنایی (خدمات مالی، ارتباطات، بهداشتی، آموزش و...)، پشتیبانی لازم را برای هرگونه فعالیت اقتصادی فراهم می‌نماید. اهمیت این بخش به گونه‌ای است که حتی در روند تولید کالا نیز، سهم عمده ارزش افزوده ایجاد شده، ناشی از فعالیت نهادهای خدماتی می‌باشد.

بر اساس آمارها، بخش خدمات کشورهای در حال توسعه، به‌طور متوسط سهمی معادل ۴۵ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) را به خود اختصاص داده است. در ایران نیز سهم ۴۷ درصدی بخش خدمات در تولید و اشتغال کشور نشان دهنده اهمیت این بخش در اقتصاد ملی و درگیری بالای آن با مولفه‌های کلان است. بر اساس اعلام بانک جهانی، بخش خدمات ایران طی ۱۴ سال گذشته به طور میانگین با رشد سالانه هفت و نیم درصدی روبه‌رو بوده و از این لحاظ، ایران پنجمین کشور برخوردار از رشد بالای بخش خدمات در سطح جهان (بین ۱۳۶ کشور) و رتبه اول در سطح خاورمیانه است.

از بعد اشتغال نیز فعالیت‌های خدماتی در بخش تعاون کشور، با توجه به وجود ظرفیت‌ها و توانمندی بالای این بخش، می‌تواند به شکل ویژه مورد توجه قرار گیرد.

جمعیت نیروی کار شاغل کشور بیش از ۱۸ میلیون نفر برآورد شده که ۴۶ درصد از این رقم در بخش خدمات مشغول به کار هستند و بدین ترتیب این بخش، مهم‌ترین بخش جذب نیروهای جویای کار در کشور است

تقسیم‌بندی‌های انجام شده از فعالیت‌های خدماتی در بخش تعاون، بیانگر متنوع بودن این حوزه و فعالیت در زمینه‌های گوناگون است. به‌عنوان مثال این گرایش‌ها شامل خدمات بهداشتی، ورزشی، فرهنگی، مدارس، خدمات آموزشی، رایانه‌ای، چاپ و نشر، گردشگری، فنی و مهندسی، مشاوره، بیمه، زیست محیطی، توزیع آب، برق و گاز، تحقیقاتی و پژوهشی، مخابراتی، راهداری،

انبارداری، بسته‌بندی، مالی و اعتباری، صنوف خدماتی و سایر خدمات می‌باشند. براساس آمار منتشره توسط دفتر آمار و اطلاعات وزارت تعاون تا سال ۱۳۸۶، تعداد ۲۴۱۲۶ شرکت تعاونی خدماتی در ۲۲ گرایش خدماتی در سطح کشور تاسیس شده که تعداد اعضای آنها یک میلیون و ۲۰ هزار نفر و تعداد شاغلان در آنها ۴۲۵ هزار نفر بوده که تقریباً ۲۵ درصد کل تعاونی‌های تاسیس شده را شامل می‌شود. از بین این گرایش‌ها، شرکت‌های تعاونی خدماتی مکانیزاسیون کشاورزی با ۲۵۷۲ واحد و شرکت‌های تعاونی خدمات اداری و مالی و پشتیبانی با ۲۲۰۹ واحد و شرکت‌های تعاونی خدماتی بهداشتی و درمانی با ۱۷۴۵ واحد بیشترین تعداد تعاونی‌های خدماتی را تشکیل داده‌اند و کمترین تعاونی‌های خدمات تشکیل شده تاکنون نیز شرکت‌های تعاونی خدمات بیمه‌ای با ۴۱ واحد می‌باشد. از لحاظ سرانه اشتغال، شرکت‌های تعاونی خدماتی کالایی با ۳۰ نفر در هر واحد، بالاترین اشتغال را به خود اختصاص داده و پس از آن، شرکت‌های تعاونی خدماتی اداری و مالی و پشتیبانی با ۲۰ نفر در هر واحد و شرکت‌های تعاونی خدماتی مدارس غیرانتفاعی ۱۹ نفر در هر واحد در رده‌های بعدی قرار دارند. از طرف دیگر، شرکت‌های تعاونی خدماتی بیمه‌ای و خدمات رایانه‌ای با ۷ و ۸ نفر، کمترین اشتغال در هر واحد را دارند.

در حال حاضر فرصت‌ها و نقاط قوت فراوانی برای توسعه تعاونی‌های خدماتی وجود دارد که از جمله آنها:

جایگاه بخش تعاونی در قانون اساسی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ (ابلاغی مقام رهبری)،

وجود سیاست کاهش تصدی‌های دولتی بخصوص در بخش خدمات،

تخصیصی شدن و تقسیم فعالیت‌ها در کشور که موجب رشد بخش خدمات

می‌گردد،

وجود فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و تسهیل در فرآیند کاری،
زود بازده بودن طرح‌های خدماتی نسبت به سایر طرح‌ها،
پایین بودن سرانه سرمایه‌گذاری در تعاونی‌های خدماتی در اکثر گرایش‌های
خدماتی،

برنامه‌ریزی صحیح و کارآمد می‌تواند بهره‌گیری از فرصت‌های بیان شده را
فراهم کرده و عاملی جهت رشد اقتصاد تعاون در بخش خدمات باشد. از طرف
دیگر باید توجه داشت که توسعه تعاونی‌های خدمات با موانع و مشکلاتی چند
نیز روبه‌روست از جمله:

عدم تناسب و هماهنگی در ترکیب اعضا، کمبود نیروهای متخصص، عدم
سرمایه‌گذاری و مشارکت فعال کلیه اعضا و پایین بودن سطح آموزش‌های
تخصصی اعضا.

تامین نشدن تسهیلات و اعتبارات مورد نیاز تعاونی‌ها و عدم تعامل و ارتباط
منطقی بین تعاونی‌ها با بخش‌های خصوصی و دولتی که این امر موجب اتلاف
منابع و خروج ارزش افزوده از بخش تعاون می‌شود.

برای رفع این مشکلات، اجرای برنامه‌های اثربخش در زمینه توسعه
سرمایه‌گذاری، افزایش بهره‌وری، ارتقای کیفیت و مدیریت، رقابت پذیری و
توسعه صادرات در تسهیل دستیابی به اهداف توسعه بخش تعاون در زمینه
خدمات، ضروری می‌باشد.

البته تعاونی‌ها با به‌کارگیری آموزش و رعایت ارزش‌های انسانی می‌توانند
خلأ عدم کیفیت در بخش‌های خدماتی را جبران نمایند.

فصل نوزدهم

تعاونی‌های مصرف

تعاونی‌های مصرف

شرکت‌های تعاونی مصرف، با خصوصیت حقیقی تعاون، در تعدیل و ارائه سطح واقعی قیمت‌ها، بهبود کیفیت کالا و مبارزه‌ای آرام و مستمر با گرانی‌فروشی، سابقه‌ای در حدود دویست سال داشته و این امر از زمانی آغاز می‌شود که با پیدایش اقتصاد بازار و وقوع انقلاب صنعتی و تحولات ناشی از آن، همچنین بروز تمایلات سودجویی بی‌رویه، زندگی اقتصادی و اجتماعی کارگران و طبقات متوسط جامعه دستخوش نابسامانی شده و گرانی و گرانی‌فروشی، کم‌فروشی و ارایه کالاهای نامرغوب، به‌صورت روش معمول مؤسسات تجاری درآمدی بود.

در شرایط کشور ایران، تعاون مسیری مناسب جهت توسعه اقتصادی محسوب شده و می‌تواند همگام با سیاست‌های دولت، در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و ارتقای سطح درآمد و وضعیت اجتماعی مردم مؤثر باشد و چنانچه به‌طور جدی مورد حمایت قرار گیرد بار هزینه‌های دولتی را کاهش داده و بتدریج زمینه ساز استقرار شرایطی می‌شود که در آن شرایط، طبقات مختلف مردم

در مسائل اقتصادی مربوط به خود تصمیم گیرنده بوده و متناسب با برنامه‌های عمومی دولت، امور اقتصادی مربوط را عهده‌دار گردند.

در یک اقتصاد متحول و در حال توسعه مانند کشور ایران که به دلایل عدیده، همواره احتمال افزایش قیمت‌ها وجود دارد و گاه غیرقابل اجتناب به نظر می‌رسد، توسعه شرکت‌های تعاونی مصرف یکی از منطقی‌ترین شیوه‌ها برای حفظ قدرت خرید و بهبود معیشت مردم می‌باشد. هر چند، برخورد جدی با عوامل گرانی و گرانیفروشی می‌تواند رافع بخش مهمی از مشکلات اقتصادی جامعه، بویژه افراد دارای درآمد محدود و حقوق نسبتاً ثابت بوده و علاوه بر آن، ثبات اقتصادی لازم را برای سرمایه‌گذاری و گسترش فعالیت‌های تولیدی فراهم آورد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تعاونی‌های مصرف با استقبال زیادی روبه‌رو شدند. شرکت‌های تعاونی مصرف با توجه به اینکه هدفی جز ارائه و تحویل کالاها با قیمت ارزانتر از بازار نداشته، توانستند با کمترین هزینه به‌عنوان نوعی شبکه مطمئن توزیع و بازوی اجرایی دولت در توزیع کالاهای اساسی و مورد نظر دولت، نقش مهمی را ایفا نمایند. این نقش بویژه در سال‌های جنگ تحمیلی بسیار بارز بود و هنوز خاطرات شیرینی از نقش مؤثر تعاونی‌ها در آن زمان در اذهان مردم باقی است.

یکی از نگرانی‌های مردم در سطح جامعه، کاهش قدرت خرید آنان و بروز تورم به اشکال مختلف است و دولت‌ها سعی می‌کنند برای جبران این کاهش قدرت خرید، همه ساله به حقوق کارکنان دولتی و حقوق کارگران (حداقل حقوق در نظر گرفته شده در قانون کار) درصدی اضافه کنند که خود این موضوع

یکی از دلایل تورم به حساب می‌آید زیرا به محض عملیاتی شدن چنین تصمیمی، قیمت‌های بازار اضافه شده و در نتیجه مشکل قدرت خرید مردم حل نمی‌شود. بر این اساس یکی از بهترین و منطقی‌ترین روش‌هایی که می‌تواند بدون اثرگذاری در افزایش تورم، قدرت خرید جامعه را افزایش دهد، تشکیل تعاونی‌های مصرف توسط خود کارکنان و حمایت دولت از آنها و مدیریت توانمند در اداره آن (اجناس مورد نیاز کارکنان و یا محلات به صورت مستقیم و بدون واسطه دلالان و بقیه مخارج واسطه‌ای به شکل ارزانتر به دستشان برسد) می‌باشد.

در حال حاضر ۶۴۰۰ تعاونی مصرف در قالب ۵۶ اتحادیه استانی و ۶ اتحادیه فرا استانی در سطح کشور در گرایش‌های مختلف کارمندی، کارگری، فرهنگی، محلی، نظامی و انتظامی، با سرمایه اعضا تشکیل شده و نسبت به تامین مایحتاج عمومی و کالاهای اساسی و ضروری اعضا با قیمت مناسب و پایین‌تر از نرخ کالاها در بازار آزاد اقدام می‌نمایند. ضمن اینکه سود حاصله از فروش نیز در پایان سال مالی بین اعضا توزیع می‌گردد.

وزارت تعاون با به‌کارگیری اهرم‌ها و راهکارهای اقتصادی، اقداماتی برای بهبود وضعیت تعاونی‌های مصرف صورت داده است که از جمله این اقدامات می‌توان به انجام اصلاحات ساختاری (شبکه توزیع، مدیریتی، افزایش سرمایه و توان)، سرمایه‌گذاری در فعالیتهای زیربنایی و تولیدی (نظیر انبارسازی، ایجاد سردخانه و مؤسسات تولیدی)، تقویت و گسترش فعالیتهای و کسب آموزش‌های لازم در امور بازرگانی و مالی، جذب نیروهای کارآمد و متخصص، بهره‌گیری از فناوری‌ها پیشرفته و استقرار تدریجی آنها در تعاونی‌ها اشاره نمود.

متأسفانه در سال‌های اخیر بخش قابل توجهی از تعاونی‌های مصرف که در ابتدا برای ارزانتر، کیفیت بهتر و قابل دسترسی برای اعضا مفید بوده‌اند. به‌رغم استفاده از بعضی از امکانات ادارات دولتی و مؤسسات، اصول تعاون را رعایت ننموده و برای خدمت به اعضا موفق نیستند. (البته مطابق برنامه‌ریزی نظارتی وزارت تعاون مقرر است هرچه سریع‌تر خودشان را با ارزش‌های تعاون تطبیق دهند) با این حال تعاونی‌های مصرف در صورتی که از قواعد تعاون پیروی کنند می‌توانند با به کار بستن یک سیاست معقول خرید و عرضه کالا، قیمت‌ها را به میزان قابل ملاحظه‌ای تقلیل داده و یا با حفظ سطح قیمت‌ها از طریق استرداد منافع به مصرف‌کنندگان و اعضای خود، مزایای قابل توجهی را نصیب آنان گردانند و با توسل به رقابت با سایر مؤسسات، منافع مصرف‌کنندگان را تامین ساخته و به طور طبیعی، قیمت‌ها را مهار نمایند.

تعاونی‌های مصرف واقعی می‌توانند ملاک صحیحی برای تعیین قیمت‌ها و نظارت بر آنها در اختیار دولت قرار دهند و راهنمای تعیین قیمت‌ها باشند و معیارهای معقول، دقیق و سنجیده‌ای را به دست دهند. علاوه‌برآن، فروش کالاهای معینی را به قیمت ارزانتر لازم تشخیص داده، تا به سرعت از سیر صعودی قیمت‌ها کاسته شود. براین اساس، شرکت‌های تعاونی مصرف، با توجه به دلایلی که بیان گردید و مصادیق تجربی پیش، به خوبی می‌توانند عامل توزیع و فروش عادلانه تصور شده و همکاری آنها با دولت با هدف مشترک در حفظ منافع عمومی، عملی مقدور خواهد بود.

فصل بیستم

تعاونی‌های اعتبار

تعاونی‌های اعتبار

در نظام‌های اقتصادی پویا، مؤسسات بانکی و نقش مؤثری در تامین نیازهای مالی فعالان اقتصادی ایفا می‌کنند و با توجه به پیشرفت‌های اقتصادی صورت پذیرفته، علاوه بر بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و مالی نیز روند رو به گسترشی دارند. با توجه به وضعیت گروه‌های مختلف جامعه، توسعه این مؤسسات توانسته بخشی از نیازهای مالی گروه‌های فعال اقتصادی یا نیازهای اعتباری مصرفی را تامین کند. در بسیاری از کشورها، یکی از فعال‌ترین گونه‌های مؤسسات مالی و اعتباری، تعاونی‌های اعتباری می‌باشند.

تعاونی اعتبار همچون دیگر تعاونی‌ها، براساس خواست و اراده اعضای آن ایجاد شده و توسعه یافته‌اند و عامل اصلی پیدایش تعاونی، برخلاف بانک‌ها، عضویت افراد و نه سرمایه است. این خصلت موجب می‌گردد تا تعاونی اعتبار با اتکا به منبع عظیم اندیشه و کار اعضای خود به بهترین نحو بتواند از منابع هر چند اندک مالی، حداکثر بهره‌برداری را بنماید.

تعاونی‌های اعتباری معمولاً حوزه فعالیت مشخص و محدودی دارند و در حقیقت وام‌دهنده و وام‌گیرنده به دنبال هدف واحدی بوده و نفع و ضرر وام‌دهنده و وام‌گیرنده یکی است. سرنوشت بنگاه‌های اقتصادی تعاونی، به دست اعضا و برای اعضا در جهت بهبود شرایط زیست آنها (بر پایه دموکراسی واقعی) شکل می‌گیرد. پس‌اندازهای اندک اعضا منبعی را تشکیل می‌دهد که در کنار قوه ابتکار و اندیشه و کار و تلاش اعضا به عنوان سرمایه ایجاد بنگاه‌های اقتصادی محلی، هویت می‌یابد.

تعاونی‌های اعتبار از لحاظ اهداف و مقررات حاکم بر آنها تفاوت چندانی با دیگر تعاونی‌ها ندارند و در بین گروه‌های شغلی (کارمندی، کارگری یک کارخانه) و گروه‌های محلی (مانند یک روستا، محله و گروه‌های اجتماعی) مانند دانشجویان یک دانشگاه) تشکیل می‌شود.

شرکت‌های تعاونی اعتبار دارای اهداف عدیده در سطوح مختلف هستند که از جمله آن می‌توان به جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک اعضا، سرمایه‌گذاری در امور اقتصادی، تامین بخشی از نیازهای مالی اعضا، تامین نیازهای مشترک در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، شناسایی منابع اعتباری و جذب و توزیع آن و سیاستگذاری در امور پس‌انداز اعضا به منظور ایجاد ارزش اشاره کرد.

عرصه کار تعاونی اعتبار از نظر جغرافیایی، موضوعی و یا میزان سرمایه، محدودتر از بانک‌ها است. این امر خود عاملی است تا تعاونی بدون نیاز به دستگاه وسیع اداری و با جلب حمایت گسترده و بموقع اعضا، به راحت‌ترین و کم‌هزینه‌ترین شکل ممکن وام مورد نیاز را در اختیار اعضای خود به صورت قرض‌الحسنه قرار دهد. تعاونی‌های اعتباری به‌طور خلاصه اهداف زیر را دنبال می‌کنند:

تامین بخشی از نیازهای ضروری مالی و اعتباری اعضا،

استفاده بهینه از پس‌اندازهای کوچک اعضا، شناسایی منابع اعتباری و جذب و توزیع اعتبارات لازم برای حل مشکلات مالی اعضا،

سیاستگذاری در امور مربوط به پس‌انداز اعضا، هدایت نقدینگی به سوی فعالیت‌های سالم اقتصادی، ترویج سنت نیکوی قرض‌الحسنه به شکل جمعی، سرمایه‌گذاری در امور اقتصادی و تولیدی به منظور ایجاد ارزش افزوده در پس‌اندازهای اعضا،

بر این اساس، تعاونی‌های اعتباری در طیفی از فعالیت‌های مرتبط با پس‌انداز، تجمیع سرمایه، هدایت سرمایه، ایجاد ارزش افزایی به سرمایه تجمیع شده و همانند آنها فعال هستند.

وضعیت تعاونی‌های اعتبار کشور از ابتدا تا اواخر سال ۱۳۸۶ بیانگر این است که در حدود ۱۵۵۰ واحد تعاونی اعتبار با سرمایه ثبتی بالغ بر ده‌ها میلیارد ریال به وجود آمده و اشتغالزایی این شرکت‌ها طی این مدت حدود ۶۰۰۰ نفر می‌باشد. از مجموع تعداد ۱۵۵۰ تعاونی صرفاً تعداد ۱۰۴ تعاونی به صورت آزاد تشکیل گردیده و مابقی که بخش عمده تعاونی‌های اعتبار را تشکیل می‌دهند (یعنی ۱۴۴۶ تعاونی) در گرایش‌های کارگری و کارمندی با هدف جمع‌آوری سپرده‌های اندک اعضا تشکیل شده و در جهت رفع نیازمندی‌های اعتباری آنان فعالیت می‌نمایند. تسهیلات در شرکت‌های مذکور به صورت قرض‌الحسنه و غالباً با کارمزد حداکثر ۴ درصد پرداخت می‌گردد.

تجربه برخی از کشورها نشان می‌دهد که تعاونی‌های اعتباری، لازمه و پیش‌زمینه ورود به اقتصاد تعاونی در سیاست دولت در بخش تعاون قلمداد می‌گردد. فرآیند توسعه و گسترش تعاونی‌های اعتبار، در زمینه‌های ایجاد اشتغال

هرچه بیشتر، انجام فعالیت‌ها و خدمات اقتصادی ارزان و با صرفه‌تر، رشد استعدادها و خلاقیت اعضا، توسعه روابط عادلانه در فعالیت‌های اقتصادی، توجه به رفع نیازهای واقعی محلی، ایجاد روحیه سازندگی و نه مصرف‌گرایی، ارتقای درآمد‌های فردی و گروهی و بالطبع، فراهم‌سازی شرایط زیست انسانی، چشم‌اندازی روشن و امیدوار کننده در پیش‌رو می‌گشاید. چشم‌اندازی که از بدو پیدایش «نهضت تعاونی» یعنی پایه‌ریزی روابط بهتر انسانی و آفرینش دنیای بهتر و انسانی‌تر با اتکا به همیاری و مساعدت مشترک عمومی به وجود آمد. اثر مثبت این روش در دنیا موجب شده که تعاونی‌های بزرگ کشورهای پیشرفته در غالب تعاونی‌های اعتبار شکل گرفته و نقش این تعاونی‌ها در تجمیع سرمایه‌های مردمی و به حرکت درآوردن آن در اقتصاد سالم و روند تولید، موجب این اثرگذاری‌هاست.

در شرایط کشور ایران باید توجه داشت که این تعاونی‌ها اولاً باید به منظور اصلی و ارزشی خود یعنی حمایت از اعضا پرداخته و مطابق تعالیم قرآنی، ارائه‌دهنده نوعی قرض‌الحسنه بین اعضا باشد. ثانیاً به هیچ وجه خلق پول نکنند و ارائه خدمات آنان منحصر به اعضای خود باشد. متأسفانه عده‌ای بدون توجه به این موضوع، از نیاز مردم و همچنین قواعد دست و پاگیر و بوروکراسی سنگین نظام بانکی سوءاستفاده کرده و با جمع کردن سرمایه‌های مردم و با محاسبات بهره‌ای مجهول، ارزشمندی و خدمات تعاونی‌های اعتبار را تخریب کرده و گرچه تعداد این به ظاهر تعاونی‌ها بسیار قلیل است اما می‌تواند اذهان مسئولان و مردم را نسبت به فرهنگ تعاون مسموم کند.^۱

^۱ - البته تعاونی‌های قرض‌الحسنه اعتباری و سایر تعاونی‌های اعتبار می‌توانند امکانات مالی و سرمایه‌ای خودشان را تجمیع نموده و با همکاری بانک مرکزی و رعایت ضوابط آن تبدیل به بانک تعاونی به شکل غیر دولتی شوند.

فصل بیست و یکم

تعاونی‌های دانش‌آموختگان

تعاونی‌های دانش‌آموختگان

در حال حاضر جوانان و نوجوانان، بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل داده و بی‌تردید تامین شرایط مناسب زندگی از جمله ادامه تحصیل و اشتغال به کار و کمک به آنها جهت تشکیل خانواده از مسؤلیتهایی است که جامعه در قبال جوانان بر عهده دارد.

توسل به راه‌حل تعاونی جهت اشتغال این گروه از این مزیت برخوردار است که خود جوانان به مشارکت در چاره‌جویی مشکلات فراخوانده شده و حمایت‌های بایسته دولت در چارچوب برنامه‌ریزی و مساعدت‌های اعتباری، تدابیر متخذه را تقویت می‌نماید. بررسی‌ها نشان می‌دهند که در برخی از کشورهای پیشرفته، نقطه آغازین ورود جوانان در بازار حرفه‌ای کسب‌وکار، نهادهای تعاونی جوانان بوده است که با هدف هدایت این گروه برای تشکیل تعاونی‌های مؤثر و موفق پایه‌گذاری شده است. بر این اساس، جوانان،

دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در گام نخست فعالیت حرفه‌ای خود را در قالب چنین تشکیلاتی آغاز کرده و بعد از مدتی با کسب توان حرفه‌ای لازم تصمیم به ماندگاری و توسعه و تقویت فعالیت خود در قالب تعاونی گرفته و یا با کسب توانمندی لازم، وارد بخش خصوصی می‌شوند.

در ایران، تعاونی‌های دانشجویی به عنوان شاخه‌ای از تعاونی‌های مصرف محسوب می‌شوند و به منظور تامین نیازهای مصرفی دانشجویان فعالیت‌های خود را در دانشگاه‌ها آغاز کرده‌اند. در سال‌های بعد و با توجه به نیازهای متعدد دانشجویان، تعاونی‌های دانشگاهی در سایر موضوعات نیز گسترش یافته و دانشجویان و دانشگاهیان در سایر فعالیت‌ها از جمله گرایش‌های مسکن، اعتبار، خدمات در زیر بخش‌های مختلف مانند آموزش، پژوهش، حمل و نقل، تولیدی در سطح محدود، بهداشتی درمانی، مشاوره و خدمات فنی و مهندسی وارد شدند. در حال حاضر تعداد این تعاونی‌ها بالغ بر ۱۵۰ تعاونی است که در موضوعات مختلفی از جمله کشاورزی، خدمات، آموزشی، خدمات بهداشتی، پشتیبانی، مصرف و... فعالیت می‌کنند و با اهدافی نظیر موارد ذیل تشکیل شده‌اند.

آشنایی دانشجویان با کار گروهی و ارائه نوعی الگوی تشریک مساعی و خودیاری برای آنان،

کمک به توان اقتصادی دانشجویان و توانمندسازی تدریجی آنان،

کمک به دانشگاه برای اداره بهتر امور جاری دانشگاه.

با توجه به نقش اشتغالزایی تعاونی‌ها بویژه برای دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی، هم‌اکنون نوع جدیدی از تعاونی دانشگاهی با عنوان تعاونی‌های دانش بنیان دانش‌آموختگان طراحی و در حال اجرا می‌باشد.

تعاونی‌های دانش‌بنیان به تعاونی‌هایی اطلاق می‌شود که به منظور متشکل کردن گروه‌های دانشجویی با هدف توانمندسازی، کارآفرینی و اشتغالزایی دانشجویان در دانشگاه شکل می‌گیرند و فعالیت آنها بعد از فارغ‌التحصیل شدن اعضا نیز تداوم می‌یابد.

در واقع الهام از ایده تعاونی و ضرورت به‌کارگیری روش‌هایی که قادر بوده جوانان را در راستای کسب شغل مورد علاقه (براساس تخصص و حرفه‌شان) توانمند نماید، موجب شد تا در دانشگاه‌ها طرح مراکز توسعه تعاون و کارآفرینی که وزارت تعاون از سال ۱۳۸۶، به‌عنوان یک مدل علمی کارساز برای تشویق جوانان جهت حضور در اقتصاد و حرفه‌آموزی در نظر گرفته و طراحی کرده بود، مورد استقبال قرار گیرد. تا کنون تعداد زیادی از دانشگاه‌ها با توافقی که بین وزارت تعاون و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری صورت گرفته، اقدام به اجرای این ایده کرده‌اند. راه‌اندازی این گونه تعاونی‌ها در دانشگاه‌ها فواید بسیاری دارد که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

توسعه فرهنگ تعاون در بین قشر دانشگاهی بویژه دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها،

شناسایی علائق و تمایلات واقعی دانشجویان در زمینه کار و راهنمایی ایشان برای اشتغال در شغل مورد نظر در قالب تعاونی از بدو ورود به مراکز دانشگاهی، آموزش عملی و کارآموزی دانشجویان در زمینه‌های مرتبط با رشته‌های تخصصی آنها،

کاربردی کردن تحصیلات دانشگاهی دانشجویان و هدفمند ساختن تحصیل در دانشگاه‌ها،

سازماندهی گروه‌های همسان (از نظر گرایش‌های علمی و فنی و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مشترک و...) در قالب واحدهای کسب‌وکار تعاونی و تدارک فرصت مشارکت و اثربخش بودن در فعالیت‌های اقتصادی و بالابردن توان اقتصادی دانشجویان.

برای عضویت در این تعاونی‌ها دانشجویان می‌توانند در بدو ورود خود به دانشگاه، در واحد توسعه کارآفرینی و تعاون دانشگاه ثبت نام کرده و این واحد ترتیبی اتخاذ می‌کند تا افراد، ضمن تمرین فعالیت‌های گروهی به تدریج در گرایش‌های فراگیر و کلی شغلی مسلط شده و سپس گرایش خاص شغلی خود را انتخاب نو در آن کارآموزی کنند.

واحد دانشگاهی به این شکل، به تدریج افراد را در قالب تعاونی‌های تخصصی سازماندهی کرده و تمهیدات لازم را برای فعالیت اقتصادی ایشان فراهم می‌آورد. از جمله این اقدامات، هدایت این گروه به طراحی یک طرح توجیهی از نظر اقتصادی، مالی و فنی است. پس از طی مدتی، اعضای تعاونی‌ها پس‌انداز مناسبی در واحد داشته، کارگروهی را تمرین می‌کنند، طرح کسب‌وکار قابل دفاعی ارائه کرده و کارآموزی لازم را نیز در ارتباط با آن انجام می‌دهند. بنابراین می‌توانند به شکل تعاونی‌های موفق فعالیت نمایند. تعاونی‌های شکل گرفته برای نهادینه کردن این فرآیند، متعهد به فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای کارآموزی سایر افرادی که واحد معرفی می‌کند، می‌باشند.

فصل بیست و دوم

تعاونی‌های مرزنشینان

تعاونی‌های مرزنشینان

از دیرباز بنا به ضرورت‌های خاص اقلیمی و موقعیت جغرافیایی، مناطق مرزی کشور از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مورد توجهات خاص بوده‌اند و توسعه اقتصادی این مناطق در کانون برنامه‌های دولت قرار داشته است و همواره دولت‌ها مبادرت به تصویب ضوابطی از جمله قانون و آیین‌نامه‌های مبادلات مرزی به منظور تحقق اهداف ذیل کرده‌اند:

سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی،

کمک به صادرات غیرنفتی،

فراهم آوردن زمینه اشتغال،

پیش‌گیری از مهاجرت نیروی انسانی و تخلیه مناطق مرزی،

کاهش قاچاق کالا،

افزایش قدرت خرید خانوار مرزنشینان.

به دلیل الزاماتی نظیر فعالیت هماهنگ و گروهی، فعالیت در راستای تامین

متقابل منابع دولت و مردم مرزنشین، ممانعت از تکروری‌های نفع پرستانه و موردی برخی از افراد و دلایلی اینچنین، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های ساماندهی امور اقتصادی و اجتماعی مرزنشینان؛ بهره‌گیری از الگوی تعاونی است. هدف نهایی تاسیس تعاونی، تجمع منابع و سرمایه‌ای به منظور انجام کسب‌وکار، ارائه خدمات گوناگون، آموزش و تامین دیگر نیازهای فردی و اجتماعی توسط و با نظارت کلیه کسانی است که از این خدمات بهره‌مند می‌شوند.

از طرف دیگر در یک نظام مبتنی بر عدالت اجتماعی، هدف برنامه‌های دولتی، صرفاً رشد اقتصادی نبوده بلکه توزیع عادلانه ثروت و فراهم آوردن موجبات اشتغال مفید برای همه افراد قادر به کار است و بدین لحاظ، رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی به‌طور توأم، در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. برای دستیابی به این مقصود، سعی بر آن است تا امور مرتبط با مردم، تا حد امکان توسط خود آنان انجام شود و از آنجا که هدف غایی برنامه‌های توسعه، بهبود وضع زندگی آحاد جامعه است، مشارکت آنها در تحقق این آرمان، راهی سهل‌تر و مبتنی بر نیازهای واقعی و برگرفته از مساعی ذینفعان نهایی هر برنامه خواهد بود. شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی مرزنشینان که طبق قوانین و مقررات مربوط تشکیل می‌شوند. یکی از بهترین جلوه‌های سازمان یافته مشارکت هموطنان ساکن در مناطق مرزی کشور در امور اجتماعی و اقتصادی می‌باشند که در صورت آموزش، نظارت و برخورداری از حمایت‌های مالی و اعتباری لازم می‌توانند ضمن پاسداری از حریم ملی، مجری صادقی جهت محقق سازی بخشی از وظایف و تکالیف دولت در مناطق مرزی شوند و به اتکای اطمینان بیشتر مردم و همچنین نظارت مستمر سازمان‌های اداری ذیربط، از توسعه بی‌رویه

دیوان‌سالاری جلوگیری به عمل آورده و از بار هزینه‌های دولت بکاهند. در حال حاضر تعداد ۴۸۱ شرکت تعاونی مرزنشین با عضویت بیش از دو میلیون و سیصد هزار نفر در ۱۷ استان مرزی فعالیت می‌نمایند. این تعاونی‌ها در ۱۱ اتحادیه تعاونی استانی و یک اتحادیه سراسری، با عضویت اهالی ساکن در مناطق مرزی و بر اساس قانون بخش تعاونی تشکیل شده‌اند.

ضمن استقرار در نقاط مرزی، با کشورهای همجوار تجارت می‌کنند و نسبت به صادرات و یا واردات کالا در چارچوب قوانین خاص فعالیت می‌نمایند ضمن اینکه برخی از این شرکت‌ها در زمینه‌های تولیدی و خدماتی در جهت منافع اعضای خود نیز سرمایه‌گذاری و فعالیت دارند.

به‌رغم توانمندی‌های بالقوه‌ای که در مناطق مرزی وجود دارد، علاوه‌بر اقدامات صورت پذیرفته توسط دولت، موانع و مشکلاتی نیز در سر راه این شرکت‌ها وجود دارد که اهم آنها عبارتند از:

- کمبود منابع مالی،
 - پرداخت مالیات و سود بازرگانی توسط شرکت‌های تعاونی مرزنشین که باعث افزایش قیمت تمام شده کالا می‌گردد،
 - ثابت بودن سقف سهمیه ارزی به‌رغم رشد و افزایش جمعیت ساکن در مناطق مرزی،
 - عدم تناسب فهرست اقلام کالاهای وارداتی با نیاز مناطق مرزی.
- بی‌شک دستیابی به اهداف متعالی شرکت‌های تعاونی مرزنشینان الزاماتی را طلب می‌کند که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد:
- افزایش سهمیه ارزی،

- تخفیف یا معافیت اخذ حقوق دولتی و سود بازرگانی و هرگونه عوارض و مابه‌التفاوت از ورود کالاهای وارداتی که با هدف مصرف مرزنشینان تامین می‌گردد،
 - بازرنگری و اصلاح لیست اقلام و کالاهای مجاز وارداتی متناسب با نیاز مرزنشینان در استان‌های مختلف کشور،
 - تامین منابع مالی موردنیاز برای تسهیل فعالیت‌های تعاونی‌های مرزنشین،
 - برقراری تسهیلات مناسب جهت تسهیل سرمایه‌گذاری شرکت‌های تعاونی مرزنشین در مناطق مرزی،
 - ممانعت از فعالیت‌های غیررسمی و قاچاق کالا که خود به‌عنوان محل فعالیت شرکت‌های تعاونی مرزنشین تلقی می‌گردد،
 - هماهنگی و جلب حمایت سایر دستگاه‌های مرتبط با فعالیت مرزنشینان.
- ترویج منطقی این تعاونی‌ها چنانچه با حمایت عملی از ساکنان مرزهای کشور همراه باشد، ضمن تامین نیازهای آنان و ایجاد اشتغال، مانع مهاجرت گروه‌های محروم و یا انحراف احتمالی و حرکت آنها در فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی خواهد بود. که البته روند فعالیت قانونی آنها نیز به‌دلیل تأثیرگذاری اقتصادی آن می‌بایست مورد نظارت مستمر قرار گیرد، تا خود عاملی جهت رواج فرهنگ قاچاق کالا در مرزها نشود. اعضا هم، خود نظارت و فعالیت لازم را داشته باشند تا عده‌ای با استفاده از نام تعاونی خلاف قاعده عمل نکنند.

فصل بیست و سوم

تعاونی‌های مسکن

تعاونی‌های مسکن

بر اساس اصل ۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی بوده و دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند (به خصوص روستائینان و کارگران) زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

داشتن مسکن متناسب با نیاز از ضروری‌ترین نیازهای نوع بشر است که بسیاری از نیازمندی‌ها، هویت‌ها و حرمت‌ها در درون آن معنا و مفهوم می‌یابد. بر این اساس، تامین مسکن امن و سالم و در استطاعت خانوار، برای همه و ارتقای کمی و کیفی تولید و عرضه مسکن و تعادل بخشی به بازار مسکن به همراه بهبود مدیریت بخش مسکن، ایجاد هماهنگی بین برنامه‌های مسکن، توسعه شهری و روستایی و سیاست‌های آمایشی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در برخورداری از مسکن مناسب ضمن حفظ فرهنگ و هویت اسلامی و ملی از اهداف راهبردی دولت نهم در بخش مسکن به‌شمار می‌رود. ضمن اینکه بهسازی، نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده شهری و روستایی و نیز

ساماندهی حاشیه نشینی‌های موجود و جلوگیری از گسترش آن نیز ضرورتی انکارناپذیر است که توجه بیش از پیش همه مسئولان ذیربط را می‌طلبد. تعاون در شکل نوین آن، زمینه بسیار مناسبی از لحاظ قانونی، علمی و مدیریتی به وجود آورده که می‌تواند به نحو بسیار مؤثری در رفع نیازهای اساسی جامعه بویژه در بخش مسکن به کار گرفته شود. کمااینکه تاکنون نیز اقدامات قابل توجهی در رفع نیاز به مسکن شهروندان بویژه قشر کارگر و کارمند صورت پذیرفته است.

تعاونی‌های مسکن یکی از بهترین زمینه‌ها برای تشکیل تعاونی و رفع نیازهای اعضا بویژه اقشار کم درآمد و آسیب‌پذیر می‌باشد. چرا که در این تعاونی‌ها اصل بر تحصیل حداکثر سود نبوده، بلکه صرف رفع نیاز اعضا به عنوان محور فعالیت مطرح است.

متأسفانه در بعضی از مواقع به دلایل مختلف سرمایه‌گذاری و فعالیت در بازار مسکن به شکلی نامتعارف و تصنعی از پرسودترین زمینه‌های شغلی به حساب آمده و بسیاری از صاحبان سرمایه و حتی کارآفرینان به جای ورود به مشاغل مولد صنعتی و کشاورزی و حتی خدماتی به این بخش روی آورده و مشکلات اساسی و گرانی‌های کاذب این بخش را رقم می‌زنند. این در حالی است که مشتری عمده تولیدات در این زمینه اقشار ضعیف کارگر، کارمند و زوج‌های جوان می‌باشند. بر اساس آمارهای موجود، از کل نیازمندان به مسکن ملکی ۵۰

درصد مربوط به دهک‌های اول تا چهارم، ۳۵ درصد در دهک‌های ۵ تا ۷ و تنها ۱۵ درصد مربوط به دهک‌های ۸ تا ۱۰ می‌باشند.

اعتقاد بر این است که بخش تعاون با تکیه بر اصول شناخته شده و تجارب موفق پیشین خود قادر است نه به‌عنوان یک راهکار و انتخاب، بلکه به‌عنوان نوعی ضرورت و الزام در رفع مشکل نیازمندان به مسکن مورد توجه قرار گیرد. ساماندهی مسکن در قالب تعاونی‌های مسکن می‌تواند ضمن رفع مشکل مسکن شهروندان و ایجاد زمینه وسیع اشتغال در این بخش و بیش از ۷۰ صنعت وابسته؛ افزایش ثروت ملی و دست‌یابی به عدالت اجتماعی را توأمان محقق سازد.

در باب اهمیت و جایگاه تعاونی‌های مسکن کفایت اشاره نمود که به‌دلیل ارزش افزوده حاصل از کار جمعی و سرمایه‌گذاری در بخش مسکن، گاهی میزان چنین ارزش افزوده‌ای، برابر جمع کل دریافتی یک تعاونگر در کل چندین ساله خدمت او خواهد شد. و این یعنی اینکه تعاونگران ضمن اینکه زندگی عادی خود را سامان داده‌اند با جلوگیری از اجحاف بر خود و عدم پرداخت سودهای بادآورده به واسطه‌ها و سودجویان، صاحب مسکن شده و از مزایای ارزش افزوده آن نیز بهره‌مند می‌گردند.

تعاونی‌های مسکن سابقه زیادی در کشور ایران دارند به‌طوری که قبل از انقلاب اسلامی حدود ۶۷۶ واحد تعاونی مسکن ایجاد شده بود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چنین تعاونی‌هایی در سازمان‌ها و شرکت‌های گوناگون دولتی و خصوصی گسترش یافت و گام‌های مؤثری در این زمینه برداشته شد. لکن روند رو به رشد جمعیت، افزایش جمعیت شهری، گرانی قیمت زمین، محدودیت دسترسی و دست‌یابی مشکل به آن، افزایش نرخ تورم و سایر هزینه‌ها موجب گردید که اقدامات انجام شده نتواند پاسخگوی تعداد کثیری از متقاضیان مسکن باشد.

طبق آمار وزارت تعاون، از ابتدای تاسیس اولین تعاونی مسکن در کشور تا سال ۱۳۸۵، حدود ۱۳۰۰۰ واحد تعاونی مسکن تشکیل شده است. در سال ۱۳۸۶ براساس رویکرد دولت نهم به حمایت از افرادی که صاحب مسکن ملکی نبوده و اقشار کم درآمد جامعه محسوب می‌شوند، بر اساس بند «د» تبصره شش قانون بودجه، به منظور ساخت یک میلیون و پانصد هزار واحد مسکونی در زمین‌های اجاره ۹۹ ساله، حدود ۱۰ هزار تعاونی مسکن مهر توسط وزارت تعاون ثبت و تشکیل شد که اقدام مهمی در رفع نیاز شهروندان به مسکن تلقی شده و در نوع خود در جهان بی‌نظیر است.

بر این اساس، ارزیابی به عمل آمده نشان می‌دهد که تعاونی‌های مسکن مهر می‌توانند محملی اثرگذار در جذب تسهیلات خرید مسکن کوچک، احداث و عرضه مسکن اجاره‌ای و مسکن کوچک و واگذاری حق بهره‌برداری از زمین و تامین مسکن اقشار کم درآمد باشند. لذا وزارت تعاون مصمم است با تکیه بر پشتوانه‌های قانونی خود و رهنمودها و حمایت‌های مقام معظم رهبری از بخش تعاون و استفاده از رویکرد دولت نهم و نیز بهره‌گیری از توانمندی منحصر به فرد شبکه ملی تعاون و اعضای بالفعل و بالقوه خانواده بزرگ تعاون با برنامه‌ای جامع، رسالت و مأموریت خود را در این برهه حساس و در این زمینه اساسی را به شایستگی ایفا نماید.

باید در نظر داشت که تعاونی‌های مسکن به منظور رفع نیاز مسکن اعضا تشکیل می‌شوند. در این بین، تعاونی‌ها درصدد رفع نیاز مسکن هستند و اعضا برای مصرف خودشان فعالیت می‌کنند تا مجبور به خرید مسکن مورد نیاز با قیمت گزاف نگردند.

اما نوع دیگری از تعاونی مسکن وجود دارد که افراد به منظور تامین شغل و کسب درآمد تشکیل می‌دهند و به نوعی می‌تواند در تولید اشتغال، مؤثر باشد. متأسفانه با وجود تأثیر بسیار زیاد این تعاونی‌ها در تامین نیاز اعضا و تولید شغل، آسیب‌شناسی صورت پذیرفته از این تشکلهای نشان می‌دهد که در سنوات گذشته، به دلیل سودآوری سرمایه‌گذاری در بخش مسکن، عده‌ای با استفاده از خوش نامی و اطمینان مردم به تعاون و یا تلقی نادرستی که بعضی از مردم از شرکت‌های تعاونی دارند (که تعاونی‌ها مؤسسات دولتی هستند)، اقدام به سوءاستفاده نموده و با جمع‌آوری پول‌های مردم تحت عنوان تعاونی مسکن، مشکلاتی را برای آنان ایجاد کرده‌اند حتی عده‌ای از افراد متخصص در رشته‌های غیرمهندسی از فضای سودآور این بخش استفاده کرده و به نام تعاونی، نقدینگی هم صنفان خود را جمع کرده‌اند اما قواعد تعاونی را مراعات نکرده و از کمبود نظارت موجود سوءاستفاده کرده‌اند و در نتیجه موجب اختلاف مالی زیادی بین اعضا شده‌اند.

از طرفی دیگر، عده‌ای با جمع‌آوری پول اعضا تحت همین عنوان، مبادرت به خرید زمین‌هایی کرده‌اند که کاربری مسکونی نداشته‌اند و در برخی موارد نیز دیده شده که در یک مجموعه، عده‌ای توان لازم جهت پرداخت حق عضویت را نداشته و در نتیجه کار ساخت را با مشکل مواجه کرده‌اند. با تمامی این مشکلات، بررسی وضعیت تعاونی‌های مسکن مؤید آن است که تنها پنج تا

هشت درصد تعاونی‌های مسکن مشکل‌دار و بحرانی بوده و اکثریت آنان مفید و کارسازند.

بررسی‌های به‌عمل آمده نشان می‌دهند که بالغ بر نود درصد تعاونی‌های مسکن برای اعضای خود مفید واقع شده و یا موجب شده‌اند اعضا بتوانند با هزینه کمتر، صاحب مسکن ملکی شوند. با وجود این، همان تعداد اندک از تعاونی‌های مشکل‌دار، به‌دلیل اینکه اعضای آن به مراجع متعدد مراجعه می‌کنند، اذهان جامعه را مشوش خواهند ساخت. وزارت تعاون برای مقابله با این مشکل، طرح جامع نظارتی را در دست تهیه دارد که از جمله اهداف آن افزایش میزان و حوزه‌های نظارتی جهت کاهش میزان تخلفات است.

فصل بیست و چهارم

تعاونی‌های صنعتی

تعاونی‌های صنعتی

بخش صنعت از جمله بخش‌های اقتصادی کشور است که طی دهه‌های اخیر سهم آن در تولید ناخالص داخلی روند صعودی داشته است به طوری که در شرایط کنونی، سهم بخش صنعت از کل ارزش افزوده اقتصاد، حدود ۲۰ درصد است.

از طرف دیگر، در بخش اهداف کمی استراتژی توسعه صنعتی در افق زمانی ایران ۱۴۰۴، دستیابی به سهم ارزش افزوده به تولید ناخالص داخلی ۲۵ درصد، دستیابی به سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی ۲۴ درصد، دستیابی به سهم صادرات صنعتی معدنی به صادرات کل کشور ۷۷ درصد، دستیابی به سهم صادرات کالاهای با فناوری پیشرفته به صادرات غیر نفتی ۲۰ درصد، و دستیابی به سهم اشتغال بخش به اشتغال کل، ۲۵ درصد پیش‌بینی شده است. با نگاهی گذرا به فعالیت‌های اقتصادی بخش تعاون کشور می‌توان دریافت که اقتصاد تعاونی به‌عنوان یک اصل اقتصادی در بین مردم از موقعیت خوبی

برخوردار بوده و فعالیت‌های اقتصادی متنوعی نظیر فعالیت در امر تولید محصولات صنعتی، معدنی، صنایع تبدیلی و غیره را تحت پوشش دارد. بدین ترتیب در خصوص نقش و اهمیت صنایع در رشد اقتصاد ملی و ایجاد اشتغال، نباید جایگاه بخش تعاون و تعاونی‌های صنعتی را نادیده گرفت.

بر اساس آمار وزارت تعاون، در حال حاضر بالغ بر ۱۷۰۰۰ شرکت تعاونی تولیدی صنعتی در کشور به ثبت رسیده است که با حدود ۲۰۳ هزار نفر عضو و ۲۶۵ هزار نفر شاغل، حدود ۳۶ درصد تعاونی‌های تولیدی کشور را تشکیل می‌دهند. شرکت‌های تعاونی صنعتی به ۶ گروه صنایع نساجی و پوشاک، صنایع سلولزی و چاپ، صنایع شیمیایی، صنایع غذایی، صنایع فلزی، برق الکترونیک و صنایع کانی‌های غیرفلزی تقسیم می‌شوند. از طرف دیگر در مقایسه بین واحدهای صنعتی کل کشور با تعاونی‌های صنعتی، می‌توان ملاحظه کرد که تعاونی‌های صنعتی در مجموع ۹ درصد واحدهای صنعتی کشور را در برمی‌گیرند.

حدود ۹۰ درصد از واحدهای تعاونی صنعتی در گروه صنایع متوسط بوده و دارای تعداد شاغلان بین ۶ تا ۴۹ نفر می‌باشند. این گروه با دارا بودن ۷ درصد کل صنایع کشور، ۱۶ درصد ارزش تولیدات صنعتی را در اختیار دارند. همچنین ۳۵ اتحادیه تعاونی صنعتی در سراسر کشور تشکیل شده‌اند و به خدمات‌رسانی به تعاونی‌های عضو مشغول می‌باشند. با توجه به اهمیت تعاونی‌های صنعتی در اقتصاد تعاون کشور و به منظور توسعه آنها می‌بایست به شناسایی مشکلات این گروه و برنامه‌ریزی جهت رفع آنها اقدام گردد. بر اساس بررسی‌های کارشناسی به‌عمل آمده، عمده مشکلات تعاونی‌های تولیدی صنعتی کشور شامل موارد ذیل

می‌گردد:

- ضعف بنیه مالی، کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش،
 - افزایش هزینه‌های تمام شده تولیدات تعاونی‌ها در قیاس با هزینه‌های تمام شده بازار جهانی،
 - بی‌توجهی به فرهنگ بهره‌وری و استفاده بهینه از منابع مادی، سرمایه و نیروی انسانی موجود،
 - اجرا نشدن سیستم‌های علمی از قبیل استفاده از ابزارهای کنترل کیفیت، کنترل تولید، تعمیرات و نگهداری، کنترل پروژه و ... در مدیریت تعاونی‌ها.
 - فقدان نام و نشان (Brand) تجاری جهت تولید و صدور محصولات،
 - استفاده ناکامل از ظرفیت تولید با توجه به سرمایه‌گذاری‌های انجام شده،
 - عرضه نامناسب محصول و نداشتن بسته‌بندی مناسب جهت جذب و جلب نظر مشتریان،
 - ضعف مدیریت و توانایی‌های تجاری، بازاریابی، تبلیغات و فروش،
 - نامناسب بودن ساختارهای مالی از قبیل انباشت زیان سنواتی، بدهی‌های بانکی و...
 - نبود شبکه‌ها و تعاونی‌های قدرتمند بازاریابی برای شناسایی بازارها و تسهیل صدور محصولات تعاونی‌ها،
 - نداشتن آزمایشگاه‌ها و مراکز تست و کنترل کارآمد در تعاونی‌ها جهت کنترل مستمر قطعات و تولیدات، مطابق خواست مشتری و یا بی‌توجهی به خواست مشتری.
- برای رفع این مشکلات، اجرای برنامه‌های اثربخش در زمینه توسعه

سرمایه‌گذاری، افزایش بهره‌وری، ارتقای کیفیت محصول و مدیریت، رقابت‌پذیری و توسعه صادرات، در تسهیل دستیابی به اهداف توسعه تعاونی‌های تولیدی صنعتی ضروری می‌نماید. همچنین می‌بایست تمهیداتی نظیر موارد ذیل جهت توسعه آن اندیشیده شود:

زمینه‌سازی برای توسعه فعالیت تعاونی‌ها و اتحادیه‌های موجود در داخل و خارج از کشور،

تدوین برنامه و پیگیری تخصیص حداقل ۲۵ درصد از ظرفیت شهرک‌های جدید صنعتی ایجاد شده به بخش تعاون با رویکرد ایجاد شکل‌های تعاونی همگن، مکمل و خوشه‌ای در آنها،

کمک به تدوین استقرار چرخه بهره‌وری در تعاونی‌ها، استقرار مدیریت کیفیت، اخذ استانداردهای بین‌المللی،

گسترش حوزه‌های جدید تعاونی و ورود به عرصه تولید محصولات پایین دستی پتروشیمی، نیروگاه، سیمان، سیلو، صنایع نوین و...

آماده‌سازی شرکت‌های تعاونی جهت مواجهه با قواعد سازمان تجارت جهانی و همسویی با آن،

جهت‌دار کردن سیاست‌های حمایتی، تعرفه‌ای و تشویقی برای توسعه صادرات و برقراری جوایز و مشوق‌های صادراتی برای تعاونی‌ها.

فصل بیست و پنجم

تعاونی‌های حمل و نقل

تعاونی‌های حمل‌ونقل

حمل‌ونقل از دیرباز در اقتصاد جهانی نقش اساسی در جابه‌جایی کالاها و خدمات داشته و امروزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رشد کمی و کیفی اقتصاد رشد این صنعت، همواره مورد توجه برنامه‌ریزان بوده است. بخش حمل‌ونقل از جمله بخش‌هایی است که هر سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی در آن فعالیت گسترده‌ای دارند.

در شرایط حاضر از حمل‌ونقل نه به‌عنوان یک واسطه برای تبادلات تجاری بلکه به‌عنوان سنگ بنای جهش‌های اقتصادی و دروازه ارتباطات تجاری - فرهنگی در میان ملل مختلف یاد می‌کنند. حمل‌ونقل پلی است برای متصل کردن دیروز به فردا در امروزی که مرزهای جغرافیایی رنگ باخته و محدوده‌های تکنولوژیکی در قالب معاهده‌های بین‌المللی همچون WTO شکل گرفته‌اند. در زمانه‌ای که ثروت ممالک در میزان بهره‌برداری از موقعیت‌های اقتصادی در دیگر سرزمین‌ها سنجیده می‌شود، حمل‌ونقل تنها یک وسیله محسوب

نگرديده بلکه نوعی راهکار برای تبادل مناسبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. سیستم‌های حمل‌ونقل کارآمد زمینه‌یاب جذب سرمایه‌گذاری‌های مولد، تکنولوژی‌های پیشرفته، جلب مشتریان صنعت پر منفعت گردشگری و نهایتاً تبدیل کشور به یک قدرت و شاهره اقتصادی در منطقه می‌باشند.

تعاونی‌های حمل‌ونقل کشور از سابقه زیادی برخوردارند. اولین شرکت‌های تعاونی حمل‌ونقل کشور در سال ۱۳۴۲ تاسیس شد و بتدریج در کلیه نقاط مختلف کشور گسترش یافت. شرکت‌های تعاونی حمل‌ونقل از نظر تقسیم بندی فعالیت‌های اقتصادی با قرارگیری در بخش خدمات، شامل شرکت‌های تعاونی مسافری و دارندگان کامیون، مینی بوس، اتوبوس، سواری، کرایه، تاکسی و همچنین شرکت‌های حمل‌ونقل هوایی، دریایی و ریلی می‌باشند.

حمل‌ونقل مسافر از طریق جاده در ایران از اهمیت بیشتری نسبت به سایر سیستم‌های حمل‌ونقل برخوردار است. تعاونی‌های حمل‌ونقل مسافری کشور سهمی معادل ۸۰ درصد از کل مسافرین جابه‌جا شده در کشور را برعهده دارند و این میزان در تعاونی‌های حمل‌ونقل بار کشور معادل ۲۶ درصد از کل بار جابه‌جا شده در کل کشور است که حاکی از وجود توانمندی‌های بالای بخش تعاون از لحاظ ناوگان حمل‌ونقل مسافری می‌باشد. از دیگر نکات مهم قابل ذکر در این بخش این است که شرکت‌های تعاونی حمل‌ونقل از نظر کمیت نسبت به کل تعداد شرکت‌های تعاونی محدود هستند، به طوری که نزدیک به ۳ درصد از کل تعداد شرکت‌های تعاونی کشور را تشکیل می‌دهند. به نظر می‌رسد که با توجه به عملکرد بالای بخش حمل‌ونقل در اشتغالزایی، تولید، توسعه و گسترش شرکت‌های تعاونی در بخش حمل‌ونقل (با در نظر گرفتن ظرفیت ناوگان‌های این

شرکت‌ها) یکی از ضرورت‌های بخش تعاون می‌باشد. شرکت‌های تعاونی حمل‌ونقل حدود ۱۹ درصد سهم از کل اشتغال بخش تعاون را تشکیل می‌دهند. به‌رغم این، یکی از مشکلات بخش تعاونی‌های حمل‌ونقل در مقایسه با سایر گرایش‌های تعاونی، پایین بودن سرمایه این شرکت‌هاست به‌طوری‌که نسبت نرخ شاخص سرمایه به اعضا برای شرکت‌های تعاونی حمل‌ونقل به‌طور متوسط حدود یک پانزدهم تعاونی‌های صنعتی، معدن و کشاورزی است که با توجه به سطح بالای اشتغالزایی این گرایش و ظرفیت بالای آن، تقویت این شرکت‌ها با استفاده از مکانیزم‌های مختلف ضروری است.

از دیگر مزایای تعاونی‌های حمل‌ونقل اعم از کشتیرانی، اتوبوسرانی و تاکسیرانی و سایر تعاونی‌های حمل‌ونقل این است که این تعاونی‌ها جزء زود بازده‌ترین شرکت‌های تعاونی محسوب می‌شوند که علاوه بر ارائه خدمات تخصصی، اشتغال مستقیم نیز ایجاد می‌کنند.

تا پایان شش ماه اول سال ۱۳۸۶، ۲۷۳۰ شرکت‌های تعاونی حمل‌ونقل با اشتغالزایی ۲۹۵ هزار نفر (و میانگین ۱۰۸ نفر شاغل به ازای هر تعاونی) و با عضویت ۲۴۶ هزار نفر تشکیل شده است و قابلیت جابه‌جایی ۷۰ میلیون تن بار و ۱۷۰ میلیون نفر مسافر در سال از مجموع ۲۷۴ میلیون تن با (با بارنامه) و ۲۲۴ میلیون مسافر در کشور را داراست. همچنین از میان ۱۷ شرکت فعال و برتر در امر جابه‌جایی کالا، ۹ شرکت تعاونی، ۶ شرکت خصوصی و ۲ شرکت دولتی بوده‌اند. به عبارتی ۵۳ درصد شرکت‌های فعال و برتر تعاونی، ۳۵ درصد

خصوصی و ۱۲ درصد دولتی بوده‌اند که به خوبی گویای نقش تعاونی‌های حمل‌ونقل در این صنعت بزرگ می‌باشد.

به موازات افزایش تقاضا برای خدمات حمل‌ونقل بویژه در سال‌های پیش رو تا افق ۱۴۰۴ و در عصر پرشتاب جهانی شدن، نقش تعاونی‌های حمل‌ونقل نیز پررنگ‌تر شده و با توجه به هم‌افزایی قابلیت‌ها و توانمندی‌ها به‌عنوان گزینه برتر در ساماندهی اقتصاد حمل‌ونقل کشور به ایفای نقش می‌پردازد.

از این رو بخش حمل‌ونقل در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری) جایگاه ویژه‌ای یافته است و بر ایجاد نظام جامع حمل‌ونقل و تنظیم سهم هر یک از زیربخش‌های آن با اولویت دادن به حمل‌ونقل ریلی، افزایش بهره‌وری تا رسیدن به سطح عالی از طریق پیشرفت و بهبود روش‌های حمل و نقل، مدیریت منابع انسانی و اطلاعات، توسعه و اصلاح شبکه حمل‌ونقل با توجه به نگرش شبکه‌ای به توسعه محورها و تقاضا تأکید شده است.

واضح است که در چارچوب توجه به بخش تعاون در سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ و ضرورت دستیابی به سهم ۲۵ درصدی از اقتصاد ملی، تعاونی‌های حمل‌ونقل نیز می‌بایست از رشد کمی و کیفی قابل توجهی برخوردار شده و البته در این خصوص می‌بایست مورد توجه ویژه قرار گیرند و با انجام مطالعات جامع نسبت به شناسایی مشکلات و تنگناها، فرصت‌ها و تهدیدها و نقاط قوت و ضعف به تفکیک انواع تعاونی‌های حمل‌ونقل (نظیر تعاونی‌های اتوبوس‌داران؛ مینی بوس‌داران؛ کامیون‌داران؛ تاکسیداران؛ وانت‌بار و تعاونی‌های اتومبیل‌کرایه) و تدوین راهبردهای اساسی اقدام گردد، به نحوی که نتایج آن در قالب

راهکارهای اجرایی بتواند منجر به بهبود توان رقابتی تعاونی‌های حمل‌ونقل و رشد آنها، افزایش توان حاکمیتی وزارت تعاون در مدیریت و نظارت عالیه بر تعاونی‌ها، تامین منابع مالی، اقتصادی شدن تعاونی‌های حمل و نقل، یکپارچه‌سازی و ارتقای توان مدیریتی آنها و مواردی از این قبیل شود. بی‌شک اجرای این برنامه‌ها زمینه‌ساز جهشی بزرگ در توسعه کمی و کیفی تعاونی‌های حمل‌ونقل می‌باشد.

اهم نقاط قوت و فرصت‌های در اختیار تعاونی‌ها حمل‌ونقل براساس بررسی‌های صورت پذیرفته عبارتند از:
وجود زمینه‌های ارزش افزوده و افزایش تولید ناخالص ملی در بخش حمل و نقل،

برخورداری از فناوری روز و پیشرفته در ناوگان،
وجود زمینه حمایت‌های دولت در اعطای تسهیلات با یارانه مناسب و معافیت‌های مالیاتی،
موقعیت استراتژیک کشور ایران از نظر جغرافیایی و راه‌های ارتباطی با کشورهای همسایه (ترانزیت کالا)،
بازارهای جدید حمل‌ونقلی بویژه ترانزیت کالاهای وارداتی و صادراتی منطقه.

با وجود این تعاونی‌های حمل‌ونقل برای توسعه کمی و کیفی فعالیت‌های خود با مشکلاتی مواجه‌اند که اهم مشکلات تعاونی‌های حمل‌ونقل عبارتند از:
پایین بودن سطح تحصیلات اغلب راننده‌ها، ملوانان و اعضا و مدیران تعاونی‌ها،

که توجهی به ارائه دوره‌های آموزشی برای ارتقای سطح دانش مدیران و اعضای تعاونی‌های حمل‌ونقل،

پایین بودن سرمایه اعضای تعاونی‌های حمل‌ونقل،

فرسودگی ناوگان و بالا بودن متوسط عمر ناوگان مسافربری و بار کشور،

ناکافی بودن مجتمع‌های خدماتی - رفاهی در سطح جاده‌های کشور و مناطق

مرزی،

تخصیص نیافتن اعتبار لازم و کافی به تعاونی‌های حمل‌ونقل جهت بازسازی

و نوسازی ناوگان.

در شرایط فعلی و برای دستیابی به رشد کمی و کیفی تعاونی‌های

حمل‌ونقل اندیشیدن راهکارهایی برای بهبود توان رقابتی این تعاونی‌ها نیز

ضروری است که از مهم‌ترین این راهکارها عبارتند از:

معرفی تعاونی‌های فعال و برتر در امر خدمات‌رسانی به مردم و دادن

امتیازهای ویژه به تعاونی‌های برتر از سوی اتحادیه،

وجود خدمات بین راهی برای رفع خستگی مسافران و توقف در مجتمع‌های

خدماتی - رفاهی با کیفیت بالا،

ارتقای سطح فرهنگ عمومی، جذب تحصیل‌کردگان برای انجام کار در این

بخش،

آموزش نیروهای انسانی و همچنین آموزش عمومی اصول و اهداف تعاونی

بخصوص، اعضای هیئت مدیره و اعضای تعاونی‌ها،

تدوین ضوابط برای انتخاب مدیران مرتبط با بخش حمل‌ونقل - بخصوص

در شرکت‌ها و اتحادیه‌های حمل‌ونقل،

تامین بیمه و خدمات درمانی مناسب جهت شاغلان و خانواده‌های تحت پوشش،
اجرای سیستم‌های شبکه‌ای کامپیوتری و استفاده از فناوری اطلاعات در راستای اقتصادی نمودن امور حمل‌ونقل،
تامین اقلام و تجهیزات مورد نیاز اعضای تعاونی‌ها از طریق تعاونی‌های حمل‌ونقل به صورت متمرکز،
طراحی شهرک حمل‌ونقل بار در مراکز استان‌های بزرگ و بندرها و واگذاری دفاتر به تعاونی‌های حمل‌ونقل بار و کالا،
افزایش بهره‌وری نیروی کار، سرمایه و کار در بخش تعاونی‌های حمل‌ونقل،
تخفیف در قانون مالیات‌های مستقیم به تعاونی‌های حمل‌ونقل،
گنجاندن فعالیت حمل‌ونقل در بخش صنعت نه بخش خدمات به منظور بهره‌گیری از امتیازات و یارانه‌های لازم به صنعت،
ایجاد تشکل‌های صنفی و جذب نیروهای توانمند و مقتدر و حمایت از آنان در جهت یکپارچگی تعاونی‌ها و احقاق حقوق آنها،
یکپارچه کردن ساختار تشکیلاتی، اداری و تصمیم‌گیری بخش حمل‌ونقل.

فصل بیست و ششم

تعاونی‌های معدنی

تعاونی‌های معدنی

استحصال و استفاده از مواد معدنی از زمان‌های بسیار دور تا به امروز پایه و اساس اولیه تمدن‌های بشری را در کنار مباحث کشاورزی و دامپروری تشکیل داده است. وجود بیش از ۶۳ نوع ماده و ذخائر معدنی شناخته شده با ظرفیت بیش از ۵۰ میلیارد تن در کشور، ایران را چه از لحاظ تنوع و چه از لحاظ فراوانی به یکی از قطب‌های معدنی خاور میانه و حتی آسیا تبدیل نموده است به نحوی که در استراتژی صنعتی کشور و برنامه‌های توسعه اقتصادی و قوانین بودجه سنواتی، به‌خصوص در سال‌های اخیر، جایگاه و نقش این بخش کاملاً ترقی یافته است که نشان از توجه مسئولان کشور به جایگاه و ارزش آفرینی والای این بخش دارد.

از این رو تحقق اهداف کشور در بخش معدن با بهره‌گیری علمی و بهینه دانش معدنکاری و توسعه فعالیت بخش‌های خصوصی و تعاونی در استفاده حداکثری از ذخائر معدنی کشور با استفاده از توان فنی و تخصصی و تجربی

متخصصان بومی کشور میسر می‌گردد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حال حاضر در کشور تعداد ۱۹۰۰ تعاونی معدنی با عضویت ۲۸۰۰۰ نفر به ثبت رسیده و عمده مواد معدنی تولیدی توسط تعاونی‌ها در سه گروه مصالح ساختمانی، کانی‌های غیرفلزی و کانی‌های فلزی قابل تقسیم‌بندی است. بر اساس آخرین آمارها، سهم تعاونی‌ها از ۴۵۵ معدن تحت مالکیت خود ۱۶/۹ میلیون تن ماده معدنی معادل ۱۰ درصد استخراج کل معادن کشور می‌باشد. استخراج بیش از ۴۳ درصد سنگ گچ، ۲۷/۷ درصد تراورتن، ۲۵ درصد سنگ چینی کشور توسط تعاونی‌ها از جمله نکات حایز اهمیت در این گروه می‌باشد.

از ۷۷۸ معدن فعال در گروه کانی‌های غیرفلزی ۹۱ معدن (۱۳/۵ درصد) متعلق به تعاونی‌ها بوده و سالانه ۱/۸ میلیون تن کانی غیرفلزی توسط تعاونی‌ها استخراج می‌شود. استخراج ۳۳ درصد سنگ نمک، ۳۰ درصد خاک صنعتی، ۱۷ درصد باریت، ۱۵ درصد کائولن کشور توسط تعاونی‌ها نمونه‌ای از توانمندی‌های بارز این بخش است.

همچنین از ۱۲۸ معدن در گروه کانی‌های فلزی ۴۲ معدن در زمینه سنگ آهن، ۲۰ معدن در مس، ۱۷ معدن سرب و روی، ۱۵ معدن منگنز و ۸ معدن در بوکسیت فعال می‌باشند که معادن ۴۹ میلیون تن از ذخائر معدنی کشور را در سال ۸۶ استخراج کرده‌اند.

برخی دیگر از مزایای فعالیت به شکل تعاونی در حوزه معدن عبارتند از: تعاونی‌های معدنی با جذب افراد بومی مناطق معدن‌خیز کشور و با استفاده از اطلاعات منطقه‌ای اعضا، علاوه بر ایجاد اشتغال مولد برای آنها، قادر به گسترش

عدالت و منتفع کردن ساکنان مناطق محروم کشور از پتانسیل‌ها و ذخائر طبیعی می‌باشند،

امکان تجمیع بهره‌برداری معادن همگن (اعم از خصوصی و تعاونی) در قالب تعاونی‌های تامین نیاز تولیدکنندگان معدنی جهت رفع نیازهای صنفی و مشترک و انجام فعالیت‌های اقتصادی مورد نیاز وجود دارد،

امکان ایجاد جاذبه‌های سرمایه‌گذاری منطقه‌ای و تجمیع سرمایه‌های کوچک محلی جهت بهره‌برداری از ذخایر معدنی موجود در هر منطقه و توزیع ثروت به صورت عادلانه در بین اقشار ساکن مناطق مستعد توسط تعاونی‌ها وجود دارد. وابستگی بسیار پایین فعالیت‌های معدنی به شرایط و تغییرات سیاسی و اقتصادی و بی‌نیازی به تامین مواد اولیه جهت تولید و استخراج مواد معدنی و وجود منابع سرشار طبیعی، زمینه را برای گسترش هرچه بیشتر این تعاونی‌ها فراهم می‌کند.

در حال حاضر تعاونی‌های معدنی برای توسعه کمی و کیفی فعالیت‌های خود با مسایل و مشکلاتی نیز روبه‌رو می‌باشند که از جمله آنها:

نیاز به توان مالی بالا و ریسک‌پذیری بالای سرمایه‌گذاری در بخش معدن، کمبود تخصص و دانش کافی نزد افراد ساکن در مناطق مختلف کشور جهت شناسایی منطقه‌ای و ذخائر معدنی و بهره‌برداری از آنها،

مالکیت دولتی اکثر معادن بزرگ فلزی کشور به دلیل نیاز به توان مالی و دانش زیاد و بازگشت سرمایه طولانی در بخش اکتشاف، بهره‌برداری و فرآوری از معادن فلزی و سهم ناچیز تعاونی‌ها در فعالیت‌های این نوع معادن،

تخصیص نیافتن یا وجود منابع اعتباری و تسهیلات بانکی خاص و متناسب

با شرایط فعالیت‌های معدنی خصوصاً در بخش پذیرش پروانه بهره‌برداری به عنوان وثیقه یا اعطای تسهیلات جهت خرید ماشین‌آلات بارگیری و حمل مواد معدنی.

خوشبختانه در کنار مسایل و مشکلات گفته شده، فرصت‌های ویژه‌ای پیش روی این تعاونی‌هاست که از جمله آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

جایگاه ویژه بخش تعاون در سیاست‌های کلی نظام در تحقق اصل ۴۴، نگاه ویژه به افزایش تولیدات معدنی در برنامه توسعه چهارم و پنجم کشور، نیاز روزافزون صنایع به مواد معدنی فرآوری شده، بهره‌گیری از این فرصت‌ها در کنار پرداختن به الزاماتی نظیر ارایه حمایت‌های تسهیلاتی و تحقیقاتی خاص، اولویت در واگذاری معادن بزرگ، قراردادهای استخراج و فروش، مناقصات و مزایده‌های دولتی و ایجاد تسهیلات خاص نوسازی و نوین‌سازی فعالیت تعاونی‌های معدنی، افق روشنی را پیش روی تعاونی‌های تولیدی معدنی قرار می‌دهد.

منابع

قرآن کریم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ابراهیمی، علیرضا. *روزنامه ایران اردیبهشت ۱۳۸۶* شماره ۳۶۲۳

اتحادیه بین‌المللی تعاون (۱۳۷۴). *نهضت تعاون، جنبشی فراگیر در جهان. تعاون*، ۵۰: ۲۷-۲۶ و ۶۳.

اتحادیه بین‌المللی تعاون (۱۳۷۵). *اصول تعاونی در قرن بیست و یکم*. ترجمه: طاهره اکبری. *تعاون*، ۶۲: ۲۹-۳۴ و ۵۷.

اتحادیه بین‌المللی تعاون (۱۳۷۵). *اصول تعاونی در قرن بیست و یکم*. ترجمه: طاهره اکبری. *تعاون*، ۶۳: ۲۸-۳۳.

ایازی، ماشاءاله (۱۳۷۳). *تاریخ نهضت تعاون در ژاپن*. *تعاون*، ۳۲: ۳۵-۳۰.

تعاون (۱۳۷۱). *اثرات اجتماعی و اقتصادی تعاونی‌ها*. *تعاون*، ۱۵: ۲۶-۲۳.

تعاون (۱۳۷۰). *قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران*. *تعاون*، ۱۳: ۴۱-۳۳.

تورداسن، بروس (۱۳۷۱). *تشکیل سرمایه در تعاونی‌ها*. ترجمه: علی ورجاوند. *تعاون*، ۱۵: ۱۱-۱۴.

معاونت تحقیقات آموزش و ترویج وزارت تعاون (۱۳۸۷). *تعاون و اندیشه‌های اقتصادی شهید دکتر بهشتی*.

معاونت طرح و برنامه وزارت تعاون. (۱۳۸۵) *سند ملی توسعه بخش تعاون*.

عباسی، محمد و غلامحسین حسینی نیا (۱۳۸۶) *برنامه راهبردی وزارت تعاون معاونت تحقیقات آموزش و ترویج وزارت تعاون*.

عباس نژاد، محسن. *قرآن و اقتصاد*. انتشارات بنیاد پژوهش‌های قرآن، حوزه و دانشگاه.

Attwood, D. W. (1989). Does competition co-operation? *The Journal of Development Studies*, 25(1), 5-27.

Benoit, O. (1991). Policy issues in development of agricultural production cooperatives in Granada. *Land Reform, Land Settlement and Cooperatives*, 1/2, 85-93. (From *CAB Abstracts*, 1993-1994, Abstract No. 94180.380.)

Borst, A. (1995). Network movement present challenges, opportunities for farmer

Devi, P. I., Thomas, E. K. and Thomas, K. J. (1992). Growth and performance of cooperative agricultural credit in Kerala. *Indian Cooperative Review*, 29(4), 327-336. (From *CAB Abstracts*, 1993-1994, Abstract No. 941852201)

Ekpe, E. (1994). Major factors affecting development of farmers' cooperatives in selected local government areas of Ogun State. *Journal of Rural Development and Administration*, 25(2), 21-32. (From *Rural Development Abstracts*, 1995, 1A(1), Abstract No. 160)

FAO. (1994). *Reorienting the cooperative structure in selected Eastern European countries*. No. 2, Report of the workshop. 21-27 June 1992, Godollo, Hungary. Rome, FAO.

Gajanana, T. M. (1993). Cooperatives and Indian agriculture. *Indian Cooperative Review*, 30(4), 307-319. (From *CAB Abstracts*, 1993-1994, Abstract No. 94180.1885)

Kislev, Y., Lerman Z. and Zusman, P. (1991). Recent experience with cooperative farm credit in Israel. *Economic Development and Cultural Change*, 29(4), 773-790.

Kim, K. and Yasuda, S. (1995). Construction of cooperative association community by agricultural cooperative based on the organic agriculture and the direct selling to consumers' groups. *Science - Reports - of - Faculty - of Agriculture - Kobe - University (Japan)*, 2(2): 125-139. (From *Agris Abstracts*, 1997-1998, Abstract No. 97-141192)

www.ica.coop

www.icaroap.coop

www.taavonportal.ir

<http://www.president.ir/fa/>